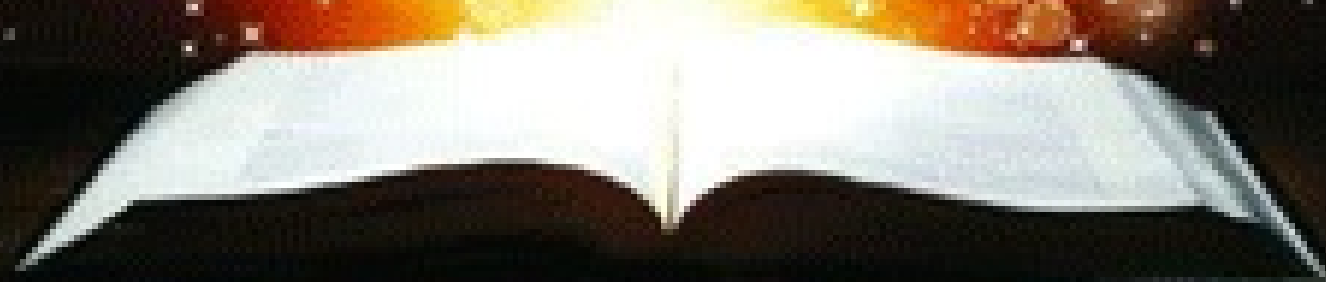


درآمدی به روش‌های
جنگ نرم

و شیوه‌های مقابله با آن از نگاه

قرآن و حدیث

دکتر اکبر صیدی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درآمدی به روش های جنگ نرم و شیوه های مقابله با آن از نگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

علی اکبر صیدی

ناشر چاپی:

قلم مهر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
درآمدی به روش های جنگ نرم و شیوه های مقابله با آن از نگاه قرآن و حدیث	۲۶
مشخصات کتاب	۲۶
اشاره	۲۷
فهرست مطالب	۳۳
پیشگفتار	۶۶
مقدمه	۷۲
فصل اول: دشمن شناسی و ماهیت جنگ نرم	۷۶
اشاره	۷۶
بخش اول: نگاهی به دشمن شناسی از منظر قرآن کریم	۷۸
اشاره	۷۸
۱-۱- دشمن شناسی در قرآن	۷۹
اشاره	۷۹
۱-۱-۱- شیطان (دشمن ایمانی و اصلی انسان)	۷۹
۱-۱-۲- کافران	۸۱
اشاره	۸۱
۱-۱-۲-۱- فهرست برخی باورهای غلط و ویژگی های قوم یهود	۸۲
اشاره	۸۲
الف- باورهای غلط یهود	۸۳
۱-۱-۲-۱-۱- شرک در تدبیر و ربوبیت	۸۳
۱-۱-۲-۱-۲- نسبت فقر به خدا	۸۳
۱-۱-۲-۱-۳- فرزند قرار دادن برای خدا	۸۳
۱-۱-۲-۱-۴- ایمنی از عذاب سخت قیامت!	۸۳
۱-۱-۲-۱-۵- اعتقاد به قدرت محدود خدا (دست بسته خدا)	۸۴

۸۴	۶-۱-۲-۱-۱- حس گرایی
۸۴	۷-۱-۲-۱-۱- برتری طلبی و نژادپرستی
۸۴	۸-۱-۲-۱-۱- دنیاگرایی و علاقه شدید به جمع آوری ثروت
۸۵	۹-۱-۲-۱-۱- سرکشی و نافرمانی از دستورات خدا و پیامبران
۸۶	۱۰-۱-۲-۱-۱- سنگ دلی (قساوت قلب)
۸۶	۱۱-۱-۲-۱-۱- نیرنگ بازی (حیله گری)
۸۶	۳-۱-۱- منافقان
۸۶	اشاره
۸۹	الف. خصوصیات عبادی- اجتماعی منافقین
۹۱	ب. ویژگی های اخلاقی دو چهرگان
۹۲	ج. خصوصیات سیاسی منافقین
۹۶	بخش دوم: ماهیت جنگ نرم
۹۶	اشاره
۹۷	۲-۱- ماهیت جنگ نرم
۹۷	انواع جنگ
۹۷	اشاره
۹۷	الف- جنگ سخت
۹۷	ب- جنگ نیمه سخت
۹۸	ج- جنگ ترکیبی (هیبریدی)
۹۸	د- جنگ بیولوژیکی
۹۹	ه- جنگ نرم
۹۹	۱-۱- تاریخچه جنگ
۹۹	اشاره
۱۰۰	استعمار
۱۰۰	جنگ سرد
۱۰۱	جنگ نرم

- ۱-۲- سیر تحول واژگان در خصوص جنگ نرم با استناد به بیانات رهبر معظم انقلاب ۱۰۲
- اشاره ۱۰۲
- الف- تهاجم فرهنگی ۱۰۲
- ب- شبیخون فرهنگی ۱۰۲
- ج- براندازی نرم ۱۰۲
- د- ناتوی فرهنگی ۱۰۴
- ه- توطئه نرم ۱۰۴
- و- جنگ نرم ۱۰۴
- ۱-۳- مفهوم جنگ نرم ۱۰۴
- اشاره ۱۰۴
- چرایی جنگ نرم ۱۰۵
- ۱-۴- فتنه، به عنوان مهم ترین معادل جنگ نرم در قرآن و حدیث. معنای فتنه ۱۰۵
- اشاره ۱۰۵
- ویژگی های جنگ نرم (فتنه) ۱۰۶
- اشاره ۱۰۶
- ۱- غبار آلودگی و تاریکی فضای فکری جامعه ۱۰۷
- ۲- شروع (شکل گیری) پنهانی ۱۰۷
- ۳- آغازش ناشناخته ۱۰۷
- ۴- مجهز و با تشکیلات ۱۰۸
- ۵- فراگیری ۱۰۸
- ۶- پیچیدگی ۱۰۸
- برخی آثار شوم (قدرت تخریبی) فتنه ۱۰۹
- اشاره ۱۰۹
- ۱- آثار تخریبی زشت و ماندگار ۱۰۹
- ۲- در هم کوبنده، شکننده و گمراه کننده ۱۱۰
- ۳- جدایی بین مردم و ولایت و امامت (رهبری) ۱۱۰

- ۴- خون ریزی (خون به ناحق) ----- ۱۱۰
- ۵- قطع روابط خانوادگی ----- ۱۱۰
- ۶- آوارگی، بی خانمانی و بیماری ----- ۱۱۱
- ۷- تخریب پایه های دین و اصول و ارزش های دینی ----- ۱۱۱
- ۸- درگیری مردم با یکدیگر (حق و باطل) ----- ۱۱۱
- ۹- بزرگ ترین معضل برای مردم و مسئولین ----- ۱۱۱
- ۴-۲-۱- گستره جنگ نرم از منظر قرآن ----- ۱۱۱
- ۴-۲-۱- اصول جنگ نرم ----- ۱۱۲
- اشاره ----- ۱۱۲
- ۱- تدریج ----- ۱۱۲
- اشاره ----- ۱۱۲
- مراحل تدریج در دام های شیطانی از زبان قرآن کریم ----- ۱۱۳
- الف- القاء ----- ۱۱۳
- ب- تماس (مست و برخورد) ----- ۱۱۳
- ج- ورد به قلب (وسوسه و پنهان کاری) ----- ۱۱۴
- د- دوست شدن (همراه همیشگی) انسان. ----- ۱۱۴
- ه- همگروهی با شیطان ----- ۱۱۵
- و- تسلط شیطان ----- ۱۱۵
- ۲- استمرار ----- ۱۱۶
- ۳- عوام پذیری ----- ۱۱۷
- اشاره ----- ۱۱۷
- ۶-۲-۱- زمینه ها (خاستگاه) جنگ نرم ----- ۱۲۱
- اشاره ----- ۱۲۱
- الف- روزنه های واقعی (حقیقی) ----- ۱۲۲
- اشاره ----- ۱۲۲
- ۱- استغنائی مالی ----- ۱۲۲

- ۲- آوازه ی نیک (سلبریتی) ۱۲۳
- ۳- غرور و شهوت ها ۱۲۳
- ۴- ساده اندیشی و هوس زدگی ۱۲۴
- ۵- گروه گرایی و تعصبات جاهلانه ۱۲۶
- ۶- قدرت طلبی ۱۲۶
- ۷- محیط (محیط فتنه آلود) ۱۲۷
- اشاره ۱۲۷
- ۷-۱- محیط جغرافیایی ۱۲۹
- اشاره ۱۲۹
- تأثیر لقمه حرام در تربیت و تقوا ۱۳۰
- ۷-۲- محیط اجتماعی ۱۳۱
- اشاره ۱۳۱
- ۷-۲-۱- حکومت (حاکمیت) ۱۳۲
- ۷-۲-۲- رسانه ۱۳۳
- ۷-۲-۳- خانواده ۱۳۳
- ۷-۲-۴- دوستان ۱۳۴
- ۷-۲-۵- محیط آموزشی رسمی (مدرسه و دانشگاه) ۱۳۷
- ب- روزنه های ساختگی (دشمن تراشیده) ۱۳۸
- اشاره ۱۳۸
- ۷-۲-۷- ۱- اتاق فکر، از لوازم جنگ نرم ۱۳۸
- ۷-۲-۸- ۱- روش های جنگ نرم ۱۳۹
- اشاره ۱۳۹
- ۷-۲-۸-۱- ۱- روش های گفتاری ۱۳۹
- اشاره ۱۳۹
- ۱- عملیات روانی ۱۳۹
- اشاره ۱۳۹

الف- عملیات روانی آشکار	۱۴۰
۲. عملیات روانی پنهانی	۱۴۰
اشاره	۱۴۰
اهداف عملیات روانی	۱۴۰
نمونه هایی از تغییر نگرش	۱۴۱
ابزار عملیات روانی	۱۴۱
۲. عملیات ادراکی	۱۴۲
۳. دیپلماسی عمومی (یا مردم محور)	۱۴۲
۴. فریب استراتژیکی	۱۴۴
۲-۲-۸-۱- روش های رفتاری	۱۴۵
اشاره	۱۴۵
۱. اعتراض	۱۴۵
۲. عدم همکاری با دولت (نافرمانی مدنی)	۱۴۶
۳. مداخله غیرخشونت آمیز	۱۴۶
۴. جذب مخالفان حکومت	۱۴۶
۳-۲-۸-۱- روش های شبکه ای	۱۴۷
۸-۲-۱- ابزارهای جنگ نرم	۱۴۷
اشاره	۱۴۷
۱-۲-۸-۱- صنایع فرهنگی	۱۴۸
۲-۲-۸-۱- ابزارهای رسانه ای	۱۵۰
۳-۲-۸-۱- فن آوری های نوین ارتباطی	۱۵۲
۹-۲-۱- تاکتیک های عملیات روانی در جنگ نرم	۱۵۳
۱. سانسور	۱۵۳
اشاره	۱۵۳
سانسور برون قانونی	۱۵۴
۲. تحریف	۱۵۴

۳. پاره حقیقت گوئی	۱۵۵
۴. محک زدن	۱۵۶
۵. ادعا به جای واقعیت	۱۵۷
۶. اغراق	۱۵۸
۷. تفرقه	۱۵۸
۸. ترور شخصیت	۱۵۸
۹. شایعه	۱۵۸
اشاره	۱۵۸
تاکتیک شایعه	۱۵۹
شایعات آتشین	۱۶۰
شایعات خزنده	۱۶۰
شایعات دلفینی	۱۶۰
۱۰. تاکتیک ماساژ پیام	۱۶۱
اشاره	۱۶۱
تاکتیک کلی بافی	۱۶۱
تاکتیک زمان بندی	۱۶۱
تاکتیک حذف	۱۶۱
تاکتیک قطره چکانی	۱۶۲
تاکتیک دروغ بزرگ یا استفاده از دروغ محض	۱۶۲
فوریت بخشیدن ساختگی به خبر	۱۶۲
پیچیده کردن خبر برای عدم کشف حقیقت	۱۶۳
افزایش قابلیت تصدیق خبر از طریق چیدن خبر ساختگی و نادرست در میان چند خبر درست	۱۶۴
استفاده از دو خبر واقعی برای طرح یک خبر ساختگی	۱۶۴
استفاده از عاطفه گیرندگان پیام	۱۶۴
استفاده از خبر برای تبلیغات	۱۶۵
شیوه ها و اقدامات جنگ نرم در ایران	۱۶۵

۱۶۵ - اشاره

۱۶۹ - ۱- بدنمایی تحریف گرانه

۱۶۹ - ۲- کتمان واقعیت ها

۱۶۹ - ۳- شایعه سازی متناوب

۱۶۹ - ۴- نهادینه کردن دروغ های سوختگی

۱۷۰ - ۵- فاجعه بار خواندن آینده

۱۷۰ - ۶- بزرگ نمایی کوچک نمایانه

۱۷۰ - ۷- توجیه سازی رعب انگیز در افکار عمومی

۱۷۰ - ۸- شخصیت زدایی

۱۷۱ - ۹- اثرگذاری سودجویانه

۱۷۱ - ۱۰- مصادره ی مغرضانه ی مفاهیم مبهم

۱۷۱ - ۱۱- گزینش شایعه سازانه اخبار

۱۷۱ - ۱۲- اطلاع رسانی عطش آور

۱۷۱ - ۱۳- اثرگذاری با جاذبه های جانبی

۱۷۱ - ۱۴- ایجاد و القای اختلاف

۱۷۲ - ۱۵- تنوع تاکتیکی

۱۷۲ - ۱۶- مدل سازی فکری خود فریبانه

۱۷۳ - ۱۷- تزریق اطلاعات در خلأ تردید

۱۷۳ - ۱۸- طراحی ادبیات مناسب با شاکله ذهنی و روانی مخاطب

۱۷۴ - ۱۹- الگوسازی از سبک زندگی غربی و ترویج هویت آمریکایی در جهان

۱۷۵ - خلاصه فصل ۱

۱۷۵ - خلاصه بخش یکم از فصل یکم (دشمن شناسی)

۱۷۵ - اشاره

۱۷۵ - ۱- شیطان

۱۷۵ - ۲- کافران

۱۷۶ - ۳- منافقان

خلاصه بخش دوم از فصل یکم (ماهیت جنگ نرم)	۱۷۸
اشاره	۱۷۸
اصول فریب استراتژیک:	۱۷۹
روش های گفتاری	۱۷۹
شیوه ها و اقدامات جنگ نرم در ایران	۱۸۰
فصل دوم : مروری بر شیوه های جنگ نرم و مصادیق آن از نگاه قرآن و حدیث	۱۸۵
اشاره	۱۸۵
بخش سوم: شیوه های جنگ نرم در بعد سیاسی	۱۸۸
اشاره	۱۸۸
مقدمه	۱۸۹
۱-۱-۲- پیمان شکنی	۱۸۹
اشاره	۱۸۹
۱-۱-۲- پیمان شکنی یهود بنی النضیر- نقشه ترور نبی مکرم اسلام	۱۹۱
۲-۱-۱-۲- پیمان شکنی یهود بنی قینقاع و اخراج آن ها از مدینه	۱۹۳
۳-۱-۱-۲- پیمان شکنی یهود بنی غریظه	۱۹۴
اشاره	۱۹۴
چند نمونه از عهدشکنی استکبار جهانی در قرون اخیر	۱۹۵
اشاره	۱۹۵
الف- نسبت به انگلیس	۱۹۵
شواهد تاریخی از پیمان شکنی آمریکا در رابطه با انگلیس	۱۹۵
اشاره	۱۹۵
۱- پیمان شکنی آمریکا در جنگ جهانی دوم	۱۹۶
۲- جلوگیری آمریکا از استفاده انگلیس از انرژی اتمی	۱۹۷
۳- پیمان شکنی آمریکا در بحران سوئز	۱۹۷
۴- تهاجم به یکی از مستعمره های انگلیس	۱۹۸
۵- فعالیت سرویس جاسوسی آمریکا در انگلیس	۱۹۸

- ۶- فریب انگلیس توسط آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۹۸
- بدعه‌ی آمریکا نسبت به انگلستان و سست شدن روابط میان دو کشور ۱۹۹
- ب- نسبت به روسیه ۲۰۰
- اشاره ۲۰۰
- ۱- رویارویی آمریکا با انقلاب بلشویکی در شوروی ۲۰۰
- ۲- فعالیت جاسوسی آمریکا در شوروی ۲۰۱
- ۳- وقوع انقلاب های رنگین در جمهوری های شوروی (اوراسیا) با حمایت آمریکا ۲۰۱
- عهدشکنی ها و جفاهای تاریخی آمریکا علیه ملت ایران ۲۰۲
- اشاره ۲۰۲
- ۱- نفوذ از طریق اعزام مستشار ۲۰۲
- ۲- حمایت از فرقه گرای و بی ثباتی در ایران ۲۰۳
- ۳- کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۲۰۳
- ۴- غارت نفت ایران با قرارداد کنسرسیوم ۲۰۴
- ۵- پیوند شوم سیا و ساواک ۲۰۵
- ۶- گرفتن حق توحش و تحمیل کاپیتولاسیون به مردم ایران ۲۰۵
- ۷- آمریکا و به اصطلاح انقلاب سفید ۲۰۶
- ۸- نقض تمامیت ارضی ایران و تجاوز به طبس ۲۰۶
- ۹- مخالفت با برنامه صلح آمیز هسته ای ایران ۲۰۷
- ۲-۱-۲- تفرقه افکنی و جلوگیری از همبستگی مسلمین ۲۰۷
- اشاره ۲۰۷
- الف- صدر اسلام ۲۰۷
- ب- قرون اخیر ۲۰۹
- ایجاد اختلاف داخلی ۲۰۹
- ایجاد اختلاف بین المللی ۲۱۰
- ۳-۱-۲- سرکوب ۲۱۱
- اشاره ۲۱۱

- الف- تهدید ۲۱۱
- ب- توسل به خشونت و اذیت ۲۱۱
- ج- تطمیع ۲۱۲
- د- پیشنهاد سازش (نرمش) ۲۱۳
- ۴-۱-۲- تضعیف و حذف رهبری ۲۱۳
- اشاره ۲۱۳
- ۴-۱-۲-۱- تهمت و افتراء ۲۱۴
- اشاره ۲۱۴
- ۴-۱-۲-۱-۱- تهمت برتری جویی ۲۱۴
- ۴-۱-۲-۱-۲- تهمت جنون و سبک مغزی ۲۱۴
- ۴-۱-۲-۱-۳- نسبت دادن (تهمت) ساحری و سحر زدگی به پیامبران الهی ۲۱۵
- ۴-۱-۲-۱-۲- دروغ گو خواندن رهبر ۲۱۵
- ۴-۱-۲-۱-۲-۵- نسبت شاعری به رهبر ۲۱۵
- ۴-۱-۲-۱-۲-۶- نسبت ناروای کاهنی به پیامبران ۲۱۶
- ۴-۱-۲-۱-۲-۷- برچسب فسادگری به رهبر ۲۱۶
- ۴-۱-۲-۱-۲-۸- برچسب گمراهی به رهبر دینی ۲۱۶
- ۴-۱-۲-۱-۲-۹- تهمت ناتوانی و فریب کاری به رهبر ۲۱۶
- ۴-۱-۲-۲- معرفی رهبر دینی به عنوان سرچشمه بدبختی ها و ناکامی ها ۲۱۷
- ۴-۱-۲-۳- تحقیر و تمسخر رهبر ۲۱۷
- ۴-۱-۲-۴- تهدید رهبر ۲۱۹
- ۴-۱-۲-۵- انکار و ایجاد تردید نسبت به حقانیت رهبری ۲۱۹
- ۴-۱-۲-۶- آزار رساندن به رهبر و پیروانش ۲۲۰
- ۴-۱-۲-۷- نقشه قتل پیامبران ۲۲۱
- اشاره ۲۲۱
- ۴-۱-۲-۱۳- قتل رهبران الهی ۲۲۱
- ۵-۱-۲- مکر و نیرنگ ۲۲۳

- ۲۲۳ اشاره
- ۲۲۴ نمونه ای از سیاست های معاویه برای فریب افکار عمومی
- ۲۲۷ بخش چهارم: گستره جنگ نرم در بعد اجتماعی
- ۲۲۷ اشاره
- ۲۲۸ مقدمه
- ۲۲۸ ۲-۲- گستره جنگ نرم در بعد اجتماعی
- ۲۲۸ ۲-۲-۱- بردگی و بندگی انسان ها
- ۲۲۹ ۲-۲-۲- وارونه جلوه دادن امور (آدرس غلط دادن)
- ۲۲۹ اشاره
- ۲۳۰ یک نمونه عینی
- ۲۳۱ ۲-۲-۳- شایعه پراکنی
- ۲۳۱ اشاره
- ۲۳۲ ۲-۲-۳-۱- شایعه شهادت نبی مکرم اسلام در جنگ احد
- ۲۳۲ ۲-۲-۳-۲- شایعه سازی کفار در غزوه حمراء الاسد
- ۲۳۳ ۲-۲-۳-۳- شایعه سازی کفار در غزوه بدر صغرا
- ۲۳۴ ۲-۲-۳-۴- شایعه سازی منافقان در جنگ احزاب (خندق)
- ۲۳۵ ۲-۲-۴- القای خوف و وحشت در دل مردم
- ۲۳۶ ۲-۲-۵- مانع تراشی و بهانه گیری (فرار از مسولیت)
- ۲۳۶ اشاره
- ۲۳۶ الف- می ترسیم به گناه مبتلا شویم!
- ۲۳۷ ب- خانه هایمان بی حفاظ است!
- ۲۳۷ ج- توان مقابله با دشمن نیست!
- ۲۳۷ د- هوا گرم است
- ۲۳۷ ۲-۲-۶- دروغ گویی و دروغ پراکنی
- ۲۳۸ ۲-۲-۷- تحریک عواطف مصلحان الهی
- ۲۳۸ ۲-۲-۷- نفوذ در لایه های جامعه اسلامی

۲۳۸	 اشاره
۲۳۹	 الف- نفوذ به عامه مردم
۲۳۹	 ب- تلاش برای نفوذ به ارکان نظام اسلامی
۲۴۱	 ۵-۲-۲- نفاق و نیرنگ
۲۴۲	 ۶-۲-۲- گسترش انواع فساد
۲۴۲	 اشاره
۲۴۳	 ۱-۲-۲-۲- فساد اخلاقی
۲۴۴	 ۲-۲-۲-۲- فساد جنسی
۲۴۶	 ۳-۲-۲-۲- فساد اداری
۲۴۷	 ۴-۲-۲-۲- فساد اقتصادی
۲۴۷	 اشاره
۲۴۸	 - رابطه فساد اداری و فساد اقتصادی
۲۴۸	 ۷-۲-۲- تحقیر توده های مستضعف
۲۴۸	 ۸-۲-۲- آزار رساندن به پیامبر اکرم و مسلمانان
۲۴۹	 ۹-۲-۲- تمسخر انبیاء و پیروانشان
۲۵۰	 ۱۰-۲-۲- ایجاد ناامیدی در جامعه (یأس)
۲۵۱	 ۱۱-۲-۲- ترویج اعتیاد و مسکرات
۲۵۳	 بخش پنجم: شیوه های خصومت جنگ نرم دشمنان با اسلام در بعد نظامی
۲۵۳	 اشاره
۲۵۴	 مقدمه
۲۵۴	 ۱-۲-۳- جنگ افروزی
۲۵۸	 ۲-۲-۳- طرح ترور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم
۲۶۰	 ۳-۲-۳- تحریک و تجهیز مخالفان اسلام
۲۶۰	 اشاره
۲۶۱	 الف. توطئه سران بنی نضیر در شکل گیری جنگ احزاب
۲۶۱	 ب. تحریک سران بنی قریظه

۲۶۲	۴-۳-۲- تهدید امنیت (ایجاد ناامنی و تهدید نظامی)
۲۶۳	۵-۳-۲- جاسوسی علیه مسلمانان
۲۶۳	اشاره
۲۶۳	نمونه ای از جاسوسی مسلمین ضعیف الایمان:
۲۶۳	الف- جاسوسی و خیانت ابولبابه انصاری
۲۶۳	اشاره
۲۶۴	شأن نزول آیه
۲۶۴	ب- جاسوسی حاطب بن ابی بلتعنه
۲۶۴	اشاره
۲۶۵	شأن نزول
۲۶۶	ج- جاسوسی از روی نیاز
۲۶۶	د- جاسوسی منافقان
۲۶۸	۶-۳-۲- تلاش برای تضعیف روحیه لشکریان اسلام
۲۶۹	۷-۳-۲- تضعیف روحیه ایثارگران و خانواده شهدا
۲۷۰	بخش ششم: شیوه های جنگ نرم در حوزه فرهنگی
۲۷۰	اشاره
۲۷۱	مقدمه
۲۷۲	فرهنگ
۲۷۳	۴-۲- شیوه های خصومت مستکبرین با اسلام از بعد فرهنگی
۲۷۳	اشاره
۲۷۳	۱-۴-۲- انکار رسالت پیامبر اکرم (ص)، حقیقت گریزی و نژادپرستی
۲۷۵	۲-۴-۲- سعی در گمراه کردن مسلمانان و مردم با شیوه های گوناگون
۲۷۵	اشاره
۲۷۶	۱-۴-۲- تضعیف توحید (نسبت فقر دادن به خدا)
۲۷۶	۲-۴-۲- شبهه ارائه تورات در قرآن به گونه ای تحریف یافته! و منکر رسالت نبی مکرم اسلام
۲۷۷	۳-۴-۲- ترجیح بت پرستی بر خداپرستی جهت ایجاد تردید در مسلمین

۲۷۸	۴-۱-۲- ترویج خرافات
۲۷۸	۵-۱-۲- شبه افکنی
۲۷۹	۳-۲-۴- به بازی گرفتن اصل دین
۲۸۰	۴-۲-۴- کتمان بشارت پیامبر اسلام
۲۸۱	۵-۲-۴- تحریف آموزه های اسلامی
۲۸۲	۶-۲-۴- دشمنی با جبرئیل علیه السلام
۲۸۳	بخش هفتم: شیوه های خصومت استکبار با اسلام از بعد اقتصادی
۲۸۳	اشاره
۲۸۴	مقدمه
۲۸۵	۱-۲-۵- انحصار طلبی
۲۸۶	۲-۲-۵- تحریم اقتصادی
۲۸۷	۳-۲-۵- ترویج فساد اقتصادی
۲۸۹	۴-۲-۵- عدم باز پرداخت اموال مسلمین (توقیف و مصادره اموال)
۲۹۰	۵-۲-۵- ترغیب مسلمین به بخل ورزی (عدم همکاری اقتصادی با دولت اسلامی)
۲۹۱	۶-۲-۵- نابود کردن زیر ساخت های اقتصادی-صنعتی
۲۹۲	خلاصه فصل دوم
۲۹۲	خلاصه بخش سوم از فصل دوم (روش های جنگ نرم در بعد سیاسی)
۲۹۳	خلاصه بخش چهارم از فصل دوم (روش های جنگ نرم در زمینه مسائل اجتماعی)
۲۹۳	خلاصه بخش پنجم از فصل دوم (روش های جنگ نرم در زمینه مسائل نظامی)
۲۹۳	خلاصه بخش ششم از فصل دوم (روش های جنگ نرم در حوزه فرهنگی)
۲۹۴	خلاصه بخش هفتم از فصل دوم (روش های جنگ نرم در حوزه اقتصادی)
۲۹۵	فصل سوم: اصول و روش های مبارزه با جنگ نرم از نگاه قرآن
۲۹۵	اشاره
۲۹۶	مقدمه فصل سوم
۲۹۹	بخش هشتم: ضرورت و اصول مقابله با جنگ نرم
۲۹۹	اشاره

- ۳۰۰ - ۳-۱-۱- ضرورت مقابله با فتنه
- ۳۰۱ - ۳-۱-۲- عوامل مؤثر در مقابله با جنگ نرم
- ۳۰۱ - ۳-۱-۲-۱- وجود رهبری صالح و یاورانی راستین
- ۳۰۴ - ۳-۱-۲-۲- پناه بردن به قرآن
- ۳۰۵ - ۳-۱-۲-۳- علم و بصیرت
- ۳۰۵ - اشاره
- ۳۰۵ - الف- علم به معنی دانستن مطالب و مسائل
- ۳۰۷ - ب- بصیرت
- ۳۰۸ - ۳-۱-۲-۴- شناسایی و معرفی سران فتنه
- ۳۰۹ - ۳-۱-۲-۵- حضور فعال نخبگان و یاران جبهه حق در جامعه
- ۳۰۹ - ۳-۱-۲-۶- حضور توده مردم (حامیان حق) در خارج از صحنه فتنه
- ۳۱۰ - ۳-۱-۲-۷- حرکت محتاطانه و پرهیز از احساسات
- ۳۱۱ - ۳-۱-۳- اصول مقابله با فتنه (جنگ نرم)
- ۳۱۱ - ۳-۱-۳-۱- خودباوری (اعتماد به نفس) همراه با ایمان
- ۳۱۲ - ۳-۱-۳-۲- استمرار مبارزه
- ۳۱۳ - ۳-۱-۳-۳- صبر و تقوا
- ۳۱۵ - ۳-۱-۳-۵- استمرار کنترل اجتماعی (امربه معروف و نهی از منکر)،
- ۳۱۶ - ۳-۱-۲-۵- ترویج و تبلیغ قانون نفی سلطه (نفی سبیل)
- ۳۱۷ - ۳-۱-۴- روش های مهم، در مبارزه با مستکبرین
- ۳۱۸ - بخش نهم: روش های مبارزه با استکبار در بعد سیاسی
- ۳۱۸ - اشاره
- ۳۱۹ - مقدمه بخش نهم
- ۳۱۹ - ۳-۲-۱- عدم اعتماد و تکیه بر دشمن
- ۳۲۰ - ۳-۲-۲- از دشمن انتظار یاری نداشته باشید (یاری نجوید).
- ۳۲۱ - ۳-۲-۳- عدم اعتماد به «صلح نامه ها و معاهدات» با دشمن.
- ۳۲۳ - ۳-۲-۴- در مقابل پیمان شکنی دشمن، شما نیز پیمان را بشکنید!

- ۳۲۳-۳-۲-۵- درخواست صلح و معاهداتِ خفت بار از سوی مسلمین به دشمن، ممنوع -----
- ۳۲۴-۳-۲-۶- تکیه بر نیروها و توان داخلی -----
- ۳۲۵-۳-۲-۷- مقاومت و مبارزه با پیمان شکنان -----
- ۳۲۶-۳-۲-۸- زیر بار سازش با دشمن نروید -----
- ۳۲۸-۳-۲-۹- وحدت و یکپارچگی -----
- ۳۲۹-۳-۲-۱۰- شناسایی منافقان و مبارزه با آنان -----
- ۳۳۱-۳-۲-۱۱- اطاعت از رهبری -----
- ۳۳۲-۳-۲-۱۲- حمایت از رهبری (شناخت توطئه ها و دفع آن از ولی امر) -----
- ۳۳۳-۳-۲-۱۳- نگاهی گذرا به صلح و سابقه آن در قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم السلام -----
- ۳۳۳- اشاره -----
- ۳۳۴-الف- صلح نامه های تحمیلی -----
- ۳۳۵-ب- پیمان در موضع قدرت -----
- ۳۳۵- اشاره -----
- ۳۳۵- نکته های ویژه صلح حدیبیه -----
- ۳۳۸- بخش دهم: شیوه های مقابله با جنگ نرم، در بعد اجتماعی -----
- ۳۳۸- اشاره -----
- ۳۳۹- مقدمه بخش دهم -----
- ۳۳۹-۳-۳-۱- جلوگیری از شایعه -----
- ۳۳۹- اشاره -----
- ۳۳۹-۳-۳-۱-۱- ارجاع خبر به آگاهان (اهل تشخیص) -----
- ۳۴۰-۳-۳-۱-۲- تحقیق و بررسی اخبار و گزارش ها -----
- ۳۴۱-۳-۳-۱-۳- پیروی از علم -----
- ۳۴۱-۳-۳-۲- تقویت روحیه استکبارستیزی و شجاعت -----
- ۳۴۳-۳-۳-۳- از دشمن نترسید -----
- ۳۴۴-۳-۳-۴- از تجهیزات و امکانات مادی دشمن شگفت زده نشوید -----
- ۳۴۵-۳-۳-۵- ایمان به امدادهای غیبی و نصرت الهی -----

۳۴۵ اشاره

۳۴۶ ۱-۳-۵-۳- لشکریان الهی

۳۴۶ اشاره

۳۴۷ ۱-۱-۵-۲-۳- نزول باد شدید (طوفان)

۳۴۷ ۲-۱-۵-۳-۳- نزول باران

۳۴۷ ۳-۱-۵-۳-۳- نزول فرشتگان

۳۴۹ ۲-۳-۵-۳- حفظ و صیانت در برابر دشمنان و حوادث ناگوار

۳۵۰ ۳-۳-۵-۳- اعطای آرامش و اطمینان قلبی

۳۵۱ ۴-۳-۵-۳- اندک نمایی

۳۵۳ ۵-۳-۵-۳- ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان

۳۵۴ ۶-۳-۳- ترویج آزادگی و یکتاپرستی

۳۵۵ ۷-۳-۳- تحقیر و شکستن شکوه ظاهری مستکبران

۳۵۶ ۸-۳-۳- مبارزه با انواع فساد اجتماعی- اخلاقی

۳۵۸ ۹-۳-۳- شناخت حق و نشر آن

۳۵۹ ۱۰-۳-۳- تزریق امید به جامعه

۳۶۱ ۱۱-۳-۳- مبارزه با مواد مخدر و مسکرات

۳۶۳ بخش یازدهم: شیوه های مقابله با استکبار در زمینه فرهنگی

۳۶۳ اشاره

۳۶۴ ۴-۳- شیوه های مقابله با استکبار در زمینه فرهنگی

۳۶۴ اشاره

۳۶۴ ۱-۴-۳- تعمیق باورهای دینی و فرهنگی

۳۶۴ اشاره

۳۶۵ ۱-۱-۴-۳- ترویج عقل گرایی (ژرف اندیشی) در جامعه

۳۶۶ ۲-۱-۴-۳- به کارگیری اصول، روش های صحیح تربیتی

۳۶۶ ۳-۱-۴-۳- به کارگیری مبلغان دینی توانمند

۳۶۷ ۴-۱-۴-۳- تعظیم شعائر الهی

۳۶۷ ----- ۵-۴-۳- پرهیز از شبهات و پاسخگویی منطقی به آن ها

۳۶۹ ----- بخش دوازدهم: شیوه های مقابله با استکبار در بعد نظامی

۳۶۹ ----- اشاره

۳۷۰ ----- ۱-۵-۳- تقویت توان دفاعی مسلمین

۳۷۱ ----- ۲-۵-۳- قدرت نمایی در برابر دشمن (رزمایش نظامی)

۳۷۲ ----- ۳-۵-۳- تأکید به مقابله به مثل (انتقام)

۳۷۳ ----- ۴-۵-۳- مراقبت و محافظت از سران اسلامی (شخصیت های مهم)

۳۷۴ ----- ۵-۵-۳- حفاظت از اسرار و اطلاعات

۳۷۵ ----- ۶-۵-۳- فراهم ساختن تجهیزات ضد جاسوسی

۳۷۶ ----- ۷-۵-۳- اشراف اطلاعاتی به دشمن

۳۷۶ ----- ۸-۵-۳- تقویت روحیه و انگیزه مدافعان امنیت

۳۷۷ ----- ۹-۵-۳- تقویت روحیه و انگیزه خانواده مدافعان امنیت (شهدا و ایثارگران)

۳۷۹ ----- بخش سیزدهم: شیوه های مقابله با جنگ نرم در حوزه اقتصاد

۳۷۹ ----- اشاره

۳۸۰ ----- مقدمه

۳۸۰ ----- ۱-۶-۳- مبارزه با فساد اقتصادی

۳۸۲ ----- ۲-۶-۳- تقویت قدرت اقتصادی

۳۸۲ ----- اشاره

۳۸۳ ----- الف- تولید (صنعت)

۳۸۶ ----- ب- توزیع

۳۸۶ ----- اشاره

۳۸۶ ----- انواع توزیع

۳۸۶ ----- اشاره

۳۸۶ ----- ۱- توزیع قبل از تولید

۳۸۷ ----- ۲- توزیع بعد از تولید

۳۸۷ ----- ۳- توزیع مجدد

۳۸۷		اشاره
۳۸۷		سیاست های تکلیفی (واجب) در توزیع مجدد:
۳۸۹		سیاست های تشویقی (انفاق) در توزیع مجدد
۳۹۱		ج- مصرف
۳۹۱		اشاره
۳۹۲		اصول مصرف
۳۹۲		اصل توجه به اولویت ها در هزینه های مصرفی
۳۹۵		زهد و ساده زیستی (پرهیز از تجمل و مصرف گرایی)
۳۹۶		آسیب شنایی مصرف
۳۹۶		اشاره
۳۹۶		۱- اتراف
۳۹۶		اشاره
۳۹۶		چند ویژگی مترفین در قرآن
۳۹۶		انکار توحید و معاد
۳۹۸		تقلید کورکورانه از گذشتگان
۳۹۸		ملاک قرار دادن ثروت
۳۹۹		ظلم و جرم
۳۹۹		فسق
۳۹۹		۲- اسراف
۴۰۱		۳-۶-۳- تحریم اقتصادی متقابل
۴۰۲		۴-۶-۳- میانه روی در امور اقتصادی
۴۰۴		خلاصه فصل سوم
۴۰۴		خلاصه بخش هشتم از فصل سوم
۴۰۴		خلاصه بخش نهم از فصل سوم
۴۰۵		خلاصه بخش دهم از فصل سوم
۴۰۵		خلاصه بخش یازدهم از فصل سوم

خلاصه بخش دوازدهم از فصل سوم	۴۰۵
خلاصه فصل سیزدهم از فصل سوم	۴۰۶
چکیده مفصل برای کل کتاب با محوریت سر تیتر مطالب	۴۰۸
خلاصه بخش یکم از فصل یکم (دشمن شناسی)	۴۰۸
اشاره	۴۰۸
۱- شیطان	۴۰۸
۲- کافران	۴۰۸
۳- منافقان	۴۰۹
خلاصه بخش دوم از فصل یکم (اصول و روش های جنگ نرم)	۴۱۰
اشاره	۴۱۰
اصول فریب استراتژیک:	۴۱۱
خلاصه بخش سوم از فصل دوم (گستره جنگ نرم در بعد سیاسی)	۴۱۱
خلاصه بخش چهارم از فصل دوم (گستره جنگ نرم در زمینه مسائل اجتماعی)	۴۱۲
خلاصه بخش پنجم از فصل دوم (گستره جنگ نرم در زمینه مسائل نظامی)	۴۱۲
خلاصه بخش ششم از فصل دوم (جنگ نرم فرهنگی)	۴۱۲
خلاصه بخش هفتم از فصل دوم (جنگ نرم اقتصادی)	۴۱۳
خلاصه بخش هشتم از فصل سوم	۴۱۳
خلاصه بخش نهم از فصل سوم	۴۱۳
خلاصه بخش دهم از فصل سوم	۴۱۴
خلاصه بخش یازدهم	۴۱۴
خلاصه بخش دوازدهم	۴۱۴
خلاصه فصل سیزدهم از فصل سوم	۴۱۵
منابع و مأخذ	۴۱۶
درباره مرکز	۴۳۴

درآمدی به روش های جنگ نرم و شیوه های مقابله با آن از نگاه قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه: صیدی، علی اکبر، 1350-

عنوان و نام پدیدآور: درآمدی به روش های جنگ نرم و شیوه های مقابله با آن از نگاه قرآن و حدیث / نویسنده علی اکبر صیدی.

مشخصات نشر: زنجان: قلم مهر، 1400.

مشخصات ظاهری: 376 ص.

شابک: 978-622-7687-49-1

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. [359] - 376.

موضوع: جنگ نرم -- جنبه های مذهبی -- اسلام

Soft war -- Religious aspects -- Islam*

جنگ نرم -- جنبه های قرآنی

Soft war -- Qur'anic teaching*

فتنه و فتنه انگیزی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

Sedition -- Religious aspects -- Islam

فتنه و فتنه انگیزی -- جنبه های قرآنی

Sedition -- Qur'anic teaching

فتنه و فتنه انگیزی -- احادیث

Sedition -- Hadiths-- Iran

جنگ نرم

Soft war*

رده بندی کنگره: BP231/6

رده بندی دیویی: 297/4832

شماره کتابشناسی ملی: 8748935

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره

درآمدی به روش های جنگ نرم و شیوه های مقابله با آن از نگاه قرآن و حدیث

نویسنده؛ علی اکبر صیدی

دانش اموخته حوزه و دانشگاه، پژوهشگر

قلم مهر

ص: 3

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 4

این اثر به روان پاک مالک اشتر زمان، شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی تقدیم می گردد. سرداری که خالصانه عمرش را در مبارزه با استکبار و خدمت به اسلام و مسلمین سپری نمود.

یادش گرامی و راهش پر رهرو

□

ص: 5

عنوان

پیشگفتار... 25

مقدمه... 31

فصل اول: دشمن شناسی و ماهیت جنگ نرم... 35

بخش اول: نگاهی به دشمن شناسی از منظر قرآن کریم... 37

1-1- دشمن شناسی در قرآن... 38

1-1-1- شیطان (دشمن ایمانی و اصلی انسان)... 38

1-1-2- کافران... 40

1-1-2-1- فهرست برخی باورهای غلط و ویژگی های قوم یهود، با استناد آیات قرآن... 41

الف- باورهای غلط یهود... 42

1-1-2-1-1- شرك در تدبیر و ربوبیت... 42

1-1-2-1-2- نسبت فقر به خدا... 42

1-1-2-1-3- فرزند قرار دادن برای خدا... 42

1-1-2-1-4- ایمنی از عذاب سخت قیامت!... 42

1-1-2-1-5- اعتقاد به قدرت محدود خدا (دست بسته خدا)... 43

ص: 7

6-1-2-1-1-1- حس گرایی... 43

7-1-2-1-1-1- برتری طلبی و نژادپرستی... 43

8-1-2-1-1-1- دنیاگرایی و علاقه شدید به جمع آوری ثروت... 43

9-1-2-1-1-1- سرکشی و نافرمانی از دستورات خدا و پیامبران... 44

10-1-2-1-1-1- سنگ دلی (قساوت قلب)... 45

11-1-2-1-1-1- نیرنگ بازی (حیله گری)... 45

3-1-1-1- منافقان... 45

الف- خصوصیات عبادی- اجتماعی منافقین... 48

ب- ویژگی های اخلاقی دو چهرگان... 49

ج- خصوصیات سیاسی منافقین... 50

بخش دوم: ماهیت جنگ نرم... 53

2-1- ماهیت جنگ نرم... 54

انواع جنگ... 54

الف- جنگ سخت... 54

ب- جنگ نیمه سخت... 54

ج- جنگ ترکیبی (هیبریدی)... 55

د- جنگ بیولوژیکی... 55

ه- جنگ نرم... 56

1-1- تاریخچه جنگ نرم.. 56

استعمار... 57

جنگ سرد... 57

جنگ نرم... 58

2-1- سیر تحول واژگان در خصوص جنگ نرم با استناد به بیانات رهبر معظم انقلاب... 59

ص: 8

الف- تهاجم فرهنگی... 59

ب- شیپخون فرهنگی... 59

ج- براندازی نرم... 59

د- ناتوی فرهنگی... 60

ه- توطئه نرم... 60

و- جنگ نرم... 60

3-1- مفهوم جنگ نرم... 60

- چرایی جنگ نرم... 61

4-1- فتنه، به عنوان مهم ترین معادل جنگ نرم در قرآن و حدیث... 61

معنای فتنه... 61

- ویژگی های جنگ نرم (فتنه)... 62

1- غبار آلودگی و تاریکی فضای فکری جامعه... 63

2- شروع (شکل گیری) پنهانی... 63

3- آغازش ناشناخته... 63

4- مجهز و با تشکیلات... 64

5- فراگیری... 64

6- پیچیدگی... 64

برخی آثار شوم (قدرت تخریبی) فتنه... 65

1- آثار تخریبی زشت و ماندگار... 65

2- در هم کوبنده، شکننده و گمراه کننده... 66

3- جدایی بین مردم و ولایت و امامت (رهبری)... 66

4- خون ریزی (خون به ناحق) ... 66

5- قطع روابط خانوادگی ... 66

ص: 9

6- آوارگی، بی خانمانی و بیماری... 67

7- تخریب پایه های دین و اصول و ارزش های دینی... 67

8- درگیری مردم با یکدیگر (حق و باطل)... 67

9- بزرگ ترین معضل برای مردم و مسئولین... 67

4-2-1- گستره جنگ نرم از منظر قرآن... 67

4-2-1- اصول جنگ نرم... 68

1- تدریج... 68

مراحل تدریج در دام های شیطانی از زبان قرآن کریم... 69

الف- القاء... 69

ب- تماس (مسّ و برخورد)... 69

ج- ورد به قلب (وسوسه و پنهان کاری)... 70

د- دوست شدن (همراه همیشگی) انسان... 70

ه- همگرایی با شیطان... 71

و- تسلط شیطان... 71

2- استمرار... 72

3- عوام پذیری... 73

6-2-1- زمینه ها (خاستگاه) جنگ نرم... 76

الف- روزنه های واقعی (حقیقی)... 77

1- استغناء مالی... 77

2- آوازه ی نیک (سلبریتی)... 78

3- غرور و شهوت ها... 78

4- ساده اندیشی و هوس زدگی... 79

5- گروه گرایی و تعصبات جاهلانه... 81

ص: 10

6- قدرت طلبی... 81

7- محیط (محیط فتنه آلود) ... 82

7-1- محیط جغرافیایی... 84

تأثیر لقمه حرام در تربیت و تقوا... 85

7-2- محیط اجتماعی... 86

7-2-1- حکومت (حاکمیت)... 87

7-2-2- رسانه... 88

7-2-3- خانواده... 88

7-2-4- دوستان... 89

7-2-5- محیط آموزشی رسمی (مدرسه و دانشگاه)... 92

ب- روزه های ساختگی (دشمن تراشیده)... 93

7-2-1- اتاق فکر، از لوازم جنگ نرم... 93

7-2-1- روش های جنگ نرم... 94

7-2-1- روش های گفتاری... 94

1- عملیات روانی... 94

2. عملیات روانی پنهانی... 95

2. عملیات ادراکی... 97

3. دیپلماسی عمومی (یا مردم محور)... 97

4. فریب استراتژیکی... 99

7-2-1- روش های رفتاری... 100

1. اعتراض... 100

2. عدم همکاری با دولت (نافرمانی مدنی) 101...

3. مداخله غیرخشنوت آمیز 101...

ص: 11

4. جذب مخالفان حکومت... 101

3-8-2-1- روش های شبکه ای... 102

8-2-1- ابزارهای جنگ نرم... 102

1-8-2-1- صنایع فرهنگی... 103

2-8-2-1- ابزارهای رسانه ای... 105

3-8-2-1- فن آوری های نوین ارتباطی... 107

9-2-1- تاکتیک های عملیات روانی در جنگ نرم... 108

شیوه ها و اقدامات جنگ نرم در ایران... 120

خلاصه فصل 1... 130

خلاصه بخش یکم از فصل یکم (دشمن شناسی)... 130

خلاصه بخش دوم از فصل یکم (ماهیت جنگ نرم)... 133

فصل دوم: مروری بر شیوه های جنگ نرم و مصادیق آن از نگاه قرآن و حدیث... 139

مقدمه فصل دوم... 140

بخش سوم: شیوه های جنگ نرم در بعد سیاسی... 143

مقدمه... 144

1-1-2- پیمان شکنی... 144

1-1-2- پیمان شکنی یهود بنی النضیر- نقشه ترور نبی مکرم اسلام... 145

2-1-1-2- پیمان شکنی یهود بنی قینقاع و اخراج آن ها از مدینه... 147

3-1-1-2- پیمان شکنی یهود بنی غریظه... 148

چند نمونه از عهدشکنی استکبار جهانی در قرون اخیر... 149

الف- نسبت به انگلیس... 149

1- پیمان شکنی آمریکا در جنگ جهانی دوم... 150

2- جلوگیری آمریکا از استفاده انگلیس از انرژی اتمی... 151

ص: 12

- 3- پیمان شکنی آمریکا در بحران سوئز... 151
- 4- تهاجم به یکی از مستعمره های انگلیس... 152
- 5- فعالیت سرویس جاسوسی آمریکا در انگلیس... 152
- 6- فریب انگلیس توسط آمریکا در کودتای 28 مرداد... 152
- بدعهدی آمریکا نسبت به انگلستان و سست شدن روابط میان دو کشور... 153
- عهدشکنی ها و جفاهای تاریخی آمریکا علیه ملت ایران... 156
- 1- نفوذ از طریق اعزام مستشار 156
- 2- حمایت از فرقه گرایی و بی ثباتی در ایران... 157
- 3- کودتای آمریکایی 28 مرداد... 157
- 4- غارت نفت ایران با قرارداد کنسرسیوم. 158
- 5- پیوند شوم سیا و ساواک... 159
- 6- گرفتن حق توحش و تحمیل کاپیتولاسیون به مردم ایران... 159
- 7- آمریکا و به اصطلاح انقلاب سفید... 160
- 8- نقض تمامیت ارضی ایران و تجاوز به طبرستان... 160
- 9- مخالفت با برنامه صلح آمیز هسته ای ایران... 161
- 2-1-2- تفرقه افکنی و جلوگیری از همبستگی مسلمانان... 161
- الف- صدر اسلام... 161
- ب- قرون اخیر... 163
- ایجاد اختلاف داخلی... 163
- ایجاد اختلاف بین المللی... 164
- 3-1-2- سرکوب... 165

الف- تهدید... 165

ب- توسل به خشونت و اذیت... 165

ص: 13

ج- تطمیع... 166

د- پیشنهاد سازش (نرمش)... 167

4-1-2- حذف رهبری... 167

1-4-1-2- تهمت و افتراء... 168

1-1-4-1-2- تهمت برتری جویی به پیامبر خدا... 168

2-1-4-1-2- تهمت جنون و سبک مغزی... 168

3-1-4-1-2- نسبت دادن (تهمت) ساحری و سحر زدگی به پیامبران الهی... 169

2-1-4-1-4- دروغ گو خواندن رهبر... 169

2-1-4-1-5- نسبت شاعری به رهبر... 169

2-1-4-1-6- نسبت ناروای کاهنی به پیامبران... 170

2-1-4-1-7- برچسب فسادگری به رهبر... 170

2-1-4-1-8- برچسب گمراهی به رهبر دینی... 170

2-1-4-1-9- تهمت ناتوانی و فریب کاری به رهبر... 170

2-1-4-2- معرفی رهبر دینی به عنوان سرچشمه بدبختی ها و ناکامی ها... 171

3-1-4-2- تحقیر و تمسخر رهبر... 171

4-1-4-2- تهدید رهبر... 172

5-1-4-2- انکار و ایجاد تردید نسبت به حقانیت رهبری... 172

6-1-4-2- آزار رساندن به رهبر و پیروانش... 173

7-1-4-2- نقشه قتل پیامبران... 174

2-1-4-13- قتل رهبران الهی... 174

5-1-2- مکر و نیرنگ... 175

نمونه ای از سیاست های معاویه برای فریب افکار عمومی... 176

بخش چهارم: گستره جنگ نرم در بعد اجتماعی... 179

ص: 14

2-2- گستره جنگ نرم در بعد اجتماعی... 180

2-2-1- بردگی و بندگی انسان ها ... 180

2-2-2- وارونه جلوه دادن امور (آدرس غلط دادن)... 181

2-2-3- شایعه پراکنی... 183

2-2-3-1- شایعه شهادت نبی مکرم اسلام در جنگ احد... 184

2-2-3-2- شایعه سازی کفار در غزوه حمراء الاسد... 184

2-2-3-3- شایعه سازی کفار در غزوه بدر صغرا... 185

2-2-3-4- شایعه سازی منافقان در جنگ احزاب (خندق)... 186

2-2-4- القای خوف و وحشت در دل مردم... 187

2-2-5- مانع تراشی و بهانه گیری (فرار از مسولیت)... 188

2-2-6- دروغ گویی و دروغ پراکنی... 189

2-2-7- تحریک عواطف مصلحان الهی... 190

2-2-7- نفوذ در لایه های جامعه اسلامی... 190

الف- نفوذ به عامه مردم... 191

ب- تلاش برای نفوذ به ارکان نظام اسلامی... 191

2-2-5- نفاق و نیرنگ... 193

2-2-6- گسترش انواع فساد... 194

2-2-6-1- فساد اخلاقی... 195

2-2-6-2- فساد جنسی... 196

2-2-6-3- فساد اداری... 198

4-6-2-2- فساد اقتصادی... 199

- رابطه فساد اداری و فساد اقتصادی... 200

ص: 15

7-2-2-تحقیر توده های مستضعف... 200

8-2-2-آزار رساندن به پیامبر اکرم و مسلمانان... 200

9-2-2-تمسخر انبیاء و پیروانشان... 201

10-2-2-ایجاد ناامیدی در جامعه (یأس)... 202

11-2-2-ترویج اعتیاد و مسکرات... 203

بخش پنجم: شیوه های خصومت جنگ نرم دشمنان با اسلام در بعد نظامی... 205

مقدمه... 206

1-2-3-جنگ افروزی... 206

2-2-3-طرح ترور پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)... 209

3-2-3-تحریک و تجهیز مخالفان اسلام... 211

ب. تحریک سران بنی قریظه... 212

4-2-3-تهدید امنیت (ایجاد ناامنی و تهدید نظامی)... 213

5-2-3-جاسوسی علیه مسلمانان... 214

الف- جاسوسی و خیانت ابولبابه انصاری... 214

ب- جاسوسی حاطب بن ابی بلتعہ... 215

ج- جاسوسی از روی نیاز... 217

د- جاسوسی منافقان... 217

6-2-3-تلاش برای تضعیف روحیه لشکریان اسلام... 219

7-2-3-تضعیف روحیه ایثارگران و خانواده شهدا... 220

بخش ششم: شیوه های جنگ نرم در حوزه فرهنگی.. 221

مقدمه... 222

4-2- شیوه های خصومت مستکبرین با اسلام از بعد فرهنگی... 224

ص: 16

1-4-2-2- انکار رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، حقیقت گریزی و نژادپرستی... 224

2-4-2- سعی در گمراه کردن مسلمانان و مردم با شیوه های گوناگون... 225

1-4-2-2- تضعیف توحید (نسبت فقر دادن به خدا) ... 226

2-4-2-2- شبهه ارائه تورات در قرآن به گونه ای تحریف یافته! و منکر رسالت نبی مکرم اسلام... 226

3-4-2-1- ترجیح بت پرستی بر خداپرستی جهت ایجاد تردید در مسلمین... 227

4-4-2-1- ترویج خرافات... 228

5-4-2-1- شبه افکنی... 228

3-4-2- به بازی گرفتن اصل دین... 229

4-4-2- کتمان بشارت پیامبر اسلام... 230

5-4-2- تحریف آموزه های اسلامی... 231

6-4-2- دشمنی با جبرئیل (علیه السلام)... 232

بخش هفتم: شیوه های خصومت استکبار با اسلام از بعد اقتصادی... 233

مقدمه... 234

1-5-2- انحصارطلبی... 235

2-5-2- تحریم اقتصادی... 236

3-5-2- ترویج فساد اقتصادی... 237

4-5-2- عدم بازپرداخت اموال مسلمین (توقیف و مصادره اموال)... 239

5-5-2- ترغیب مسلمین به بخل ورزی (عدم همکاری اقتصادی با دولت اسلامی)... 240

6-5-2- نابود کردن زیرساخت های اقتصادی-صنعتی... 241

خلاصه فصل دوم... 242

فصل سوم: اصول و روش های مبارزه با جنگ نرم از نگاه قرآن... 245

بخش هشتم: ضرورت و اصول مقابله با جنگ نرم... 249

1-1-3- ضرورت مقابله با فتنه (جنگ نرم)... 250

2-1-3- عوامل مؤثر در مقابله با جنگ نرم... 251

1-2-1-3- وجود رهبری صالح و یاورانی راستین... 251

2-2-1-3- پناه بردن به قرآن... 254

3-1-2-3- علم و بصیرت... 255

الف- علم به معنی دانستن مطالب و مسائل... 255

ب- بصیرت... 256

4-1-2-3- شناسایی و معرفی سران فتنه... 257

5-1-2-3- حضور فعال نخبگان و یاران جبهه حق در جامعه... 258

6-1-2-3- حضور توده مردم (حامیان حق) در خارج از صحنه فتنه... 258

7-1-2-3- حرکت محتاطانه و پرهیز از احساسات... 259

3-1-3- اصول مقابله با فتنه (جنگ نرم)... 260

1-3-1-3- خودباوری (اعتماد به نفس) همراه با ایمان... 260

2-3-1-3- استمرار مبارزه... 261

3-3-1-3- صبر و تقوا... 262

5-3-1-3- استمرار کنترل اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر)،... 264

5-1-2-3- ترویج و تبلیغ قانون نفی سلطه (نفی سییل)... 265

4-1-3- روش های مهم، در مبارزه با مستکبرین... 266

بخش نهم: روش های مبارزه با استکبار در بعد سیاسی... 267

مقدمه بخش نهم... 268

1-2-3- عدم اعتماد و تکیه بر دشمن... 268

2-2-3- از دشمن انتظار یاری نداشته باشید (یاری نجوید)... 269

ص: 18

3-2-3- عدم اعتماد به «صلح نامه ها و معاهدات» با دشمن... 270

3-2-4- در مقابل پیمان شکنی دشمن، شما نیز پیمان را بشکنید!... 272

3-2-5- درخواست صلح و معاهدات خفت بار از سوی مسلمین به دشمن، ممنوع... 272

3-2-6- تکیه بر نیروها و توان داخلی... 273

3-2-7- مقاومت و مبارزه با پیمان شکنان... 274

3-2-8- زیر بار سازش با دشمن نروید... 275

3-2-9- وحدت و یکپارچگی... 277

3-2-10- شناسایی منافقان و مبارزه با آنان... 278

3-2-11- اطاعت از رهبری... 280

3-2-12- حمایت از رهبری (شناخت توطئه ها و دفع آن از ولی امر)... 281

3-2-13- نگاهی گذرا به صلح و سابقه آن در قرآن کریم و سیره اهل بیت... 282

الف- صلح نامه های تحمیلی... 283

ب- پیمان در موضع قدرت... 284

نکته های ویژه صلح حدیبیه... 284

بخش دهم: شیوه های مقابله با جنگ نرم، در بعد اجتماعی... 287

مقدمه بخش دهم... 288

3-3-1- جلوگیری از شایعه... 288

3-3-1-1- ارجاع خبر به آگاهان (اهل تشخیص)... 288

3-3-1-2- تحقیق و بررسی اخبار و گزارش ها... 289

3-3-1-3- پیروی از علم... 290

3-3-2- تقویت روحیه استکبارستیزی و شجاعت... 290

3-3-3- از دشمن نترسید... 292

3-3-4- از تجهیزات و امکانات مادی دشمن شگفت زده نشوید... 293

ص: 19

5-3-3-294 ایمان به امدادهای غیبی و نصرت الهی ...

5-3-3-295 1- لشکریان الهی ...

1-1-5-3-296 نزول باد شدید (طوفان) ...

2-1-5-3-296 نزول باران ...

5-3-3-1-296 نزول فرشتگان ...

2-5-3-298 حفظ و صیانت در برابر دشمنان و حوادث ناگوار ...

3-5-3-299 اعطای آرامش و اطمینان قلبی ...

4-5-3-300 اندک نمایی ...

5-5-3-302 ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان ...

6-3-3-303 ترویج آزادگی و یکتاپرستی ...

7-3-3-304 تحقیر و شکستن شکوه ظاهری مستکبران ...

8-3-3-305 مبارزه با انواع فساد اجتماعی - اخلاقی ...

9-3-3-306 شناخت حق و نشر آن ...

10-3-3-307 تزریق امید به جامعه ...

11-3-3-309 مبارزه با مواد مخدر و مسکرات ...

بخش یازدهم: شیوه های مقابله با استکبار در زمینه فرهنگی ... 311

4-3-312 شیوه های مقابله با استکبار در زمینه فرهنگی ...

1-4-3-312 تعمیق باورهای دینی و فرهنگی ...

1-1-4-3-313 ترویج عقل گرایی (ژرف اندیشی) در جامعه ...

2-1-4-3-314 به کارگیری اصول، روش های صحیح تربیتی ...

3-1-4-3-314 به کارگیری مبلغان دینی توانمند ...

4-1-4-3- تعظیم شعائر الہی... 315

5-1-4-3- پرهیز از شبہات و پاسخگویی منطقی بہ آن ہا ...315

ص: 20

بخش دوازدهم: شیوه های مقابله با استکبار در بعد نظامی... 317

1-3-5- تقویت توان دفاعی مسلمین... 318

2-3-5- قدرت نمایی در برابر دشمن (رزمایش نظامی)... 319

3-3-5- تأکید به مقابله به مثل (انتقام)... 320

4-3-5- مراقبت و محافظت از سران اسلامی (شخصیت های مهم)... 321

5-3-5- حفاظت از اسرار و اطلاعات... 322

6-3-5- فراهم ساختن تجهیزات ضد جاسوسی... 323

7-3-5- اشراف اطلاعاتی به دشمن... 324

8-3-5- تقویت روحیه و انگیزه مدافعان امنیت... 324

9-3-5- تقویت روحیه و انگیزه خانواده مدافعان امنیت (شهدا و ایثارگران)... 325

بخش سیزدهم: شیوه های مقابله با جنگ نرم در حوزه اقتصاد.... 327

مقدمه... 328

1-3-6- مبارزه با فساد اقتصادی... 328

2-3-6- تقویت قدرت اقتصادی... 330

الف- تولید (صنعت)... 331

ب- توزیع... 334

انواع توزیع... 334

1- توزیع قبل از تولید... 334

2- توزیع بعد از تولید... 335

3- توزیع مجدد... 333

سیاست های تکلیفی (واجب) در توزیع مجدد... 335

سیاست های تشویقی (انفاق) در توزیع مجدد: ... 336

ج- مصرف ... 337

ص: 21

اصول مصرف... 338

اصل توجه به اولویت ها در هزینه های مصرفی... 338

زهد و ساده زیستی... 340

آسیب شنایی مصرف... 341

1- اتراف... 341

2- اسراف... 343

3-6-3- تحریم اقتصادی متقابل... 344

4-6-3- میانه روی در امور اقتصادی... 345

5-6-3- توجه به اقتصاد مقاومتی... 345

خلاصه فصل سوم... 347

خلاصه بخش هشتم از فصل سوم... 347

خلاصه بخش نهم از فصل سوم... 347

روش های مبارزه جنگ نرم در بعد سیاسی شامل موارد ذیل است: 347...

خلاصه بخش دهم از فصل سوم... 348

خلاصه بخش یازدهم از فصل سوم... 348

خلاصه بخش دوازدهم از فصل سوم... 348

خلاصه فصل سیزدهم از فصل سوم... 349

چکیده مفصل برای کل کتاب با محوریت سر تتر مطالب... 351

خلاصه بخش یکم از فصل یکم (دشمن شناسی)... 351

1- شیطان... 351

2- کافران... 351

خلاصه بخش دوم از فصل یکم (اصول و روش های جنگ نرم)... 353

ص: 22

اصول فریب استراتژیک: 354...

خلاصه بخش سوم از فصل دوم (گستره جنگ نرم در بعد سیاسی) 354...

خلاصه بخش چهارم از فصل دوم (گستره جنگ نرم در زمینه مسائل اجتماعی) 355 ...

خلاصه بخش پنجم از فصل دوم (گستره جنگ نرم در زمینه مسائل نظامی) 355 ...

خلاصه بخش ششم از فصل دوم (جنگ نرم فرهنگی) 355 ...

خلاصه بخش هفتم از فصل دوم (جنگ نرم اقتصادی) 356...

گستره خصومت استکبار با اسلام از بعد اقتصادی شامل انحصارطلبی، تحریم اقتصادی، 356 ...

خلاصه بخش هشتم از فصل سوم 356 ...

خلاصه بخش نهم از فصل سوم 356 ...

روش های مبارزه جنگ نرم در بعد سیاسی شامل موارد ذیل است: 356...

خلاصه بخش دهم از فصل سوم 357 ...

خلاصه بخش یازدهم 357...

خلاصه بخش دوازدهم 357...

خلاصه فصل سیزدهم از فصل سوم 358 ...

منابع و مآخذ 359 ...

این کتاب در راستای، کاربرد قرآن در زندگی دنیوی، طی مدت 6 سال (از سال 1394 تا 1400) تألیف شده است. تا چراغ راه طلاب، دانشجویان، اندیشمندان و صاحب نظران سیاسی، اجتماعی، فرهنگی در طی مسیر روشن قرآنی باشد.

امروزه، عده ای- به غلط- قرآن را مطالب کلی تلقی کرده احادیث را نیز قابل اعتماد نمی دانند! این در حالی است که قرآن کریم، خط و مشی ها را ترسیم کرده و حدیث (قول، فعل و تقریر معصوم) نیز جزئیات آن را بیان می کند؛ زیرا به استناد آیات 44 و 64 سوره نحل(1)، خداوند متعال، تفسیر قرآن و تعیین و تبیین جزئیات را به خود معصوم علیهم السلام واگذار نموده است. از سوی دیگر، قرآن کریم، به همه نیازهای اساسی انسان در زندگی دنیوی نیز توجه کرده است (نحل/89)(2).

مبانی نظری، روش ها، گستره جنگ نرم و مباحث مرتبط با آن، بسیار وسیع است. در این کتاب، به طور خلاصه چند مورد، از آنچه در متون دینی (قرآن و سنت) تصریح شده و

ص: 25

1- وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آن ها روشن سازی و شاید اندیشه کنند (نحل/44)* وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ؛ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آن ها روشن کنی و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می آورند (نحل/64).

2- . وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِيًّا لِّكُلِّ شَيْءٍ...؛ ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است.

جهان اسلام، از جمله جمهوری اسلامی ایران، با آن درگیر است؛ مطرح می گردد. چراکه احصای همه مصادیق جنگ نرم در هر یک از حوزه های پنج گانه (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی) نیازمند چندین جلد کتاب قطور است.

آنچه در این کتاب آمده، بیان خط و مشی ها و قوانین کلی با استناد به آیات و روایات است، به عبارت دیگر، بیان حوادث در عصر نزول و تعمیم آن به نسل های بعد است. مثل پیمان شکنی کفار و مشرکین در زمان حضرت رسول اکرم صل الله علیه و اله و تعمیم آن به عهدشکنی های غرب در قبال جمهوری اسلامی ایران، نظیر برجام و...

لذا قرآن کریم، قوانین کلی را بیان کرده که تا روز قیامت، قابل تعمیم است. مثل عهدشکنی و قانون شکنی کفار که خداوند به مسلمین دستور می دهد در چنین مواردی، شما نیز پیمان نامه را به سوی دشمن پرت کنید (بشکنید).

بنابراین خلط مبحث نشود که مثلاً در کجای قرآن، به «برجام» اشاره شده است؟ یا کسی بگوید: اصلاً این آیات به این مسائل دلالت ندارد (1) و... البته کسی که در حوزه تفسیر قرآن و علوم سیاسی با نگرش اسلامی، مهارتی ندارد؛ و یا این مطالب با سلیقه و دیدگاهش، سازگار نباشد؛ بسا در پذیرش مطالب این اثر، تعلل ورزد که امری است کاملاً طبیعی. ولی صاحبان بصیرت و اهل فن، به خوبی مطالب را درک می کنند.

برای تنظیم مطالب کتاب، دو شیوه وجود داشت.

الف- اول ترفند دشمن ذکر شده بلافاصله راهکارهای قرآنی ذکر شود

ب- ترفندهای دشمن و راهکارها هرکدام در فصل جداگانه، تنظیم شود.

با بررسی های انجام گرفته شیوه دوم را برگزیدیم تا مطالب از هم گسیخته نشده دورنمایی کلی از دو مقوله ی ترفند دشمن و شیوه های مقابله از نگاه قرآن ارائه شود.

ص: 26

1- دلالت آیات و روایات استناد شده به مطالب، گاهی از نوع مطابقه است، گاهی تضمنی و گاهی التزامی.

ارجاعات درون متنی، غالباً بر سبک APA است؛ اما در مواردی از سبک قدیم نیز استفاده کرده ایم، مخصوصاً در ارجاع به نهج البلاغه و برخی کتب دیگر. تا یادآور این سبک به نسل جدید باشیم(1).

تفاوت (امتیاز) این کتاب، نسبت به آثاری که تاکنون در این باره منتشر شده اند؛ به شرح ذیل است:

1- تا جایی که امکان داشته، اثر پیش رو، به زبان ساده تدوین شده اصطلاحات تخصصی و پیچیده، بکار نبسته ایم تا همه اقشار بتوانند از آن، بهره مند شوند.

2- دومین امتیاز این کتاب، داشتن خلاصه هر بخش و چکیده مفصل برای کل کتاب- با محوریت سر تیتر مطالب- است که اگر خواننده ای فرصت مطالعه همه مطالب را نداشته باشد؛ از چکیده مطالب بهره مند گردد.

3- سومین امتیاز مهم این کتاب، طبقه بندی موضوعی (رشته ای) مطالب است؛ به عبارت دیگر، تشریح مقوله «جنگ نرم» در حوزه های مشروح ذیل است که هرکسی، به مقتضای علاقه و رشته تحصیلی خود، از مطالب بهره مند می گردد از جمله:

الف- علوم سیاسی

ب- علوم اجتماعی

ج- اقتصاد

د- دین و فرهنگ

ه- امنیت ملی (جنگ نرم در حوزه دفاعی و امنیتی)

4- چهارمین ویژگی منحصر به فرد این اثر، داشتن مبنای استوار علمی یعنی استناد به آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام است؛ زیرا ممکن است عنوان برخی مطالب بدیهی به نظرید! اما تطبیق و تبیین این حوادث و مطالب با رخدادهای عصر نبوی(2) و علوی(3) از

ص: 27

1- هرکدام از سبک های ارجاع دهی درون متنی، مزایا و معایب خاص خود را دارد.

2- یعنی دوران آخرین پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)؛ و در مواردی نیز به عصر دیگر پیامبران نیز استناد شده است.

3- دوران امامان معصوم علیهم السلام مخصوصاً حضرت علی علیه السلام.

تازگی های این اثر بشمار می رود. چراکه قرآن و سنت، یقینی ترین و مطمئن ترین راه را به ما نشان می دهند.

5- جامعیت و پرداختن به همه گستره های جنگ نرم (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی-دینی، اقتصادی و امنیتی)، از دیگر امتیازات این اثر به شمار می رود. چون مؤلف تاکنون به چنین اثر جامعی دست نیافته است.

6- متن عربی و ترجمه آیات و روایات و پاره ای توضیحات لازم، در پاورقی درج شده است تا خواننده، به راحتی به اصل مطلب دست یافته، سپس در صورت نیاز، پاورقی را نیز دنبال کند(1).

7- حوادث تاریخی اکثراً به صورت بسیار کوتاه بیان شده است.

8- این اثر می تواند به عنوان منبعی برای دروس دانشگاهی و مراکز آموزشی- پژوهشی (پژوهشکده ها و پژوهشگاه ها) در حوزه علوم اجتماعی، علوم سیاسی و مطالعات فرهنگی و مباحث میان رشته ای معارف قرآن کریم و غیره در نظر گرفته شود.

9- در حد امکان، عصاره مطالب، به صورت خلاصه، درج شده از تفصیل و توضیح اضافی پرهیز شده است.

10- نکته آخر اینکه، این کتاب صرفاً به عنوان درآمد (فهرست اجمالی و سرفصل برخی مطالب است)(2). امید که جنگ نرم در هریک از موضوعات (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی، اقتصادی و امنیتی ...) توسط نگارنده و دیگر محققین، به صورت مستقل

ص: 28

1- در متن اصلی به شماره آیات و منبع روایات استناد شده است، از آنجاکه بسا پاره ای از خوانندگان محترم فرصت خواندن متن عربی و ترجمه را نداشته باشند؛ از این جهت آن را در پاورقی (حاشیه) درج کرده ایم. چون در این عصر، نویسنده توانا، ضمن ارائه مستندات و ارجاع به منابع معتبر، باید گزیده گویی را انتخاب کند.

2- یعنی به طور کلی، مطالب کتاب به صورت خلاصه و فهرست وار ارائه شده، در پاورقی نیز به ترجمه آیات و روایات بسنده گردیده است. از تشریح و تفصیل مباحث بصورت تخصصی پرهیز شده است. وگرنه، اکثر سر تیرها و بخش های این کتاب، می تواند موضوع مقالات و کتب جداگانه قرار گیرد. همچنین، ترفندهای دشمن در هریک از حوزه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی خیلی بیشتر از موارد مذکور این کتاب است، این نگارنده، به چند مورد مهم پرداخته چند راهکارهای لازم را نیز به اجمال تشریح نموده است.

و مفصل با استناد به قرآن و روایات و با استناد به رخدادهای جهانی و عملکرد مستکبرین دنیا، در چندین مجلد به جامعه علمی ارائه گردد.

11- گرچه عنوان کتاب «روش های جنگ نرم و شیوه های مقابله با آن از نگاه قرآن و حدیث» است؛ اما مبنای کار، آیات قرآن است. برای رعایت اختصار، در مواقع لزوم، از حدیث، مخصوصاً نهج البلاغه، استفاده کرده ایم.

12- این کتاب، در سه فصل و سیزده بخش تدوین شده است.

13- آخرین نکته این که طی سال های 1392 تا 1400 مقالاتی از نگارنده این سطور در نشریات و اجلاس ها با موضوع جنگ نرم و غیره با نگاه قرآنی منتشر شده است که این کتاب، بخشی از مطالب این مقالات را نیز دربرمی گیرد.

در پایان، وظیفه خود می دانم زحمات همه کسانی که در این حوزه گام های ارزشمندی برداشته آثاری تولید کرده اند؛ تقدیر و تشکر کنم، زیرا جامعیت این کتاب، ثمره زحمات این عزیزان است که اسم و عنوان اثرشان در منابع ذکر شده است.

نظر به این که هیچ اثر انسانی، خالی از نقص و نقد نیست؛ از همه اندیشمندان انتظار داریم نقطه نظرات خود را از طریق رایانامه (ایمیل) به نشانی ذیل، به مؤلف کتاب ارسال نمایند.

Seidi125@gmail.com

«مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (انفال/17). «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (هود/88)

با تشکر

علی اکبر صیدی- مؤلف

آذرماه 1400 شمسی

ص: 29

دشمنان اسلام، در ابعاد مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی فرهنگی و... دشمنی خود را با مسلمانان آشکار کرده اند. از آغاز اسلام تاکنون، به انواع نیرنگ ها و نقشه ها دست زده اند تا جلو پیشرفت اسلام و مسلمین را بگیرند⁽¹⁾. در قرن حاضر، مجموعه توطئه های استکبار، تحت عنوان «جنگ نرم»⁽²⁾ صورت می گیرد (وزیری، 1390؛ مصلی نژاد، 1394). جنگ نرم یعنی، اجرای برنامه ای حساب شده، مسالمت آمیز و دراز مدت برای نفوذ در ارکان سیاسی - اجتماعی یک نظام به منظور تغییر سیستم سیاسی یک کشور با ایجاد تغییر و تحول اساسی در باورهای اساسی و اصلی آن (وزیری، 1390 ص 120).

امروزه - همچون گذشته - استکبار جهانی و همدستانان، در هریک از کشورها، مخصوصاً بلاد اسلامی، بسته به شرایط، سرزمین مسلمین و منابع آن را غارت و نابود می کند! در منطقه خاورمیانه، برخی شیوخ عربی را دست نشانده خود نموده و برخی کشورها - از جمله عراق، افغانستان، سوریه، یمن و... - را با جنگ نظامی تضعیف می کنند. برخی کشورها - مانند جمهوری اسلامی ایران - را پس از جنگ 8 ساله، با تحریم تهدید

ص: 31

1- بررسی های تاریخی نشان می دهد که جنگ نرم و عملیات روانی، بیشترین سهم را به خود اختصاص می دهد، دشمن هر وقت در حوزه نظامی (جنگ سخت) ناامید می شود، به جنگ نرم روی آورده است؛ و در اکثر موارد، جنگ نظامی دشمن علیه مسلمین، با جنگ نرم نیز همراه بوده است. به عنوان نمونه، شایعه شهید شدن پیامبر اسلام در جنگ احد و تضعیف روحیه رزمندگان اسلام (آل عمران/144)، از این مقوله به شمار می رود.

2- این نوع جنگ را دشمنان اسلام از جمله مستکبرین جهان، علیه مسلمین طراحی و اجرا کرده اند.

و جنگ نرم، هدف گرفته اند (جاودانی، 1382)، این در حالی است که بسا، پاره ای از مردم، از حقیقت این نقشه ها و ترفندهای شیطانی استکبار، بی خبر هستند. آیات 31 - 33 سوره سبأ(1) و آیه 21 سوره ابراهیم(2) حاکی از دسیسه های شبانه روزی مستکبران برای القای اندیشه های خود به مستضعفان و تشویق آنان به پیروی از خود و همچنین بیان کننده پیروی مستضعفان از آنان به سبب ضعف فرهنگی است که در اغلب موارد با ضعف اقتصادی و نظامی نیز توأم است

طبق آیه 169 سوره بقره(3)، شیطان(4)، انسان ها را به انواع بدی ها و زشتی ها دستور می دهد..

تاریخ نشان داده است که استکبار جهانی (آمریکا)، حتی از بدعهدی و پیمان شکنی نسبت به متحد همیشگی اش نیز کوتاهی نکرد (بگلو، 1395).

در ایران، نمونه بارز این عهدشکنی، در ماجرای برجام... روشن شد. همچنین تلاش برای تجزیه کشورهای مسلمان، دامن زدن به اختلافات قومی (ترک، کرد، عرب، عجم، بلوچ و...) ترور شخصیت های علمی، دینی و سیاسی و فرهنگی مسلمانان، مخصوصاً در

ص: 32

1- وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهِ إِذَا الْقُرْآنُ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ؛ كَافَرَانِ گفتند: ما هرگز به این قرآن و کتاب های دیگری که پیش از آن بوده ایمان نخواهیم آورد (سبأ/31)* قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا أَنْحَنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهَدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ؛ (اما) مستکبران به مستضعفان پاسخ می دهند: آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آنکه به سراغ شما آمد (و آن را به خوبی دریافتید؟) (سبأ/32)* وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا؛ و مستضعفان به مستکبران می گویند: و سوسه های فریبکارانه شما در شب و روز (مایه گمراهی ما شد)، هنگامی که به ما دستور می دادید که به خداوند کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم (سبأ/33).

2- فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ؛ در این هنگام، ضعیفا [دنباله روان نادان] به مستکبران (و رهبران گمراه) می گویند: ما پیروان شما بودیم! آیا (اکنون که به خاطر پیروی از شما گرفتار مجازات الهی شده ایم) شما حاضرید سهمی از عذاب الهی را بپذیرید و از ما بردارید؟ (ابراهیم/21).

3- إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ او (شیطان) شمارا فقط به بدی ها و کار زشت فرمان می دهد (و نیز دستور می دهد) آنچه را که نمی دانید، به خدا نسبت دهید (بقره/169).

4- شیطان هم جنیان و انس را شامل می شود: وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا؛ این چنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم آن ها به طور سری (و درگوشی) سخنان فریبنده و بی اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می گفتند (انعام/112).

ایران- با شیوه‌های گوناگون (نظامی، بیولوژیک و ...)، جزو برنامه‌های آمریکا و یهود است. ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، ترور بیولوژیک شخصیت‌های فرهنگی و هنری و...، نمونه بارز آن است. امروزه به عیان مشاهده می‌شود که استکبار جهانی، مخالفان (اعم از مخالفان عقیدتی و سیاسی و...) را علیه مسلمانان تحریک و تجهیز می‌کند، مانند داعش، القاعده و حمایت از وهابیان عربستان و غیره. در عصر کنونی، آمریکا که در ظاهر به توان نظامی و قدرت سیاسی جهانی خود می‌بالد، ایران اسلامی را به انواع گزینه‌های روی میز از جمله حمله نظامی تهدید می‌کند (گروه مطالعات بسیج، 1388 ص 124). از سوی دیگر با ایران هراسی، کشورهای اسلامی، از جمله بلاد عربی منطقه را علیه ایران تحریک و متحد می‌کند، به گونه‌ای که برخی مانند عربستان با ایران قطع ارتباط می‌کند.

قرآن کریم، ضمن تصریح به ترفندهای استکباری فوق، اصول و راهکارهای لازم را نیز بیان نموده است که شناخت و کاربست آن‌ها، بهترین و مناسب‌ترین راه گشای جهان اسلام در راه استکبارستیزی خواهد بود (زمر/23 و 55/1)؛ زیرا دستورهای قرآنی، از چشمه زلال وحی بیرون آمده برخلاف اندیشه‌های صرف بشری- فاقد هرگونه عیب و نقص بوده و در کل جهان قابلیت اجرایی داشته (یوسف/104؛ ص/78/2)، به همه نیازهای اساسی انسان، توجه کرده است (نحل/89/3).

مقایسه مجموعه نقشه‌های شوم ظالمان - که در قرآن ذکر شده- با عملکرد مستکبرین در طول تاریخ، همسانی و همخوانی کاملی را نشان می‌دهد، فقط شکل رفتارها، به دلیل رشد ابزارها و فناوری اندکی تفاوت دارد، نه اصل رفتار. از این رو، خداوند متعال، در قرآن کریم، دقیق‌ترین، مناسب‌ترین و بهترین راهکارها و اصول مبارزه با

ص: 33

-
- 1- اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ؛ خداوند بهترین سخن را نازل کرد (زمر/23)* وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ؛ و از بهترین دستورهایی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید (زمر/55)
 - 2- إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ؛ آن نیست مگر تذکری برای جهانیان (یوسف/104؛ ص/78).
 - 3- نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ؛ ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیزاست (نحل/89).

استکبار را در حوزه جنگ نرم به مسلمین آموخته اند که باید این مسائل به دقت شناسایی، تبیین و عملی شوند.

پیروی از قرآن کریم، سنت (1) و رهبری و ولایت (2)، مهم ترین راه مقابله با جنگ نرم است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم):
فَإِذَا التَّبَسَّطَ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ... فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ؛ آنگاه که فتنه ها ... همه جا را فراگیرد شما باید به قرآن پناه ببرید. (الکافی ج 2، ص: 599).

امام علی علیه اسلام تأکید دارند که فقط و فقط من بودم که چشم فتنه را کردم و جز من هیچ کس جرئت چنین کاری را نداشت، آنگاه که امواج سیاهی ها بالا گرفت و به آخرین درجه شدت خود رسید. پس از من پرسید پیش از آن که مرا نیاید... «فَإِنِّي فَقَّاتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ وَ لَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ غَيْرِي بَعْدَ أَنْ مَاجَ غَيْبُهَا وَ اَللَّهِ تَدَّ كَلْبُهَا فَاسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْفِدُونِي» (نهج البلاغه، خطبه 93) مولا علی علیه السلام در خطبه 5 نهج البلاغه، اهل بیت (ولایت و رهبری) را کشتی نجات از فتنه معرفی می کنند: أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفُنِ النَّجَاةِ: ای مردم امواج فتنه ها را با کشتی های نجات (اهل بیت) در هم شکنید.

لذا قرآن کریم و احادیث، مطمئن ترین و معتبرترین، مرجع برای شناختِ چهره واقعی استکبار و مقابله و مبارزه با آن است. بنابراین واجب است جهان اسلام مخصوصاً مردم مسلمان ایران، ابعاد و مصادیق توطئه های ذکر شده استکبار در قرآن کریم و شیوه های کنونی جنگ نرم را- که مشابه همان ترفندهای یاد شده در کلام الهی، با رنگ و لعاب جدید است- یاد گرفته با هوشیاری مقابله کنند.

اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

علی اکبر صیدی- مؤلف

آذرماه 1400 شمسی

ص: 34

1- قول، فعل و تقریر معصوم علیهم السلام.

2- که در عصر غیبت کبرا، ولی فقیه، عهده دار مسولیت رهبری است.

فصل اول: دشمن شناسی و ماهیت جنگ نرم

اشاره

ص: 35

بخش اول: نگاهی به دشمن شناسی از منظر قرآن کریم

اشاره

ص: 37

اشاره

یکی از مسائلی که قرآن بر آن تأکید دارد؛ دشمن شناسی است، وقتی انسان دشمن خود را خوب بشناسد؛ بهتر می تواند با آن مقابله کند. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتْبَهَتْهُ الْمَكَائِدُ؛ کسی که در برابر دشمنش به خواب رود (از او غافل باشد) حيله ها (ی غافلگیرانه دشمن) او را از خواب بیدار می کند» (تمیمی آمدی، 1366، ص: 334). در یک نگاه کلی، دشمنان اسلام و مسلمین، در سه گروه (شیطان، کفار و منافقین)، طبقه بندی شده است (1) که پاره ای از ویژگی های مهم هریک را با استناد به آیات قرآن کریم و روایات، می شماریم:

1-1-1. شیطان (دشمن ایمانی و اصلی انسان)

شیطان، دشمن ایمانی (معنوی) و دشمن اصلی انسان است که در طول عمر، در کنار انسان بوده او را به انحراف و گناه فرامی خواند (ابراهیم/22). (2) این واژه، اسم عام برای هر موجود منحرف کننده و سرکش در برابر خداوند است که ممکن است انسان باشد یا جن.

ص: 38

1- تبیین تخصصی و جامع این موضوعات، از اهداف کتاب حاضر نیست. بلکه قصد ما، اشاره گذرا به این سه مقوله و چگونگی دشمنی شان با مسلمین است.

2- وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَنِ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي؛ من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید (ابراهیم/22).

اما ابلیس، اسم خاص شیطانی است که در بهشت بر آدم سجده نکرد و با شیاطین دیگر، در پی منحرف کردن انسان هاست.

شیطان، از ماده «شطن»، 88 بار در قرآن آمده است. قرآن کریم، بارها به صراحت، دشمنی آشکار شیطان با انسان را با تعبیر «إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ او، دشمن آشکار شماست» (بقره/208، 168؛ انعام/142...)؛ یادآوری می نماید.

در قرآن کریم برخی از اوصاف شیطان بیان شده است؛ از جمله: مستکبر(1)، کافر، کفور (ناسپاس)(2)، فاسق(3)، عصى (عصیانگر)(4)، مارد و مرید (سرکش)(5)، مذنوم (نکوهیده)(6)، رجیم (رانده شده)(7)، مدحور (رانده)(8)، ملعون(9)، مُنْظَر (مهلت یافته)(10)، عَدُوٌّ، عَدُوٌّ مبین (دشمن، دشمن آشکار)(11)، همدم بد(12)، خذول (فروگذارنده انسان)(13)، مُضِلٌّ مبین (گمراه کننده آشکار)(14)، غرور (فته گر، فریب کار)، وعده کاذب(15)، دعوت کننده به سوی جهنم(16)،

ص: 39

- 1- [1] ... إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ؛ جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید (بقره، / 34).
- 2- إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ؛ مگر ابلیس [که] تکبر نمود و از کافران شد (ص / 74).
- 3- فَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ؛ و از فرمان پروردگارش بیرون شد (کهف/50).
- 4- إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا؛ شیطان نسبت به خداوند رحمان، عصیانگر بود (مریم/44).
- 5- وَ حِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ؛ و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم (صافات/7)*. وَ إِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا؛ و جز شیطان سرکش را نمی خوانند. (نساء/117).
- 6- [6] قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُومًا مَّدْحُورًا؛ فرمود: «نکوهیده و رانده، از آن [مقام] بیرون شو (اعراف/18).
- 7- قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ؛ فرمود: «از آسمانها (و صفوف ملائکه) خارج شو، که تو رانده درگاه منی (ص / 77 و...).
- 8- قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُومًا مَّدْحُورًا؛ فرمود: «نکوهیده و رانده، از آن [مقام] بیرون شو (اعراف/18).
- 9- وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ؛ و تا روز جزا لعنت من بر تو باد (ص / 78 و...).
- 10- [10] قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ؛ فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی!» (اعراف/15).
- 11- [11] إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ * إِنَّ هَذَا عَدُوُّ لَكَ وَ لِرِزْقِكَ ... * یس، آیه 60؛ کهف، آیه 50؛ فاطر، آیه 6؛ بقره، آیه 208 و 168؛ انعام، آیه 142؛ یوسف، آیه 5.
- 12- وَ مَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا؛ و کسی که شیطان قرین او باشد، بد همنشینی است (نساء/38).
- 13- وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا؛ و شیطان همواره فروگذارنده (خوارکننده) انسان است (فرقان/29).
- 14- [14] إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ؛ (قصص/15).
- 15- وَ مَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا؛ ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده ای به آنها نمی دهد (اسراء/64).
- 16- أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ؛ آیا حتی اگر شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش فروزان کند (باز هم تبعیت می کنند)؟ (لقمان/21).

این موجود، برای گمراه نمودن انسان، از شیوه های گوناگون بهره می جوید برخی روش های ذکر شده در قرآن عبارت اند از زینت بخشی اعمال در نظر انسان (انفال/48؛ نحل/63...⁽¹⁾)، محاصره کامل (اعراف/16، 17)⁽²⁾، اختلاف افکنی و گسستن پیوندها (اسراء/53)⁽³⁾، دستور دادن به منکرها (حشر/16، نور/21)⁽⁴⁾، استزلال یعنی بر اثر گناهان به لغزش افتادن (آل عمران/155)⁽⁵⁾ و غیره.

امروزه استکبار جهانی (شیطان انسی) برای انحراف و انحطاط مسلمین، از شیوه ها و زمینه های انحرافی ابلیس نیز استفاده می کند. شایع ترین آن انحرافات اخلاقی و گسترش فساد از جمله فساد جنسی⁽⁶⁾ است.

2-1-1- کافران

اشاره

دومین گروه از دشمن مسلمین، کافران اند، کافران، بر اساس معیارهایی، به گروه های مختلف دسته بندی می شوند، از جمله کافر اهل کتاب (یهود، مسیح و...)، غیر اهل کتاب و مشرکان که دشمنان خارجی به حساب می آیند. از میان کافران اهل کتاب، قرآن کریم، «یهود» را سرسخت ترین دشمن مسلمین معرفی می کند (مائده/82)⁽⁷⁾.

ص: 40

- 1- زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ؛ شیطان اعمال آنان را برایشان بیاراست (انفال/48؛ نحل/63).
- 2- لَا فَعْدَنَ لَهُمْ صِرَاطُكَ الْمُسْتَقِيمَ؛ من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آنها کمین می کنم. * ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُمُ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ؛ سپس از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان می روم (اعراف/16، 17).
- 3- إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ؛ شیطان میانشان را به هم می زند (اسراء/53).
- 4- كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ؛ همچون شیطان که به انسان گفت، کافر شو * مَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می دهد (حشر/16، نور/21).
- 5- إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا؛ شیطان آنها را بر اثر بعضی از گناهانی که مرتکب شده بودند، به لغزش انداخت (آل عمران/155).
- 6- منظور از فساد جنسی، ترویج اباحیگری، عادی سازی در روابط محرم نامحرم، گسترش بدحجابی و بی حجابی و... که در فصل دوم، بخش فرهنگی، در این باره بحث خواهیم نمود.
- 7- لَنَجْجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا؛ مسلماً یهودیان و کسانی را که شرك ورزیده اند، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت (مائده/82).

اشاره

*1-2-1-1. فهرست برخی باورهای غلط و ویژگی های قوم یهود⁽¹⁾ در فصل دوم این کتاب، توطئه های یهود و در فصل سوم شیوه های مقابل

آنچه بنی اسرائیل در حوزه اندیشه و فکر نشان می دادند و موضع گیری های فکری یهود در طول تاریخ طولانی خود، از مهم ترین مباحثی است که قرآن به آن پرداخته و آن را مورد انتقاد قرار داده است. برخی از عذاب ها و ملامت ها به همین اعتقادات انحرافی و صفات درونی آنان برمی گردد؛ چراکه منشأ بسیاری از انحرافات عملی آنان، انحرافات علمی و لغزش هایی است که در حوزه اندیشه و جهت گیری فکری داشته اند، چنان که برخی از این مواضع و بینش ها از گرایش ها و وابستگی آنان نشئت می گیرد (حاجی صادقی، 1383 ص 21).

آیات بسیاری در قرآن مجید ویژگی های ذاتی، روانی و اجتماعی قوم یهود را برمی شمارد که طبق تحقیقات صورت گرفته، هنوز در جامعه یهودی پابرجا هست و تغییری در آن حاصل نشده است؛ بنابراین شناخت و استخراج این ویژگی ها برای تمام محققان به ویژه محققان مسلمان از اهمیت اساسی برخوردار است؛ هم از این جهت که نماد حقیقی یهود (اسرائیل) خطر و تهدیدی بالفعل برای جوامع مسلمان قلمداد می شود و هم از این رو که قرآن به عنوان وحی الهی، بهترین توصیف را از آن ها ارائه داده است. از سوی دیگر وجود همین ویژگی ها است که در حال حاضر بسیاری از مشکلات را برای جوامع بشری ایجاد نموده و با شناخت آن ها می توان راه حل مناسبی جستجو نمود (آخوندی، 1385 ص 163).

فهرست برخی باورهای غلط و ویژگی های این قوم نژادپرست، با استناد آیات قرآن، به شرح ذیل است:

ص: 41

1- تشریح کامل باور های غلط و ویژه گی های یهود، نیازمند کتاب مستقل است. در این بخش چند مورد مهم را برای نمونه ذکر می کنیم، با استناد آیات قرآن

1-1-2-1-1-1. شرک در تدبیر و ربوبیت

طبق آیه 31 سوره توبه⁽¹⁾، یهودیان مشرک هستند (شرک در تدبیر و ربوبیت).

1-1-2-1-2-2. نسبت فقر به خدا

آیه 181 سوره آل عمران⁽²⁾، تصریح دارد که خداوند، سخن آن‌ها (یهود) را که گفتند: «خدا فقیر است و ما بی نیازیم»؛ شنید!

1-1-2-1-3-3. فرزند قرار دادن برای خدا

یهودیان، حضرت عزیز نبی (علیه السلام) را به عنوان فرزند خدا می دانند (توبه/30)⁽³⁾.

1-1-2-1-4-4. ایمنی از عذاب سخت قیامت!

یهودیان معتقدند که هراندازه که گناه کنند؛ در جهنم، فقط چند روز معدود و محدود، عذاب می شوند و سپس بلافاصله به بهشت می روند (بقره/80؛ آل عمران/24)⁽⁴⁾.

ص: 42

1- اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ (آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند و (همچنین) مسیح فرزند مریم را در حالی که دستور نداشتند جز خداوند یکتایی را که معبودی جز او نیست، پرستند، او پاک و منزّه است از آنچه همتایش قرار می دهند! (توبه/31).

2- لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ؛ خداوند، سخن آنها را که گفتند: «خدا فقیر است و ما بی نیازیم»، شنید! (آل عمران/181).

3- وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ؛ یهود گفتند: «عزیر پسر خداست!» (توبه/30).

4- وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ وگفتند: «هرگز آتش دوزخ، جز چند روزی، به ما نخواهد رسید.» بگو: «آیا پیمانی از خدا گرفته اید؟! - و خداوند هرگز از پیمانش تخلف نمی ورزد- یا چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت می دهید؟! (بقره/80)* ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّبَهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ؛ این عمل آنها، به خاطر آن است که می گفتند: «آتش (دوزخ)، جز چند روزی به ما نمی رسد. (و کیفر ما، به خاطر امتیازی که بر اقوام دیگر داریم، بسیار محدود است.)» این افترا (و دروغی که به خدا بسته بودند)، آنها را در دیشان مغرور ساخت (و گرفتار انواع گناهان شدند). (آل عمران/24).

5-1-2-1-1-1. اعتقاد به قدرت محدود خدا (دست بسته خدا)

با عنایت به آیه 64 سوره مائده(1)، یهود گفتند: «دست خدا (با زنجیر) بسته است.»

ب- ویژگی های شخصیتی قوم یهود

6-1-2-1-1-1. حس گرایی

خداوند متعال در قرآن کریم (بقره/55)(2) این ویژگی یهود را بیان نموده است.

7-1-2-1-1-1. برتری طلبی و نژادپرستی

بر اساس آیه 18 سوره مائده(3)، یهود و نصاری گفتند: «ما، فرزندان خدا و دوستان (خاص) او هستیم!»

8-1-2-1-1-1. دنیاگرایی و علاقه شدید به جمع آوری ثروت

حرص و ولع بنی اسرائیل آن چنان زیاد است که دوست دارند هزار سال زنده بمانند و مال و ثروت جمع کنند (آخوندی، 1385 ص 181). قرآن کریم در آیه شریفه 96(4) سوره بقره تصریح دارد: آن ها را حریص ترین مردم- حتی حریص تر از مشرکان- بر زندگی (این

ص: 43

1- وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ؛ و یهود گفتند: «دست خدا (با زنجیر) بسته است.» دستهایشان بسته باد! و بخاطر این سخن، از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است هر گونه بخواهد، می بخشد (مائده/64).

2- وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ؛ و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد مگر اینکه خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم!» پس صاعقه شما را گرفت در حالی که تماشا می کردید (بقره/55).

3- قَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبُّهُ؛ یهود و نصاری گفتند: «ما، فرزندان خدا و دوستان (خاص) او هستیم.» (مائده/18).

4- وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوَةٍ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوْمَئِذٍ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحِّزٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ؛ و آنها را حریص ترین مردم- حتی حریص تر از مشرکان- بر زندگی (این دنیا و اندوختن ثروت) خواهی یافت (تا آنجا) که هر يك از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود! در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر (الهی) باز نخواهد داشت؛ و خداوند به اعمال آنها بیناست. (بقره/96).

دنیا و اندوختن ثروت) خواهی یافت (تا آنجا) که هر يك از آن ها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود.

این راهبرد در قوم یهود همچنان ادامه یافته تا این که امروز نیز به وضوح مشاهده می شود. گروه های یهودی آمریکا که تنها 5/2% جمعیت این کشور را تشکیل می دهند اما اطلاعات به دست آمده نشان می دهند که درآمد سرانه یهودیان آمریکا تقریباً دو برابر غیر یهودیان است. بیش از یک چهارم ثروتمندترین مردم آمریکا را یهودیان تشکیل می دهند و به طور کلی یک سوم کل میلیونرهای آمریکایی، یهودی هستند. 20% اساتید دانشگاه های معتبر آمریکا نیز یهودی هستند و 40% مؤسسات حقوقی معتبر در شهرهای نیویورک و واشنگتن متعلق به یهودیان هست. در سال 1996 تقریباً 300 سازمان یهودی در آمریکا فعالیت می کردند که در مجموع بودجه ای بالغ بر 6 میلیارد دلار در اختیار داشتند. لازم به ذکر است این مبلغ، از تولید ناخالص ملی نصف کشورهای عضو سازمان ملل بیشتر است (آخوندی، 1385 ص 181).

9-1-2-1-1- سرکشی و نافرمانی از دستورات خدا و پیامبران

مطالعه و دقت در سرگذشت بنی اسرائیل، این حقیقت را روشن می کند که تقریباً در همه فرمان هایی که از جانب خداوند بزرگ به وسیله حضرت موسی علیه السلام به آن ها ابلاغ گردید، به نوعی نافرمانی و سرپیچی صورت گرفته است. به عبارت دیگر در هیچ فرمانی بدون چون و چرا اطاعت نکردند. در هر مرحله ای بهانه ای تراشیدند و به نوعی قصد شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت را داشتند (آخوندی، 1385 ص 166).

سرکشی و بهانه جویی به منظور نافرمانی از دستورات خدا و پیامبران الهی از دیگر خصلت های یهودیان است که در قرآن کریم (مائده/24)؛ [\(1\)](#) به آن اشاره شده است.

ص: 44

1- قَالُوا يَمُوسَى إِنَّا لَنَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ؛ (بنی اسرائیل) گفتند: ای موسی! تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همین جا نشسته ایم (مائده/24). *

قرآن کریم (بقره/74) (1) سنگدلی را از ویژگی های شخصیتی یهود معرفی می نماید. به گونه ای که دلشان از سنگ نیز سخت تر است. ستم های این قوم در جهان معاصر، مخصوصاً بر مردم مظلوم فلسطین، نمونه ای از قساوت قلب بنی اسرائیل است.

قرآن کریم (آل عمران/54) (2)، نیرنگ بازی (حیله گری) را جزو خصلت های یهود، بیان می کند.

«نفاق» معنی وسیعی دارد که طبق فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) (4)، هرگونه دوگانگی ظاهر و باطن را در برمی گیرد به همین علت هر فرد دورو را در هر مقوله ای می توان منافق نامید.

ص: 45

1- ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ سپس دل های شما بعد از این واقعه سخت شد همچون سنگ، یا سخت تر! چرا که پاره ای از سنگها می شکافد و از آن نهرها جاری می شود و پاره ای از آنها شکاف برمی دارد و آب از آن تراوش می کند و پاره ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می افتد (اما دل های شما، نه از خوف خدا می تپد و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است!) و خداوند از اعمال شما غافل نیست (بقره/74).

2- وَ مَكْرُواً وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ؛ و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش)، نقشه کشیدند و خداوند (بر حفظ او و آیینش)، چاره جویی کرد و خداوند، بهترین چاره جویان است (آل عمران/54).

3- با کمال تاسف، از صدر اسلام تاکنون، به دلیل نفوذ منافقان به لایه های مدیریت کشور های اسلامی، ضربات جبران ناپذیری وارد کرده اند. این مقوله، در نفاق سیاسی تجلی بیشتری داشته است.

4- قَالَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله و سلم):... مَنْ خَالَفَتْ سِرِّرَتُهُ عَلَانِيَتَهُ فَهُوَ مُنَافِقٌ كَانَتْ أَمِنْ كَانَ وَ حَيْثُ كَانَ وَ فِي أَيِّ زَمَنِ كَانَ وَ عَلَى أَيِّ رُتْبَةٍ كَانَ (مصباح الشریعة، ص: 147)

به انسان دورو، یعنی کسی که گفتار او با آنچه در دل دارد؛ مخالف است؛ منافق گویند که مکنون قلبی خود را پنهان کرده غیر آن را اظهار می دارد (سبحانی تبریزی، 1383، ج 4 ص 9).

قرآن کریم، منافق را حول محور عقیده (ایمان) تبیین می نماید، یعنی اینکه در باطن کافر و مشرک و منحرف باشد ولی در ظاهر، اظهار اسلام و ایمان کند (1)؛ زیرا سایر طبقه بندی های نفاق (نفاق اخلاقی، نفاق عملی و...) از همین عقیده و باور سرچشمه می گیرد.

در این کتاب، ضمن پرداختن به نفاق در صدر اسلام، تبیین نفاق سیاسی در عصر حاضر - که در گفتار و عملکرد برخی از مردم و مسئولین، جوامع اسلامی از جمله ایران، تجلی دارد - مد نظر است؛ گرچه نتیجه هردو (نفاق عقیدتی و سیاسی و...) در عمل یکسان است، همان آسیب زدن به کشور اسلامی و تامین منافع دشمنان می باشد.

منافق (سومین دسته از کفار) کسی است که کفر خویش را پنهان دارد و خلاف آن را آشکار سازد (بقره/ 204؛ منافقون/ 2) (2). این گروه در ردیف دشمنان داخلی واقعی (3) و خطرناک ترین دشمن، به حساب می آیند (4)؛ زیرا شناختشان برای عموم مسلمین و مؤمنین بسیار دشوار و در مواقعی غیرممکن است (5). لذا اسلام و مسلمین، از ناحیه منافقین، خیلی

ص: 46

1- وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ؛ و برخی از مردم (منافقان) می گویند: «ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده ایم»، ولی گروندگان [راستین] نیستند (بقره/ 8).

2- وَيُشَهِدُ اللّٰهُ عَلَىٰ مَا فِيٰ قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ؛ و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت ترین دشمنانند* اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللّٰهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ از سوگندهای خود سپری ساختند و از راه خدا بازداشتند و به حقیقت، آنچه می کنند ناپسند است (بقره/ 204؛ منافقون/ 2).

3- هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ؛ آنها دشمنان واقعی تو هستند، پس از آنان بر حذر باش! (منافقون/ 4).

4- وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ؛ آنان، سرسخت ترین دشمنانند (بقره/ 204).

5- آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ؛ [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد (انفال/ 60).

ضربه می خورد. خداوند به نبی مکرم اسلام صل الله علیه و اله یادآور می شود که منافقان از روی نشانه ها و لحن کلام (1) (ویژگی های خاص) قابل شناسایی اند.

پیشوایان دین، ویژگی های فراوانی برای اهل نفاق برشمرده اند، از جمله پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «منافق کسی است که چون وعده ای دهد تخلف کند، هرگاه عملی انجام دهد آشکارش نماید، چون حرفی بزند دروغ گوید، اگر به او اطمینان کنند خیانت ورزد» (کلینی، 1407، ج 2، ص: 291) (2).

امام صادق علیه السلام: «منافق راضی شده است که از رحمت پروردگار دور باشد؛ زیرا که اعمال خود را ظاهراً بر اساس شریعت انجام می دهد، ولی در باطن، کارهای خود را بیهوده می پندارد؛ پایبند واقعی به شریعت نبوده و آن را استهزاء می نماید؛ و علامت های نفاق عبارت است از: بی باکی در دروغ گفتن، خیانت به دیگران، بی حیایی شدید، ادعاهای پوچ، خائن بودن چشم، سبک مغزی، بی اهمیتی به گناهان، خوار شمردن دین داران، بی ارج پنداشتن گرفتاری ها، خود پسندی و خودبینی، دوست داشتن ستایش، حسادت، ترجیح دادن دنیا بر آخرت، مقدم داشتن رفتار ناپسند بر رفتار پسندیده، تمایل به سخن چینی، دوست داشتن لهو و لغو، همراهی با فاسقان و ظالمان، ... کارهای زشت خود را نیکو دیدن، کارهای نیک دیگران را بد اندیشیدن...» (مصباح الشریعة، ص: 144) (3).

این علامت ها در گروه های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، عبادی و غیره دسته بندی می شود.

ص: 47

1- وَلَوْ شَاءَ لَا رَيْبَ لَكُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسَمِهِمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ؛ ما اگر بخواهیم تک تک آنان را به تو نشان می دهیم ولی تو خودت ایشان را هم به علامت هایشان خواهی شناخت و هم به لحن سخنانشان می شناسی (محمد/30).

2- ثَلَاثٌ مَنْ كُنْ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا: إِذَا اثْتَمَنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ (اصول کافی - ط - الإسلامية، ج 2، ص: 291)

3- قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): الْمُنَافِقُ قَدْ رَضِيَ بِبُعْدِهِ عَنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى لِأَنَّهُ يَأْتِي بِأَعْمَالِهِ الظَّاهِرَةِ شَبِيهَاً بِالشَّرِيعَةِ وَهُوَ لَا يَدْرِي وَلَا يَخْلُفُ بِالْقَلْبِ عَنْ حَقِّهَا مُسْتَهْزِئٌ فِيهَا وَعَلَامَةُ النِّفَاقِ قِلَّةُ الْمُبَالَاةِ بِالْكَذِبِ وَالْخِيَانَةِ وَالْوَقَاحَةِ وَالِدَّعْوَى بِلَا مَعْنَى وَاسْتِخَانَةُ الْعَيْنِ وَالسَّفَهَ وَالْغَلَطَ وَقِلَّةُ الْحَيَاءِ وَاسْتِصْغَارُ الْمَعَاصِي وَاسْتِضَاعُ أَرْبَابِ الدِّينِ وَاسْتِخْفَافُ الْمَصَائِبِ فِي الدِّينِ وَالْكِبَرُ وَحُبُّ الْمَدْحِ وَالْحَسَدُ وَإِثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَالشَّرُّ عَلَى الْخَيْرِ - وَالْحَثُّ عَلَى التَّمِيمَةِ وَحُبُّ اللَّهْوِ وَمُعَاوَنَةُ أَهْلِ الْفِسْقِ وَالْبَغْيِ وَالتَّخَلُّفُ عَنِ الْخَيْرَاتِ وَتَنْقُصُ أَهْلِهَا وَاسْتِحْسَانُ مَا يَفْعَلُهُ مِنْ سُوءٍ وَاسْتِقْبَاحُ مَا يَفْعَلُهُ غَيْرُهُ مِنْ حَسَنٍ وَأَمْثَالُ ذَلِكَ كَثِيرَةٌ (مصباح الشریعة، ص: 145).

خصوصیات عبادی - اجتماعی منافقین شامل عبادت از روی ریا، ایستادن به نماز باحالت تبلی (نساء/142، توبه/54)(1)، امر به منکر و نهی از معروف (توبه/67)(2)، کفر ورزیدن در پوشش ایمان، فساد در پوشش اصلاح و نیرنگ بازی و چند چهرگی (بقره/8-12)(3)، دارای قیافه حق به جانب اند و سعی دارند که مردم را تحت تأثیر قرار دهند (منافقون/1-5)(4)، تضعیف باورهای دینی و شبهه افکنی (آل عمران/154، احزاب/12)(5)، تحقیر و تمسخرِ مؤمنین (بقره/14؛ توبه/79؛ هود/27؛ شعراء/111)(6) و سوگند بسیار برای

ص: 48

1- إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا منافقان می خواهند خدا را فریب دهند در حالی که او آنها را فریب می دهد و هنگامی که به نماز برمی خیزند، با کسالت برمی خیزند و در برابر مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی نمایند * وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَرِهُونَ؛ و نماز بجا نمی آورند جز با کسالت و انفاق نمی کنند مگر با کراهت (نساء/142، توبه/54).

2- الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ؛ مردان منافق و زنان منافق، همه از يك گروهند! آنها امر به منکر و نهی از معروف می کنند.

3- وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ؛ گروهی از مردم (منافقان) کسانی هستند که می گویند: به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده ایم، در حالی که ایمان ندارند (بقره/8)، يَخْدِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ؛ می خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند (اما) نمی فهمند. (بقره/9)، وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ؛ و هنگامی که به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید» می گویند: «ما فقط اصلاح کننده ایم» (بقره/11) إِلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لَا كِنَ لَا يَشْعُرُونَ؛ آگاه باشید، اینها همان مفسدانند ولی نمی فهمند (بقره/12).

4- وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يَقُولُوا تَسَّ مَعَ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مِّنْ نَّخْلٍ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَاحِبَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ؛ هنگامی که آنها را می بینی، جسم و قیافه آنان تو را در شگفتی فرو می برد و اگر سخن بگویند، به سخنانشان گوش فرا می دهی اما گویی چوبهای خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده اند! هر فریادی از هر جا بلند شود بر ضد خود می پندارند آنها دشمنان واقعی تو هستند، پس از آنان بر حذر باش! خداوند آنها را بکشد، چگونه از حق منحرف می شوند (منافقون/4).

5- ... [5] وَ طَائِفَةٌ وَقَدْ أَهْمَتَهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَنْظُرُونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَهْلِيَّةِ...؛ اما گروه دیگری (منافقان) در فکر جان خویش بودند آنها گمانهای نادرستی همچون گمانهای دوران جاهلیت، درباره خدا داشتند... * (آل عمران/154) وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا؛ و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که منافقان و بیماردلان می گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده های دروغین به ما نداده اند (احزاب/12).

6- وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنُوا وَ إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شُيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَءُونَ؛ و هنگامی که (منافقان) افراد با ایمان را ملاقات می کنند و می گویند: «ما ایمان آورده ایم!» (ولی) هنگامی که با شیطانهای خود خلوت می کنند، می گویند: «ما با شما نیستیم! ما فقط (آنها را) مسخره می کنیم» (بقره/14) * لَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ آنهايي که از مؤمنان اطاعت کار، در صدقاتشان عیبجویی می کنند و کسانی را که (برای انفاق در راه خدا) جز به مقدار (ناچیز) توانایی خود دسترسی ندارند، مسخره می نمایند، خدا آنها را مسخره می کند (و کيفر استهزا کنندگان را به آنها می دهد) و برای آنها عذاب دردناکی است! (توبه/79) * مَا تَرْكَبُكَ أَتَّبِعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّى الرَّأْيِ؛ و جز فرومایگان ما، آن هم

نسنجیده، نمی بینیم کسی تو را پیروی کرده باشد (هود/27)* قَالُوا أَنْتُمْ لَكُمْ وَاتَّبَعَكَ الْأُذُلُونَ؛ گفتند: آیا به تو ایمان بیاوریم و حال آنکه فرومایگان، از تو پیروی کرده اند (شعرا/111).

باوراندن حرف خود به مردم (توبه/56؛ منافقون/2)(1) از نشانه های دیگر منافق، نابودی زیرساخت های توسعه است (بقره/205)(2).

ب. ویژگی های اخلاقی دو چهرگان

ویژگی های اخلاقی دو چهرگان شامل عدم اعتماد به نفس، ترس و بخل (احزاب/19؛ توبه/67)(3)، لجاجت (بقره/18 و 206)(4)، پیروی از هوای نفس (محمد/16)(5)، توجیه گناه (نساء/62)(6) و...

ص: 49

1- وَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَ لَا كَيْفَ هُمْ قَوْمٌ يَعْرِقُونَ؛ و به خدا سوگند یاد می کنند که آنان قطعاً از شمايند، در حالی که از شما نیستند، لیکن آنان گروهی هستند که می ترسند (توبه/56) * اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛ آنها سوگندهایشان را سپر ساخته اند تا مردم را از راه خدا باز دارند (منافقون/2).

2- وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباہکاری را دوست ندارد. (بقره/205)

3- أَشِدَّ حَقًّا عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَقْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ حِدَادٍ أَشَدَّ حَقًّا عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَ كَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا؛ آنها در همه چیز نسبت به شما بخیلند و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می بینی آن چنان به تو نگاه می کنند و چشمهایشان در حلقه می چرخد، که گویی می خواهند قالب تهی کنند! اما وقتی حالت خوف و ترس فرونشست، زبانهای تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما می گشایند (و سهم خود را از غنایم مطالبه می کنند!) در حالی که در آن نیز حریص و بخیلند آنها (هرگز) ایمان نیاورده اند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد و این کار بر خدا آسان است (احزاب/19) * وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ؛ و دستهایشان را (از انفاق و بخشش) می بندند (توبه/67).

4- صُمُّ بُكْمٌ عُمَى فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ؛ آنها کران، گنگها و کوراندن لذا (از راه خطا) باز نمی گردند (بقره/18) *

5- وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَا ذَا قَالِ ؕ إِنَّا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ؛ گروهی از آنان به سخنان گوش فرامی دهند، اما هنگامی که از نزد تو خارج می شوند به کسانی که علم و دانش به آنان بخشیده شده (از روی استهزا) می گویند: «(این مرد) الان چه گفت؟!» آنها کسانی هستند که خداوند بر دلهایشان مهر نهاده و از هوای نفسشان پیروی کرده اند (از این رو چیزی نمی فهمند) (محمد/16).

6- فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيَهُمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَٰنًا وَ تَوْفِيقًا؛ پس چگونه وقتی به خاطر اعمالشان، گرفتار مصیبتی می شوند، سپس به سراغ تو می آیند، سوگند یاد می کنند که منظور (ما از بردنِ داورِی نزد دیگران)، جز نیکی کردن و توافق (میان طرفین نزاع)، نبوده است؟ (نساء/62).

خصوصیات سیاسی منافقین عبارت اند از دوستی با بیگانگان (مجادله/14)(1)، فتنه گری (توبه/47-48)(2)، فرصت طلبی (نساء/141)؛ احزاب/19، 20)(3)، ایجاد جنگ روانی (نساء/83)؛

ص: 50

1- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با گروهی که مورد غضب خدا بودند ریختند؟! آنها نه از شما هستند و نه از آنان! سوگند دروغ می کنند (که از شما هستند) در حالی که خودشان می دانند (دروغ نمی گویند) (مجادله/14)* فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُضَاعِفَهُمْ بِحُجَّتِهِمْ عَلَى مَا أَسْرَفُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ؛ (ولی) کسانی را که در دلهایشان بیماری است می بینی که در (دوستی با دشمنان)، بر یکدیگر پیشی می گیرند، و می گویند: «می ترسیم حادثه ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم!)» شاید خداوند پیروزی یا حادثه دیگری از سوی خود (به نفع مسلمانان) پیش بیاورد و این دسته، از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند! (مائده/52).

2- لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالًا لَكُمْ بِبُعُوثِكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمْعَانٌ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (47)* لَقَدْ ابْتِغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَرِهُونَ (48)؛ اگر آنها همراه شما (بسوی میدان جهاد) خارج می شدند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی افزودند و بسرعت در بین شما به فتنه انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می پرداختند و در میان شما، افرادی (سست و ضعیف) هستند که به سخنان آنها کاملاً گوش فرامی دهند و خداوند، ظالمان را می شناسد. (47)* آنها پیش از این (نیز) در پی فتنه انگیزی بودند و کارها را بر تو دگرگون ساختند (و به هم ریختند) تا آن که حق فرا رسید و فرمان خدا آشکار گشت (و پیروز شدید)، در حالی که آنها کراحت داشتند. (48)

3- الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می کشند و مراقب شما هستند اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنائم شریکیم!) و اگر بهره ای نصیب کافران گردد، به آنان می گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!) (نساء/141)؛ أَشْجَعَةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَفُوكُمْ بِالسِّنَةِ جَدَادٍ أَشْجَعَةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا؛ آنها در همه چیز نسبت به شما بخیلند و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می بینی آن چنان به تو نگاه می کنند و چشمهایشان در حلقه می چرخد، که گویی می خواهند قالب تهی کنند! اما وقتی حالت خوف و ترس فرو نشست، زبانهای تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما می گشایند (و سهم خود را از غنائم مطالبه می کنند!) در حالی که در آن نیز حریص و بخیلند آنها (هرگز) ایمان نیاورده اند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد و این کار بر خدا آسان است (احزاب/19)، *يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا؛ آنها گمان می کنند هنوز لشکر احزاب نرفته اند و اگر برگردند (از ترس آنان) دوست می دارند در میان اعراب بادیه نشین پراکنده (و پنهان) شوند و از اخبار شما جويا گردند و اگر در میان شما باشند جز اندکی پیکار نمی کنند (احزاب/20).

(احزاب/60)(1)، پذیرفتن حکومت دینی (نساء/60، 61)(2)، مخالفت عملی با دستورات ولایت (نور/62)(3)، نان به نرخ روز خوردن (احزاب/19)(4).

حضرت امام علی علیه السلام در خطبه 194 نهج البلاغه، برخی ویژگی های منافقان را فهرست کرده اند که به طور خلاصه اشاره می کنیم:

1- گمراه و گمراه کننده اند؛ فَإِنَّهُمْ الضَّالُّونَ الْمُضِلُّونَ

2- لغزشکار و لغزاننده اند؛ الزَّالُونَ الْمُرِلُونَ

3- رنگ به رنگ می شوند و فتنه گری می کنند؛ يَتَلَوْنُونَ أَلْوَانًا وَيَتَّبِعُونَ افْتِنَانَا

ص: 51

1- وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا؛ و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می سازند در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان- که قدرت تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد؛ و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، همگی از شیطان پیروی می کردید (و گمراه می شدید) (نساء/83) * لَّئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛ اگر منافقان و بیمار دلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس در مدینه پخش می کنند دست از کار خود بر ندارند، تو را بر ضد آنان می شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند! (احزاب/60).

2- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أَنزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنزَلَ مِن قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا؛ آیا ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آنچه (از کتابهای آسمانی که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده اند، ولی می خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با اینکه به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می خواهد آنان را گمراه کند و به بیراهه های دور دستی بيفکند (نساء/60). * وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتُ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا؛ و هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر بیايد»، منافقان را می بینی که (از قبول دعوت) تو، اعراض می کنند (نساء/60).

3- قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلْلُونَ مِنْكُمْ لَوْادًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ خداوند کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان می شوند و یکی پس از دیگری فرار می کنند می داند! پس آنان که فرمان او را مخالفت می کنند، باید بترسند از اینکه فتنه ای دامشان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد (نور/63).

4- أَشِدَّ حَقًّا عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالنِّسَةِ حِدَادٍ أَشَدَّ عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا؛ آنها در همه چیز نسبت به شما بخیلند و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می بینی آن چنان به تو نگاه میکنند و چشمهایشان در حدقه میچرخد، که گویی میخواهند قالب تهی کنند! اما وقتی حالت خوف و ترس فرونشست، زبانهای تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما میگشایند (و سهم خود را از غنائم مطالبه میکنند!) در حالی که در آن نیز حریص و بخیلند آنها (هرگز) ایمان نیاورد هاند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و

نابود کرد و این کار بر خدا آسان است (احزاب/19).

4- در هر پناهگاهی، کمین می زند، یَعْمِدُونَكُمْ بِكُلِّ عِمَادٍ وَیَرْصُدُونَكُمْ بِكُلِّ مِرْصَادٍ

5- بیماردلی و ظاهر آرایی؛ قُلُوبُهُمْ دَوِيَّةٌ وَصِفَاحُهُمْ نَقِيَّةٌ

6- حرکت های پنهانی؛ یَمْشُونَ الْخَفَاءَ.

7- تنگ نظری و ایجاد یأس، حَسَدَهُ الرِّخَاءِ وَ مُؤَكِّدُوا الْبَلَاءِ وَ مُقْنِطُوا الرِّجَاءِ

8- شریک دزد و رفیق قافله؛ لَهُمْ بِكُلِّ طَرِيقٍ صَرِيحٌ وَإِلَى كُلِّ قَلْبٍ شَفِيعٌ وَلِكُلِّ شَجْوٍ دُمُوعٌ؛ (آن ها در هر راهی کشته ای را به خاک افکنده اند و به هر دلی راهی دارند و بر هر مصیبتی اشکی دروغین می ریزند)

9- اصرار و لجاجت؛ إِنْ سَأَلُوا الْحَقُّوْا

10- پرده دری و هتک حرمت؛ وَإِنْ عَذَّلُوا كَشَفُوا

11- خیانت در قضاوت؛ وَإِنْ حَكَمُوا أَسْرَفُوا.

12- برنامه ریزی برای اهداف باطل، قَدْ أَعَدُّوا لِكُلِّ حَقٍّ بَاطِلًا.

13- آمیختن حق و باطل؛ یَقُولُونَ فَيَسْبِهُونَ

14- پس اینان، پیروان شیطانند؛ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ

ص: 52

انواع جنگ

اشاره

قبل از تبیین ماهیت جنگ نرم، به انواع جنگ اشاره می‌کنیم.

الف - جنگ سخت

منظور از جنگ سخت، جنگ نظامی و فیزیکی میان سربازان و نظامیان مهاجم و جبهه‌ی مقابل است.

ب - جنگ نیمه سخت

هدف اصلی در جنگ نیمه سخت، تغییر حاکمان و مسئولان کشور است. در این نوع از جنگ که معمولاً برای سرنگون کردن و تسخیر یک حکومت است، سپاه دشمن علناً وارد جنگ نمی‌شود بلکه سعی می‌کند مهره‌های خود را توسط کودتای نظامی و... به قدرت برساند.

کودتا، شورش، انقلاب رنگی و مخملی، جرائم سازمان‌یافته و... از اشکال جنگ (تهدید) نیمه سخت بشمار می‌رود (نائینی، 1389 ص 168).

ص: 54

ج- جنگ ترکیبی (هیبریدی)

جنگ هیبریدی در بُعد نظامی که گاهی از آن با عنوان عملیات های پیچیده، جنگ های کوچک و یا جنگ های نامنظم نیز یاد می شود، بیانگر به کارگیری ترکیبی قابلیت های نیروهای نظامی متعارف به شیوه ای پیچیده و هماهنگ شده است (مشرق نیوز، 19رداد 1395). (1)

در یک تعریف جامع تر که در کنفرانس امنیتی مونیخ 2015 ارائه شده، نبرد هیبریدی شامل ترکیبی از ابزارهای مختلف متعارف و غیرمتعارف است. این ابزارها از دیپلماسی تا جنگ نظامی را در هشت قسمت شامل می شود: 1. دیپلماسی 2. جنگ اطلاعاتی و پروپاگاندا 3. حمایت از نابسامانی ها و شورش های محلی 4. نیروهای نامنظم و چریکی 5. نیروهای ویژه 6. نیروهای کلاسیک نظامی 7. جنگ اقتصادی 8- حمله های سایبری (پورحسن، 1396).

د- جنگ بیولوژیکی

جنگ بیولوژیکی یا جنگ زیستی به معنی استفاده از عوامل بیولوژیکی، اعم از باکتری ها، ویروس ها، قارچ ها و فراورده های آن ها به منظور اهداف خصمانه برای کشتن یا ناتوان کردن انسان ها، جانوران یا گیاهان است.

نمونه بارز این نوع جنگ، تولید و انتشار ویروس کرونا در سال 2020 م است که- بنا به برخی گزارش ها- توسط آمریکا، به منظور ضربه زدن به چین و ایران منتشر شد و لی این ویروس، سراسر دنیا، حتی خود آمریکا را آلوده نموده تعداد زیادی از مردمان را به بیماری «کویید 19» مبتلا نمود و از پای در آورد! که ریشه کنی کامل این ویروس مستلزم زمان طولانی بوده و بسا بطور کامل از بین نرود.

ص: 55

پیش از آن نیز ویروس های دست ساز بشری که سلامت انسان را هدف گرفتند؛ فراوان اند، نظیر ابولا، سارس، سیاه زخم و...

ه- جنگ نرم

1-1- تاریخچه جنگ

اشاره

*1-1- تاریخچه جنگ (1)

جنگ نرم و مفاهیم همسان از قبیل جنگ روانی، عملیات روانی و قدرت نرم، تهدید نرم، قدمتی به اندازه ی حیات بشری دارند.

با استناد به آیات قرآن کریم، شیطان، برای گمراه نمودن انسان، از شیوه های گوناگون بهره می جوید مانند زینت بخشی اعمال ناشایسته در نظر انسان (انفال/48؛ نحل/63...)، وعده های فریبنده و خیالی (نساء/120)، محاصره کامل (اعراف/16، 17)، اختلاف افکنی و گسستن پیوندها (اسراء/53)، استزلال یعنی بر اثر گناهان به لغزش افتادن (آل عمران/155)، دستور دادن به منکرها (حشر/16، نور/21) و غیره.

لذا، بعد از آفرینش اولین انسان (حضرت آدم و حوا)، نخستین بار، جنگ نرم میان انسان و شیطان صورت گرفت سپس بین خود انسان ها. در طول تاریخ، پیامبران خدا و طرفدارانشان، پیوسته مورد هجوم جنگ نرم، قرار داشتند. «فتنه» از واژگانی است که در قرآن و سنت، علاوه بر معانی دیگر - معادل مفهوم جنگ نرم است.

از واژگان تخصصی که همدیف «جنگ نرم» استفاده شده اند عبارت اند از «استعمار» و «جنگ سرد». گرچه از جهاتی، این دو کلمه، باهم فرق می کنند. ولی وجه مشترک هر دو، تلاش برای تسلط به کشور هدف است.

ص: 56

1- مباحث تخصصی جنگ نرم، در قالب کتب مستقل ارائه شده است. ما در این کتاب، با رویکرد قرآنی، این مبحث را بطور خلاصه پی می گیریم.

استعمارگران، برای نفوذ به کشورهای هدف، در همه ابعاد اقتصادی، علمی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی و اجتماعی و غیره، برنامه های خاصی را دنبال می کردند. استعمارگری، در ادبیات سیاسی موجود، به تسلط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ملتی نیرومند بر ملتی ضعیف تر از خود و نگه داشتن آن در وضعیتی وابسته و فرودست، اطلاق می شود (شرف الدین، 1389). استعمار از جمله نمودهای بارز امپریالیسم، قدرتی است که می خواهد از مرزهای ملی و قومی خود تجاوز کرده و بر سرزمین ها، ملت ها و اقوام دیگر استیلا یابد و اراده اش را بر آنها تحمیل کند (علیزاده، 1381، ص 73).

استعمار، از تاریخ پیدایش (حدوداً از اوایل قرن 16 میلادی) دو شیوه اساسی را اجرا کرده است؛ یکی استعمار قدیم یا کلاسیک (مبتنی بر حضور نظامی و فیزیکی استعمارگران در کشور هدف) دیگری استعمار نو به معنی اجرای یک سری فعالیت هایی شبیه جنگ نرم کنونی است. اخیراً واژه سومی نیز خلق شده با عنوان «استعمار فرانو» به مفهوم اشغال پایدار، غیرمستقیم و بدون اعتراض مردمی با عبور از حاکمان سیاسی است.

جنگ سرد

جنگ سرد اصطلاحی است که به دوره ای از رقابت، تنش و کشمکش های سیاسی و ژئوپلیتیکی بین بلوک شرق (اتحاد جماهیر شوروی و دولت های اقماری اش) و بلوک غرب (ایالات متحده آمریکا و متحدان ناتو) بعد از جنگ جهانی دوم گفته می شود که حدوداً سال 1947 آغاز شده- تا سال 1991 ادامه داشت. در طول این دوره رقابت میان این دو ابرقدرت در عرصه های گوناگون مانند اتحاد نظامی، ایدئولوژی، روانشناسی، جاسوسی، ورزش، تجهیزات نظامی، صنعت و توسعه فناوری ادامه داشت (آدامز، 1391 ص 169).

قبل از کلمه، جنگ نرم، اصطلاح «قدرت نرم» برای اولین بار، توسط جوزف نای، تقریباً سال 19000، بکار گرفته شد (نای، 1387، ص 24).

جنگ نرم به وسیله کمیته خطر جاری در مهر و موم های پایانی دهه 1980 طراحی شد. کمیته خطر جاری در اوج جنگ سرد و در دهه 1970 با مشارکت استادان برجسته علوم سیاسی و مدیران باسابقه سازمان سیا و پنتاگون تأسیس شد. در آن مقطع و در پی اصلاحات گورباچف مبنی بر ایجاد فضای باز سیاسی و تغییر در قوانین اقتصادی (پروسترویکا) این کمیته با منتفی دانستن جنگ سخت و رودررو با اتحاد جماهیر شوروی، تنها راه به زانو درآوردن بلوک شرق را جنگ نرم و فروپاشی از درون معرفی کرد. سیاست گذاران پنتاگون و سیا با سه راهبرد دکترین مهار، نبرد رسانه ای و ساماندهی نافرمانی مدنی، اتحاد شوروی را به فروپاشی و شکست واداشتند. (افتخاری، 1387، ص 402-369).

ولی اصطلاح «جنگ نرم» به معنی رایج کنونی آن، در ایران، از سال 1388 به بعد، پس از ناآرامی های مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، برای اولین بار توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله خامنه ای (1) مطرح شده در محافل علمی، تشریح گردید، ایشان، پس از آن، پیوسته در سخنرانی هایش، از خطرات این جنگ و ضرورت مقابله با آن صحبت نموده مردم را آگاه ساخته اند.

ص: 58

1- بیانات رهبر فرزانه، در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی کشور، 4/6/1388.

اشاره

* سیر تحول واژگان در خصوص جنگ نرم با استناد به بیانات رهبر معظم انقلاب (1)

نظر به اهمیت و ضرورت مقابله با دشمن، رهبر فرزانه و تیزبین انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله خامنه ای، حدود سه دهه است که پیوسته، در سخنرانی های خود، به مقوله جنگ نرم، پرداخته اند. ایشان، با توجه به شرایط زمانی، از واژگان متعددی استفاده کرده اند که همه آن ها در عمل و نتیجه، ناظر به یک مقوله است (2)؛ یعنی تلاش دشمن برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران! برخی از این اصطلاحات به شرح ذیل است:

الف - تهاجم فرهنگی

* تهاجم فرهنگی (3)

از اواخر دهه 1360 و طول دهه 70، تهاجم فرهنگی محور مباحث ایشان بود.

ب - شیخون فرهنگی

* شیخون فرهنگی (4)

این واژه، در سخنرانی رهبر عزیز، در دیدار با در دیدار مردم مؤمن و انقلابی آذربایجان شرقی در تاریخ 28 بهمن 1387 نمایان است.

ج - براندازی نرم

* براندازی نرم (5)

این واژه در سخنرانی رهبر عزیز، در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، مورخه 29/3/1385 بکار گرفته شده است

ص: 59

1- متن کامل سخنرانی های رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای، در پایگاه khamenei.ir، گزینه بیانات و همچنین در پایگاه اطلاع رسانی ایشان <https://www.leader.ir> موجود است.

2- گرچه این واژگان، تمایزهای جزئی - از نظر شدت و ضعف در تاثیرگذاری بر جامعه هدف - دارند.

[/https://www.leader.ir/fa/content//774](https://www.leader.ir/fa/content//774) -3

[/https://www.leader.ir/fa/content//4809](https://www.leader.ir/fa/content//4809) -4

<https://www.leader.ir/fa/content//2907> -5

د- ناتوی فرهنگی

*ناتوی فرهنگی (1)

این واژه در سخنرانی رهبر عزیز، در دیدار با دانشگاهیان سمنان مورخه 18/8/1385 بکار گرفته شد.

ه- توطئه نرم

* توطئه نرم (2).

این واژه در سخنرانی رهبر عزیز، در دیدار با خانواده های شهیدان و جانبازان کردستان مورخه 22/02/1388 بکار گرفته شد.

و- جنگ نرم

* جنگ نرم (3)

این واژه در پیام شفاهی رهبر معظم انقلاب به تشکل های دانشجویی انقلابی، مورخه 23/11/1392 بکار گرفته شد.

3-1- مفهوم جنگ نرم

اشاره

جنگ نرم یعنی، اجرای برنامه ای حساب شده، مسالمت آمیز و درازمدت برای نفوذ در ارکان سیاسی - اجتماعی یک نظام به منظور تغییر سیستم سیاسی یک کشور با ایجاد تغییر و تحول اساسی در باورهای اساسی و اصلی آن (وزیری، 1390 ص 120). جنگ نرم از سنخ جنگ فرهنگی است. ابزار و ادوات آن از نوع ابزارهای فرهنگی، فکری، اندیشه ای و منشی اند. دشمنان در جنگ نرم به دنبال تسخیر باورها و ارزش های یک ملت اند. تصرف قلب ها و مغزها، هدف اصلی جنگ نرم است (افتخاری و عبدی 1393، ص 13)؛ زیرا پس از ایجاد تغییرات نرم، به آسانی، می توانند آن کشور را تسخیر نموده به اهداف خود برسند!

ص: 60

چرایی جنگ نرم، از چند جهت قابل تبیین است:

الف- جایی که به دلیل توان نظامی و قدرت دفاعی بالا، در کشور هدف (مثل ایران)، دشمن از مقابله نظامی (جنگ سخت) ناامید و منصرف می شود.

ب- دشمن، احتمال می دهد که در جنگ نرم، به اهدافش می رسد، چون خیلی از مردم عادی در کشور هدف، اطلاعاتی از جنگ نرم ندارند لذا ناخودآگاه سرباز دشمن می شوند.

4-1- فتنه، به عنوان مهم ترین معادل جنگ نرم در قرآن و حدیث. معنای فتنه

اشاره

فتنه، در قرآن، معانی و مصادیق مختلف دارد. از جمله آزمایش و امتحان که حدود 22 بار به کاررفته است (بقره/102؛ اعراف/155؛ توبه/126؛ اسراء/60؛ طه/131، 85، 40 و 90؛ ص/24 و 34؛ زمر/49، تغابن/15؛ دخان/17؛ جن/17؛ مدثر/31؛ انبیاء/35 و 111؛ حج/11 و 35؛ فرقان/20؛ عنکبوت/2 و 3)، عذاب الهی (مائده/41 و 71؛ ذاریات/40؛ حدید/14)،

از معانی مهم فتنه، اضطراب و اخلال در نظم امور جامعه⁽¹⁾ حدود 24 بار استعمال شده است (آل عمران/7؛ نساء/101، مائده/49؛ انعام/23؛ اعراف/27؛ انفال/25، 39 و 73؛ توبه/47، 48 و 49؛ یونس/83؛ نحل/110؛ اسراء/73؛ نور/63؛ نمل/47؛ عنکبوت/10؛ صافات/63 و 162؛ قلم/6)، به معنای شرک و بت پرستی، مصداق بارز اخلال امور اجتماعی (بقره/193، 191 و 217؛ نساء/91).

ص: 61

1- مصادیق این امر گسترده بوده شامل فریب، تحریف حقایق و تحریف آموزه های دینی، شرک و بت پرستی و غیره است. در ادبیات سیاسی-اجتماعی، همچنین در این تحقیق، همین معنا (اخلال در نظم امور جامعه) مدنظر است.

در یک جمع بندی کلی می توان چنین نتیجه گرفت که اضطراب و پریشانی در نظام امور جامعه، معنای دقیق فتنه، از منظر قرآن است؛ چراکه فتنه در این معنا مفهومی است عام که معانی دیگری را چون آزمایش و امتحان، عذاب، قتل و... دربر می گیرد و در این مصادیق، فراوان استعمال شده است (یساقی، 1388 ص 171).

در نهج البلاغه نیز غالباً، فتنه در این معنا - غبار آلودگی فضای فکری جامعه که تشخیص حق و باطل جز برای خواص با بصیرت، میسر نباشد، آشوب و نافرمانی مدنی علیه حاکم اسلامی - استفاده شده است.

به عنوان نمونه:

امام علی علیه السلام: «وَيَبُتُّ الْفِتْنُ فِيهَا فَلَا يُصَيِّرُونَ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ يَمْوُجُونَ فِيهَا مَوْجاً وَ يَمْرُجُونَ فِيهَا مَرْجاً؛ فتنه و فساد در میانشان گسترش یابد تا آنجا که حق را از باطل نمی شناسند و به سختی در آن فتنه ها غوطه ور می گردند» (نهج البلاغه، خطبه 164).

لذا، در قرآن و حدیث، معادل اصطلاح «جنگ نرم»، واژه «فتنه» است.

در حوادث مربوط به انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال 1388 ش. اصطلاح «فتنه» به معنی اضطراب و پریشانی در نظام امور جامعه (تلاش برای تغییر نظام از طریق انقلاب رنگی و آشوب های خیابانی و...) استفاده شده است. به گونه ای که این حوادث به «فتنه 88» معروف شد.

ویژگی های جنگ نرم (فتنه)

اشاره

در کتاب ارزشمند نهج البلاغه، از جمله خطبه های 93، 151، 101، 189-102 و...، امام علی (علیه السلام) مختصات و ویژگی های فتنه و فتنه گران را بیان نموده است که چند مورد را برای نمونه می شماریم:

ص: 62

1- غبارآلودگی و تاریکی فضای فکری جامعه

از ویژگی های جنگ نرم (فتنه)، غبار آلودگی، تاریکی فضای فکری (سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و...) جامعه است، به گونه ای که تشخیص حق و باطل، جز برای خواص با بصیرت، میسر نباشد. قرآن ناطق، چه زیبا این بخش را به تصویر کشیده است:

امام علی علیه السلام می فرماید: «وَيَبُتُّ الْفِتْنُ فِيهَا فَلَا يُبْصِرُونَ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ يَمْوُجُونَ فِيهَا مَوْجاً وَيَمْرُجُونَ فِيهَا مَرَجاً؛ فتنه و فساد در میانشان گسترش یابد تا آنجا که حق را از باطل نمی شناسند و به سختی در آن فتنه ها غوطه ور می گردند» (شریف الرضی، 1414 ق. خطبه 164) * «.. فَإِنِّي فَقَّاتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ وَلَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِيَّ عَلَيْهَا أَحَدٌ غَيْرِي بَعْدَ أَنْ مَاجَ غَيْبُهَا وَاشْتَدَّ كَلْبُهَا...؛ ای مردم! من بودم که چشم فتنه را کندم و جز من هیچ کس جرئت چنین کاری را نداشت، آنگاه که امواج سیاهی ها بالا گرفت و به آخرین درجه شدت خود رسید» (شریف الرضی، 1414 ق. خطبه 93).

امام علی علیه السلام: «فَإِنَّهَا فِتْنَةٌ عَمِيَاءٌ مُظْلِمَةٌ عَمَّتْ خُطَّتْهَا؛ فتنه ای کور و ظلمانی که سلطه اش همه جا را فراگرفته است» (شریف الرضی، 1414 ق. خطبه 93).

2- شروع (شکل گیری) پنهانی

تَبْدَأُ فِي مَدَارِجِ خَفِيَّةٍ؛ فتنه هایی که از رهگذرهای ناپیدا آشکار گردد (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 151).

3- آغازش ناشناخته

إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ سَدَّ بَهَتْ وَإِذَا أَذْبَرَتْ نَبَّهَتْ يُنْكَرْنَ مُقْبِلَاتٍ وَيُعْرَفْنَ مُدْبِرَاتٍ؛ همانا فتنه ها چون روی آورد؛ باطل را به صورت حق آراند و چون پشت کند حقیقت چنانکه هست نماید فتنه ها چون روی آرد شناسندش چون بازگردد؛ دانندش (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 93).

«فَتَنَ ... مَرْمُومَةً مَرْحُولَةً»⁽¹⁾؛ مانند شتری که مهار شده و جهاز بر پشت آن نهاده و ساربان آن را کشانده و به سرعت می راند» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 102).

5- فراگیری

فتنه، همه را دربر می گیرد. چون مرکب ترمز بریده (افسارگسیخته) همه را به زیر گرفته آرامش را سلب می کند. «فَإِنَّهَا فِتْنَةٌ عَمِيَاءُ مُظْلِمَةٌ عَمَّتْ خُطَّتْهَا؛ فتنه ای کور و ظلمانی که سلطه اش همه جا را فراگرفته است» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 93).

«... قَبْلَ أَنْ تَشَّ غَرَ بِرَجُلِهَا فِتْنَةً تَطَأُ فِي خِطَامِهَا وَ تَذْهَبُ بِأَحْلَامِ قَوْمِهَا؛ قبل از آن که فتنه ها مانند شتری بی صاحب حرکت کند و مهار خود را پایمال نماید و مردم را بکوبد و بیازارد و عقل ها را سرگردان کند» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 189).

«عَقَدَتْ رَايَاتُ الْفِتَنِ الْمُعْصِيَةَ وَ أَقْبَلْنَ كَاللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَ الْبَحْرِ الْمُلْتَطِمِ؛ پرچم های سپاه فتنه از هر سو به اهتزاز درآید و چونان شب تار و دریای متلاطم به مردم روی آورند (همه را در بر می گیرد)» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 102).

6- پیچیدگی

تَبَسَّوْا فِي قَتَامِ الْعِشْوَةِ وَ اعْوِجَاجِ الْفِتْنَةِ؛ در فتنه های درهم پیچیده، ... با آگاهی قدم بردارید (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 151).

ص: 64

در کلام گهربار امام علی علیه السلام از جمله، خطبه 151 نهج البلاغه⁽¹⁾، تعدادی از آثار شوم فتنه، شمارش شده که چند مورد مهم را تیترو می‌زنیم.

1- آثار تخریبی زشت و ماندگار

آثار تخریبی فتنه، زشت و ماندگار است «آثَرُهُمَا كَأَثَرِ السَّلَامِ؛ آثارش چون آثار باقی مانده بر سنگ های سخت زشت و دیرپاست» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 151).

ص: 65

1- ترجمه فراز های مربوطه از خطبه 151 نهج البلاغه، به شرح زیر است: در فتنه های در هم پیچیده، به هنگام پیدایش نوزاد فتنه ها و آشکار شدن باطن آنها و برقرار شدن قطب و مدار آسیای آن، با آگاهی قدم بردارید. فتنه هایی که از رهگذرهای ناپیدا آشکار گردد و به زشتی و رسوایی گراید، آغازش چون دوران جوانی پر قدرت و زیبا و آثارش چون آثار باقی مانده بر سنگ های سخت زشت و دیرپاست، که ستمکاران آن را با عهده‌ی که با یکدیگر دارند، به ارث می‌برند، نخستین آنان پیشوای آخرین و آخرین گمراهان، اقتدا کننده به اولین می‌باشند. آنان در به دست آوردن دنیای پست بر هم سبقت می‌گیرند و چونان سگ های گرسنه، این مردار را از دست یکدیگر می‌ربایند، طولی نمی‌کشد که پیرو از رهبر و رهبر از پیرو، بیزاری می‌جوید و با بغض و کینه از هم جدا می‌شوند و به هنگام ملاقات، همدیگر را نفرین می‌کنند. سپس فتنه ای سر برآورد که سخت لرزاننده، در هم کوبنده و نابود کننده است، که قلب هایی پس از استواری می‌لغزند و مردانی پس از درستی و سلامت، گمراه می‌گردند و افکار و اندیشه ها به هنگام هجوم این فتنه ها پراکنده و عقاید پس از آشکار شدنشان به شك و تردید دچار می‌گردد. آن کس که به مقابله با فتنه ها برخیزد کمرش را می‌شکند و کسی که در فرو نشانیدن آن تلاش می‌کند، او را در هم می‌کوبد. در این میان فتنه جویان چونان گورخران، یکدیگر را گاز می‌گیرند و رشته های سعادت و آیین محکم شده شان لرزان می‌گردد و حقیقت امر پنهان می‌ماند. حکمت و دانش کاهش می‌یابد، ستمگران به سخن می‌آیند و بیابان نشین ها را در هم می‌کوبند و با سینه مرکب های ستم، آنها را خرد می‌نمایند. تك روان در غبار آن فتنه ها نابود می‌گردند و سواران با قدرت در آن به هلاکت می‌رسند. فتنه ها با تلخی خواسته ها وارد می‌شود و خون های تازه را می‌دوشد، نشانه های دین را خراب و یقین را از بین می‌برد. فتنه هایی که افراد زیرك از آن بگریزند و افراد پلید در تدبیر آن بکوشند. آن فتنه ها پر رعد و برق و پر زحمت است، در آن پیوندهای خویشاوندی قطع شده و از اسلام جدا می‌گردند، فتنه ها چنان ویرانگرند که تندرست ها بیمار و مسکن گزیدگان کوچ می‌کنند، در آن میان کشته ای است که خوش به رایگان ریخته و افراد ترسوئی که طالب امانند، با سوگندها آنان را فریب می‌دهند و با تظاهر به ایمان آنها را گمراه می‌کنند. (نهج البلاغه، خطبه 151).

2- در هم کوبنده، شکننده و گمراه کننده

«... الْفِتْنَةُ الرَّجُوفُ وَالْقَاصِمَةُ الرَّخُوفُ فَتَزِيغُ قُلُوبُ بَعْدَ اسْمِ يَقَامَةِ وَ تَضِلُّ رِجَالُ بَعْدَ سَمِ لَامَةٍ وَ تَخْتَلِفُ الْأَهْوَاءُ عِنْدَ هُجُومِهَا وَ تَلْتَبِسُ الْأَرْءَاءُ عِنْدَ نُجُومِهَا... سپس فتنه ای سر بر آورد که سخت لرزاننده، در هم کوبنده و نابود کننده است، که قلب هایی پس از استواری می لغزند و مردانی پس از درستی و سلامت، گمراه می گردند و افکار و اندیشه ها به هنگام هجوم این فتنه ها پراکنده و عقاید پس از آشکار شدنشان به شک و تردید دچار می گردد. آن کس که به مقابله با فتنه ها برخیزد کمرش را می شکند و کسی که در فرونشاندن آن تلاش می کند، او را در هم می کوبد.» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 151).

3- جدایی بین مردم و ولایت و امامت (رهبری)

«أَنْ قَلِيلٌ يَتَّبِعُ الرَّائِبِ مِنَ الْمُتَّبِعِ وَالْقَائِدُ مِنَ الْمُقُودِ فَيَتَزَايِلُونَ بِالْبُغْضَاءِ؛ طولی نمی کشد که پیرو از رهبر و رهبر از پیرو، بیزاری می جوید و با بغض و کینه از هم جدا می شوند» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 151).

4- خون ریزی (خون به ناحق)

«قَتِيلٌ مَطْلُولٌ كَشْتَهُ أَيْ اسْتِ كِه خُونِش بَه رَايْگَان رِيخْتَه... تَحْلُبُ عَيْيَطُ الدِّمَاءِ...؛ خون های تازه را می دوشد» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 151).

5- قطع روابط خانوادگی

«تَقْطَعُ فِيهَا الْأَرْحَامُ؛ پیوندهای خویشاوندی قطع می شود» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 151).

6- آوارگی، بی خانمانی و بیماری

«بَرِيئُهَا سَقِيمٌ وَظَاعِنُهَا مُقِيمٌ؛ تدرست ها بیمار و مسکن گزیدگان کوچ می کنند» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 151).

7- تخریب پایه های دین و اصول و ارزش های دینی

«تَلُمُ مَنَارَ الدِّينِ؛ نشانه های دین را خراب می کند» (نهج البلاغه، خطبه 151)

8- درگیری مردم با یکدیگر (حق و باطل)

درگیری (نزاع فیزیکی و کلامی و...) از آثار شوم فتنه است که بین طرفداران حق، با فتنه گران رخ می دهد. «تَلْتَفُ الْقُرُونُ بِالْقُرُونِ بِالْقُرُونِ يُخْصَدُ الْقَائِمُ وَيُحْطَمُ الْمَحْصُودُ؛ و به زودی دسته های مختلف به جان یکدیگر یورش آورند، آن ها که بر سر پا ایستاده اند درو شوند و آن ها که بر زمین افتادند لگدمال گردند» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 101)

9- بزرگ ترین معضل برای مردم و مسئولین

امام علی علیه السلام پایداری و استمرار فتنه را برای مردم و مسئولین بزرگ ترین غم (معضل) معرفی نموده اند:

مِنْ أَعْظَمِ الْمَحَنِ دَوَامُ الْفِتَنِ؛ دائمی بودن (استمرار) فتنه ها و آشوب ها از بزرگ ترین محنت هاست (تمیمی آمدی، 1366، ص 464).

4-2-1- گستره جنگ نرم از منظر قرآن

جنگ نرم، گستره وسیعی دارد (فرهنگی، دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و..).

در بعد سیاسی و نظامی شامل جاسوسی علیه مسلمانان، جلوگیری از اتحاد و همبستگی مسلمین، طرح ترور پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، ایجاد اتحادیه های ضد اسلامی، تحریک سران، تهدید امنیت (ناامنی) و غیره. جنگ نرم از بعد فرهنگی عبارت اند از سعی در گمراه کردن مسلمانان و مردم، تضعیف آیه های قرآن و دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، نسبت فقر دادن به خدا، شبهه ارائه تورات در قرآن به گونه ای تحریف یافته، ترجیح بت پرستی بر خداپرستی جهت ایجاد تردید، به بازی گرفتن اصل دین، تحریف و کتمان بشارت پیامبر اسلام. جنگ نرم از بعد اعتقادی عبارت اند از انکار رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، آزار رساندن به پیامبر اکرم و مسلمانان مسخره کردن اعتقادات مسلمانان، دشمنی با جبرئیل، جنگ نرم از بعد اقتصادی شامل بحران اقتصادی (تحریم و...)، عدم بازپرداخت اموال مسلمین، ترغیب مسلمین به بخل ورزی و غیره که در فصل دوم تشریح خواهد شد.

4-2-1- اصول جنگ نرم

اشاره

اصول، جمع اصل، به معنی ریشه درخت و گیاه است؛ و هر چیزی است که اشیاء و مقولات دیگر بر آن استوار باشد (1) (مصطفوی 1368، ج 1 ص 95). در این مقاله به معنی قوانین کلی است که دیگر روش ها بر آن استوار است. منظور از اصول جنگ نرم، قوانین کلی و همه گیر است که به کارگیری آن ها، در نیل به اهداف، نقش اساسی دارد. از قبیل تدریج، استمرار، عوام پذیری و...، به عبارت دیگر، دشمن با تکیه بر این اصول، نقشه های شوم خود را اجرا می کند. نظیر:

1- تدریج

اشاره

تدریج از ریشه «درج» در لغت، عبارت است از حرکت آرام و با دقت (مصطفوی 1368، ج 1 ص 95)، پله پله بالا رفتن (عمید، 1369).

ص: 68

1- مثل تنه درخت که شاخ و برگ ها، بر روی آن استوار شده و قوام دارند.

منظور از تدریج، این است که دشمن پله پله، آرام آرام، اهداف موردنظر را تخریب و نابود می کند.

قرآن کریم (بقره/168 و 208؛ انعام/142؛ نور/21)(1) تأکید می کند که از گام های شیطان پیروی نکنید! زیرا او دشمن آشکار شما بوده به فحشا و منکر، فرامی خواند. در این آیات «خُطُواتِ الشَّيْطَانِ؛ گام های شیطان» کنایه از برنامه های تدریجی او برای منحرف کردن انسان هاست. از آیات متعدد قرآن، شش گام (مرحله) که شیطان- برای منحرف ساختن انسان از مسیر بندگی- بهره می جوید؛ به شرح ذیل برداشت می شود:

مراحل تدریج در دام های شیطانی از زبان قرآن کریم

الف- القاء

القاء یعنی افکندن چیزی به طوری که تو آن را ببینی، سپس این معنی در مورد انداختن هر چیز بکار رفته است (راغب اصفهانی، 1369 ج 4، ص: 152). قدم اول شیطان، انداختن (القاء) گناه، از راه دور، به انسان است (حج/52)(2).

ب- تماس (مسی و برخورد)

مسّ، در لغت به معنی دست زدن، رسیدن و یافتن (قرشی بنایی، 1371، ج 6، ص: 257). در گام دوم، شیطان سعی می کند که تماس و رابطه مستقیم (تنگاتنگ) داشته باشد تا آنان را از راه به در کند (اعراف/201)(3).

ص: 69

1- ... لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ از گامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست (بقره/168 و 208؛ انعام/142). * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ...؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از گامهای شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می دهد (نور/21).

2- أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ، شیطان القاناتی در کارهای او می کرد (حج/52).

3- إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَنْفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می افتند و (در پرتو یاد او، راه حق را می بینند و) ناگهان بینا می گردند (اعراف/201).

ج- ورد به قلب (وسوسه و پنهان کاری)

وسوسه با صدای آهسته به سوی چیزی خواندن است (قرشی بنابی، 1371، ج 7، ص: 220). «وسوسه، در اصل به معنی صدای بسیار آهسته است، سپس به طور مطالب بد و افکار بی اساس به ذهن گفته شده، اعم اینکه از درون خود انسان بجوشد و یا کسی از بیرون عامل آن شود. اصولاً، شیاطین، برنامه های خود را با مخفی کاری می آمیزند و گاه چنان در گوش جان انسان می دمند که انسان باور می کند فکر، فکر خود او است و از درون جانش جوشیده و همین باعث اغوا و گمراهی او می شود! کار شیطان تزیین است و مخفی کردن باطل در لعبی از حق و دروغ در پوسته ای از راست، گناه در لباس عبادت و گمراهی در پوشش هدایت خلاصه هم خودشان مخفی هستند و هم برنامه هایشان پنهان است» (مکارم شیرازی، 1374 ج 27 ص 474).

لذا در این مرحله، شیطان، با صدای آرام، (خیلی پنهانی) انسان را به سوی گناه فراخوانده به قلب (فکر) او نفوذ می یابد، به تعبیر قرآن، وسوسه می کند (ناس/5؛ اعراف/20؛ طه/120)(1).

د- دوست شدن (همراه همیشگی) انسان.

در مرحله چهارم، شیطان، با انسان دوست (همراه همیشگی) می شود. «قرین» در این آیات (زخرف/36؛ نساء/38؛ ق/27)(2) همراه و هم نشینی است که هرگز از شخص جدا نمی شود (طباطبایی، 1374 ج 18، ص: 151).

ص: 70

-
- 1- يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ؛ در درون سینه انسانها وسوسه می کند (ناس/5)، فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ؛ سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد (اعراف/20)، فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ؛ ولی شیطان او را وسوسه کرد (طه/120).
 - 2- نَقِیْضُ لَهُ شَیْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِینٌ؛ شیطان را به سراغ او میفرستیم پس همواره قرین اوست (زخرف/36)، مَنْ یَكُنِ الشَّیْطَانُ لَهُ قَرِینًا فَسَاءَ قَرِینًا؛ کسی که شیطان قرین او باشد، بد همنشین و قرینی است (نساء/38)، قَالَ قَرِینُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَمْتُهُ وَلَکِنْ کَانَ فِی ضَلَالٍ بَعِیدٍ؛ و همنشیش (از شیاطین) می گوید: پروردگارا! من او را به طغیان و انداشتم، لکن او خود در گمراهی دور و درازی بود!

در گام پنجم، پاره ای از انسان ها که از یاد خدا غافل می شوند، عضو حزب (گروه) شیطان می گردند (مجادله/19؛ فاطر/6)(1).

و- تسلط شیطان

در گام نهای، شیطان، بر اعضای حزب خودش که او را به سرپرستی خود برگزیده اند؛ تسلط داشته آن ها را به انواع گناه، مبتلا می سازد (فاطر/6؛ نحل/100)(2).

یک مثال درباره پوشش (حجاب):

در دهه 1360 در ایران، چادر را تخریب کردند! و به مرور زمان، حدود دهه 1380، کم کم، مانتو با حجاب کامل جایگزین آن شد، به گونه ای که افراد، با سطح دین داری متوسط و پایین تر از آن، اکثراً در بیرون و محیط کار، مانتو می پوشند. این امر را نشانه توسعه یافتگی فرهنگی (کلاس!) تلقی می کنند! هر سال، به تدریج، ارتفاع مانتوها چند سانتی متر کوتاه شد! تا در مدت حدود 30 سال، پوشش برخی خانم ها شده ساپورت! یا شلوار لی پاره پاره و پیراهن ...، در این ایام(3).

برخی ها، حتی روی شرم گاه را نیز نمی پوشانند! بخشی از زیر ناف را به نمایش می گذارند (نمی پوشانند)، بدین ترتیب، دشمن،

ص: 71

1- اِنَّ تَحُوذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَانْسَاهُمْ ذَكَرَ اللّٰهُ اُولٰٓئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ اَلَا اِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخٰسِرُونَ؛ شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده؛ آنان حزب شیطانند! بدانید حزب شیطان زیانکارانند! (مجادله/19)، اِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوْهُ عَدُوًّا اِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُوْنُوْا مِنْ اَصْحٰبِ السَّعِيْرِ؛ البته شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزبش را به این دعوت می کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند (فاطر/6).

2- اِنَّ تَحُوذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَانْسَاهُمْ ذَكَرَ اللّٰهُ اُولٰٓئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ؛ شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده؛ آنان حزب شیطانند (فاطر/6)، اِنَّمَا سَلٰطٰنُهُ عَلٰی الَّذِيْنَ يَتَوَلَّوْنَهٗ وَ الَّذِيْنَ هُمْ بِهٖ مُّشْرِكُوْنَ؛ تسلط او (شیطان) تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده اند و آنها که نسبت به او (خدا) شرک می ورزند - و فرمان شیطان را به جای فرمان خدا، گردن می نهند - (نحل/100).

3- در حال تدوین این کتاب (25/4/1400 ش.)، در مانکن لباس فروشی ها، الگوی عجیبی مشاهده می شود. در این الگو، جوراب ها (ساپورت ها) تا زانو است! و لباس بدن نیز تا شرم گاه (عورت)، ولی بخشی از ران ها، کاملاً برهنه و بدون پوشش است! و...، به نظر می رسد، اگر مسئولین، دقت نکنند، این الگو، عملی شده و برهنگی غربی، در کشور ایران، رایج می گردد!

در حدود 30 سال، پیشرفت های عجیبی کرده است! و با برهنگی غربی فاصله چندانی ندارد!

دشمن در کنار ارائه الگو، از طرح شبهات و طرح مقالات علمی علیه حجاب نیز، کوتاهی نکره است!

البته در این میان، بانوان مؤمن، انقلابی و آگاه، همچنان با حجاب کامل (چادر) در ملاعام و محل کار حضور دارند، گرچه تعدادشان نسبت به مانتو پوشان، اندک باشد.

لذا، حرکت گام به گام، آرام و پله پله، (تدریج)، از اصول مهم جنگ نرم بشمار می رود.

2- استمرار

استمرار، از ماده «مرر/ مرّ» به معنی پیوسته رفتن و غیره است (عمید، 1369). در اینجا، استمرار، یعنی تا رسیدن به هدف، حملات و فعالیت ها، ادامه دارد.

در بند قبل (تدریج) دیدیم که- مثلاً- دشمن 30 سال است که بر حجاب اسلامی حمله می کند، هم نظری (ایجاد شبهات و مقالات و کتاب) و عملی (ارائه الگو در جامعه)! هرروز، با شیوه های جدید، عمل کرده و چگونه این امر الهی را کم رنگ کرده است. پیگیری و ادامه این فعالیت ها تا رسیدن به اهداف شوم، استمرار نام دارد.

قرآن کریم، به صراحت، استمرار مبارزه و جنگ دشمن علیه مسلمین را بیان می کند:

«وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا؛ و مشرکان، پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شمارا از آیین تان برگردانند (بقره/217). در جمله «لَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ»، خداوند از تداوم عناد و دشمنی کفار با مسلمانان خبر داده و می فرماید: آنان همواره با شما در نبرد خواهند بود» (طبرسی، 1377، ج 1 ص 118).

واژه «لَا يَزَالُونَ» دلالت بر استمرار دارد و گویای این است که دشمنان همیشه با شما در جنگ هستند منتهی بسته به شرایط مکانی و زمانی، نوع این جنگ ممکن است

متفاوت باشد. جنگ نظامی، اقتصادی و فرهنگی از جلوه های اصلی جنگ به شمار می روند (مرادی، 1395 ص 6). از این رو، استمرار، یکی از اصول مهم جنگ نرم، است.

3- عوام پذیری

اشاره

3*- عوام پذیری (1)

یکی از اصول و ویژگی جنگ نرم، پذیرش همگانی (اکثریت) است. به این معنی که مطالب القایی را طوری طراحی و نشر می دهند که بیشتر مردم- به جز خواص (2)- آن را باور می کنند؛ زیرا اکثر مردم، توانایی لازم برای بررسی درستی یا نادرستی مطلب را ندارند و یا فرصت کافی ندارند! و پاره ای از مردم نیز جزوه معاندان و منافقان بوده، با دشمن همراهی می کنند.

قران کریم در آیات متعدد، تصریح می کند که اکثریت مردم، حقیقت را نمی دانند و در این باره خوب فکر نمی کنند، کتاب الهی با تعبیری نظیر «لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند (3)؛ «لَا يَعْقِلُونَ» (4)، نمی اندیشند؛ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (5) چرا نمی اندیشید و...» به این موضوع پرداخته است.

از این رو، به استناد آیات الهی (بقره/102؛ انعام/144 و...) (6) حملات عمده جنگ نرم، بر روی افکار عموم مردم «ناس» (7) صورت می گیرد.

ص: 73

1- عوام، جمع عام، به معنی همه است. عوام در لغت یعنی مردم عادی و معمولاً بی سواد (فرهنگ عمید). این واژه، در ادبیات محاوره ای به معنی مطلق افراد کم سواد و بی سواد است. در اصطلاح، به اکثریتی اطلاق می گردد که در یک موضوع خاص، اطلاعات تخصصی ندارند.

2- این خواص نیز، در غیر رشته تخصصی خود، جزو عوام، قرار می گیرند؛ مثلاً شبه ای که در حوزه تخصصی دین، مطرح شده، نوعاً یک پزشک توانایی پاسخ گویی ندارد و... عوام پذیری، از ویژگی های مهم پیام، در جنگ نرم است، گرچه از زاویه دیگر، می توان جزو اصول نیز بشمار آورد.

3- سبا/28 و 36؛ غافر/57؛ جاثیه/36؛ روم/6، نحل/38؛ یوسف/68 و 21؛ اعراف/187 و...

4- بقره/170، مائده/58 و 103؛ انفال/22؛ یونس/42 و 100؛ عنکبوت/63؛ یس/68؛ زمر/43؛ حشر/14؛ حجرات/4 و...

5- بقره/76، 73، 44؛ آل عمران/65؛ انعام/32؛ اعراف/169؛ یونس/16؛ هود/51؛ یوسف/109؛ انبیاء/10 و 67؛ مؤمنون/80؛ قصص/60؛ صافات/138 و...

6- وَلَا كِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند و به مردم سحر آموختند (بقره/102)، فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ می بندد تا مردم را از روی جهل گمراه سازد (انعام/144).

7- ناس در در قرآن یعنی مردم که شامل همه افراد بشر است (مطهری، 1370 ج. 1 و 2، صفحه 161-162 و 193).

یک نمونه از حملات به باورهای دینی به زبان عامیانه:

«خشک سالی می شود کافران به این نتیجه می رسند که آب وهوا تغییر کرده و برای آن باید راه و چاره ای بیابند، ولی مسلمانان به این نتیجه می رسند که نماز کم خوانده شده و موی زنان بیرون بوده و خدا از آنان انتقام گرفته است!»(1)

جواب اجمالی:

چنین مطالبی با آیات قرآن در تضاد است. اسلام(2)، به پیشرفت (انفال/60...) (3) و صرفه جویی دعوت کرده (اعراف/31) (4) و هم باور به امتحان الهی (بقره/155) (5) و نزول عذاب (انعام/6) (6)، در صورت گسترش گناه در جامعه دارد.

ص: 74

1- این حملات و مشابه آن، در فضای مجازی، مخصوصاً شبکه های اجتماعی، در بین مسلمانان! دست به دست می گردد، عده ای با ذوق خاص ناشی از کم اطلاعی دینی، آنرا منتشر می کنند!

2- در متون روایی- قرآنی، به توسعه و پیشرفت صنعتی و... تاکید شده و خداوند نمونه هایی از صنایعی را که به انبیاء (علیه السلام) آموخته؛ یاد آور می شود، مانند کشتی سازی توسط حضرت نوح (علیه السلام): «وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيُنَا؛ و (اکنون) در حضور ما و طبق وحی ما، کشتی بساز» (هود/37)، آموزش ساخت زره به حضرت داوود (علیه السلام) «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُؤْسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِيَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ و ساختن زره را بخاطر شما به او تعلیم دادیم تا شما را در جنگهایتان حفظ کند» (انبیاء/80). أَحْمَدُ بْنُ عَمَرَ الْحَلَبِيُّ از شرایط نامساعد مالی به امام رضا گله کرد، حضرت در جوابش فرمود: تو نیاز به مساعدت نداری زیرا در دست تو صنعتی است که آن را با طلای روی زمین عوض نمی کنی «وَبِيَدِكَ صِنَاعَةٌ لَا تَبِيعُهَا بِمِلْءِ الْأَرْضِ ذَهَبًا» (مجلسی 1403 ج 69، ص. 46). امام رضا (علیه السلام) صنعت را گنج ناپایان و عامل مهم در رشد اقتصادی معرفی می کند.

3- وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد (انفال/60).

4- وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا؛ بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید (اعراف/31)

5- وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ؛ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و میوه ها، آزمایش می کنیم (بقره/155).

6- أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِمْ مِّن قَرْنٍ مَّكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يُمْكِنْ لَّكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءَاخِرِينَ؛ (انعام/6).

ابراهیمی و همکاران (1386) در کتاب خود تحت عنوان «جنگ نرم 4 (عملیات روانی و فریب استراتژیک)» صفحه 25 موارد هفتگانه ذیل را به عنوان «اصول عملیات روانی» مربوط به ارتش ایالات متحده آمریکا نوشته اند:

1- تأثیرگذاری

2- دستیابی

3- کنترل متمرکز و اجرای غیرمتمرکز

4- سازمان نیروهای ویژه

5- جنبه روان شناختی

6- همگرایی

7- هم زمانی

تأثیرگذاری، توانایی متقاعدسازی مخاطب موردنظر به انجام دادن یا ندادن یک عمل تعریف می شود.

دستیابی، به امکان دسترسی فرمانده عملیات روانی به فرمانده ارشد پشتیبانی شده گفته می شود. این دسترسی امکان درونی شدن اهداف فرمانده ارشد را برای فرمانده عملیات روانی فراهم می سازد؛ اما اگر فرمانده پشتیبانی شده، مقام مسئول تأییدکننده فرآورده های عملیات روانی نباشد، فرمانده عملیات روانی در درونی کردن اهداف دچار اشتباه خواهد شد. فرمانده عملیات روانی باید به مقام مسئول تأییدکننده فرآورده ها دسترسی داشته باشد.

کنترل متمرکز و اجرای غیرمتمرکز به کنترل توسعه فرآورده های عملیات روانی از سوی مقام تأییدکننده اطلاق می شود تا این فرآورده ها مطابق با اهداف افراد ذی نفوذ تهیه شود. علاوه بر این، کنترل موجب می شود که واحدهای زیرمجموعه، فرآورده هایی را

ص: 75

درخواست کنند که با اهداف یادشده در یک راستا باشد، البته این امر در باطن اجرای غیر متمرکز محسوب نمی شود. اگر یگان عملیات روانی توان مدیریت نبرد خود را نداشته باشد، به جای بازاریابی، تبلیغات خواهد کرد.

منظور از جنبه های روان شناختی این است که فرمانده عملیات روانی، مسئول ارزیابی تمامی فعالیت ها و اقدامات نیروی پشتیبانی شده و همچنین جنبه های روان شناختی آن ها باشد. این عمل با نقش مدیران بازاریابی و کارشناسان روابط عمومی در جهان تجارت قابل مقایسه است؛ اما در امور نظامی به ندرت شاهد این اقدام هستیم.

همگرایی، وارد کردن عملیات روانی در تمامی سطوح عملیات از سطح تاکتیکی تا سطح استراتژیک است. برای اینکه اقدامات صورت گرفته از سوی نیروهای رزمی تأثیر بیشتری بر مخاطبان مورد نظر داشته باشد، باید عملیات روانی در تمامی طرح ریزی ها مدنظر و مورد استفاده قرار گیرد.

هم زمانی همان زمان بندی است؛ یعنی استفاده از عملیات روانی مناسب در زمان مناسب برای دستیابی به اهداف مورد نظر. نه تنها لازم است که عملیات روانی در زمان مناسب به کار گرفته شود بلکه باید طرح های عملیاتی نیز با آن عملیات روانی هم زمان شود تا نتیجه کلی مطلوب تر باشد. در صفحه 271 اثر فوق، موارد ذیل به عنوان «اصول فریب استراتژیک» درج شده است: 1- تمرکز 2- انسجام استراتژیک 3- (هدف دار بودن و هماهنگی) 4- مدیریت متمرکز 5- اطلاعات و امکانات نسبی 6- حفاظت عملیات 7- زمان سنجی.

6-2-1- زمینه ها (خاستگاه) جنگ نرم

اشاره

خاستگاه جنگ نرم، یک سری روزنه هایی (نقاط ضعف و خلأهایی) است که دشمن، از طریق آن ها وارد می شود. این روزنه ها به دو صورت حقیقی و ساختگی تبیین می گردد:

اشاره

گرچه خود اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) عاری از هرگونه نقص بوده و در تلاش است که جلو روزنه های نفوذ دشمن و نقاط ضعف مسلمین، گرفته شود، در این راستا راهکارهای ارزشمندی دارد(1)؛ ولی عده ای از خود مسلمین، یک سری روزنه هایی (نقاط ضعفی) دارند که دشمن، از این راه ها، نفوذ می کند مثل کم اطلاعی، زودباوری و...، مثلاً، در جنگ احد، دشمن از طریق روزنه مال دوستی عده ای از رزمندگان اسلام، نفوذ کرده، آنان را- بعد از پیروزی- شکست دادند! چند مورد مهم از زمینه ها (خاستگاه) جنگ نرم را مطرح می نمایم:

1- استغنائی مالی

ثروت و قدرت در صورتی که با جهل و بی ایمانی همراه گردد؛ زمینه ساز فتنه گری است. از این رو گزاره های اسلامی، توصیه دارند که ثروت را به اندازه نیاز، کسب نمایید؛ زیرا ثروت بیش از حد، زمینه ساز سرکشی و فتنه جویی است(2).

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ؛ چنین نیست (که شما می پندارید) به یقین انسان طغیان می کند، (علق/6)* أَنْ رَّءَاهُ اسْتَغْنَى؛ از اینکه خود را بی نیاز ببیند! (علق/7).

مَنْ اسْتَغْنَى فِيهَا فُتِنَ؛ هر که در آن (دنیا) توانگر شود به دام فتنه درافتد (شریف رضی، خطبه ی 82).

ص: 77

1- پرداختن به همه این روزنه ها و راهکارهای مقابله با آن، از توان این کتاب بیرون است، بلکه چند مورد را به عنوان نمونه می شماریم.

2- «... لَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكِفَافِ وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ؛ بیش از کفاف و نیاز خود از آن (دنیا) نخواهید و بیشتر از آنچه نیاز دارید طلب نکنید...» (نهج البلاغة-خطبه 45).

2- آوازه ی نیک (سلبریتی)

*آوازه ی نیک (سلبریتی) (1)

دنیا سراسر آزمایش و امتحان است. برای برخی، نام نیک و سابقه ی درخشان، وسیله ی این آزمایش است. کسانی به مجرد آن که نامشان به نیکی برده شود، حالشان تغییر می یابد و ایمانشان سست می شود. اینان هنگام فتنه، دستمایه ی فریب فتنه جویان می گردند (آقاجانی قناد؛ 1380 ص 28).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام پیرامون اینان چنین می فرمایند:

وَكَمْ مِنْ مُسْتَدْرِجٍ بِإِلْحْسَانٍ إِلَيْهِ وَ مَغْرُورٍ بِالسَّتْرِ عَلَيْهِ وَ مَفْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ وَ مَا إِيْتَلَى اللَّهُ أَحَدًا بِمِثْلِ الْأَمْلَاءِ لَهُ؛ بسا کسان که نکو حالی شان دام بلاست. خطاپوشی شان موجب غرور است و حُسن شهرت و خوش نامی شان سبب غلتیدن به دام فتنه است. در میان آزمون های الهی، هیچ آزمونی همانند مهلت دادن به چنین کسانی نیست. (شریف الرضی، 1414 ق، حکمت 116 ص: 515)

و در فراز دیگری می فرماید: «رُبَّ مَفْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ؛ بسا کسان که با ستوده شدن به مرداب فتنه در افتاده اند» (شریف الرضی، 1414 ق، حکمت 462 ص: 515)

3- غرور و شهوت ها

مهم ترین زمینه های فساد و فتنه، غرور نابخردانه و غرق شدن در شهوت ها است. غرور برخاسته از شهوت، انسان را به بی راهه می کشاند و به ابتذال و پستی گرایش می دهد. آدمی را از درون تهی می سازد و او را به گردن کشی و طغیان وامی دارد. چنین شهوتی سبب می شود آدمی، بی باکانه پرده ی عصمت خویش را بدرد و غفلت زده، مرتکب

ص: 78

1- در عصر حاضر نیز افرادی که آوازه نیک داشته و شخصیت شناخته شده ای هستند؛ سلبریتی (Celebrity) نام دارند؛ متأسفانه، بسیاری از این افراد، از ستاره بودنشان، علیه کشور استفاده می کنند! به تعبیر مولا علی (علیه السلام)، فتنه انگیزی می کنند.

گناه گردد (آقاجانی قناد؛ 1380 ص 16). امام علی علیه السلام در خطبه ی معروف به غَزاء، آن هنگام که صفات انسان را بر می شمارد، در این باره می فرماید:

«...حَتَّى إِذَا قَامَ إِعْتِدَالُهُ وَاسْتَوَى مِثَالُهُ. نَفَرَ مُسْتَكْبِرًا وَحَبِطَ سَادِرًا. مَاتِحًا فِي غَرْبِ هَوَاهُ. كَادِحًا سَعْيًا لِذُنْيَاهُ فِي لَذَاتِ طَرَبِهِ وَبَدَوَاتِ أَرْبِهِ. لَا يَحْتَسِبُ رَزِيَّةً وَلَا يَخْشَعُ نَفْسَهُ. فَمَاتَ فِي فِتْنَةٍ غَرِيرًا وَعَاشَ فِي هَفْوَةٍ يَسِيرًا لَمْ يُفِدْ عَوْضًا وَلَمْ يَقْضِ مُفْتَرَضًا...؛ ولی همین که قامتش اعتدال یافت و قد برافراشت، با استکبار، از اطاعت سرباز زد و با گستاخی به بی راهه گرایید. درحالی که همواره از چاه هوس ها، دلو خویش پر می کرد و تمامی کوشش خود را وقف آبیاری خویشتن می ساخت. او در امواجی از لذت های سطحی و انگیزه های نسنجیده و هوس آلود خود به سر می برد، بی آنکه در اندیشه ی مصیبتی، یا نگران هیچ رویداد ترس آوری باشد. سرانجام در فتنه اش فریب زده مرد. درحالی که زندگی کوتاهش در لغزش ها و خطاها سپری شده و از هیچ پاداشی نصیبی نبرده و هیچ فریضه ای را به جا نیاورده است» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 83).

4- ساده اندیشی و هوس زدگی

دیگر زمینه های بروز فتنه، ساده اندیشی و هوس زدگی مردمان و حاکمان است. کسانی که همواره به ظاهر زیبای فتنه ها یا فتنه جویان نظر می کنند و با وانهادن تحقیق و بررسی عالمانه، با اشتیاق به سوی فتنه ها می روند، از قدرت اندیشه ی خویش بهره ای نمی برند. نصایح دلسوزانه ی ناصحان را نمی پذیرند. گاه به گمان خویش پی به حقیقت برده اند، حال آنکه در جهالت غوطه ورنند. چشم همشان را چنان شب کوران بسته اند و همواره از این سو بدان سو در نوسان اند.

هوس زدگی نیز از آفت های حیات اجتماعی است. هوس زدگان هیچ گاه از غنای شخصیت سیراب نمی شوند و همیشه چشم هایشان به سوی دیگران است. دنیا را آرمان خویش می دانند و همه چیز را در آن خلاصه می کنند. همیشه در پی لذات مادی اند؛ اما

لَدَّتْ تَرْكَ لَدَّتْ را نمی چشند. دین را به بازی گرفته و به فتنه افروزی مشغول گشته اند. آری؛ ساده اندی شان از قدرت تحلیل و تفکیک مسائل سیاسی و اجتماعی و تجزیه و ترکیب آن ها عاجزند. اصلی ترین ارکان سیاه فتنه را اینان تشکیل می دهند و عصا کش فتنه جویان اند. هوس بازان در دنیا غرق گشته اند، جز به خود و تعلقات دنیوی خویش نمی اندیشند و برای تأمین نیازهای خود حاضرند دست به هر اقدامی بزنند و در مغاک فتنه فرو روند. (آقاجانی قناد، 1380 ص 21).

امام علی علیه السلام درباره ی این دو گروه چنین می فرمایند:

إِنَّ أَبْغَضَ الْحَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ رَجُلَانِ. رَجُلٌ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ. فَهُوَ جَائِرٌ عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ. مَسَّ غُوفٌ بِكَلَامٍ بِدْعَةٍ وَدُعَاءِ ضَلَالَةٍ. فَهُوَ فِتْنَةٌ لِمَنْ افْتَتَنَ بِهِ. ضَالٌّ عَنْ هَدْيٍ مَنْ كَانَتْ قَبْلَهُ. مُضِلٌّ لِمَنْ افْتَدَى بِهِ فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ. حَمَالٌ خَطَايَا غَيْرِهِ. رَهْنٌ بِخَطِيئَةٍ وَرَجُلٌ قَمَشَ جَهْلًا، مَوْضِعٌ فِي جُهَالِ الْأُمَّةِ. غَارٌ فِي أَعْيَاشِ الْفِتْنَةِ. عَمٌ بِمَا فِي عَقْدِ الْهُدْنَةِ. قَدْ سَمَاهُ أَشْبَاهُ النَّاسِ عَالِمًا وَ لَيْسَ بِهِ؛ هَمَانَا كَمَا فِي دَرْجَةِ خَدَاوَنَدِ، دُو كَسْ خَشَمِ أَنْكَبِزِ تَرِينِ أَفْرِيدِگَانِ اَنْدِ. يَكِي اَنْ كَمَا خَدَاوَنَدِش بِه خَوِيشْتَن خُود وَ اَنْهَادَه اِسْتِ. اَزْ خُطِّ تَعَادُلِ بِيْرُونِ اِفْتَادَه، بِه سَخْنَانِ بَدْعَتِ اَمِيزِ وَ دَعْوَتِ هَايِ گَمْرَاهِ كَنْنَدِه بِه اِسْتِثِاقِ فَرَاوَانِ دَلِ بَسْتَه اِسْتِ. چَنِين كَسِي شَيْفَتِگَانِش رَا فِتْنَه اِي اِسْتِ؛ زِيْرَا اَزْ خُطِّ رُوشَنِ پِيشِيْنِيَانِ خَوِيشِ مَنَحْرَفِ شَدِه اِسْتِ وَ گَمْرَاهِ كَنْنَدِه يِ كَسَانِي اِسْتِ كَه دَر زَنْدِگِي يَا پَسِ اَزْ مَرْگِ اَزْ اَوِ پِيْرُوِي كَنْنَدِ. اَوِ هَمِ بَارِ خُطَايِ دِيْگَرَانِ رَا بِه دُوشِ مِي كَشْدِ وَ هَمِ گَرْوْگَانِ خُطَايِ خَوِيشِ اِسْتِ. دُو دِيْگَرِ كَسْ، جَهْلِ گَرْدَاوَرْنَدِه اِي اِسْتِ كَه دَر مِيَانِ تُوْدِه هَايِ نَاگَاهِ، خُودِ رَا پَايِگَاهِي سَاخْتَه اِسْتِ. دَر اَمَوَاجِ فِتْنَه هَا جُولَانِ مِي دَهْدِ وَ اَزْ رَازِ صِلَحِ بِه كَلِي بِي خَبِرِ اِسْتِ. نَاگَاهَاَنْ مَرْدَمِ نَمَا، دَاَنْشَمَنْدِشِ مِي نَاْمَنْدِ دَر حَالِي كَه اَزْ هَرِ عِلْمِي تَهِي اِسْتِ. (شريف الرضي، 1414 ق، خطبه 17).

گروه گرایی و تعصبات جاهلانه از آفت های جامعه ی پویا، گروه گرایی و چیرگی تعصب های گروهی و ناآگاهانه بر فضیلت ها و کرامت های انسانی است. در فضایی که گروه زدگی و تعصب جریان دارد، گوهر ارزنده ی دانایی و دُر درخشنده ی حقیقت و معرفت را ارزشی نیست. کرامت و آزادگی انسان ها لگدکوب جهالت ها و تعصبات کورکورانه و تقلیدی خواهد شد. انسان هایی چشم و گوش بسته، عنان اختیار خویش را در دست بزرگانی قرار می دهند که خود در گرداب فتنه ها فرورفته اند. اینان راه فکر و عقل و تدبیر را مسدود ساخته اند و در حصار بلند نادانی اسیرند. آغشته ی غفلت اند و حقایق را نمی بینند و یا بدان می نگرند، اما چشم بر آن می پوشند. این چنین در جهل مرگب غوطه می خورند و پدیدآورنده ی فتنه هایی درهم آمیخته می شوند (آقا جانی قناد، 1380 ص 22).

مولا علی (علیه السلام) در خطبه 192 (قاصعه) خطاب به مردم می گوید:

أَلَا فَالْحَدْرَ الْحَدْرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَكِبَرَائِكُمْ! الَّذِينَ تَكَبَّرُوا عَنْ حَسَبِ بِهِمْ وَتَرَفَعُوا فَوْقَ نَسَبِ بِهِمْ وَالْقَوُّ الْهَجِينَةَ عَلَى رَبِّهِمْ. وَجَاهِدُوا اللَّهَ عَلَى مَا صَدَّ عَنْهُمْ. مُكَابِرَةً لِقَضَائِهِ وَتُغَالِبَةً لَأَلَانِهِ. فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدَ آسَاسِ الْعَصْبِيَّةِ وَدَعَائِمِ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ وَسُيُوفُ اعْتِرَافِ الْجَاهِلِيَّةِ؛ آگاه باشید! زنهار! زنهار! از پیروی و فرمان برداری سران و بزرگانتان، آنان که به اصل و حسب خود می نازند و خود را بالاتر از آنچه هستند می پندارند و کارهای نادرست را به خدا نسبت می دهند و نعمت های گسترده خدا را انکار می کنند تا با خواسته های پروردگاری مبارزه کنند و نعمت های او را نادیده انگارند. آنان شالوده تعصب جاهلی و ستون های فتنه و شمشیرهای تفاخر جاهلیت هستند. (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 192).

6- قدرت طلبی

دومین عامل سیاسی برانگیختن فتنه ها، مبارزه برای کسب قدرت سیاسی است، به گونه ای که حقیقت، قربانی قدرت گردد. تشنگان قدرت، عالم را از دریچه ی قدرت

خواهی و سهم طلبی می نگرند و اگر در ساخت سیاسی قدرت حضور نداشته باشند یا از آن کنار گذاشته شوند، فتنه ها به پا می کنند و همه چیز را به آشوب می کشند. تحلیل آشوب ها و جنگ های دوران خلافت پنج ساله ی علی علیه السلام از این منظر، حقایق بسیاری را آشکار می سازد. کسانی که خود در خفا و جَلا به حقانیت و برتری علی علیه السلام اعتراف داشتند، دوران زمام داری او را به انواع حيله ها و فتنه ها پوشاندند. طلحه و زبیر که از نخستین بیعت کنندگان بودند، در عهدشکنی پیش گام شدند. این در حالی بود که هردو، جامه ی خلافت را بر اندام خود استوار می دیدند و آن را برای خویش می خواستند (آقا جانی قناد، 1380 ص 22).

7- محیط (محیط فتنه آلود)

روانشناسان عصر حاضر نشان داده اند که واکنش های حسی، روانی و اخلاقی فرد با دوران طفولیت، پرورش ذهنی - عاطفی و نیز محیط زندگی او پیوندی منطقی و ناگسستی برقرار می کند (نوحی، 1388، به نقل از نقره نگار و همکاران، 1389 ص 79).

همین مسئله سبب می شود اندیشه های مردمان مناطق گوناگون با یکدیگر تفاوت اساسی داشته باشد. از این رو، برخی مناطق، مردمانی خشن و ماجراجو می پرورد و برخی دیگر، انسان هایی نرم خو و ملایم دارد. (آقاجانی قناد، 1380 ص 46).

امام علی علیه السلام هنگام گسیل ابن عباس به سمت بصره بدو چنین می فرمایند:

وَاعْلَمْ أَنَّ الْبَصْرَةَ مَهْيَطَةٌ إِبْلِيسَ وَمَغْرَسُ الْفِتَنِ فَحَادِثُ أَهْلِهَا بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ وَاحْلُلْ عُقْدَةَ الْخَوْفِ عَنْ قُلُوبِهِمْ؛ ای پسر عباس! بدان که بصره، شیطان را منزل گاه است و فتنه را کشتگاه! پس بصریان را با نیکی کردن شیوه ای نوین بنمائی و گره ی ترس را از دل هایشان بگشایی! (شریف الرضی، 1414 نامه 18).

فراگیری و همه گیری، از ویژگی های فتنه است. هرگاه، انسان بی بصیرت و فاقد تحلیل علمی - که اکثریت افراد جامعه را شامل می شود - در محیط فتنه آلود قرار گیرد؛ به دام آن، خواهد افتاد. امام علی علیه السلام صفت فراگیر بودن و همه گیر بودن فتنه را با تعبیر گویایی چون «مرکب افسارگسیخته (ترمز بریده و فاقد صاحب و راننده)»، «تاریکی شب»، «امواج»، «دریای موج و متلاطم» و ... بیان نموده اند: «فَإِنَّهَا فِتْنَةٌ عَمِيَاءٌ مُظْلِمَةٌ عَمَّتْ خُطَّتْهَا؛ فتنه ای کور و ظلمانی که سلطه اش همه جا را فرا گرفته است» (شریف الرضی، 1414 ق. خطبه 93). «... قَبْلَ أَنْ تَشْغَرَ بِرَجُلِهَا فِتْنَةٌ تَطَأُ فِي خِطَامِهَا وَتَذْهَبُ بِأَحْلَامِ قَوْمِهَا؛ قبل از آن که فتنه ها چونان شتری بی صاحب حرکت کند و مهار خود را پایمال نماید و مردم را بکوبد و بیازارد و عقل ها را سرگردان کند» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 189). «عُقِدَتْ رَايَاتُ الْفِتَنِ الْمُعْضِلَةِ وَأَقْبَلْنَ كَاللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَالْبَحْرِ الْمُتَلَطِّمِ؛ پرچم های سپاه فتنه از هر سو به اهتزاز درآید و چونان شب تار و دریای متلاطم به مردم روی آورند (همه را در بر می گیرد)» (شریف الرضی، 1414 ق، خطبه 102).

محیط زندگی، به دو بخش جغرافیایی و اجتماعی تقسیم می شود:

اشاره

محیط جغرافیایی و طبیعی، در ساختن انسان، نقش عمده ای دارد شامل آب و هوا، دما، مواد غذایی و غیره است. به عنوان نمونه، بلوغ در محیط های گرم سیر، زودتر از مناطق معتدل و سردسیر رخ می دهد (قربانیان، 1372: ص. 142). بر اساس یافته های تحقیق نقره کار و همکاران (1389)، اقلیم های سخت و خشن که دارای قابلیت های کمتری برای آسایش انسان هستند؛ زمینه ساز بروز و نمود رفتار و اخلاق مناسب تری برای انسان می باشند و اقلیم های معتدل با قابلیت های محیطی بالا، زمینه های انحراف اخلاقی را برای انسان در پی دارد. از مباحث مهم و ارزشمند نظریه پردازان اسلامی که امروزه کمتر مورد تحلیل قرار گرفته آن است که برای اقلیم های چهارگانه «سرد و خشک»، «گرم و مرطوب»، «گرم و خشک» و «معتدل» (سرد و مرطوب) استعدادها و قابلیت های رفتاری متفاوتی را بیان نموده اند که از این میان طبع و اقلیم گرم و خشک قابلیت های بیشتری را برای پرورش معنوی انسان در جهت بروز رفتارهای مناسب و تکامل اخلاق، فراهم می آورد (همان منبع). حضرت علی علیه السلام درباره نقش سختی های و شرایط محیطی بر مقاوم سازی انسان مثلی می زند: «أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا وَالرَّوَاعِيَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا وَالنَّائِبَاتِ الْعَذِيَّةَ أَقْوَى وَقُودًا وَأَبْطَأُ حُمُودًا؛ بدانید درخت بیابانی (که آب کم به آن می رسد) چوبش سخت تر (استوارتر) است و درخت های سبز و خرم (که در باغ های پر آب کاشته شده) پوستشان نازک تر است و گیاه های دشتی (که جز آب باران آب دیگری نیابند) شعله آتش آن ها افروخته تر و خاموشی آن ها دیرتر است» (شریف رضی، 1379، نامه 45).

برخی تحقیقات بر مبنای متون دینی، اثبات کرده اند که قرآن نظریه تأثیر محیط بر اخلاق را پذیرفته است. داستان قوم سبا مبنی بر تفرقه و طغیان در سرزمین های مناسب و خوش آب و هوا، استکبار و فساد قوم عاد و ثمود به علت داشتن توانایی بدنی، مالی و

ایجاد بناهایی تراشیده از سنگ، شهر مکه و هجرت حضرت ابراهیم به مکانی سنگلاخ (مکه) و سرزمین اقوام دیگر که مستقیماً در قرآن بدان ها اشاره شده، مصداقی مناسب برای موضوع هست با بررسی سرزمین های قرآنی عاد، ثمود، سبا و داستان هایی که برای این اقوام به وقوع پیوسته به نظر می رسد به میزانی که زمین دارای اقلیم مساعد و مناسب باشد و از قابلیت های محیطی بالا بهره برد؛ محیط تأثیر بیشتری بر رفتار انسان به جا گذاشته زمینه های انحراف اخلاقی برای انسان مضاعف می گردد (نقره کار و همکاران؛ 1389، ص 79)

حضرت علی درباره مردم بصره می فرمایند: «سرزمین شما به آب نزدیک و از آسمان دور است، عقل های شما سست و افکار شما سفیهانه است» (شریف رضی، 1379، خطبه 14). از سویی دیگر سرزمین هایی که دارای اقلیم سخت، خشن و نامساعد می باشند و امکانات و قابلیت های محیطی پایینی دارند؛ همانند شهر مکه، به همان میزان، دارای ساکنانی با توانایی و شایستگی بالا هستند. دعای حضرت ابراهیم در قرآن نیز مؤید این مطلب هست «پروردگارا من فرزندانم را در وادی سنگلاخ و غیرقابل کشت، نزد خانه محترم تو سکونت دادم تا نماز را به پادارند» (ابراهیم، 37). حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه نیز دلیل آنکه خداوند خانه اش را در سرزمین بدآب و هوا قرار داده، ابتلای مؤمنین به سختی ها و اصلاح اخلاق آن ها دانسته اند (نهج البلاغه، خطبه 192).

تأثیر لقمه حرام در تربیت و تقوا

یکی از ابعاد محیط جغرافیایی (محیط فیزیکی)، تغذیه است، اندیشمندان اسلامی با استناد به آیات و روایات به صراحت نقش مثبت لقمه حلال و تأثیر منفی لقمه حرام در تربیت را تبیین کرده اند:

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «كَسَبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِّيَّةِ؛ کسب حرام اثر خود را در ذریّه ی انسان به جای خواهد گذاشت.» (حرعاملی، 149، ج 17، ص 82). آن

حضرت، درباره نقش لقمه حلال می فرماید «لَا تَدْعُ طَلَبَ الرِّزْقِ مِنْ حِلِّهِ فَإِنَّهُ عَوْنٌ لَكَ عَلَى دِينِكَ؛ طلب روزی حلال را فرومگذار، که روزی حلال تو را در دین داری کمک می کند» (حرعاملی، 149، ج 17، ص: 35)

قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید (این کار، گناه است)» (بقره/188).

امام حسین علیه السلام در حادثه کربلا خطاب به فتنه گران یعنی لشگریان عمر سعد- که حضرت را محاصره کردند- فرمودند: «... فَقَدْ مُلِئْتُ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ؛ شکم های تان از کسب حرام، پر شده و بر دل هایتان مهر زده شده که حقیقت را درک نمی کنید» (مجلسی، 1404، ج 45، ص: 9).

لذا یکی دیگر از عوامل محیطی (محیط مرتبط با جغرافیا) در ایجاد فتنه، لقمه حرام است.

2-7- محیط اجتماعی

اشاره

انتقال دانش ها، ارزش ها و مهارت ها از یک نسل به نسل دیگر، تنها در درون نظام رسمی آموزش و پرورش صورت نمی گیرد، بلکه سایر نهادها و مؤسسات اجتماعی نیز در این امر تأثیرگذارند و به نظر می رسد که با تحول سریع جوامع و حرکت آن ها به طرف جامعه فرا صنعتی، بر اهمیت این آموزش ها روزه روز افزوده می گردد. از میان عوامل تأثیرگذاری که بافت اجتماعی هر جامعه را تشکیل می دهند، نظام خانواده، گروه های همسالان، نهادهای مرتبط با ورزش و سرگرمی ها، ارتباطات و فرهنگ از عمده ترین

عوامل بوده و درباره نقش و جایگاه هریک، نظرات گوناگونی ابراز شده است (توسلی، 1379، ص 75).

«جان دیوئی» از پیشکسوتان نظریه «کنش متقابل میان فرد و محیط» بر این باور است که هنگامی که افراد برای یک کار جمعی باهدف مشترک درگیر می شوند؛ موجب همسانی بسیار نزدیک شخص با گروه می گردد (توسلی، 1374 ص 288).

بنابراین، محیط اجتماعی ابعاد گسترده ای دارد، شامل حکومت (حاکمیت)، خانواده، دوستان و همسالان، رسانه، محیط آموزشی رسمی (مدرسه و دانشگاه) و غیررسمی مانند مساجد و ...

1-2-7- حکومت (حاکمیت)

فارابی در کتاب اندیشه های اهل مدینه فاضله، ویژگی های رئیس مدینه فاضله را شرح می دهد که یکی از بارزترین آن ها، «دوستدار تعلیم و تربیت» است. رئیس مدینه باانصاف به این صفت، نسبت به آموزش و پرورش امت اسلام اهتمام جدی می ورزد و مسئولیت کامل تربیت مردم را به عهده می گیرد. بنابراین فارابی نتیجه می گیرد که آموزش و پرورش امری دولتی است و از وظایف اصلی حاکمان حکومت اسلامی گسترش آن است (محمودی، 1391، ص 21). حضرت علی علیه السلام طی احادیثی نقش محیط در تربیت و تقوا را چنین ترسیم می نمایند: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشَبَّهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ؛ مردم به زمامداران (محیط اجتماعی و شرایط زمانی)، شبیه تر از پدرتان شان هستند» (ابن شعبه حرانی، 1404، ص 208). «النَّاسُ بِزَمَانِهِمْ أَشَبَّهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ؛ مردم به زمان خود بیشتر شباهت دارند تا به پدرانشان» (لیثی واسطی، 1376، ص 66). «إذا خبث الزمان كسدت الفضائل، هرگاه محیط اجتماع آلوده باشد؛ فضایل اخلاقی بی رونق بوده و زیان آور تلقی می گردد» (ابن ابی الحدید، ج 20، ص 270).

امروزه رسانه تعریف گسترده ای پیدا کرده اند؛ یعنی رسانه مانند گذشته فقط به تلویزیون و رادیو و روزنامه و مجله و کتاب منحصر نیست. امروزه رسانه های گروهی به سبب انبوه و فراوان بودنشان به رسانه های فردی تبدیل شده اند و از طرفی به صورت يك جبهه عظیم فرهنگی درآمده اند. جبهه فرهنگی، به گستردگی همه کرات، کشورها، شهرها، کوچه ها و خیابان هاست. همه مغزها و اندیشه ها جبهه فرهنگی شده اند و علمدار جبهه فرهنگی، رسانه ها هستند. رسانه ها بیشترین فعالیت را در تربیت جوانان دارند و رسالت اصلی شان در تربیت، در بعد تربیت اجتماعی یعنی اخلاق و رفتار اجتماعی و سیاسی است. رسانه ها می توانند اخلاق و رفتار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و حتی اشتباهات تحصیلی ایجاد کنند. رسانه ها در بسیاری از مواقع بر پدرها، مادرها، معلم، مدرسه، کتاب و دفتر، در تربیت جوانان پیشی می گیرند، بنابراین می توان گفت اینترنت مانند شمشیر دو لبه ای است که يك لبه آن بسیار مفید و لبه دیگرش غیر مفید و مضر است. اینترنت رسانه سهل الوصول است و متأسفانه صدها تن از جوانان امروزی معتاد و قربانی این رسانه شده اند (افروز، 1393).

امروزه دشمنان اسلام، در قالب شبکه های اجتماعی متعدد، سایت های اینترنتی، خبرگزاری ها و نشریات (مجله، روزنامه و کتاب) و چند صد شبکه ماهواره ای و... بر ضد اسلام و انقلاب اسلامی ایران، فعالیت می نمایند.

3-2-7- خانواده

خانواده به عنوان یکی از مهم ترین محیط های تربیتی، ابعاد مختلف رشد کودک (جسمانی، عاطفی، اجتماعی و دینی) را تحت تأثیر قرار داده خمیرمایه شخصیت آن ها را شکل می دهد و پایه گذار سعادت فردی و اجتماعی است. خانواده قدیمی ترین و فراگیرترین نهادی است که در تمام جوامع بشری با الگوهای مختلف وجود داشته است و

کارکرده ای فراوانی دارد. از مهم ترین کارکردهای نهاد خانواده تعلیم و تربیت است. از این رو عملکرد تربیتی خانواده از موضوعات مهم و حساسی است که بازندگی تمام مردم و سرنوشت آنان ارتباط تنگاتنگ دارد و هرگز نمی توان آن را در ردیف قضایای ثانویه و دست دوم قرارداد؛ چراکه خانواده هسته نخستین تشکیل جامعه به شمار می رود. بررسی آیات در قرآن کریم از جمله تحریم، 6؛ طه، 2؛ مریم، 55؛ لقمان، 13 و 17؛ هود، 44 و همین طور روایات معصومین (علیه السلام) از قبیل شعیری، 1382 ق، ابن شعبه، تمیمی آمدی، 1407 ق، حر عاملی و... حاکی است که در دین مبین اسلام، خانواده نخستین و مهم ترین نهاد تربیتی است که انسان را تحت تأثیر و شاکله تربیتی وی را سامان می دهد و از روشن ترین جلوه های رحمت و مودت است. به دلیل مناسبات و روابط ویژه عاطفی، پایدارترین تأثیرات روحی، اخلاقی و رفتاری را در ساختار تربیتی انسان بر جای می گذارد (صمدی و رضایی، 1391 ص 96)

بررسی ها نشان داد که اولاً تداوم نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی ضرورت است. ثانیاً بررسی ها از زاویه دین و علم و همین طور قوانین حقوقی جهانی، تداوم نقش تربیتی خانواده را در نظام تربیت رسمی و عمومی مطرح کرده اند (همان، ص 115).

پیامبر اکرم صل الله علیه و اله: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُصَلِّحُ بِصَلَاكِ الْعَبْدِ وَلَدَهُ وَوُلْدَ وَلَدِهِ؛ ای اباذر! خداوند با صالح بودن شخصی، فرزندان و نوه های او را صالح می کند» (ورام بن ابی فراس، 1410 ق، ج 2 ص 60).

4-2-7- دوستان

نقش حساس و سازنده دوستان در شکل دهی به شخصیت انسان ها را نباید نادیده گرفت. دوستان شایسته و خوب در هدایت آدمی به سوی کمال و سعادت تأثیرگذارند و دوستان ناشایست نیز با انحراف انسان و کشیده شدن به طرف ناهنجاری های اخلاقی و اعتقادی آثار جبران ناپذیری بر جای می گذارند. یکی از عواملی که در گرایش افراد

خصوصاً نوجوانان به عقاید و نگرش های ناسالم نقش دارد فشار گروه همسالان(1) و گروه های اجتماعی است که نوجوان عضو آن هاست که «همرنگی» (2) نام دارد. گاهی اوقات گروه به گونه ای نا آشکار نگرش ما را نسبت به یک موقعیت خاص تغییر می دهد و ما به این باور می رسیم که تصور ما نادرست و تلقی گروه صحیح بوده است. (ارونسون، 1999؛ بیابان گرد، 1383). چه بسا جوانان پرمایه ای که دین دار و در عمل به تکالیف دینی کوشا هستند، ولی به سبب رفاقت و هم نشینی با افرادی سست ایمان، در محله، محیط کار یا مدارس و یا دیگر عرصه های اجتماع، دیانت و تقید دینی خود را ازدست داده به مفاسد اخلاقی رو می آورند (حسینی نیا، 1384). بر اساس نتایج تحقیق صیدی و حسینی (1391)، بین میزان گرایش دینی گروه همسالان و میزان گرایش به آموزه های دینی دانش آموزان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد، این تحقیق نشان داد که در بین متغیرهای موردبررسی (3) گروه همسالان بالاترین تأثیر و بیشترین نقش را در تربیت دینی دانش آموزان ایفا می کند.

حضرت علی علیه السلام در هشدار مبنی بر فاصله گیری از دوستانی که صفات ناپسند دارند و این که رذایل اخلاقی آن ها به طور ناخودآگاه بر انسان، اثر می کند؛ فرموده است: «لا تصحب الشریر فإن طبعك یسرق من طبعه شراً و أنت لا تعلم؛ از مصاحبت با مردم شریر و فاسد بپرهیز که طبعت به طور ناخودآگاه بدی و ناپاکی را از طبع منحرف می دزدد، درحالی که تو از آن بی خبری» (ابن ابی الحدید، ج 2 ص 272). احادیث فراوان دیگری داریم که تأکید دارند: با انسان های گناه کار و ناشایسته (4)

نشست و درخواست،

ص: 90

1-Peer Groupes

2-Conformity

- 3- شامل آراستگی ظاهری دبیران معارف اسلامی، مهارت حرفه ای دبیران معارف اسلامی، انگیزش شغلی دبیران معارف اسلامی، فعالیت های تربیتی مسئولین پرورشی، مهارت حرفه ای مسئولین پرورشی، گروه همسالان، جنسیت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی.
- 4- با ذکر مصداق خارجی، مانند بخیل، فاسق، دروغگو و...

نداشته باشید زیرا آن‌ها انسان را از راه راست منحرف می‌کنند. از جمله رسول گرامی اسلام صل الله علیه و اله در تمثیلی زیبا درباره تأثیر دوست و می‌فرمایند:

«مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الدَّارِيِّ إِنْ لَمْ تَجِدْ عِطْرَهُ عَلِقَكَ رِيحُهُ وَ مَثَلُ جَلِيسِ السَّوِّءِ مَثَلُ صَاحِبِ الْكَبِيرِ إِنْ لَمْ يُحْرِفْكَ شِرَارُ نَارِهِ عَلِقَكَ مِنْ نَتْنِهِ. مثال هم نشین صالح همانند عطاری است که اگر از عطرش به تو نمی‌بخشد اما بوی عطرش به تو می‌رسد. مثال هم نشین ناصالح، همانند بادبزین⁽¹⁾

(دم) آهنگری است که اگرچه شراره آتش آن، ترا نمی‌سوزاند ولی بوی بدش به مشام تو می‌رسد» (شعیری، بی تا ص 183). امام رضا (علیه السلام) فرموده: «مَنْ أَحَبَّ عَاصِيًا فَهُوَ عَاصٍ؛ هر که گناهکار را دوست بدارد، خود نیز گناهکار خواهد بود» (ابن بابویه، 1378، ج 2، 235). حضرت صادق علیه السلام فرمود: «لَا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تَجَالِسُوهُمْ، فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ، با اهل بدعت مجالست نکنید که در نزد مردم مثل آن‌ها می‌شوی که پیامبر اسلام فرموده: روش آدمی بر طبق مذهب و سیره دوست و رفیقش خواهد بود» (کلینی، 1429 ج 4 ص 695). باز آن حضرت می‌فرماید: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَ إِذَا صَعِدَ الْمَنْبَرَ قَالَ يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَجْتَنِبَ مُوَاحَاةَ ثَلَاثَةِ الْمَاجِنِ (2) وَ الْأَحْمَقِ وَ الْكَذَّابِ فَأَمَّا الْمَاجِنُ فَيَزِيْنُ لَكَ فِعْلَهُ وَ يُحِبُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ وَ لَا يُعِينُكَ عَلَى أَمْرِ دِينِكَ وَ مَعَادِكَ وَ مُقَارَنَتِهِ جَفَاءً وَ قَسْوَةً وَ مَدْخَلُهُ وَ مَخْرَجُهُ عَلَيْكَ عَارٌ وَ أَمَّا الْأَحْمَقُ فَإِنَّهُ لَا يُشِيرُ عَلَيْكَ بِخَيْرٍ وَ لَا يُرْجَى لِمَصْرَفِ السُّوءِ عَنْكَ وَ لَوْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ وَ رَبَّاهُ أَرَادَ مَنَفْعَتَكَ فَضَرَّكَ فَمَوْتُهُ خَيْرٌ مِنْ حَيَاتِهِ وَ سَكُوتُهُ خَيْرٌ مِنْ نُطْقِهِ وَ بُعْدُهُ خَيْرٌ مِنْ قُرْبِهِ وَ أَمَّا الْكَذَّابُ فَإِنَّهُ لَا يَهْنِئُكَ مَعَهُ عَيْشٌ يَنْقُلُ حَدِيثَكَ وَ يَنْقُلُ إِلَيْكَ الْحَدِيثَ كُلَّمَا أَفْنَى أَحَدُوهُمْ مَطْلَهَا بِأُخْرَى حَتَّى إِنَّهُ يَحْدِثُ بِالصُّدْقِ فَمَا يُصَدِّقُ وَ يُغْري بَيْنَ النَّاسِ بِالْعَدَاوَةِ فَيَنْبِئُ السَّخَائِمَ فِي الصُّدُورِ فَأَتَّقُوا اللَّهَ وَ انْظُرُوا لِأَنْفُسِكُمْ؛ هر زمان امیر المؤمنین علیه السلام به منبر می‌رفت می

ص: 91

1- باد بزین کوره آهنگری که از پوست ضخیم درست می‌کردند در متن حدیث با کلمه «الکبیر» تعبیر شده است.

2- الماجن من لا یبالی قولا و فعلا.

فرمود سزاوار است برای مسلمان که از رفاقت با سه کس دوری جوید: پروری بی باکی که تباه کار، احمق و دروغ گو، اما شخص پروری تباه کار پس کردار خویشتن را برای تویاراید و دوست دارد که تو نیز مانند او باشی و نه در کار دین تو را کمک کند و نه در کار آخرت و نزدیکی با او جفاکاری و سنگدلی است و ورود و خروج او (و رفت و آمدش) برای تو ننگ است و اما احمق پس کار خیری درباره تو انجام ندهد و به جلوگیری از رسیدن بدی به تو امیدی نیست اگرچه خود را به تلاش اندازد و بسا که بخواهد به تو سودی برساند ولی (از روی حماقت) زیانت رساند پس مرگ او بهتر از زندگی اش هست و خموشی او به از گفتارش و دوری او (از تو) به از نزدیکی اوست و اما دروغ گو زندگی کردن با او بر تو گوارا نشود، گفتار تو را به دیگران بازگوید و از دیگران به سوی تو آرد، هرگاه افسانه را به پایان رساند آن را به افسانه دیگری مانند آن بچسباند تا بدان جا که راست گوید ولی کسی باور نکند و میانه مردمان را به دشمنی پراکنده سازد و در سینه ها تخم کینه افشاند و برویاند، از خدای عز و جل پرهیزید و خود را بیایید» (کلینی، 1407، ج 2، ص 376).

پس دوستان ناصالح (فتنه جو و فتنه گر) از بستر ها و دام های مهم فتنه است.

5-2-7- محیط آموزشی رسمی (مدرسه و دانشگاه)

تحقیق صیدی و حسینی (1391) که نقش عوامل درون مدرسه ای (1) در تربیت دینی را بررسی کرده است؛ نشان می دهد که محیط آموزشی رسمی نقش به سزایی در تربیت و تقوا دارد. طبق نظریه «برنامه درسی پنهان» (2)، کل ساختار نظام آموزشی رسمی بر روی مخاطبانش تأثیر دارد.

ص: 92

1- از قبیل محتوای کتاب های درسی دین و زندگی، ویژگی های، ظاهری و مهارتی و فردی دبیران دین و زندگی و متولیان پرورشی (مربی و معاون پرورشی)، فعالیت های پرورشی.

2- برخی از صاحب نظران تعلیم و تربیت (سعیدی رضوانی و کیانی نژاد، 1379: 40) برای تحقق اهداف دینی نظریه توجه به «برنامه درسی پنهان» را مطرح کرده می نویسند: «برنامه درسی پنهان» بعد غیرقابل پیش بینی یاد گیری است؛ زیرا عوامل دیگری که جزء برنامه درسی نیست و از دید و مشاهده برنامه ریزان و دست اندر کاران تعلیم و تربیت نیز پنهان است، در فکر، عواطف و رفتار فراگیران اثر می کند. در اغلب موارد، مؤثر تر از برنامه درسی پیش بینی شده عمل می کند. قوانین مدرسه، جو اجتماعی مدرسه و رابطه ی معلم و دانش آموز از اهم این عوامل هستند. از تأثیر این ها تفکرها، نگرش ها و رفتارهایی در فراگیر، شکل می گیرد که در ادبیات برنامه درسی، آن را تأثیرات برنامه درسی پنهان می نامند. برنامه درسی پنهان به عملکردها و نتایج آموزشی اطلاق می شود که با وجود آشکار نبودن در رهنمود های برنامه درسی یا سیاست های آموزش و پرورش، بخش حتمی و موثر تجربه تحصیلی است. عملکرد برنامه درسی پنهان، به صور گوناگونی تعریف شده است؛ از القای ارزش ها، تربیت اجتماعی بر اساس سیاست های حاکم، تربیت افراد مطیع و سر به راه، تداوم بخشیدن به ساختار طبقاتی موجود و... گرفته تا عملکردهایی که می توان آن ها را کنترل اجتماعی دانست. (همان: 40).

لذا محیط های آموزشی رسمی، اگر به فتنه، آلوده باشد؛ متعلمین را مبتلا خواهد نمود.

ب- روزه های ساختگی (دشمن تراشیده)

اشاره

این روزه ها، اکثراً توسط دشمن ساخته شده به آموزه های اسلامی، نسبت داده شده در جامعه اسلامی ترویج می شود، سپس از طریق آن ها، وارد می شوند. مثلاً، چادر خانم ها را دست و پاگیر و محدودکننده جلوه می دهند! و سایر شبهات و اتهامات بی اساس که با آن ها، به قرآن و معارف علوی و نبوی و فرهنگ مردم مسلمان، حمله می کنند.

اکثر روزه ها، از نوع دوم است. در فصل دوم این کتاب، پاره ای از این روزه ها را در موضوعات سیاسی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و... ذکر خواهیم کرد.

7-2-1- اتاق فکر، از لوازم جنگ نرم

از دیگر کارهای دشمنان منافق، تشکیل جلسات مخفیانه (اتاق فکر شبانه) برای کارشکنی در امور مسلمین است. خداوند متعال، از طریق وحی (نساء/81 و 108) [\(1\)](#) حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله و سلم را آگاه ساخت.

ص: 93

1- وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا؛ آنها در حضور تو می گویند: «فرمانبرداریم» اما هنگامی که از نزد تو بیرون می روند، جمعی از آنان بر خلاف گفته های تو، جلسات سری شبانه تشکیل می دهند آنچه را در این جلسات می گویند، خداوند می نویسد. اعتنایی به آنها نکن! (و از نقشه های آنان وحشت نداشته باش!) و بر خدا توکل کن! کافی است که او یار و مدافع تو باشد. (نساء/81). *يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا؛ آنها زشتکاری خود را از مردم پنهان می دارند اما از خدا پنهان نمی دارند و هنگامی که در مجالس شبانه، سخنانی که خدا راضی نبود می گفتند، خدا با آنها بود، خدا به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد (نساء/108).

اشاره

* روش های جنگ نرم (1)

دشمن، برای نیل به اهداف و تسلط بر مسلمین، از روش های گوناگونی استفاده می کند که در این کتاب به برخی موارد اشاره می شود. مجموعه روش هایی که در تهدیدات نرم به کار گرفته می شود را می توان به سه روش «گفتاری، رفتاری و شبکه ای» تقسیم نمود. در ادامه به اختصار به تعریف هرکدام از این روش ها می پردازیم:

1-8-2-1- روش های گفتاری

اشاره

روش های گفتاری در اعمال تهدیدات نرم را می توان به چهار بخش «عملیات روانی»، «عملیات ادراکی»، «دیپلماسی عمومی» و «فریب استراتژیکی» تقسیم نمود:

1- عملیات روانی

اشاره

به مجموعه طرح ها و اقداماتی گفته می شود که به دنبال تشویق، تهییج و تحریک افکار عمومی در خصوص يك مسئله ای مشخص و با اهداف از پیش تعیین شده است. عملیات روانی به طور کلی در چارچوب اقدامات اطلاعاتی و با اهداف پنهانی قرار دارد و آثار، نتایج و همچنین ابزارها و شیوه های آن به راحتی قابل شناسایی نیست. عملیات روانی بیشتر در شرایط بحرانی مانند جنگ، شورش و اغتشاش؛ یا در شرایط ناپایدار و شکننده مانند التهاب در روابط دو کشور، مورد استفاده قرار می گیرد.

ص: 94

1- بخش هایی از مطالب این سر تیتیر (روش های جنگ نرم) از سایت اندیشه سیاسی از مجموعه سایت های پرسمان دانشجویی -نشریه الکترونیکی پرسمان، شماره 149 ص 893 به نشانی <http://www.porseman.org/showarticle.a> اقتباس شده است. تاریخ دسترسی 27/2/1397.

فرضیات عملیات روانی بر این است که توان جنگیدن دشمن جدا از ابزارها و جنگ افزارهای نظامی، بر اراده نیروی انسانی معطوف به جنگ استوار است.

انواع عملیات روانی

الف- عملیات روانی آشکار

این نوع عملیات به طور معمول با استفاده از تبلیغات سفید (تبلیغاتی که هویت منبع آن معلوم است) انجام می شود اغلب موارد عملیات روانی که با عناوین رسمی (مانند رادیو آمریکا) به اجرا درمی آیند. از مصادیق این نوع عملیات اند.

2. عملیات روانی پنهانی

اشاره

عملیاتی است که منبع انتشار آن فاش نمی شود، یا اگر هم کشف شد، آن دولت بتواند هرگونه دخالتی را انکار کند. عملیات روانی پنهان معمولاً به وسیله تبلیغات سیاه و خاکستری به اجرا درمی آید.

اهداف عملیات روانی

هدف از عملیات روانی تغییر «رفتار» و «نگرش» مخاطب در جهت مطلوب است. این مطلوب بودن با توجه به شرایط طرفین به سه دسته تقسیم می شود:

1. بین گروه ها در يك کشور: عملیات روانی بین دو گروه، بیشتر برای کسب قدرت است اما با توجه به تخریبی بودن عملیات روانی در نهایت شهروندان آن کشور متضرر خواهند شد و کشور آسیب خواهد دید.

2. بین دو کشور غیر متخاصم: در این حالت هدف عملیات کسب امتیازهای اقتصادی و سیاسی است و هر کشور در جهت منافع ملی خود سعی بر امتیاز گیری بیشتری دارد.

3. دو کشور متخاصم: در این حالت مطلوب بودن، تغییر رژیم یا تغییرات اساسی در رفتار کشور مقابل و نگرش بین دو کشور است

نمونه هایی از تغییر نگرش

1. بدبین سازی شهروندان نسبت به حاکمیت،
2. ناکارآمد نشان دادن مسئولان کشور هدف،
3. القای وجود تبعیض و نبود آزادی در کشور هدف،
4. القای عقب ماندگی کشور نسبت به دیگر کشورها،
5. القای ناجی بودن کشور دشمن،
6. بزرگ جلوه دادن قدرت دشمن.

نمونه هایی از تغییر رفتار

1. مقاومت قانونی در برابر حاکمیت،
2. مقاومت غیرقانونی در برابر حاکمیت (شورشگری)،
3. مقاومت نکردن در برابر نفوذ دشمن،
4. کمک به دشمن برای نفوذ به کشور.

ابزار عملیات روانی

ابزار عملیات روانی به دو دسته؛ «فشار عملی» و «فشارهای تبلیغاتی- روانی» تقسیم می شوند. فشارهای عملی در عملیات فراملی چهار دسته اند: اقتصادی، فرهنگی - سیاسی، دیپلماتیک و نظامی. ابزارهای تبلیغاتی - روانی عبارت اند از: تلویزیون، رادیو، خبرگزاری ها، مطبوعات و اینترنت که هر يك با توجه به خرده هدف های عملیاتی روانی کارایی ویژه ای

دارند. برای مثال در امر شورشگری، تلویزیون های ماهواره ای، رادیوهای خارجی و شبکه های اجتماعی، بیشترین تأثیر را بر شهروندان آن کشور آماج خواهند داشت.

لازم به ذکر است ابزارهای روانی و تبلیغات به عنوان ابزارهای مکمل، پس از موفقیت نسبی ابزارهای عملی استفاده می شود.

2. عملیات ادراکی

تأثیرگذاری بر نگرش ها، باورها، عقاید، اهداف و ارزش های طرف مقابل باهدف ایجاد تغییر در مخاطبان تا سرحد همسو شدن آن ها با اهداف و منابع عمل کننده را می توان عملیات ادراکی معنا نمود این نوع عملیات به جای این که مخاطب را تهییج یا یک باره و فوری وادار به عکس العمل نماید، نگرش آن ها را نسبت به مسائل اساسی مانند ایده حاکمیت تحت تأثیر قرار دهد. در عملیات ادراکی از فنون و شگردهای مختلفی مانند برگزاری جلسات نقد و بررسی، مباحثه و گفت وگو، نظریه پردازی و مواردی مانند این استفاده می شود

3. دیپلماسی عمومی (یا مردم محور)

اصطلاحی است که از اواسط دهه 1960 میلادی و در هنگامه جنگ سرد در آمریکا و دیگر کشورهای بلوک غرب مطرح شد. مفهوم کلی دیپلماسی عمومی برقراری روابط حسنه دولت ها با ملت ها به جای روابط بین دولت ها و در جهت فتح قلوب و اذهان عمومی همه یا بخش های انتخاب شده ای از مردم کشورهای هدف از طریق سیاست های فرهنگی و اجتماعی هست. يك تعریف رسمی جدید از دیپلماسی عمومی بریتانیا این گونه است: «کار برای رسیدن به اهداف و نفوذ کردن مثبت در دیدگاه های افراد و سازمان های خارجی نسبت به بریتانیا و همکاری آن ها با بریتانیا».

این روش هزینه اجرای تصمیمات و پیگیری منافع و مقصد را به حداقل می‌رساند و سد مقاومت‌ها در برابر «دیگران» یا «بیگانگان» را می‌شکند. در این میان، رسانه‌هایی که مخاطبانی بیرون از مرزهای جغرافیایی یک کشور دارند، بیشترین کمک را به پیشبرد منافع ملی خواهند داشت.

این روش از جهت هدف با روش عملیات ادراکی شباهت زیادی دارد؛ اما از جهت نحوه و سازمان اجرایی متفاوت است. زیرا متولی دیپلماسی عمومی، دستگاه سیاست خارجی کشور عمل‌کننده است، درحالی‌که متولی عملیات ادراکی، رسانه‌ها، دستگاه‌های آموزشی و سازمان‌های غیردولتی‌اند.

با توجه به دامنه فعالیت‌های متعارف و نامتعارف دیپلمات‌های محلی بریتانیا در ایران، شاید بتوان لندن را پیشگام دیپلماسی عمومی دولت‌های سلطه‌جوی خارجی در تاریخ ایران و احتمالاً دیگر کشورهای خاورمیانه حتی پیش از رایج شدن اصطلاح و سیاستی مشخص با این نام داشت.

دیپلماسی عمومی بریتانیا در قرن 21 شکل نوینی به خود گرفت. درواقع سیاستمداران و سیاست‌گذاران بریتانیایی پس از چند دهه دریافته بودند که بدون یک بازنگری اساسی در برنامه‌های سنتی مرسوم دیپلماسی عمومی خود قادر به رقابت با دیگر قدرت‌های حاضر در این صحنه در جهان امروز نخواهد بود. از زمان تدوین و انتشار گزارش لرد کارتر به بعد، بخش دیپلماسی عمومی در گروه سیاست خارجی مجلس بریتانیا نیز فعال و به طرز قابل ملاحظه‌ای بیشتر از گذشته موجب تعامل قانونگذاران آن کشور با سرویس جهانی بی.بی.سی و بریتیش کانسل و مسئولان آن مؤسسات در جهت دگردیسی و پوست اندازی آن دو نهاد سنتی و رسمی شده است.

وزارت خارجه بریتانیا محورهای اساسی کنونی دیپلماسی عمومی این کشور را این گونه اعلام کرده است:

1. سرویس جهانی بی. بی. سی

2. بریتیش کانسل (شورای فرهنگی بریتانیا)

3. شبکه خبری ماهواره ای بی. اس. ان (بریتیش ساتلایت نیوز)

4. سازمان نمایشگاه های فرهنگی و تجاری بین المللی بریتانیا

البته باید توجه داشت که بحث دیپلماسی عمومی بریتانیا بحث سیاست هماهنگی نهادهای مختلف برای اهداف مختلف راهبردی و درازمدت است. در این مسیر نباید متوقع بود که لحظه به لحظه فعالیت های کوتاه مدت و روزمره نهادهایی همانند سرویس جهانی بی. بی. سی و یا بریتیش کانسل منطبق بر سیاست های اعلام شده دولتی بنماید؛ بلکه رسیدن به هدف نهایی و فتح قلوب و اذهان مخاطبان در خارج از مرزهای بریتانیا در میان مدت و درازمدت است که باید از هر طریقی و لو دادن امتیاز و ضررهایی در کوتاه مدت حاصل شود.

4. فریب استراتژیکی

عملیات فریب را «سلسله اقدامات سازمان یافته و پنهانی که به منظور تأثیرگذاری بر ذهنیت حریف طراحی و اجرا می شود و هدف اصلی آن ایجاد انحراف، در تصمیمات حریف از طریق ارائه اطلاعات هدایت شده و گاه غلط و اجبار وی به اقدام یا عدم اقدام در جهت منافع ملی کشور خودی یا به ضرر منافع خود» تعریف می کنند.

آماج اصلی فریب استراتژیک، نهادها و سازمان های اطلاعاتی و امنیتی کشور هدف است. بر این اساس چنانچه طراحان فریب استراتژیک بتوانند در حداقل منابع و مجاری اطلاعاتی چنین سازمان هایی نفوذ کرده احتمال تبدیل شدن محتوای اطلاعاتی فریب دهنده به عنوان یک گزارش یا بخشی از یک گزارش اطلاعاتی ارائه شده از سوی سرویس های نظامی، امنیتی و اطلاعاتی کشور مخاطب بالا خواهد رفت.

فرب استراتژيك با روش عمليات روانى كه پيش تر ذكر شد شباهت هاى دارد. از جمله:

- هر دو به ذهنيت افراد توجه كرده و در تلاش براى تاثيرگذارى بر آن اند.

- هر دو مشتمل بر سلسله اقداماتى هدفمند و سازمان يافته مى باشند.

- هر دو جزو اقدامات سرى و پنهان محسوب مى شوند.

درعين حال؛ اين دو روش تفاوت هاى مهمى هم باهم دارند:

اولين نقطه افتراق فرب استراتژيك و عمليات روانى، محدوده تاثيرگذارى عمليات روانى «نگرش عامه مردم يك جامعه» است، درحالى كه فرب، «ذهنيت سوژه اى خاص» (فرد، گروه يا سازمان معين) را هدف قرار مى دهند.

دوم، اين كه هدف عمده عمليات روانى، عواطف و احساسات عموم افراد يك جامعه خاص (افكار عمومى) هست. درحالى كه هدف عمليات فرب، تصميم گيران، فرماندهان و افراد خاصى از جامعه اى مشخص در محيط حريف است.

2-8-2-1- روش هاى رفتارى

اشاره

روش هاى رفتارى دومين دسته از روش هاى اعمال تهديدات نرم اند. در روش هاى رفتارى، هدف اصلى شكل دادن به رفتارهاى جمعى، متناسب با خواسته ها، اهداف و برنامه هاى تهديدگر است. اين روش را مى توان به چهار بخش: «اعتراض»، «عدم همكارى با دولت»، «مداخله غير خشونت آميز» و «جذب مخالفان حكومت» تقسيم نمود.

1. اعتراض

به اقداماتى گفته مى شود كه حكايت از نشان دادن اعتراض و نارضايتى بدون مداخله و رويارويى با نيروهاى پليس داشته باشد؛ كه در صورت تكرار و روند سازى مى تواند

تبدیل به مقاومت شود. اعتراض می تواند به صورت تحصن، مخالفت خوانی، کم کاری، کار شکنی و تجمع مسالمت آمیز انجام شود.

2. عدم همکاری با دولت (نافرمانی مدنی)

به مجموعه اقداماتی گفته می شود که از سوی مردم یا برخی جمعیت ها به منظور ایجاد محدودیت یا خودداری از همکاری های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی با دولت اتخاذ گردد. مواردی مانند عدم پرداخت مالیات، قبوض مصارف خدمات عمومی، بیرون کشیدن پول و سرمایه خود از شبکه های دولتی، عدم مشارکت سیاسی مانند عدم مشارکت در انتخابات.

3. مداخله غیر خشونت آمیز

به معنای ایجاد اختلال در نظم عمومی مؤسسات، سازمان ها، برنامه ها، طرح ها و فعالیت های دولت، توسط افراد، تشکل ها و دولت های دیگر است. نوع اقدام حتماً باید غیر خشونت آمیز باشد؛ مثلاً خرابکاری نامحسوس یا تصرف غیر خشونت آمیز يك ساختمان یا نهاد دولتی از جمله این موارد است.

4. جذب مخالفان حکومت

به معنای جرئت دادن به مخالفان و حمایت از آنان در هنگام سختی و خطر با هدف هویت بخشی، انسجام بخشی، تحریک پذیری، افزایش انگیزه و اعتماد به منظور ایمان سازی مسیر مقابله از سوی يك دولت یا سازمان دشمن علیه دولتی دیگر است.

در روش های مبتنی بر شبکه، هدف اصلی اطلاعات و ارتباطات بر روی شبکه است. بنابراین اینترنت ها، مخازن و پایگاه های اطلاعاتی و سایت های کنترل و فرمان از بخش های مهم و مورد توجه در این روش اند. روش های شبکه ای را به دودسته می توان تقسیم کرد:

1. دیجیتالی؛ روش های دیجیتالی به روش هایی گفته می شود که از طریق فعالیت در فضای دیجیتالی اهداف جنگی را پی می گیرد و یا به دنبال اختلال در ارتباط، سرقت اطلاعات و یا اختلال در سامانه های مدیریت در شبکه های اینترنت و اینترنت هستند؛ از این اقدامات به جنگ رایانه ای هم تعبیر می کنند. حمله های هکری را می توان مشهورترین روش دیجیتالی دانست.

2. الکترونیکی؛ روش های الکترونیکی مجموعه روش هایی است که از طریق وسایل الکترونیکی مانند ماهواره و رادیو و تلویزیون اهداف کشور مهاجم را پی می گیرند و یا به دنبال اختلال در این وسایل و امواج مربوطه شان هستند.

8-2-1- ابزارهای جنگ نرم

اشاره

وسعت ابعاد و زمینه های جنگ نرم سبب می شود که دایره وسیعی از ابزار مدرن را در زمره ابزارهای این جنگ بگنجانیم. به علاوه که خصلت ابتکاری و ابداعی در این جنگ سبب می شود این دایره هم چنان وسعت بیشتری یابد و ابزارهای جدید و ابداعی هم به این فهرست افزوده شوند. این ابزارها را در يك تقسیم بندی می توان در سه عنوان گنجانند: «صنایع فرهنگی»، «رسانه ها»، «فن آوری های نوین ارتباطی و تبلیغاتی». که همگی ارتباطی تنگاتنگ و پیچیده باهم دارند.

1. سینما؛ جذابیت فراوان و قدرت تأثیرگذاری و نیز قابلیت بالای تکثیر محصولات صنعت سینما، سبب شده است که دنیای غرب به عنوان مخترع و صاحب اولیه این صنعت، بیشترین استفاده را از آن در جهت تبلیغ و ترویج فرهنگ و ارزش های خود در جوامع دیگر ببرد و سهمی ویژه را در این راستا به این صنعت اختصاص دهد. تأسیس تشکیلاتی چون هالیوود از بزرگ ترین گام ها در این راستا است.

سینمای آمریکا، به اقتضای دیگر مصنوعات سرمایه داری، بر پایه سکس و خشونت و ترس شکل گرفته است و ترویج کننده فرهنگ غربی و در موارد بسیار حاوی هجمه های صریح و غیر صریح به فرهنگ ها و نظام های ارزشی مخالف و مقابل غرب، از جمله ارزش های دینی هست. در کشور ما نیز بخش قابل توجهی از برنامه های شبکه های داخلی به دوبله و پخش همین فیلم ها البته با اعمال پاره ای ممیزی های اخلاقی اختصاص دارد که موارد بسیاری این ممیزی ها اصلاحی در خصلت ترویجی آن ها نمی تواند تغییر ایجاد کند. به علاوه که امروزه با گسترش ماهواره ها طیف وسیعی از فیلم ها قابل دسترسی است.

2. کارتون (انیمیشن)؛ در کنار سینما، صنعت انیمیشن سازی (پویانمایی) هم صنعت مستقلی است که هواداران بسیاری را خصوصاً در بین مخاطبان کودک و نوجوان به خود جذب کرده است.

شخصیت های ساده و دوست داشتنی دنیای کارتون برای مخاطبان و دوستداران کودک و نوجوانشان به آسانی به عنوان الگو پذیرفته می شوند و کودکان سعی می کنند از رفتارها و برخوردهای آنان تقلید کنند.

وجود همین قابلیت مهم است که سبب شده کارتون ها در فرآیند هجوم نرم جهان غرب علیه دیگر فرهنگ ها و کشورها نقشی ویژه را به خود اختصاص دهند. این رویکرد را خصوصاً در نسل جدید کارتون ها می توان دید. در برخی موارد دامنه بهره برداری از

کارتون ها به بیان مضامین سیاسی نیز کشیده می شود و شخصیت های محبوب کارتون ها به نمایندگان و مبلغان فرهنگ و سبک زندگی و ارزش های جامعه غربی به سراسر جهان اعزام می شوند.

3. ماهواره؛ ماهواره امکانات بی نظیری را پیش روی صاحبان رسانه و دولت ها و قدرت ها گذاشته است که رسانه های پیشین در تأمین آن ها ناتوان بودند. شاید بتوان کار ویژه ماهواره در جنگ نرم را به جهت فضای آزاد و رها از چارچوب و قانونی که بر آن حاکم است انتشار برنامه ها و مطالبی دانست که مخالف و مغایر با ارزش ها و اصول کشور مورد هدف اند.

4. اسباب بازی؛ یکی از کالاهای فرهنگی مؤثر که با توجه به قشر مخاطبش اهمیتی دوچندان و وضعیتی حساس دارد، اسباب بازی ها است.

اسباب بازی های ساخته شرکت های غربی، ترویج دهنده فرهنگ غربی برای کودکان دیگر کشورها است تا از همان سنین کودکی با این فرهنگ آشنا شده و با آن انس بگیرند!

5. بازی های یارانه ای؛ پس از رواج استفاده از رایانه در منازل شخصی، یکی از مهم ترین موارد استفاده برای کودکان و نوجوانان بازی های رایانه ای است. این بازی ها که نسل های پیشینشان آتاری، کمودور و پلی استیشن بودند، با استفاده از قابلیت های رایانه، توانستند خیلی زود همه رقبای سنتی خود را کنار بزنند و بازار گسترده ای را به خود جلب نمایند.

به جهت فقر نسبی دانش گرافیک رایانه ای در دیگر کشورها، در زمینه بازی های رایانه ای، کشورهای غربی و آمریکا با فاصله ای بسیار زیاد پیشگام اند.

سود سرشار اقتصادی که سالانه از محل فروش این بازی ها عاید کمپانی بزرگ سازنده آن ها می شود، سبب شده است که بازی های رایانه ای یکی از مهم ترین ابزارهایی

باشند که قدرت های جهانی از آن در راستای جنگ نرم و ترویج و تبلیغ و مدل زندگی غربی نهایت استفاده را بکنند.

6. موسیقی؛ موسیقی یکی از مقولات فرهنگی است که در جریان نبرد نرم مورد استفاده وسیع تبلیغ رسانه ای غرب قرار گرفته است. موسیقی در بیشتر تمدن ها و فرهنگ ها نمونه هایی دارد.

در این میان موسیقی جاز سیاهان در آمریکا شکل و شمایلی نو گرفته و با سبک های مختلف راک اند رول، پاپ، رپ، متال و... به تدریج به صنعتی درآمدزا با سودهای هنگفت تبدیل شده است و با ظهور فن آوری های جدید، موسیقی قالب تصویر را هم پذیرا شدند و شوها و کلیپ ها پدید آمدند؛ و از آنجا که سیاست گذاران این صنایع فرهنگی، تنها به سود سرشار و فروش بالای این محصولات می اندیشند عناصر سکس و خشونت وارد این کلیپ ها و شوها شدند. این محصولات در فهرست صادرات فرهنگی دنیای غرب به ممالک دیگر قرار گرفت و گاهی مشابه سازی شد. از جمله در ایران از دوران پهلوی دوم موسیقی با کپی برداری از نمونه های غربی ظهور کرد و مخاطبان بسیاری را توانست به خود جذب کند. پس از انقلاب هم با فاصله ای چند ساله این روند استمرار یافت. علاوه بر موسیقی پاپ، چند سالی است که شاهد ظهور موسیقی زیرزمینی یا رپ فارسی هستیم که به نوعی تقلید یکی از گونه های موسیقی غرب است.

2-8-2-1- ابزارهای رسانه ای

رسانه ها در جنگ نرم نقش ویژه و منحصر به فردی را ایفا می کنند. تا آنجا که از آن به «جنگ رسانه ای» تعبیر می شود. بنیادی ترین تعریف جنگ رسانه ای استفاده از رسانه ها برای تضعیف کشور هدف و بهره گیری از توان و ظرفیت رسانه ها اعم از مطبوعات، خبرگزاری ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات است. جنگ رسانه ای یکی از

برجسته ترین جنبه های جنگ نرم و جنگ های جدید بین المللی است. جنگ رسانه ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به صورت غیررسمی ادامه دارد.

1. مطبوعات؛ علی رغم ظهور رسانه های نوین و شیوه های آسان تر و کارآمدتر اطلاع رسانی، مطبوعات اعم از روزنامه ها، مجلات و... جایگاه مهمی را در اطلاع رسانی و شکل دهی افکار عمومی ایفا می کنند. روزنامه های کثیرالانتشار بین المللی که محصول کمپانی های بزرگ خبرپراکنی اند و مشترکین و مخاطبان فراوانی را در سرتاسر جهان جذب کرده اند.

2. رادیو؛ رادیوها از جمله مؤثرترین و معمول ترین رسانه هایی است که دولت های متخاصم از سال ها پیش از آن ها برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشور مقابلشان بهره می گیرند. کار ویژه رادیوها در جنگ نرم را می توان تهیه، تدوین و پخش اخبار و گزارش ها و تحلیل هایی علیه کشورها و دولت های رقیب و در راستای منافع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور متبوع خود دانست. اقدامی که با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی شهروندان کشور هدف و جلب اعتماد آن ها به خود و در مقابل بی اعتمادسازی آن ها به رسانه های داخلی و نظام سیاسی اش انجام می شود.

3. تلویزیون؛ از رسانه های پیشتاز و پرمخاطب تلویزیون های بین المللی اند که میلیون ها نفر را در سراسر جهان مخاطب برنامه های مختلف خود قرار می دهند. کار ویژه تلویزیون ها در جنگ نرم را می توان تهیه و پخش برنامه های خبری و تحلیل و گزارش هایی از کشور هدف - برخلاف روایت رسانه های رسمی و دولتی آن کشور - و در راستای سیاه نمایی اوضاع آن کشور دانست.

در این راستا آنان بخش ویژه ای از توان خود را به پوشش دهی اقدامات و فعالیت های تخریبی گروه مخالف آن کشور اختصاص می دهند.

4. خبرگزاری ها و آژانس های خبری؛ خبرگزاری های بین المللی یکی از عمده ترین ابزارهای جنگ رسانه ای در جهان محسوب می شوند. این خبرگزاری ها هرروزه با تولید میلیون ها کلمه خبر و مخابره آن با پیشرفته ترین فناوری های ارتباطی، فرآیند اطلاع رسانی جهانی را تحت سیطره و کنترل خود دارند. آن ها می توانند با سانسور يك خبر یا دادن پوشش وسیع به يك رویداد، افکار عمومی جهان را له یا علیه آن مسئله برانگیزانند. اهمیت خبرگزاری ها زمانی آشکار می شوند که بدانیم اکثر مطبوعات، خبرگزاری های ملی و منطقه ای و شبکه های رادیوتلوویزیونی، اخبار و اطلاعات عمده خود را از این آژانس های خبری دریافت می کنند.

3-8-2-1- فن آوری های نوین ارتباطی

اینترنت؛ بی گمان مهم ترین و مؤثرترین اتفاقی که در عرصه رسانه ها افتاده است ظهور اینترنت هست. قابلیت هایی بی نظیری که اینترنت با خود به ارمغان آورده سبب شده این پدیده به مهم ترین و مؤثرترین ابزار جنگ نرم بدل شود.

سایت های خبری و خبرگزاری های اینترنتی؛ اینترنت زمینه ساز ظهور و رواج طیف وسیعی از خبرگزاری های مجازی شده است. فعالیت در فضای مجازی به مراتب آسان تر و کم هزینه تر است و امکان پنهان کردن هویت واقعی هم فراهم است. این رسانه ها خط قرمزهای کمتری را در برابر خود می بینند

رسانه های اجتماعی؛ به گروهی از رسانه هایی که در فضای اینترنتی متولد شده اند عنوان رسانه های اجتماعی داده شده است. هر کاربر اینترنتی به راحتی می تواند مطالب تولیدی خود را در فضای مجازی منتشر کند.

انواع رسانه های اجتماعی؛ رسانه های اجتماعی را می توان در گروه های مختلف دسته بندی کرد؛ شبکه های اجتماعی، وبلاگ ها، ویکی ها، پادکست ها(1)، فروم ها، کامیونیتی های محتوایی و میکروبلاگ ها برخی از رسانه های اجتماعی محسوب می شوند.

9-2-1- تاکتیک های عملیات روانی در جنگ نرم

1. سانسور

اشاره

سانسور عبارت است از حذف عمدی موادی از جریان عبور آگاهی ها، به منظور شکل دادن عقاید و اعمال دیگران، این حذف عمدی می تواند به دو شکل صورت پذیرد. سانسور در ساده ترین معنی اش، کنترل پیام های کثیرالتشّار توسط اولیای امور به جهت بازداشت موادی است که از نظر آنان نامطلوب است. مثلاً می تواند شامل حذف واژه ها، عبارات یا جملاتی خاص، توسط سانسور گر باشد.

اما سانسور در شکل گسترده ترش، می تواند دربرگیرنده هر نوع تلاشی جهت تضعیف یا جلوگیری از انتشار مواد نامطلوب از نظر برخی از اولیای امور باشد. بدین ترتیب ممکن است دولتی جلوی انتشار اطلاعات یا اخباری را که می تواند بازتابی مخالف یا ناموافق بر مقامات آن دولت داشته باشد را بگیرد و حتی ممکن است اولیای امور اقدامی تنبیهی نیز علیه خاطیان در پیش گیرند.

برخی از روزنامه ها یا مجلات را از امکانات چاپی محروم کنند، مالیات های سنگین یا موانع اقتصادی دیگر را اعمال کنند.

دولت های مستبد و خودکامه از سانسور برای ابقاء قدرت خویش بهره برداری می کنند؛ اما دولت های آزادمنش به علت سنت های موجود حاکی از انزجار نسبت به سانسور باید به

ص: 108

1- انتشار مجموعه ای از پرونده های رسانه دیجیتال است که توزیع آن در اینترنت با استفاده از فید صورت می گیرد و توسط کاربران معمولاً بر روی یک پخش کننده موسیقی دیجیتال قابل دریافت و پخش است.

روش های دیگری جهت ابقاء خود متوسل شوند روش هایی مانند تلاش برای جلب حمایت صادقانه رسانه های متنفذ، یا ارجاع مستقیم مشکل خود به مردم.

سانسور برون قانونی

سانسور برون قانونی سانسوری است که خارج از کنترل قانونی یا قدرت قانونی باشد. چنین سانسوری می تواند داوطلبانه باشد. مثل وقتی که سردبیری، عبارت یا واژه ای را از دست نوشته خود حذف می کند چراکه احساس می کند از ذوق سلیم به دور است یا کتابداری که کتابی را از دور خارج می کند، بدین علت که به نظر او قبیح و اهانت آمیز است و وی مطالب قبیح و اهانت آمیز را دوست ندارد.

2. تحریف

یکی از رایج ترین شیوه های پوشش خبری و مطبوعاتی، تغییر متن پیام به شیوه های مختلف از طریق دست کاری خبر است. در مسئله تحریف، سه پدیده به چشم می خورد که عبارت اند از: «تعدیل، شاخ و برگ دادن و جذب».

تجربه هایی که در مورد تحریف انجام شده است، نشان می دهد که بسیاری از جزییات موجود در ابتدای زنجیره انتقال به شدت حذف می شوند. در همان زمانی که فرآیند تعدیل انجام می گیرد، شاخ و برگ های دیگری به خبر اضافه می گردد. باینکه فرآیند شاخ و برگ دادن مانند فرآیند تعدیل در هر بار که خبر نقل می شود، انجام می گیرد ولی عناصری که در این فرآیند بر آن ها تکیه می شود و در هر نوبت تکرار می شوند، یکی نیستند. این ویژگی بیشتر به ترکیب جامعه ای که خبر در آن منتقل می شود، وابسته است. عناصری در این فرآیند شاخ و برگ پیدا می کنند که از نظر نقل کننده خبر با اهمیت هستند. چه چیزی سبب حذف برخی جزییات و بیان برخی دیگر می شود؟

پاسخ به این پرسش در فرآیند «جذب» یافت می شود که نتیجه نیروی جاذبه عادات، تمایلات و احساسات شنونده است.

غالباً فرآیند جذب باهدف مورد انتظار فرد هماهنگی دارد و درك و یادآوری امور طبق معمول صورت می گیرد. از همه این ها مهم تر اینکه فرآیند جذب به خودی خود بیانگر تغییرات و تحریفاتی است که منعکس کننده احساسات ریشه دار در شخص می باشد و همچنین وضعیت و جهت گیری او را منعکس می کند. باینکه در امر تجزیه و تحلیل، فرآیندهای تعدیل، شاخ و برگ دادن و جذب از یکدیگر تفکیک می شوند، ولی این فرآیندها در عمل از یکدیگر مستقل نیستند. آن ها به طور هماهنگ در آن واحد عمل می کنند.

در شرایطی که مخاطبان دسترسی لازم به منبع موثق پیام را نداشته باشند، این شیوه بیشترین کاربرد را دارد، مثلاً اخباری که از طریق خبرگزاری های دنیا و روزنامه های پرتیراژ منتشر می شوند، در نقاط مختلف دنیا منتشر شده و قابل دریافت مستندات لازم از سوی مخاطبان نیست.

3. پاره حقیقت گویی

گاهی حادثه، خبر یا سخنی مطرح می شود که از نظر منبع، محتوای پیام، مجموعه ای به هم پیوسته و مرتب است که اگر بخشی از آن نقل و بخشی نقل نشود جهت و نتیجه پیام، منحرف خواهد شد. این از رویه های رایج مطبوعات است که معمولاً متناسب با جایگاه و جناح سیاسی که به آن متمایل هستند، بخشی از خبر نقل و بخشی را نقل نمی کنند. این شیوه به خصوص در انتشار نظرات رهبران سیاسی متداول است. استفاده از تیترهای اصلی روزنامه ها، مطابق با میل و سلیقه آن روزنامه از نمونه های بارز پاره حقیقت گویی است به طور کلی از دید روزنامه نگاران يك خبر هنگامی کامل است که عناصر خبری در آن به شکل کلی مطرح شوند؛ اما چنانچه یکی از عناصر خبری -

چگونه؟ کجا؟ کی؟ چه کسی؟ چه چیزی؟ چرا؟ - در خبر بیان نگردد، خبر ناقص است. که در این تاکتیک، حذف یکی از این عناصر به عمد صورت می گیرد. در نشریات برای جلب نمودن نظر خواننده به تیر خبر، از این تاکتیک استفاده می نمایند.

درواقعه 11 سپتامبر، در اخباری که از سوی رسانه های آمریکا و رسانه های همسو با آن ها انتشار می یافت، به دلایل و انگیزه های تروریست ها پرداخته نمی شد. به عبارتی عنصر «چرا» به صورت انتخابی از اخبار حذف می شد. حذف عنصر «چرا» به آمریکایی ها این اجازه را می داد که بتوانند کشورها، افراد مختلف و سیاست هایی را که نمی پذیرند و با مواضع آن ها مخالفت دارند را محکوم نمایند و بتوانند با استفاده از باز بودن فضا و شرایط توجیه و با استفاده از عبارت «حذف تروریست ها از صحنه جهان» هم چنان به سیاست های مدنظر آمریکا جامه عمل بپوشانند.

4. محك زدن

برای ارزیابی اوضاع جامعه و طرز تفکر مردم جامعه درباره موضوعی خاص که نسبت به آن حساسیت وجود دارد و یا دریافت بازخورد نظر حاکمان و یا گروهی خاص یا صنفی از اصناف جامعه، خبری منتشر می شود که عکس العمل به آن، زمینه طرح سوژه های بعدی قرار می گیرد عوامل تبلیغاتی سعی می کنند برای دریافت بازخورد نظر گروهی خاص و یا حتی افراد جامعه، با انتشار يك موضوع عکس العمل آن ها را مورد ارزیابی قرار دهند و سیاست های آینده خود را نسبت به آن طراحی کنند. مثلاً برای ارزیابی نظر مردم ایران راجع به رابطه با آمریکا، خبری منتشر می شود تا پس از محك زدن آن، موضوعات جدی تری را در این باره منتشر سازند.

در نظام های نظرسنجی نیز استفاده از افکار عمومی، نوعی محك زدن است. طرح موضوع استفاده نظامی ایران از فتاوری غنی سازی اورانیوم توسط آمریکایی ها، بازخورد واکنش دائمی ایرانی ها در تأکید بر استفاده غیرنظامی از این فتاوری ها را به دنبال دارد.

آمریکا با این کار از یک سو قصد محک زدن ایران در این باره را داشته و از سوی دیگر از طرح آن برای اعزام بازرسین مربوطه برای کنترل این پروسه بهره می گیرد.

5. ادعا به جای واقعیت

رسانه های خبری برای دستیابی به اهداف موردنظر خود، گاهی ادعاهایی علیه افراد، گروه های مختلف و رسانه های رقیب مطرح می کنند و آنان را مجبور به پاسخگویی می نمایند. در واقع در این روش، اخبار مخابره شده و یا به چاپ رسیده نوعی ادعا به جای واقعیت را در ذهن مخاطب تداعی می کند و با استفاده از کلماتی نظیر «ادعا» منبع خبر سعی می کند اولاً خبر را از دست ندهد، در ثانی صحت و سقم خبر را به گردن منبع مدعی آن انداخته، ثالثاً چنانچه خبر مورد تأیید قرار گرفت، اعتبار پخش آن را نصیب خود کند و در نهایت پیامی را که مدنظرش می باشد به همراه خبر القا نماید.

در شایعه منبع خبر را نمی گوئیم اما در این نوع خبر عمداً منبع خبر را ذکر می کنیم، ولی منبعی که بی اعتبار است و بارها مورد تکذیب قرار گرفته است. این شیوه از جمله شیوه های جنگ روانی است. این شیوه در حقیقت مانند يك برگ دو طرف برنده است. استفاده کنندگان از آن، چه ادعا را رد و چه آن را تأیید نمایند، در هر دو صورت منبع جواب خود را گرفته است.

در جریان حمله آمریکا به افغانستان، پس از هر بمباران شدید مقرهای طالبان، ادعاهایی دال بر کشته شدن بن لادن از سوی رسانه های آمریکایی و رسانه های همسو با آن ها مطرح می شد. زمانی که طالبان خبر را تکذیب می کردند، آمریکایی ها می فهمیدند که تلاش آن ها در انهدام مواضع طالبان و کشتار آن ها چندان مؤثر نبوده است. اگر طالبان سکوت می کردند، این سکوت صحت ادعای آمریکایی ها را اثبات می کرد و نیروهای طالبان را نیز از نظر روحی تضعیف می نمود.

6. اغراق

عوامل تبلیغاتی با بهره‌گیری از این شیوه دست به پخش مطالب مبالغه‌آمیز می‌زنند. آن‌ها سعی می‌کنند مطالب کوچک را بسیار بزرگ تر از آنچه وجود دارد جلوه دهند و همچنین قادرند از مطالب بزرگ به شکلی ضعیف و در زمان، مکان و جایگاهی که به چشم نمی‌آید، بهره‌برداری کنند.

7. تفرقه

شاید بتوان تفرقه را یکی از مؤلفه‌های عوامل قبلی دانست که با استفاده از آن‌ها عامل تبلیغاتی سعی می‌کند بین جامعه مخاطبان خود با مرزبندی و جناح‌بندی‌هایی که در اکثریت موارد کاذب هم هست، مطالبی را پخش کند تا پتانسیل و توان آن‌ها را کاهش دهد.

8. ترور شخصیت

در شیوه‌های جدید، ترور فیزیکی جای خود را به ترور شخصیت داده است. در زمان‌هایی که نتوان فردی را ترور فیزیکی کرد و یا نباید افراد مورد ترور فیزیکی قرار گیرند، سعی می‌کنند از طریق عوامل تبلیغاتی جنگ روانی و با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، شخصیت‌های مطرح و مؤثر در جناح مقابل را به زیر ذره بین کشیده و با بزرگ‌نمایی نقاط ضعف آنان را ترور شخصیت نمایند. هدف آن ترور شخصیت‌های سیاسی و مهم از طریق به تصویر کشیدن نقاط ضعف و حرکات نادرست آن‌هاست. این عوامل باعث می‌شود رهبران ذی نفوذ نزد مخاطبان دچار بی‌منزلتی و تخریب چهره شوند.

9. شایعه

اشاره

زمانی که جریان این خبر از بین افرادی شروع می‌شود که از حقیقت موضوع دورند، شایعه آغاز می‌گردد و تکرار آن بدون ارائه برهان و دلیل ادامه می‌یابد تا تقریباً بسیاری از

مردم آن را باور می کنند و در نهایت شیوه معینی برای ترویج آن پیش گرفته می شود، مانند «آن ها می گویند...» یا «از يك منبع مسئول شنیده ام که ...» یا «اخبار دقیقی دارم مبنی بر اینکه...» و مانند آن ها.

شایعات زمانی رواج می یابند که حوادث مربوط به آن در زندگی افراد از اهمیتی برخوردار باشند یا در مورد آن ها خبرهای صریح پخش نشود و یا اینکه خبرهای مربوط به آن ها مبهم باشند. این ابهام زمانی به وجود می آید که خبر به صورت تحریف شده دریافت شود، یا به فرد خبرهای متضادی برسد یا فرد از فهم این گونه خبرها عاجز باشد.

تاکتیک شایعه

شایعه در جایی ایجاد می شود که خبر نباشد و یا خبر از منابع موثق منتشر نگردد. از جمله اولین عناصری که در بحث شایعه مطرح می باشند، موضوع، مکان و زمان شایعه است. يك شایعه ساز ماهر به خوبی می داند که شایعه وی باید موضعی باشد که حساسیت بالای جامعه را در زمان و مکان مناسب به خود اختصاص دهد.

ضریب نفوذ شایعه مدیون دو نکته است؛ اول ابهام در موضوع و دوم اهمیت موضوع. هرچه ضریب اهمیت يك شایعه بالا باشد، ضریب نفوذ آن نیز به همان میزان بالا می رود. در ضمن به همان میزان که ابهام در قضیه افزایش می یابد ضریب نفوذ شایعه نیز صفر خواهد شد. عوامل دیگری نیز در پخش پذیری و نفوذ شایعه مؤثرند اما از درجه دوم اهمیت برخوردار می باشند. به طور نمونه پخش شایعه از زبان يك وزیر، يك استاد دانشگاه و یا هر منبع معتبر دیگر ضریب نفوذ آن را بیشتر از پخش شایعه از زبان راننده تاکسی می کند.

هر شایعه دربرگیرنده بخش فراوانی از واقعیت می تواند باشد، اما ضریب نفوذ آن نیز تحت تأثیر عوامل دیگر می تواند افزایش بالایی پیدا کند.

شایعه ای است که یک باره شکل می گیرد، همه جامعه را تحت الشعاع قرار می دهد و اثری کوتاه مدت دارد. کاربرد این نوع شایعه بیشتر در زمان جنگ نظامی است. استفاده از آمار و ارقام و بزرگ نشان دادن آن ها، مسیر شایعات آتشین است. به معنای دیگر شایعات آتشین با ارقام بسیار بزرگ ولی فقط در يك مقطع وارد می شوند، تأثیر آن ها عظیم است ولی مقطعی است. این نوع شایعات غالباً با ارقام بزرگ سروکار دارند. تلفات ناشی از جنگ و تلفات ناشی از سیل و زلزله از جمله این موارد می باشند.

شایعات خرنده

شایعاتی هستند که همراه با تاکتیک های قطره چکانی، مرحله به مرحله می تواند مسیر يك شایعه را در ذهن افراد يك جامعه طراحی کند. این شایعات درازمدت تر از شایعات آتشین هستند و پیچیدگی های بیشتری نیز دارند. سوءاستفاده های مالی و فساد در دستگاه های اداری و رسوایی های مالی از جمله این نوع شایعات هستند. پخش قطره چکانی و مرحله به مرحله حادثه 11 سپتامبر زمینه ساز این نوع شایعه بود.

شایعات دلفینی

آن نوع از شایعات هستند که به تناسب زمان آشکار می گردند و بلافاصله پس از تأثیرگذاری برای مدتی پنهان می شوند و دوباره با ایجاد زمینه و انگیزه خود را آشکار می کنند.

شایعات دلفینی شایعاتی هستند که زمان مشخصی ندارند و هرگاه زمینه آن فراهم شود، قابل خودنمایی هستند؛ مانند اخبار مربوط به قتل های زنجیره ای.

اشاره

تاکتیک حذف، تاکتیک کلی بافی، تاکتیک زمان بندی، تاکتیک قطره چکانی، تاکتیک موجی و تاکتیک تبخیر از جمله تاکتیک های ماساژ پیام به شمار می آیند که به طور مختصر به توضیح آن ها پرداخته می شود.

تاکتیک کلی بافی

در تاکتیک کلی بافی جزئیاتی که ممکن است مخالفت اداری یا سیاسی را برانگیزد را با لعابی از مطالب غیر واقعی می پوشانند. در این تاکتیک سعی می شود بدون توجه به مسائل اصلی و عمیق در خبر و بدون ریشه یابی به موضوعی که منعکس می شود به حواشی آن پرداخته شده، به خبر لعاب بزنند و شاخ و برگ آن را اضافه کنند و خواننده را در سطح نگه دارد؛ و توجه وی را کمتر معطوف به عمق مطالب نمایند. این تاکتیک بیشتر در پخش بیانیه های وزارت امور خارجه و یا دستگاه دیپلماسی خارجی کشورها مورد استفاده قرار می گیرد، که در آن ها از شیوه بی حس سازی مغزی استفاده شده است.

تاکتیک زمان بندی

مرسوم ترین مصداقی را که می توان برای تاکتیک زمان بندی مثال زد، تأخیر در پخش خبر هست، به نحوی که پیام گیر نتواند کاری بکند. این شیوه در بسیاری از موارد التهاب و اشتیاق مخاطبین را برای شنیدن خبر از منابع موثق مهیا نموده و در بخشی دیگر زمینه پخش شایعات را نیز فراهم می کند.

تاکتیک حذف

بر اساس این تاکتیک قسمت های مهمی از خبر به دلایلی که از پیش طراحی شده و به شکلی هدفمند حذف می گردد تا زمینه را برای پخش تاکتیک شایعه مهیا نماید. در این تاکتیک پخش کننده خبر (رسانه) می داند که با پخش قسمت ناقصی از خبر سؤالاتی، در

ذهن مخاطبان ایجاد می شود که این سؤالات چنانچه پاسخ گفته نشود، زمینه پخش شایعات را فراهم می کند. در وسایل ارتباط جمعی معروف است که شایعه جایی پخش می شود که خبر نباشد.

چون سیاست به شدت ستیزه آمیز است، پیام های سیاسی بیش از پیام های دیگر آگاهانه انتخاب می شوند و تاکتیک حذف استفاده می گردد.

تاکتیک قطره چکانی

داده ها، اطلاعات و دانش به جای آنکه در سندی واحد نوشته شود در این تاکتیک دسته بندی شده و در زمان های گوناگون و به مقدار بسیار کم ارائه می گردد تا هم مخاطب نسبت به منبع خبر اعتماد پیدا کند و هم نسبت به آن اعتیاد پیدا کند و منتظر پخش اخبار از مجرای موردنظر گردد. در این شیوه الگوی رخدادها تجزیه می شود و از دردگیرنده مخفی می ماند.

تاکتیک دروغ بزرگ یا استفاده از دروغ محض

این تاکتیک قدیمی و سنتی هست، اما هنوز هم مورد استفاده فراوانی در رسانه ها دارد و بیشتر برای مرعوب کردن حریف و یا حتی برای مرعوب کردن افکار عمومی مورد استفاده قرار می گیرد. یعنی پیامی را که به هیچ وجه واقعیت ندارد، بیان می کنند. معروف ترین مورد استفاده ای که از این تاکتیک شده، در زمان هیتلر و توسط گوبلن بوده است.

فوریت بخشیدن ساختگی به خبر

تأکید بر انتقال سریع و لحظه به لحظه پیام و افزایش کمیت آن یکی دیگر از شیوه های مطبوعاتی و رسانه ای است. هدف از این شیوه ایجاد نوعی طوفان مغزی برای مخاطب نسبت به سوژه موردنظر و ایجاد نوعی ایزوله کردن خبری مخاطب نسبت به دیگر منابع

خبری از طریق ایجاد این اطمینان در مخاطب است و این مطلب را می خواهد القا کند که این مطبوعه در سریع ترین حالت ممکن، قادر است اطلاعات را به مخاطب برساند.

این تاکتیک برای کمتر تعمق کردن مخاطب بر اخبار نیز به کار گرفته می شود. از طرفی نیز رسانه های خبری با شتاب بخشیدن به گزارش حوادث و رویدادها سعی می کنند از فرصت ایجاد شده برای دستیابی به بسیاری از اهداف خود (که تاکنون مهیا نبوده) استفاده کنند. این روش کاربرد تبلیغاتی نیز دارد. هم چنین در زمان جنگ و بحر آن های سیاسی کاربرد بسیار دارد.

پیچیده کردن خبر برای عدم کشف حقیقت

امروزه شیوه پنهان کردن حقیقت، محرمانه نگه داشتن آن نیست زیرا که ذات خبر فرار است و به محض یافتن مجرای، به داخل جامعه نفوذ پیدا می کند. اعتقاد بر این است که زمانی که يك رسانه قصد دارد يك خبر را پنهان کند لازم است با دادن اطلاعات متنوع و زیاد، حقیقت و موضوع را به گونه ای پیچیده کند که مخاطب از پیگیری آن خبر صرف نظر کند.

برای پنهان ماندن حقیقت، موضوع آن چنان با اخبار و اطلاعات فراوان و گاه ضدونقیض، پیچیده و مغلق بیان می شود که مخاطب نتواند از لابلای مطالب به حقیقت دست یابد. نمونه بارز این اتفاق در موضوع پرتاب موشک از سوی نیروی دریایی آمریکا به سوی هواپیمای مسافرتی ایرباس ایرانی بود. امروزه جهت سرکوب بسیاری از جنبش های مردمی و نتایج اسف بار اقدامات سیاسی و اقتصادی قدرت های بزرگ در کشورهای ضعیف جهان این حقایق را از طریق مخدوش ساختن خبر این وقایع، پنهان می نمایند.

افزایش قابلیت تصدیق خبر از طریق چیدن خبر ساختگی و نادرست در میان چند خبر درست

برخی رسانه ها مانند بی.بی.سی همواره از این شگرد استفاده کرده اند. در این شیوه، نظر مخاطبان به اخباری صحیح جلب می شود و پس از ایجاد اطمینان اولیه نسبت به این منبع، يك خبر نادرست اعلام و القاء می شود. يك تحلیل گر حرفه ای می تواند اخباری که برای مخالفان خود دارای هویت درست و مشخص شده است، به گونه ای با اخبار نادرست آمیخته کند که در نهایت نظر خود را در قالب تحلیل و تفسیر مورد نظر خود القا نماید.

نمونه آن را می توان در سایت علیرضا نوری زاده پیدا کرد. در این شیوه تحلیل گر سعی کند اخبار موثق و درست قابل استناد برای مخاطبین را همراه با چند خبر نادرست در هم آمیخته و با شیوه ای کاملاً حرفه ای نتیجه مطلوب خود را کسب کند. در جریان قتل های زنجیره ای، علیرضا نوری زاده با در اختیار داشتن بخشی از مطالب صحیح قادر بود که مطالب نادرست خود را تحت پوشش منابع اطلاعاتی موثق منتشر کند.

استفاده از دو خبر واقعی برای طرح يك خبر ساختگی

ارتباط بخشیدن بین دو واقعه و نتیجه گیری غلط و غیرواقعی از آن، از شیوه های دیگر در مطبوعات و خبرگزاری ها و رادیوها به شمار می رود. مثلاً رادیو بی.بی.سی اعلام می کند که دو هیأت سیاسی از آمریکا و ایران هم زمان در سوریه با مقامات سوری دیدار و گفت و گو کردند. در این پیام هدف اصلی، القاء خبر ارتباط بین این دو هیئت سیاسی در سوریه و تضعیف دولت جمهوری اسلامی است.

استفاده از عاطفه گیرندگان پیام

در این روش تلاش می شود تعابیری در خبر مورد استفاده قرار گیرد که به کارگیری آنان احساس عاطفی مخاطبان را به طور ساختگی تحریف و تهییج کند. کلماتی نظیر تبعیض،

ظلم به زنان، فشار بر کودکان، شکنجه، بازجویی، توطئه، خفقان، نسل سوزی، قانون ستیزی، فجایع بشری و مانند آن می تواند احساسات يك مخاطب را برانگیخته نماید. پخش برنامه های تلویزیون و استفاده از عکس هایی که کودکان را در وضعیتی بسیار بد نشان می دهد، همچنین استفاده از زنان به عنوان عناصر زجرکشیده در اخبار می تواند در مسیر ایجاد هیجان بسیار مؤثر و پرنفوذ باشد.

از سوی دیگر خبرگزاری ها از عاطفه غریزی گیرندگان پیام استفاده می کنند. گیرندگان پیام در مقابل يك سری مسائل مشترك باهم دارای همبستگی های عاطفی هستند. مباحث مشترکی نظیر دین، نژاد، سرزمین، ملیت، جنسیت، محیط اجتماعی، رنگ پوست، مباحث مشترك قاره ای و مباحث انسان دوستی از جمله این مباحث است که در خیلی از خبرها هدف قرار می گیرند و سعی می شود به نوعی در خبرها روی یکی از این همبستگی ها تأکید شود. به طور مثال کردها در ترکیه، عراق، ایران، سوریه و... سعی می کنند از رابطه عاطفی کرد ها استفاده کنند، به نوعی که تحریک کننده باشد. کردها يك نوع رابطه معنوی، جدا از همبستگی های منطقه ای باهم دارند و فشار به هر گروه در هر منطقه بر بقیه تأثیر می گذارد.

استفاده از خبر برای تبلیغات

وقتی خبری از رسانه ها منتشر می شود، نیازی به اثبات آن وجود ندارد. زیرا اصل اولیه درستی خبر است و اگر کسی فکر کند یا ادعا کند که خبر درست نیست، لازم است برای رد آن مدرکی ارائه دهد.

شیوه ها و اقدامات جنگ نرم در ایران

اشاره

1. تحلیل مغرضانه از اوضاع داخلی و ایجاد فضای وحشت زا و موهوم از احتمال بروز جنگ، آغاز دوره بحران اقتصادی و مشکلات عظیم ناشی از آن.

2. سوءاستفاده تبلیغاتی از اجرای طرح هایی چون طرح امنیت اجتماعی به عنوان محدودکننده آزادی و حقوق زنان و نقش آزادی های مدنی و اجتماعی.
3. ایجاد تقابل های سیاسی بین سران ارشد نظام اسلامی و القای در جریان بودن جنگ قدرت در جمهوری اسلامی بین چند طیف.
4. ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی.
6. ترویج نظریه وجود قرائت های مختلف از اسلام (پلورالیسم).
7. اشاعه و تبلیغ نسبی بودن موازین اسلامی و ارزش های اعتقادی و دینی.
8. تبلیغ ضرورت جدایی دین از سیاست و دنیا از آخرت (سکولاریسم).
9. ترویج و تبلیغ وجود تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق
10. نفی آرمان گرایی با تبلیغ دنیاپرستی و تحریک غرایز شهوانی.
11. حمله مستمر به مبانی ارزشی و پایه های اعتقادی با حربه تحریف حقایق.
12. اشاعه چهره ای غیر واقعی، خشن و زشت از اسلام.
13. تبلیغ و ترویج مغایرت دین و وحی با عقل.
14. ترویج و اشاعه اومانیزم و مکاتب الحادی غربی
15. تبلیغ و ترویج تضاد میان اسلام و آزادی.
16. تلاش مستمر و برنامه ریزی شده برای سست کردن بنیان های دینی
17. تلاش برای قرار دادن جمهوری اسلامی در مقابل دموکراسی و آزادی های مدنی.
19. تلاش برای به تمسخر گرفتن مبارزه حق و باطل.
21. تبلیغ گسترده مبانی نظری فرهنگ غرب و زیرساخت های تتوریک فرهنگ آمریکایی.

22. کوشش برای بی تفاوت و جدا کردن نسل جوان از ارزش های اعتقادی و آرمان های انقلاب با هدف ایجاد بحران هویت.

23. متهم ساختن اسلام و جمهوری اسلامی به ضدیت با حقوق بشر و نقض آزادی های مدنی

25. برنامه ریزی برای کم اهمیت جلوه دادن تهاجم فرهنگی و توهم خواندن آن با هدف کم کردن حساسیت ها نسبت به اهداف تهاجم نرم فرهنگی.

26. تبلیغ و ترویج ناکارآمدی تئوری حکومت دینی و تضعیف فرهنگ اسلامی و مبانی عقیدتی.

27. القای وجود مشکلات متعدد به دلیل قطع رابطه با امریکا.

28. ایجاد شبهات متعدد در خصوص اصل متری ولایت مطلقه فقیه.

29. تضعیف بسیج و نیروهای ارزشی انقلاب.

30. امام زدایی از صحنه فرهنگی و اجتماعی.

31. نشر و ترویج مواضع اپوزیسیون داخل و خارج، ملی گراها، لیبرال ها و

32. ترویج فمینیسم و زن سالاری.

33. مخالفت با قانون اساسی.

34. حمایت از چهره ها و جریان های فرهنگی وابسته و منفعل نسبت به هویت های ملی و دینی.

35. برانگیختن شکاف های قومی و مذهبی.

36. خریداری ده ها هزار نسخه از کتاب ها و محصولات فرهنگی روشنفکران غربی و توزیع در جامعه.

37. حمایت علمی، حقوقی و مالی از عناصر روشنفکر سکولار و دانشگاهی وابسته به جریان های منحرف و مهاجم به مبانی دینی.

38. طرح شبهات اعتقادی و سیاسی جهت ایجاد تزلزل در میان جوانان.

طی بررسی هایی که در سال 1378 روی سایت های اینترنتی قابل دریافت انجام شد، نتایج زیر به دست آمد:

الف. 4 میلیون سایت مروج فساد در امریکا و اروپا طراحی شده بود که فقط در کشورهای جهان سوم قابل دریافت است.

ب. امکان دریافت 3 هزار شبکه ماهواره ای در ایران وجود دارد که علاوه بر این ها حدود 9 هزار شبکه نیز به صورت کارتی قابل دریافت است و حدود 900 شبکه شبانه روز فساد و فرهنگ منحط غربی را ترویج می کنند.

ج. 35 شبکه فارسی زبان به طور مستمر و 24 ساعته علیه نظام اسلامی فعالیت می کنند که برخی از این شبکه ها متعلق به صهیونیست ها بوده و رسماً از سوی این رژیم پشتیبانی می شوند. این شبکه ها دارای بودجه مشخصی در کنگره آمریکا هستند و غیر از امریکا کشور هلند نیز در پشتیبانی از شبکه های مذکور بسیار فعال است.

در سال 1387 حدود 5 میلیون و 400 هزار گیرنده ماهواره غیرمجاز در ایران وجود داشته است. از حدود 17 هزار و 666 شبکه ماهواره ای جهانی بیش از 3 هزار شبکه در ایران قابل دریافت بود که از این تعداد 380 شبکه به موسیقی های مبتذل، 74 شبکه به تبلیغات مد و لباس و لوازم آرایش غربی، 273 شبکه به تبلیغ ادیان ساختگی و 235 شبکه به برنامه های مبتذل و غیراخلاقی اختصاص یافته بود و هرساله نیز از سوی مجلس نمایندگان امریکا ردیف بودجه ای به توسعه این شبکه ها اختصاص می یابد که اولین هدف این اقدام تداوم جنگ نرم علیه کشورمان می باشد.

ص: 123

وزیری (1390). طی مقاله ای با عنوان «بررسی جنگ نرم استکبار جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران (1-2)» به مطالب ذیل پرداخته اند:

1- بدنمایی تحریف گرانه

تحریف معنوی، واژه ها و انتساب آن ها به کشورهای مخالف برای بدنام و بد چهره و بداندیشه جلوه دادن آن ها، مثل معنای بد قائل شدن برای واژه بنیادگرایی و نسبت داده آن به مسلمانان و نیز معنای تروریسم دادن به مقاومت مشروع لبنان و فلسطین و حمایت از تروریسم نامیدن «حمایت ایران از مقاومت».

2- کتمان واقعیت ها

تکریم واژه ها برای مخفی سازی واقعیت ها: مثل تکریم حقوق بشر و آزادی در تبلیغات رسانه ای، اما نقض عملی حقوق بشر و آزادی در غرب.

3- شایعه سازی متناوب

شایعه پراکنی درباره ی مسائل مهم اما مبهم در موقعیتی که امکان دسترسی کامل به واقعیت ها از منابع خبری معتبر موجود نباشد. در این صورت، ضریب نفوذ شایعه بیش تر می شود؛ شایعات گوناگونی با هدف تفرقه افکنی، هراس آوری، امیدبخشی، شعله ور سازی، به شکل های خزنده، دلفینی یا غواصی که به تناسب زمان، تولید و بعد از تأثیرگذاری، برای مدتی خاموش و دوباره با ایجاد زمینه های ذهنی لازم در جامعه، ایجاد می شود.

4- نهادینه کردن دروغ های سوختگی

تکرار دروغ های بزرگ خودساخته تا آنجا که مخاطب، فریفته و مرعوب شود و سرانجام، آن را بپذیرد و به آن عادت کند. معروف ترین استفاده این تاکتیک در زمان

آدولف هیتلر و به دست رئیس دستگاه تبلیغاتی نازی ها، گوبلز بوده است. گوبلز می گوید: «دروغ هرچه بزرگ تر باشد، باور آن برای مردم راحت تر است.»

القای «دروغ بزرگ» تقلب در انتخابات و تکرار آن، ذیل این تاکتیک تعریف و توجیه می شود که سعی کردند ذهنیت عمومی جامعه ایرانیان را مشوّش و اعتماد ملی را تضعیف کنند.

5- فاجعه بار خواندن آینده

فاجعه بار جلوه دادن حوادث آینده بر اساس برآوردهای مغرضانه از وضعیت فعلی برای برانگیختن حساسیت های مخاطب و سپس جلب توجه او به افکار موردنظر خود.

6- بزرگ نمایی کوچک نمایانه

بزرگ نمایی دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی خود و بسیار ناکام جلوه دادن مسلمانان برای تضعیف روحیه آنان در رویارویی با غریبان.

7- توجیه سازی رعب انگیز در افکار عمومی

ایجاد ترس در دل مردم نسبت به مخالفان خود برای توجیه دشمنی و خشونت علیه آن مخالفان؛ مثل ترساندن مردم دنیا درباره ی وجود بمب های هسته ای در عراق برای توجیه حمله آمریکا به این کشور در افکار عمومی جهانی.

8- شخصیت زدایی

ترور شخصیت (به جای ترور فیزیکی) با استفاده از شگردهای رسانه ای مثل طنز، شعر، کاریکاتور، کلیپ و... برای اهریمن سازی و وحشت آفرینی از آن شخصیت محبوب یا مشهور در افکار عمومی به منظور منفور سازی او.

9- اثرگذاری سودجویانه

یعنی تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی جهانی و داخلی به نفع خواسته های خود.

10- مصادره ی مغرضانه ی مفاهیم مبهم

مصادره ی محتوای بسیاری از مفاهیم کلی مثل جهانی شدن، دموکراسی، آزادی، حقوق بشر، بدون تعریف و توجیه واضح و روشن و نشر آن مفاهیم کلی در رسانه های غربی برای اقناع مخاطبان در زمینه ای مشخص و رسیدن به اهداف خود در این زمینه.

11- گزینش شایعه سازانه اخبار

حذف گزینشی بخشی از یک خبر منسجم و نشر بخش دیگر آن برای ایجاد سؤال و ابهام و زمینه سازی برای خلق شایعات گوناگون در رسانه ها.

12- اطلاع رسانی عطش آور

اطلاع رسانی تدریجی، مداوم، متناوب و نامنظم به مخاطب تا هرروز حساسیت او به یک پیام بیشتر شود و سرانجام در درازمدت پذیرای آن پیام شود.

13- اثرگذاری با جاذبه های جانبی

استفاده از جاذبه های جنسی و جسمی برای اثرپذیری بیشتر مخاطب نسبت به پیام اصلی در پرتو آن جاذبه ها به ویژه در برنامه های ماهواره ای، تلویزیونی، گویندگی اخبار، مجلات گوناگون و آگهی های تجاری.

14- ایجاد و القای اختلاف

ایجاد و القای وجود اختلاف و تفرقه در جامعه ی هدف و جبهه ی رقیب، برای تقویت گسست های طبیعی قومیتی، مذهبی، نژادی، دینی، جنسیتی، زبانی و... در آن ها تا مشغول

مشکلات درونی شوند و از اقتدار، انرژی، مقبولیت و یکپارچگی شان کاسته شود. این تاکتیک به شدت مورد توجه بنگاه های خبرپراکنی و استکبار جهانی در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران است و اخیراً بر شدت بهره گیری از آن افزوده اند.

15- تنوع تاکتیکی

استفاده ترکیبی از انواع گوناگون تاکتیک های جنگ نرم برای ایجاد تصویر مورد استفاده در ذهن مخاطب.

16- مدل سازی فکری خود فریبانه

این روش از روش های مهم در جنگ نرم است. در این شیوه، مخاطب به این نتیجه می رسد که باید این کار را انجام دهد و راهی جز این ندارد. این زمانی است که گزینه های مقابل آن قدر محدود شود که هر چه را در دایره گزینشش انتخاب کند، برای طرف مقابل، برد محسوب شود. ظاهراً تنوع هست؛ ولی راه گریزی نیست.

مهم ترین و بالاترین سطح فریب، این است که فرد را به خود فریبی بکشانند. گاهی فرد فریب می خورد؛ اما می داند که فریب خورده و چاره ای ندارد. گاهی نیز فرد فریب می خورد؛ اما هر چه تلاش می کنند او را از دایره و تور فریب بیرون بیاورند، امکان پذیر نیست؛ چرا که نمی خواهد باور کند که فریب خورده است. هر فرد، نوعی شناخت و معرفت نسبت به عالم، نسبت به خود و نسبت به روابط با دیگران دارد. وقتی بتوانید وارد حوزه ی شناختی فرد شوید و مقدمات را فراهم کنید، نتیجه دلخواهتان را هم می گیرید. این کار، چندان پیچیده نیست؛ مثل این است که در شعر؛ وزن به قافیه تعریف کنید و افراد مقابل، مکلف باشند که قسمت دوم را تکمیل کنند! آن ها مجبورند در وزن و قافیه مورد نظر شما بسرایند.

در روان شناسی جنگ، بر روی این مبحث مطالعه می کنند که باید فهمید سوژه ای که قرار است روی آن کار شود، چطور می اندیشد؟ باید منطق طرف مقابل را کشف کرد تا بر اساس آن، فرد را به نتایجی که می خواهیم، برسانیم یا در منطق و مدل فکری او دست کاری کنیم و در نهایت، نتیجه لازم را بگیریم.

ازلحاظ روان شناسی در رسانه ها انسان ها عملاً به عروسک خیمه شب بازی تبدیل می شوند. اوج این مسئله در رسانه های غربی دیده می شود. اگر رسانه ها خاموش شوند تا مدت ها یک «خلأ فکری» شدید در غرب رخ خواهد داد؛ زیرا مردم دیگر نمی دانند چطور بیندیشند و از کدام سبک زندگی تبعیت کنند؛ به ویژه در ایالات متحده آمریکا.

17- تزریق اطلاعات در خلأ تردید

در جنگ نرم، شخص را به منطقی بودن، کارآمدی و نتیجه بخشی دیدگاه ها و رفتارهای خودش دچار تردید می کنند تا دچار خلأ فکری و منطقی شود و ذهنش نرم و آماده شود برای پذیرفتن چیزهای دیگری که رسانه رقیب القا می کند؛ مثلاً دشمن می گوید: رسانه های شما دروغ می گویند یا همه واقعیت را نمی گویند و بر اساس منافع خودشان این کار را می کنند؛ در نتیجه به صحت عمل رسانه های خودی شک پیدا می شود؛ آنگاه دشمنان، منابع رقیب را به سرعت معرفی می کنند. تزریق اطلاعات این گونه صورت می پذیرد.

18- طراحی ادبیات مناسب با شاکله ذهنی و روانی مخاطب

هر انسانی، ارزش ها و شاکله ای ذهنی دارد. اگر مطالبی که دیگران می گویند، تفاوت زیادی با این شاکله ذهنی داشته باشد، انسان، آن را پس می زند. اگر شخص مذهبی، پیامی کاملاً ضد مذهبی دریافت کند، طبیعی است که از همان اول، آن را نمی پذیرد؛ به

همین دلیل دشمن می کوشد پیام موردنظرش را با توجه به شاکله روانی مخاطبان، طراحی کند.

ازاین رویکی از مسائل پراهمیت درنبرد روانی، طراحی ادبیات مناسب است؛ ادبیاتی که ظاهری ارزشمند داشته باشد. دشمنان، ادبیات و ارزش های، ما را منفور و نامطلوب جلوه می دهند (ذهن مردم هم طبیعتاً به چیزهای نازیبا گرایش ندارد) آنگاه یکی ادبیات جایگزین مطرح می کنند و از این راه به مرورزمان بر تمایلات و رفتارهای ما تأثیر می گذارند. این گونه است که بعد از مدتی، فرد، دچار عمیق ترین شکل فریب، یعنی خودفریبی می شود و هرگونه تلاش برای آزادسازی را، تلاش برای نابودی می انگارد و درنتیجه، مقابل آن می ایستد.

مهم ترین راهبرد در برابر جنگ روانی «آگاهی بخشی» است؛ اما اگر فرد به خودفریبی رسیده باشد، آگاهی بخشی هم تأثیری ندارد. البته راه های دیگری هم وجود دارد؛ مانند تردیدآفرینی در باورهای جدید تا منطق آن متلاشی شود؛ همان کاری که حضرت ابراهیم با شکستن بت ها و قرار دادن تبر در دست بت بزرگ انجام داد و به منطق بت پرستان حمله کرد.

19- الگوسازی از سبک زندگی غربی و ترویج هویت آمریکایی در جهان

در طول تاریخ، مصداق های گوناگونی را جنگ روانی و روش های آن وجود دارد که امروز، علمی تر شده و به دلیل توانایی رسانه، با قدرت بیشتری از آن استفاده می شود.

یکی از موارد مهم در دنیای مجازی رسانه ای که امروزه در آن زندگی می کنیم «الگوسازی» است؛ حتی شخصیت های کارتون که می شناسیم-مانند سوپرمن و...-به گونه ای تصویر می شوند که گویی

قدرتی فوق بشری دارند و پیام و هدفشان، مأموریت جهانی «نجات دنیا از دست اشرار فضایی یا زمینی» است. این ابرمردها اغلب در ایالات متحده آمریکا به تصویر کشیده می شوند؛ یعنی هرکه دشمن آمریکاست و قصد حمله به آمریکا را دارد، شرور محسوب می شود.

آمریکا چنان القا می کند که بهترین الگو برای همه، قهرمانان آمریکایی هستند. در همه انسان ها به ویژه در کودکان، نوعی حس همانند پنداری و همانندسازی با قهرمانان وجود دارد. همه تلاش می کنند خودشان را به قهرمانان، نزدیک و شبیه کنند. وقتی که ملیت و هویت آن قهرمان، آمریکایی باشد، مخاطب نیز می کوشد خود را به آن هویت نزدیک کند؛ همان چیزی که آمریکایی ها تلاش می کنند با عنوان «سبک زندگی آمریکایی» در آسیا و اروپا رواج دهند.

خلاصه فصل 1

خلاصه بخش یکم از فصل یکم (دشمن شناسی)

اشاره

در یک نگاه کلی، دشمنان اسلام و مسلمین، در سه گروه (شیطان، کفار و منافقین)، طبقه بندی شده است:

1- شیطان

قرآن کریم، بارها به صراحت، دشمنی آشکار شیطان را یادآوری می نماید. این موجود، برای گمراه نمودن انسان، از شیوه های گوناگون بهره می جوید.

2- کافران

دومین گروه از دشمن مسلمین، کافران اند، کافران، بر اساس معیارهایی، به گروه های مختلف دسته بندی می شوند، از جمله کافر اهل کتاب (یهود، مسیح و...)، غیر اهل کتاب و

ص: 130

مشرکان که دشمنان خارجی به حساب می آیند. از میان کافران اهل کتاب، قرآن، یهود را سرسخت ترین دشمن مسلمان معرفی می کند.

یهود، دارای باورهای غلط و ویژگی های عجیبی است که قرآن کریم به آن ها اشاره کرده است.

پاره ای از باورهای غلط یهود شامل شرك در تدبیر و ربوبیت (توبه/31)، نسبت فقر به خدا (آل عمران/181)، فرزند قرار دادن برای خدا (توبه/30)، ایمنی از عذاب سخت قیامت! (بقره/80؛ آل عمران/24)، اعتقاد به قدرت محدود خدا (دست بسته خدا) (مائده/64) و...

برخی ویژگی های شخصیتی قوم یهود، عبارت اند از حس گرایی (بقره/55)، برتری طلبی و نژادپرستی (مائده/18)، دنیاگرایی و علاقه شدید به جمع آوری ثروت (بقره/96)، سرکشی و نافرمانی از دستورات خدا و پیامبران (مائده/24)، سنگ دلی (قساوت قلب) (بقره/74)، نیرنگ بازی (حیله گری) (آل عمران/54). همین باورهای غلط و ویژگی های عجیب قوم یهود باعث رفتارهای غیرانسانی آنان علیه بشریت، مخصوصاً مسلمان- در طول تاریخ- شده است.

3- منافقان

منافق (سومین دسته از کفار) کسی است که کفر خویش را پنهان دارد و خلاف آن را آشکار سازد. این گروه در ردیف دشمنان داخلی و خطرناک ترین دشمن، به حساب می آیند؛ زیرا شناختشان بسیار دشوار است. لذا اسلام و مسلمان، از ناحیه منافقین، خیلی ضربه می خورد. این گروه از کفار، ویژگی هایی دارند که در گروه های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، عبادی و غیره دسته بندی می شود.

خصوصیات عبادی- اجتماعی منافقین شامل عبادت از روی ریا، ایستادن به نماز با حالت تبلی امر به منکر و نهی از معروف، کفر ورزیدن در پوشش ایمان، فساد در پوشش

اصلاح و نیرنگ بازی و چند چهرگی، دارای قیافه حق به جانب اند و سعی دارند که مردم را تحت تأثیر قرار دهند، تضعیف باورهای دینی و شبهه افکنی، تحقیر و تمسخرِ مؤمنین و سوگند بسیار برای باوراندن حرف خود به مردم.

ویژگی های اخلاقی دو چهرگان شامل عدم اعتماد به نفس، ترس و بخل، لجاجت، پیروی از هوای نفس، توجیه گناه و... خصوصیات سیاسی منافقین عبارت اند از دوستی با بیگانگان، فتنه انگیزی، فرصت طلبی، ایجاد جنگ روانی، نپذیرفتن حکومت دینی و مخالفت عملی با دستورات ولایت و...

جنگ نرم، گستره وسیعی دارد (فرهنگی، دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و...).

فتنه، مهم ترین معادل جنگ نرم در قرآن و حدیث است. در کتاب ارزشمند نهج البلاغه، از جمله خطبه های 93، 151، 101، 189-102 و...، امام علی (علیه السلام) مختصات و ویژگی های فتنه و فتنه گران را بیان نموده است از جمله غبار آلودگی و تاریکی فضای فکری جامعه، شروع (شکل گیری) پنهانی، آغازش ناشناخته، مجهز و با تشکیلات، فراگیری، پیچیدگی.

در کلام گهربار امام علی (علیه السلام) از جمله، خطبه 151 نهج البلاغه، تعدادی از آثار شوم فتنه، شمارش شده نظیر آثار تخریبی زشت و ماندگار، در هم کوبنده، شکننده و گمراه کننده، جدایی بین مردم و ولایت و امامت (رهبری)، خون ریزی (خون به ناحق)، قطع روابط خانوادگی، آوارگی، بیخانمانی و بیماری، تخریب پایه های دین و اصول و ارزش های دینی، درگیری مردم با یکدیگر (حق و باطل)، بزرگ ترین معضل برای مردم و مسئولین.

برخی اصول جنگ نرم عبارتند از تدریج، استمرار، عوام پذیری و غیره. ابراهیمی و همکاران (1386) موارد هفتگانه ذیل را به عنوان «اصول عملیات روانی» مربوط به ارتش ایالات متحده آمریکا نوشته اند:

1- تأثیرگذاری 2- دستیابی 3- کنترل متمرکز و اجرای غیرمتمرکز 4- سازمان نیروهای ویژه 5- جنبه روان شناختی 6- همگرایی 7- هم زمانی

اصول فریب استراتژیک:

1- تمرکز 2- انسجام استراتژیک 3- (هدف دار بودن و هماهنگی) 4- مدیریت متمرکز 5- اطلاعات و امکانات نسبی 6- حفاظت عملیات 7- زمان سنجی.

خاستگاه جنگ نرم، یک سری روزنه هایی (نقاط ضعف و خلأهایی) است که دشمن، از طریق آن ها وارد می شود. این روزنه ها به دو صورت حقیقی و ساختگی تبیین می گردد

روش های گفتاری

روش های گفتاری در اعمال تهدیدات نرم را می توان به چهار بخش «عملیات روانی»، «عملیات ادراکی»، «دیپلماسی عمومی» و «فریب استراتژیکی» تقسیم نمود:

روش های رفتاری شامل اعتراض، عدم همکاری با دولت (نافرمانی مدنی)، مداخله غیر خشونت آمیز، جذب مخالفان حکومت، روش های شبکه ای (دیجیتالی و الکترونیکی). ابزارهای جنگ نرم عبارت اند از صنایع فرهنگی (سینما، کارتون (پویانمایی)، ماهواره، اسباب بازی، بازی های رایانه ای، موسیقی و...)، ابزارهای رسانه ای (مطبوعات، رادیو، تلویزیون، خبرگزاری ها و آژانس های خبری و...)، فن آوری های نوین ارتباطی (اینترنت، سایت های خبری و خبرگزاری های اینترنتی، انواع رسانه های اجتماعی (شبکه های اجتماعی) و...)

تاکتیک های عملیات روانی در جنگ نرم (سانسور، تحریف، پاره حقیقت گوئی، محك زدن، ادعا به جای واقعیت، اغراق، تفرقه، ترور شخصیت، شایعه، تاکتیک شایعه (شایعات آتشین، شایعات خزنده، شایعات دلفینی)، تاکتیک ماساژ پیام (کلی بافی، زمان بندی، حذف، قطره چکانی، دروغ بزرگ یا استفاده از دروغ محض، فوریت بخشیدن ساختگی به خبر،

پیچیده کردن خبر برای عدم کشف حقیقت، استفاده از دو خبر واقعی برای طرح يك خبر ساختگی، استفاده از عاطفه گیرندگان پیام، استفاده از خبر برای تبلیغات) و...)،

شیوه ها و اقدامات جنگ نرم در ایران

1. تحلیل مغرضانه از اوضاع داخلی و ایجاد فضای وحشت زا و موهوم از احتمال بروز جنگ، آغاز دوره بحران اقتصادی و مشکلات عظیم ناشی از آن.
2. سوءاستفاده تبلیغاتی از اجرای طرح هایی چون طرح امنیت اجتماعی به عنوان محدودکننده آزادی و حقوق زنان و نقش آزادی های مدنی و اجتماعی.
3. ایجاد تقابل های سیاسی بین سران ارشد نظام اسلامی و القای در جریان بودن جنگ قدرت در جمهوری اسلامی بین چند طیف.
4. ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی.
6. ترویج نظریه وجود قرائت های مختلف از اسلام (پلورالیسم).
7. اشاعه و تبلیغ نسبی بودن موازین اسلامی و ارزش های اعتقادی و دینی.
8. تبلیغ ضرورت جدایی دین از سیاست و دنیا از آخرت (سکولاریسم).
9. ترویج و تبلیغ وجود تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق
10. نفی آرمان گرایی با تبلیغ دنیاپرستی و تحریک غرایز شهوانی.
11. حمله مستمر به مبانی ارزشی و پایه های اعتقادی با حربه تحریف حقایق.
12. اشاعه چهره ای غیرواقعی، خشن و زشت از اسلام.
13. تبلیغ و ترویج مغایرت دین و وحی با عقل.
14. ترویج و اشاعه اومانیزم و مکاتب الحادی غربی
15. تبلیغ و ترویج تضاد میان اسلام و آزادی.

16. تلاش مستمر و برنامه ریزی شده برای سست کردن بنیان های دینی

17. تلاش برای قرار دادن جمهوری اسلامی در مقابل دموکراسی و آزادی های مدنی.

19. تلاش برای به تمسخر گرفتن مبارزه حق و باطل.

21. تبلیغ گسترده مبانی نظری فرهنگ غرب و زیرساخت های تئوریک فرهنگ آمریکایی.

22. کوشش برای بی تفاوت و جدا کردن نسل جوان از ارزش های اعتقادی و آرمان های انقلاب باهدف ایجاد بحران هویت.

23. متهم ساختن اسلام و جمهوری اسلامی به ضدیت با حقوق بشر و نقض آزادی های مدنی

25. برنامه ریزی برای کم اهمیت جلوه دادن تهاجم فرهنگی و توهم خواندن آن باهدف کم کردن حساسیت ها نسبت به اهداف تهاجم نرم فرهنگی.

26. تبلیغ و ترویج ناکارآمدی تئوری حکومت دینی و تضعیف فرهنگ اسلامی و مبانی عقیدتی.

27. القای وجود مشکلات متعدد به دلیل قطع رابطه با امریکا.

28. ایجاد شبهات متعدد در خصوص اصل مرفی ولایت مطلقه فقیه.

29. تضعیف بسیج و نیروهای ارزشی انقلاب.

30. امام زدایی از صحنه فرهنگی و اجتماعی.

31. نشر و ترویج مواضع اپوزیسیون داخل و خارج، ملی گراها، لیبرال ها و

32. ترویج فمینیسم و زن سالاری.

33. مخالفت با قانون اساسی.

34. حمایت از چهره ها و جریان های فرهنگی وابسته و منفعل نسبت به هویت های ملی و دینی.

35. برانگیختن شکاف های قومی و مذهبی.

36. خریداری ده ها هزار نسخه از کتاب ها و محصولات فرهنگی روشنفکران غربی و توزیع در جامعه.

37. حمایت علمی، حقوقی و مالی از عناصر روشنفکر سکولار و دانشگاهی وابسته به جریان های منحرف و مهاجم به مبانی دینی.

38. طرح شبهات اعتقادی و سیاسی جهت ایجاد تزلزل در میان جوانان.

طی بررسی هایی که در سال 1378 روی سایت های اینترنتی قابل دریافت انجام شد، نتایج زیر به دست آمد:

الف. 4 میلیون سایت مروج فساد در امریکا و اروپا طراحی شده بود که فقط در کشورهای جهان سوم قابل دریافت است.

ب. امکان دریافت 3 هزار شبکه ماهواره ای در ایران وجود دارد که علاوه بر این ها حدود 9 هزار شبکه نیز به صورت کارتی قابل دریافت است و حدود 900 شبکه شبانه روز فساد و فرهنگ منحط غربی را ترویج می کنند.

ج. 35 شبکه فارسی زبان به طور مستمر و 24 ساعته علیه نظام اسلامی فعالیت می کنند که برخی از این شبکه ها متعلق به صهیونیست ها بوده و رسماً از سوی این رژیم پشتیبانی می شوند. این شبکه ها دارای بودجه مشخصی در کنگره آمریکا هستند و غیر از امریکا کشور هلند نیز در پشتیبانی از شبکه های مذکور بسیار فعال است.

در سال 1387 حدود 5 میلیون و 400 هزار گیرنده ماهواره غیرمجاز در ایران وجود داشته است. از حدود 17 هزار و 666 شبکه ماهواره ای جهانی بیش از 3 هزار شبکه در

ایران قابل دریافت بود که از این تعداد 380 شبکه به موسیقی های مبتذل، 74 شبکه به تبلیغات مد و لباس و لوازم آرایش غربی، 273 شبکه به تبلیغ ادیان ساختگی و 235 شبکه به برنامه های مبتذل و غیراخلاقی اختصاص یافته بود و هرساله نیز از سوی مجلس نمایندگان امریکا ردیف بودجه ای به توسعه این شبکه ها اختصاص می یابد که اولین هدف این اقدام تداوم جنگ نرم علیه کشورمان هست.

وزیری (1390). طی مقاله ای با عنوان «بررسی جنگ نرم استکبار جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران (1-2)» در رابطه با روش های جنگ نرم، به مطالب ذیل پرداخته اند:

بدنمایی تحریف گرانه، کتمان واقعیت ها، شایعه سازی متناوب، نهادینه کردن دروغ های شخصیت زدایی، سوختگی، فاجعه بار خواندن آینده، بزرگ نمایی کوچک نمایانه، توجیه سازی رعب انگیز در افکار عمومی، اثرگذاری سودجویانه، مصادره ی مغرضانه ی مفاهیم مبهم، گزینش شایعه سازانه اخبار، اطلاع رسانی عطش آور، اثرگذاری با جاذبه های جانبی، ایجاد و القای اختلاف، تنوع تاکتیکی، مدل سازی فکری خود فریبانه، تزریق اطلاعات در خلأ تردید، طراحی ادبیات مناسب با شاکله ذهنی و روانی مخاطب، الگوسازی از سبک زندگی غربی و ترویج هویت آمریکایی در جهان،

ص: 138

فصل دوم: مروری بر شیوه های جنگِ نرم و مصادیق آن از نگاه قرآن و حدیث

ص: 139

در عصر کنونی، سران آمریکائی ها و صهیونیسم از همان نژاد یهودند که قرآن کریم آنان را سرسخت ترین دشمن مسلمانان معرفی کرده است (مائده/82)(1). این قوم هیچ گاه از شما راضی نشده (در شرایط عادی تسلیم شما نمی شوند) مگر اینکه شما پیرو آیین آنان شوید (بقره/120)(2)، چراکه دشمنان اسلام، به طور مستمر، با مسلمین خواهند جنگید تا اگر بتوانند؛ آنان را اسلام برگردانند یعنی شکست دهند (بقره/217)(3). همچنین در آیه 57 سوره بقره، خداوند متعال انتظار ایمان و تسلیم یهود را بی مورد می شمارند(4). تنها راه تعامل سازنده با این نژاد را، گفتمان از موضوع قدرت معرفی می نماید (انفال، 60؛ توبه 123)(5).

ص: 140

- 1- لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا؛ به طور مسلم، دشمن ترین مردم (سرسخت ترین دشمن) نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت (مائده، 82).
- 2- وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (بقره، 120).
- 3- وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا (بقره/217).
- 4- أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ آیا انتظار دارید-یهود- به (آئین) شما ایمان بیاورند، باینکه عده ای از آنان، سخنان خدا را می شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می کردند، درحالی که علم و اطلاع داشتند (بقره/57).
- 5- وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسَّ تَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن ها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! (انفال، 60). *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ ای اهل ایما ! با کافرانی که هم جوار شما هستند، نبر کنید؛ نا باید شما سرسختی شد یابند بدانند که خدا با پرهزکا است (توبه/123).

دشمنان، مخصوصاً یهودیان در ابعاد و گستره های مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی فرهنگی و... دشمنی خود را با مسلمانان ابراز کرده اند. از آغاز اسلام تاکنون، به انواع نیرنگ ها و نقشه ها دست زده اند تا جلو پیشرفت اسلام و مسلمین را بگیرند. نمونه های بارز آن، در تقابل با انقلاب اسلامی ایران است که به ترور و تحریم، ایجاد تفرقه، تخریب و غیره دست زده اند.

مرز بین ابعاد جنگ نرم

مرزبندی دقیقی بین ابعاد جنگ نرم وجود ندارد، مثلاً «گسترش فساد» هم در بخش اجتماعی و هم در بخش فرهنگی قابل بحث است؛ اما بُعد اجتماعی آن، سنگین تر بوده لذا در این بخش گنجانده می شود.

ص: 141

جنگ نرم در حوزه مسائل سیاسی، گستره وسیعی دارد، از جمله تضعیف و حذف رهبری، پیمان شکنی، تفرقه افکنی و جلوگیری از همبستگی مسلمین، سرکوب، سرکوب (تهدید، توسل به خشونت و اذیت و تطمیع)، تشکیل جلسات مخفیانه (شبانه) برای کار شکنی در امور، فریب کاری و... که در این بخش برخی موارد را به اختصار شرح می دهیم.

1-1-2- پیمان شکنی

اشاره

قرآن کریم (سوره بقره آیات 83 تا 85 و 100؛ سوره توبه آیه 13؛ سوره اعراف آیه 135؛ سوره مائده، آیه 13؛ سوره انفال، آیات 55 تا 56 و) (1) جریان عهد شکنی دشمنان

ص: 144

1- وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهََ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ؛ و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: «جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید» آن گاه، جز اندکی از شما، [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید. (بقره/83). * وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تَخْرُجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ و چون از شما پیمان محکم گرفتیم که: خون همدیگر را مرزید و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید! سپس [به این پیمان] اقرار کردید و خود گواهد؛ (بقره/84) ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تَخْرُجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِّنْ دِيَارِهِمْ تَنْظَاهِرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْأَنْفُسِ وَالْعَدُوِّ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أَسَارَىٰ تَفْذَرُوهُمْ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ (بقره/85)؛ * [ولی] باز همین شما هستید که یکدیگر را می کشید و گروهی از خودتان را از دیارشان بیرون می رانید و به گناه و تجاوز، بر ضد آنان به یکدیگر کمک می کنید (بقره/85). * أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ و آیا چنین نیست که هر بار آنها [یهود] پیمانی (با خدا و پیامبر) بستند، جمعی آن را دور افکندند (و مخالفت کردند). آری، بیشتر آنان ایمان نمی آورند (بقره/100). * أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمْ بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدُّوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَ تَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ؛ چرا با گروهی که سوگندهای خود را شکستند و بر آن شدند که فرستاده [خدا] را بیرون کنند و آنان بودند که نخستین بار [جنگ را] با شما آغاز کردند، نمی جنگید؟ آیا از آنان می ترسید؟ با اینکه اگر مؤمنید خدا سزاوارتر است که از او بترسید (توبه/13). * لَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بِالْغُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ؛ اما هنگامی که بلا- را، پس از مدت معینی که به آن می رسیدند، از آنها برمی داشتیم، پیمان خویش را می شکستند (اعراف/135). * فِيمَا نَقُضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ؛ ولی بخاطر پیمان شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم (مائده/13). * فِيمَا نَقُضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ وَ كَفَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ قَتَلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغْيًا حَقًّا وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا؛ (ولی) بخاطر پیمان شکنی آنها و انکار آیات خدا و کشتن پیامبران بناحق و بخاطر اینکه (از روی استهزا) می گفتند: «بر دلهای ما، پرده افکنده (شده و سخنان پیامبر را درک نمی کنیم!)» رانده درگاه خدا شدند. آری، خداوند بعثت کفرشان، بر دلهای آنها مهر زده که جز عده کمی (که راه حق می پویند و لجاج ندارند) ایمان نمی آورند (نساء/155). إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ به یقین، بدترین جنبنندگان نزد خدا، کسانی هستند که کافر شدند و ایمان نمی آورند (انفال/55). * الَّذِينَ عَاهَدَتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ هَٰمَانَ كَسَانِي که با آنها پیمان

بستی سپس هر بار عهد و پیمان خود را می شکنند و (از پیمان شکنی و خیانت) پرهیز ندارند (انفال/56).

انبیاء از جمله یهودیان را بیان نموده است. مقوله پیمان شکنی با ماده هایی نظیر نکت، نقض و خود پیمان با ماده هایی مانند عهد، ایمان و غیره بیان شده است.

عدم پابندی به تعهدات، سابقه دیرینه در تاریخ یهود دارد و از ابتدای تاریخ این قوم تا امروز با آن همراه بوده است (آخوندی، 1385 ص 170).

چند نمونه از عهدشکنی دشمنان اسلام (یهودیان و مشرکان و...) عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله:

1-1-1-2- پیمان شکنی یهود بنی النضیر - نقشه ترور نبی مکرم اسلام.

منافقان و یهودیان مدینه از شکست مسلمانان در احد و کشته شدن رجال علمی سخت خوشحال بودند و به دنبال فرصت می گشتند که در مدینه شورش بر پا کنند و به قبائل خارج از مدینه بفهمانند که کوچک ترین اتحاد و وحدت کلمه در مدینه وجود ندارد و دشمنان خارجی می توانند حکومت نوجوان اسلام را سرنگون سازند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله برای اینکه از منویات و طرز تفکر یهودیان «بنی النضیر» آگاه گردد، همراه گروهی از افسران خود عازم دژ آن ها گردید؛ اما هدف ظاهری پیامبر از تماس با بنی النضیر این بود

ص: 145

که آمده است در پرداخت خون بهای آن دو نفر عرب از قبیله «بنی عامر» که به دست عمرو بن امیه کشته شده بودند، کمک بگیرد، زیرا قبیله بنی النضیر هم با مسلمانان پیمان داشتند⁽¹⁾ و هم با قبیله بنی عامر و قبائل هم پیمان همواره در چنین لحظات یکدیگر را کمک می کردند.

پیامبر اسلام در برابر درب فرود آمد و مطلب خود را با سران قوم در میان گذارد. آنان با آغوش باز از پیامبر استقبال کردند و قول دادند که در پرداخت دیه کمک کنند. سپس در حالی که پیامبر را با کنیه اش (ابوالقاسم) خطاب می کردند، درخواست نمودند که رسول خدا وارد دژ آن ها شود و روز را آنجا به سر ببرد. رسول گرامی تقاضای آن ها را نپذیرفت و در سایه دیوار دژ با افسران خود، نشست و با سران بنی النضیر مشغول گفتگو گردید (واقعی 1409، ج 1 ص. 364).

حضرت احساس کرد که این چرب زبانی، با یک سلسله حرکات مرموز توأم است. از طرفی در محوطه ای که پیامبر نشسته بود، رفت و آمد زیاد به چشم می خورد، سخنان درگوشی که مورث شک و بدبینی است، فراوان بود. در حقیقت، سران بنی النضیر تصمیم گرفته بودند که پیامبر را غافلگیر کنند. یک نفر از آن ها به نام «عمرو حباش»، آماده شده بود که بالای بام برود و با افکندن سنگ بزرگی بر سر پیامبر، به زندگی او خاتمه بخشد. خوشبختانه نقشه آن ها نقش بر آب شد، توطئه ها و نقشه های شوم آن ها از حرکات مرموز

ص: 146

1- مفاد (محو) اصلی پیمان این بود که مسلمانان و بنی نضیر علیه هم اقدامی نکنند و... متن کامل این پیمان نامه در کتب معتبر از جمله، إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القدیمة)، النص، ص: 70؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 19، ص: 111 و غیره موجود است که پیامبر اکرم با هریک از سران قریظة، النضیر و القینقاع پیمان جداگانه ای نوشتند... بخش مهم آن عبارت است از «قَالَ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ الَّذِي تَحْدُونَنِي مَكْتُوبًا فِي التَّوْرَةِ وَالَّذِي أَخْبَرَكُمْ بِهِ عُلَمَاؤُكُمْ أَنَّ مَخْرَجِي بِمَكَّةَ... فَقَالُوا لَهُ قَدْ سَمِعْنَا مَا تَقُولُ وَقَدْ جِئْنَاكَ لِنَطْلُبَ مِنْكَ الْهُدَى عَلَى أَنْ لَا نَكُونَ لَكَ وَلَا عَلَيْكَ وَلَا نُعِينَ عَلَيْكَ أَحَدًا وَلَا تَتَعَرَّضَ لَنَا وَلَا لِأَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى مَا يَصِيرُ أَمْرُكَ وَأَمْرُ قَوْمِكَ فَاجَابَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى ذَلِكَ وَكَتَبَ بَيْنَهُمْ كِتَابًا أَنْ لَا يُعِينُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَلَا عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِهِ بِلِسَانٍ وَلَا يَدٍ وَلَا بِسِلَاحٍ وَلَا بِكَرَاعٍ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ لَا بَلِيلٍ وَلَا بِنَهَارٍ وَاللَّهُ بِذَلِكَ عَلَيْهِمْ شَهِيدٌ فَإِنْ فَعَلُوا فَرَسُولُ اللَّهِ ص فِي حِلٍّ مِنْ سَفْكِ دِمَائِهِمْ وَسَبْيِ ذُرَارِيَّتِهِمْ وَنِسَائِهِمْ وَأَخْذِ أَمْوَالِهِمْ وَكَتَبَ لِكُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْهُمْ كِتَابًا عَلَى حِدَةٍ وَكَانَ الَّذِي تَوَلَّى أَمْرَ بَنِي النَّضِيرِ حِي [حِي] بْنُ أَخْطَبَ...».

و ناموزون آن‌ها فاش گردید و بنا به نقل «واقعی»، فرشته وحی، پیامبر را آگاه ساخت. پیامبر از جای خود حرکت کرد و طوری مجلس را ترک گفت که یهودیان تصور کردند دنبال کاری می‌رود برمی‌گردد. ولی پیامبر راه مدینه را در پیش گرفت و همراهانش را نیز از تصمیم خود، آگاه ساخت. آنان همچنان در انتظار بازگشت پیامبر به سر می‌بردند، اما هر چه انتظار کشیدند انتظار آن‌ها سودی نبخشید. در این گیرودار همراهان پیامبر تصمیم گرفتند که دنبال پیامبر بروند و از جای او آگاه شوند. مقدار زیادی از دیوار دژ دور نشده بودند که با مردی روبرو شدند که از مدینه می‌آمد و خبر ورود پیامبر را به مدینه همراه داشت. آنان فوراً به محضر پیامبر شرفیاب شدند و از توطئه چینی یهود که امین وحی نیز آن را گزارش کرد؛ آگاه گردیدند (واقعی 1409، ج 1، ص 364).

2-1-1-2- پیمان شکنی یهود بنی قینقاع و اخراج آن‌ها از مدینه

بنی قینقاع اولین گروه یهودیان بودند که نقض پیمان کردند (1). آنان که پس از کامیابی مسلمانان در غزوه بدر سخت برانگیخته شده بودند؛ ضمن بی‌ارزش شمردن پیروزی لشکر اسلام، به آزار و اذیت مسلمانان پرداختند (2) (ابن اثیر، 1385 ق، ج 2، ص 138؛ بلاذری 1417 ق، ج 1، ص: 309).

با فزونی یافتن سرکشی و عصیان بنی قینقاع رسول خدا صل الله علیه و اله معاهده مدینه را به آن‌ها یادآور شد و آنان را به اجرای کامل پیمان نامه فراخواند تا از سرکشی دست بردارند آن‌ها گستاخانه برای رسول خدا صل الله علیه و اله رجزخوانی و حماسه سرایی نمودند و ایشان را به

ص: 147

1-...فكانوا أول يهود نقضوا ما بينهم وبينه (ابن اثیر، 1385 ق، ج 2، ص 138).

2- به عنوان نمونه: روزی يك زن مسلمان به بازار بنی قینقاع رفت و در نزد زرگری نشست تا زیوری برای وی بسازد. مردان یهود از او خواستند تا چهره خود را بگشاید، اما زن مسلمان خودداری کرد. جواهری یا مرد دیگری از ایشان بیامد، چنان که زن متوجه نشد، لباس او را از پشت گره زد. چون زن برخاست سرین و پشتش برهنه شد و یهودیان بر او خندیدند. زن فریاد زد. مرد مسلمانی بر یهودی تاخت و او را کشت. یهودیان مسلمان را محاصره کردند و کشتند. خویشان مرد مسلمان، هم کیشان خود را به یاری طلبیدند. مسلمانان به خشم آمدند (الکامل فی التاریخ، ابن اثیر ج 2، ص: 138؛ أنساب الأشراف، البلاذری، ج 1، ص: 309)

جنگ تهدید کردند. حضرت نیز طبق آیه 58 انفال: «وَأِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ؛ و هرگاه (با ظهور نشانه هایی)، از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، به طور عادلانه به آن ها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است زیرا خداوند، خائن را دوست نمی دارد» پیمان را ملغی اعلان نمود.

پیامبر صل الله علیه و اله قلعه بنی قینقاع را محاصره کرد. پس از 15 روز محاصره، یهودیان که دیدند تاب مقاومت و همچنین جنگ با مسلمانان را ندارند، تسلیم شدند. با مداخله و میانجی گری عبدالله بن ابی، که هنوز در مدینه نفوذ داشت و با یهود بنی قینقاع نیز هم پیمان بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از کشتن آن ها صرف نظر کرد، ولی دستور داد از مدینه خارج شوند و همه دارایی آن ها را نیز ضبط کرد. همچنین، خمس مجموع اموال را برداشت و باقی مانده را میان سپاهیان اسلام تقسیم کرد (زمانی محجوب، 1393).

3-1-1-2- پیمان شکنی یهود بنی غریظه

اشاره

پیمان شکنی یهود بنی غریظه (1)، همان همکاری با مشرکان در جنگ احزاب علیه مسلمانان بود. هنگامی که سپاه مشرکان مکه و هم پیمانان آنان به مدینه نزدیک شدند، حبیب بن اخطب -از یهودیان بنی نضیر که در ساماندهی جنگ احزاب نقشی عمده داشت - به نمایندگی از قریش به دیدار بنی غریظه رفت و موافقت آنان را برای همکاری با قریش در جنگ با مسلمانان جلب کرد (ابن هشام، بیتا. ج 2، ص 220-221).

ص: 148

1- «... فنقض کعب بن أسد عهده و برئ مما کان بینه و بین رسول الله صلی الله علیه و سلم...» (السيرة النبوية، ابن هشام، ج 2، ص: 222).

اشاره

تاریخ نشان داده است که آمریکا گرچه بارها با کشورهای مختلف بر سر مسائل گوناگون متحد می شد اما بلافاصله پس از اینکه به اهداف خود می رسید پیمان شکنی و خیانت کرده (سایت خبری ریشه 1395)، حتی از بدعهدی و پیمان شکنی نسبت به متحد همیشگی اش نیز کوتاهی نکرد (بگلو، 1395). بدعهدی های استکبار، در سطح دنیا، بسیار فراوان است. نمونه بارز این عهدشکنی، در ایران، در ماجرای برجام روشن شد. همین طور در مسائل هسته ای و دفاعی لیبی و... (قاسمی، 1391 ص 53). قدرت های بزرگ با استفاده تبعیض آمیز از حق و تو، به هیچ اصلی از قوانین و مقررات جهانی و بین المللی پای بندی نیستند و فقط به منافع استعماری خویش می اندیشند.

اینک چند نمونه از عهدشکنی و خیانت استکبار جهانی (آمریکا) در قرون اخیر را می شماریم:

الف- نسبت به انگلیس

شواهد تاریخی از پیمان شکنی آمریکا در رابطه با انگلیس

اشاره

در پایان جنگ جهانی دوم، آمریکا که با فریب انگلیس و متحدانش از جنگ صدمه ای ندیده بود توانست جهان را تحت سیطره خود درآورده و مهم تر از همه اینکه بریتانیا را از صفحه سیاست بین المللی به انزوا براند.

آنچه مشخص است پس از جنگ دوم جهانی، آمریکا به عنوان اصلی ترین قدرت بین المللی مطرح شد. درواقع ایالت متحده در این جنگ سیاست هایی را اتخاذ کرد تا روند جنگ تنها به نفع خودش پیش برود. دراین بین این کشور حتی از بدعهدی و پیمان شکنی نسبت به متحد همیشگی اش نیز کوتاهی نکرد. آمریکا گرچه بعدها به عنوان ناجی متفقین در جنگ جهانی دوم شناخته شد اما باید توجه داشت که این کشور در ورود به جریان

جنگ آن قدر کوتاهی کرد تا انگلیس در ساحل نورماندی تلفات و صدمات جبران ناپذیری متحمل شود.

می توان گفت که با پایان جنگ جهانی دوم، بریتانیا افول کرده و قدرت جدیدی به نام ایالت متحده آمریکا در عرصه جهانی ظهور کرد. در پایان جنگ، آمریکا که با فریب انگلیس و متحدانش از جنگ صدمه ای ندیده بود در حدود نیمی از تولید ناخالص کل دنیا را در اختیار گرفت. این درحالی که بود که بریتانیا با فرسایش نیروهای انسانی و مالی در جنگ، بخش اعظم اقتصاد خود را در زوال می دید. با چنین شرایطی آمریکا قادر شد تا با ایجاد سازمان های بین المللی و تنظیم برخی معاهدات همچون پیمان ناتو، جهان را تحت سیطره خود درآورده و مهم تر از همه اینکه بریتانیا را از صفحه سیاست بین المللی به انزوا براند. این نوشتار به دنبال آن است تا با ارائه شواهد تاریخی نشان دهد که آمریکا حتی نسبت به متحد اصلی خود نیز بدعهدی کرد.

1- پیمان شکنی آمریکا در جنگ جهانی دوم

با پایان یافتن جنگ دوم جهانی، بسیاری از معادلات پیشین جهانی نیز پایان یافت. در صحنه جهانی، ایالت متحده آمریکا که کمترین آسیب را در جنگ دیده بود، ناجی متفقین شناخته شد و به عنوان قدرتی نوظهور کرد. از این پس سیاست های آمریکا عرصه را بر بریتانیا تنگ کرد. در واکنش به چنین شرایطی، انگلستان تلاش کرد تا با اتخاذ یک رابطه ویژه با آمریکا، مانع از افول سیاسی و اقتصادی خود شود. آمریکا نیز با فرصت طلبی، با استفاده از این شرایط ویژه، تلاش کرد تا انگلستان را به پایگاهی برای خود بدل کند (رابین رمزی، 1387، ص 63). در این بین ایالت متحده از هرگونه بدعهدی و پیمان شکنی برای رسیدن به این مهم سود برد.

در طول تاریخ موارد متعددی از پیمان شکنی آمریکا علیه بریتانیا که تا سالیان دراز متحد اصلی ایالت متحده در صحنه سیاست بین المللی بود دیده می شود. مورد اول از این

بدعهدی ها را می توان در جریان جنگ جهانی دوم مشاهده کرد. در ماجرای فتح نورماندی، انگلستان از آمریکا خواست تا سریعاً وارد عمل شده و با اعزام نیرو و تسلیحات نظامی، بریتانیا را در فتح نورماندی یاری کند. مشخص بود که فتح نورماندی می توانست بزرگ ترین ضربه را به آلمان زده و روند پیروزی متفقین را سرعت بخشد؛ اما آمریکا علی رغم درخواست انگلستان، در ورود به جنگ تعلل کرد تا جایی که انگلستان در ساحل نورماندی بسیاری از نیروهای خود را از دست داد. آنگاه آمریکا وارد جریان شده و نقش فاتحان را بازی کرد.

2- جلوگیری آمریکا از استفاده انگلیس از انرژی اتمی

گرچه این دو کشور در جنگ دوم جهانی با یکدیگر همکاری کرده بودند اما چندی بعد برای جلوگیری از قدرت گیری بریتانیا، در سال 1946 واشنگتن قانون انرژی اتمی را به تصویب رسانید و به دنبال آن با فراموش کردن کمک دانشمندان انگلیسی به پروژه منهتن (پروژه ای که با همکاری آمریکا و انگلستان به ساخت بمب اتم انجامید و در جنگ جهانی دوم از آن استفاده شد) تمامی همکاری های خود در زمینه انرژی اتمی با این کشور را خاتمه داد. علی رغم این، در دوران جنگ سرد نیز آمریکا در مقابل شوروی از انگلستان کمک گرفت تا با کمک این کشور از نفوذ کمونیسم جلوگیری کند.

3- پیمان شکنی آمریکا در بحران سوئز

نمونه دیگر پیمان شکنی آمریکا به انگلستان در ماجرای بحران سوئز رخ داد. در این جریان آمریکا به خوبی دریافته بود که در اختیار گرفتن کانال سوئز از سوی انگلستان مساوی با گسترش نفوذ این کشور در منطقه خواهد بود. لذا با ورود سریع به جریان جنگ در سال 1956 میلادی، فشار سیاسی و مالی به انگلیس وارد آورد تا آتش بس سازمان ملل

را در تاریخ 6 نوامبر بپذیرد. بدین ترتیب نیروهای انگلیس ناچار شدند تا در ماه دسامبر همان سال مصر را ترک گویند.

4- تهاجم به یکی از مستعمره های انگلیس

در سال 1983 میلادی آمریکا در تهاجم به کشور کوچک گرانادا که در آن زمان تحت سیطره بریتانیا بود، یک بار دیگر خیانت خود نسبت به انگلستان را نشان داد. این حمله که نقض فاحش قوانین بین المللی و تجاوز به استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یک کشور به شمار آمد نمونه دیگری از خیانت آمریکا به متحد همیشگی اش بود؛ زیرا انگلستان در گرانادا صاحب نفع بود. درواقع این منطقه به عنوان مستعمره بریتانیا به شمار می آمد.

5- فعالیت سرویس جاسوسی آمریکا در انگلیس

بدین ترتیب آمریکا کم کم دست بالا را در روابط میان دو کشور در اختیار گرفته و درحالی که ادعای دوستی با انگلستان داشت شبکه های پیچیده جاسوسی خود را در این کشور فعال کرد. البته گفتنی است که این اقدامات آمریکا، واکنش هایی را در محافل سیاسی انگلستان نیز در پی داشته است. به طوری که موجبات پیدایش و شکل گیری گروه های بدبین به سیاست آمریکا در این کشور شده است (حسینی متین، 1389 ص 80).

6- فریب انگلیس توسط آمریکا در کودتای 28 مرداد

علاوه بر مواردی که گفته شد، شواهد تاریخی دیگری نیز از بدعهدی آمریکا نسبت به انگلستان در طول تاریخ دیده می شود. در همین رابطه آنچه می تواند برای ما ملموس تر باشد به کودتای 28 مرداد 1332 برمی گردد. در این کودتا دولت مصدق با همکاری سیا و انتلیجنت سرویس سقوط کرد. با سقوط دولت مصدق و بازگشت شاه به کشور، به نظر

می رسید که انگلستان و آمریکا به تقسیم منافع در ایران خواهند پرداخت اما ایالت متحده آن چنان که پیش از این نیز بارها نشان داده بود به سرعت انگلستان را از صحنه خارج کرده و بیشترین سهم از کنسرسیوم نفت را به خود اختصاص داد (نجاتی، 1378 ص 107). بدین ترتیب بار دیگر انگلستان را که متحد اصلی اش در جریان کودتا به حساب می آمد فریب داد. از این تاریخ به بعد، آمریکا به قدرت برتر در ایران بدل شد. در حالی که پیش از کودتای 28 مرداد 1332 این انگلستان بود که حرف اول را در ایران می زد.

بدعهدی آمریکا نسبت به انگلستان و سست شدن روابط میان دو کشور

امروزه نیز روابط آمریکا و انگلستان همچنان ناپایدار است. بر اساس شواهد تاریخی، آمریکا هر جا توانسته نسبت به انگلستان بدعهدی کرده است. در تأیید این سخنان می توان به سندی که به تازگی کشف و منتشر شده است اشاره کرد. چنانچه این سند نشان می دهد، واشنگتن عقیده دارد که رابطه ویژه میان انگلیس و آمریکا به پایان راه خود رسیده است و این رابطه دیگر برای آمریکا کارایی ندارد. این موضوع خود به بدعهدی آمریکا نسبت به انگلستان دامن می زند.

در این سند خطاب به اعضای کنگره آمریکا آمده است: «ممکن است انگلستان دیگر در تمامی مسائل و موضوعات به عنوان اولویت آمریکا مدنظر قرار نگیرد.» در این سند که تاریخ آن به آوریل 2015 میلادی بازمی گردد همچنین آمده است: «در حالی که آمریکا و انگلیس همچنان به عنوان شرکای اقتصادی یکدیگر باقی می مانند، اما رابطه ویژه با این کشور نیازمند بازنگری است زیرا مناسبات ژئوپلیتیک در حال تغییر کردن است.» (روزنامه جام جم، شماره 4232)

بر همین اساس و بر طبق شواهد موجود می توان گفت که آمریکا با بدعهدی حتی نسبت به متحدان نزدیک خود، به نماد پیمان شکنی در جهان تبدیل شده است.

این کشور حتی نسبت به متحدانش نیز همواره توطئه می کند. آن چنان که در کتاب «خطا و خیانت در لبنان» آمده است آمریکا به دوستان نزدیک خود نیز با دید نوکر و دست نشانده می نگرد و همواره به دنبال استفاده ابزاری از آنان بوده و هیچ ابایی از بدعهدی نسبت به آن ها ندارد. (جورج بال، 1366 ص 142).

تاریخ نشان داده است که آمریکا گرچه بارها با انگلستان بر سر مسائل مختلف متحد می شد اما بلافاصله پس از اینکه به نتیجه مطلوب خود می رسید پیمان شکنی کرده و خیانت می کرد. درواقع می توان گفت که سیاست این کشور بر پایه زیاده خواهی بنا شده است لذا از این نوع رویه نباید انتظار وفای به عهد داشت.

ب- نسبت به روسیه

اشاره

تاریخ از مواردی حکایت می کند که نشانگر سیاست ریاکارانه آمریکا نسبت به روسیه است. درحالی که این دو کشور به همراه انگلیس و فرانسه از متحدان اصلی در جنگ جهانی دوم بودند. از سوی دیگر دوران چهل ساله جنگ سرد الگویی از روابط را میان آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی توسعه بخشید که ویژگی بارز آن رقابت و رویارویی در تمامی عرصه های سیاسی، نظامی امنیتی و حتی اقتصادی و فرهنگی بود.

1- رویارویی آمریکا با انقلاب بلشویکی در شوروی

بعد از وقوع انقلاب بلشویکی در سال 1917، دولت آمریکا نسبت به «روسیه شوروی» خصومت داشت، ازاین رو، تحریم های را بر ضد این کشور اعمال کرد. واشنگتن به همین حد بسنده نکرد و به اقدامات مخفیانه علیه شوروی نیز روی آورد و حمایت مالی از دشمنان آن را در دستور کار خود قرارداد. آمریکا در سال 1918 نیز نیروهای نظامی خود را عازم صربستان کرد تا از منافع خود در مقابل قزاق ها دفاع کند. علاوه بر این، آمریکایی ها به خاطر نگرانی از گسترش قلمرو ژاپن تا مرزهای روسیه، تعدادی نیرو به شمال روسیه و

صربستان اعزام کردند. این موضوع خود نمونه بارز تجاوز به خاک شوروی محسوب می شد. آمریکایی ها که از خصم و دشمنی خود علیه بلشویک ها دست بردار نبودند به صورت قانونی یا مخفی به دشمنان بلشویک ها به ویژه «ارتش سفید» که حامی رژیم گذشته یعنی امپراتوری تزارها بود و از مخالفان سرسخت انقلابیون بلشویک به شمار می آمد، کمک می کردند.

2- فعالیت جاسوسی آمریکا در شوروی

از اواخر دهه 1940، آمریکا هواپیماهایی را باهدف جمع آوری اطلاعات در امتداد مرزهای شوروی به پرواز درمی آورد. علاوه بر آن، ماهواره ها، زیردریایی ها، امواج رادیویی، ایستگاه های شنود الکترونیکی و تجهیزات پیشرفته فراوانی با ماهیت صنعتی و نظامی مقادیر زیادی از اطلاعات را ردوبدل می کردند. بسیار پیش می آمد که هواپیماهای آمریکایی به عمد و بدون هیچ دلیل منطقی بر فراز قلمروی شوروی رانده می شدند. یکی از مهم ترین فعالیت های جاسوسی آمریکا در آسمان شوروی مربوط به سال 1950 می شود. در این سال یکی از هواپیماهای جاسوسی آمریکا با ده خدمه توسط شوروی شناسایی شد و بدین ترتیب این مأموریت لو رفت. اگرچه هیچ یک از هواپیماهای جاسوسی آمریکا بمبی بر خاک اتحاد جماهیر شوروی پرتاب نکرد ولی بسیاری از آن ها حامل مردانی بودند که اجرای مأموریت های خصمانه را بر عهده داشتند.

3- وقوع انقلاب های رنگین در جمهوری های شوروی (اوراسیا) با حمایت آمریکا

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری های پیشین این امپراتوری سوسیالیستی به مثابه مهره های دومینو با تلنگری به نام «انقلاب های رنگین» و با وانهادن و کنار گذاری موازین نظری و ساختاری پیشین، شیفته وار و شتاب آلود اریکه قدرت را به

دولت های غرب گرا سپردند تا تمنای آزادی، دموکراسی و اقتصاد بازار را تحصیل نمایند. ایالات متحده آمریکا نیز که عرصه را مستعد می دید، با بذل مساعدت های مالی، سیاسی و رسانه ای خود تلاش کرد که به صحنه گردان این آشفته بازار بدل شود. تا هم در فضای حیاتی سیاست خارجی رقیب دیرین عرض اندام کند و هم داعیه های هژمونیک خود را قوام بخشد. ولی فرجام جمهوری های اوراسیا در فردای انقلاب های رنگی بخش اعظمی از تحلیل های پیشین را در محاق تردید فروبرده است. به هرروی مسئله مبرهن و کتمان ناشدنی نقش آفرینی محوری آمریکا در تحولات کم خشونت بار ولی پرهیاهوی اوراسیاست (فتاحی، 1388).

عهدشکنی ها و جفاهای تاریخی آمریکا علیه ملت ایران

اشاره

*عهدشکنی ها و جفاهای تاریخی آمریکا علیه ملت ایران(1)

از زمانی که نفت در ایران کشف شد، آمریکا به این سرزمین زرخیز چشم داشت. آمریکا با رویه امپریالیستی خود و با شعارهای پوچ و دروغینش، همواره به ایران خیانت کرده است. تاریخ مملو از نمونه هایی است که دخالت این کشور را در امور داخلی ایران اثبات می کند. از کودتای 28 مرداد و انقلاب به اصطلاح سفید گرفته تا تجاوز به خاک ایران در طبس و دخالت در مسائل هسته ای، همگی دلیلی بر این مدعاست. آنچه در پی می آید، تنها نمونه هایی از کارنامه سراسر خیانت آمریکایی ها در قبال حقوق مردم ایران است.

1- نفوذ از طریق اعزام مستشار

ورود مستشاران و میسیونرهای مذهبی آمریکایی به ایران به ویژه در دوران قاجار، از حدود سال 1200 ه. ش، راه را برای نفوذ آمریکا به ایران هموار کرد. به عنوان مثال، آرتور میلسپو به ایران آمد و امور مالی کشور را در اختیار گرفت؛ علاوه بر او، ژنرال نورمن شوارتسکف و سرلشکر جان گریلی باهدف بازسازی ژاندارمری وارد ایران شدند؛ درحالی که

ص: 156

1- مرکز اسناد انقلاب اسلامی - ویژه نامه «بدعهدی آمریکا» شماره دوم، شهریور ماه 1395 صص 11-12.

هدف اصلی شان، ایجاد یک نیروی نظامی وابسته به آمریکا بود. ورود هیئت های مستشاری در دولت سهیلی نیز، متعاقب قراردادی که در 12 آبان 1322 میان ایران و آمریکا به امضا رسید ادامه یافت. این هیئت ها که شامل مستشاران مالی، نظامی، بهداشتی، کشاورزی و نفتی بودند، به تدریج از معافیت های مالیاتی و امتیازات کاپیتولاسیون نیز برخوردار شدند. ورود مستشاران آمریکایی به ایران موجب تشدید نفوذ اقتصادی و سیاسی آمریکا در ایران شد. چنان که حجم مبادلات تجاری میان ایران و ایالات متحده، در سال 1324، حدود 25 درصد تجارت خارجی ایران را به خود اختصاص داد. به این ترتیب، آمریکا با حربه اعزام مستشار به ایران، امنیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور را هدف گرفت.

2- حمایت از فرقه گرایی و بی ثباتی در ایران

یکی دیگر از برنامه های آمریکایی ها برای نفوذ در ایران، خدشه دار کردن دین و اعتقادات دینی مردم بود. آنان کاملاً واقف بودند که تشیع و اعتقادات اسلامی به رهبری علما، می تواند مانع عظیمی بر سر راه نفوذ استعماری باشد. به همین دلیل، تلاش می کردند به اقداماتی برای کم رنگ کردن اعتقادات مذهبی مردم ایران دست بزنند. آمریکایی ها از زمان فتحعلی شاه، میسیونرهایی را برای تبلیغ مسیحیت پروتستان به ایران فرستادند. در دوران ناصرالدین شاه هم دکتر جردن با تأسیس کالج آمریکایی در تهران، اقدام به نشر آموزه های مسیحیت در ایران کرد. چنین مدارسی با هدف نابودی اعتقادات اسلامی و امنیت مذهبی ایرانیان تأسیس می شد.

3- کودتای آمریکایی 28 مرداد

با ملی شدن صنعت نفت ایران، آمریکا و انگلیس خود را بازنده اصلی دیدند؛ به همین دلیل تلاش کردند با طراحی کودتا، نفت ملی شده را بار دیگر در اختیار بگیرند. دولت

آیزنهاور با بهانه خطر نفوذ کمونیسم در ایران، به طور مستقیم، اجرای عملیات کودتا را بر عهده گرفت و کرمیت روزولت به عنوان مجری کودتا، ارتباط خود را با برادران رشیدیان و لومپن ها آغاز کرد. از سوی دیگر آلن دالس و جان فاستر دالس، نمایندگان سیا در تهران، فعالیت مخفی خود را برای انجام کودتا آغاز کردند. در این بین، صّرف دلارهای آمریکایی، بسیاری از چماق داران را به خیابان کشاند. به این ترتیب، امنیت داخلی ایران از سوی آمریکا و انگلیس با تهدید مواجه شد و دولت قانونی دکتر مصدق سقوط کرد. این در حالی بود که آمریکایی ها مدعی بودند بر اساس اصل 4 ترومن(1)، خواهان ارائه کمک های مالی به دولت مصدق هستند. خیانت آن ها به مصدق و مردم ایران، به قدری آشکار بود که آمریکایی ها هیچ گاه نتوانستند آن را انکار کنند.

4- غارت نفت ایران با قرارداد کنسرسیوم

پس از کودتای 28 مرداد آمریکا تلاش کرد با حربه کنسرسیوم، نفت ایران را در اختیار خود بگیرد. این کنسرسیوم از هفت شرکت تشکیل شده بود که پنج شرکت آمریکایی در آن بیشترین سهم را در اختیار داشتند. بر اساس قرارداد کنسرسیوم، نفت ایران تا 25 سال در اختیار هفت شرکت آمریکایی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی قرار می گرفت. این قرارداد در 29 مهر 1332 به تأیید مجلس شورای ملی و در 6 آبان همان سال به تصویب مجلس سنا رسید. در این قرارداد که به قرارداد امینی-پیچ نیز شهرت داشت، برخلاف قانون ملی

ص: 158

1- دولت امریکا ابتدا در 15 خرداد 1326 طرح مارشال را ارایه کرد و سپس در 30 دی 1327 ترومن در پیام خود به کنگره، ضمن اعلام اصول گوناگونی در سیاست اقتصادی خود، اصل 4 آن را به اعطای کمک های فنی به کشورهای عقب مانده ی جهان سوم اختصاص داد. اصل چهارم از اصولی که ترومن در تبیین رویکردهای اقتصادی امریکا اعلام کرد، از مهم ترین اصول سیاست خارجی این کشور برای وابسته کردن سیستم اقتصادی کشورها طی سال های پس از جنگ جهانی دوم است. این اصل چنین است: ما با یک برنامه ی شجاعانه برای این که پیشرفت های علمی و صنعتی خود را در اختیار مناطق عقب مانده ی جهان قرار بدهیم این دوره را آغاز می کنیم تا مناطق مزبور به سهم خود به پیشرفت نایل گردند. به عقیده ی من، ما می توانیم ملت های صلح دوست را از علوم و فنون خود برخوردار سازیم تا بتوانند به میل خود به زندگی بهتری دست یابند. با چنین همکاری با ملت های دیگر می توانیم سرمایه گذاری در مناطقی را که فاقد پیشرفت هستند گسترش دهیم (هوشنگ مهدوی، 1380، ص 146).

شدن نفت، حق اکتشاف، استخراج و فروش نفت بار دیگر در اختیار شرکت های خارجی قرار گرفت.

5- پیوند شوم سیا و ساواک

آمریکا که پس از مرداد 32 قدرت برتر در ایران محسوب می شد، تلاش کرد تا در راستای حفظ رژیم دست نشانده خود، اقداماتی انجام دهد لذا در اسفندماه 1335، سازمان اطلاعات و امنیت کشور، موسوم به ساواک را راه اندازی کرد. چارت سازمانی و اطلاعاتی ساواک، نمونه ای از الگوی سیا و موساد بود و افسران اطلاعاتی آن، به طور مستقیم در آمریکا و اسرائیل آموزش می دیدند. به این ترتیب، ساواک را می توان شاخه ای از سازمان سیا در ایران دانست. این سازمان که یکی از لوازم قدرت آمریکا در ایران محسوب می شد، با بخشی به نام اداره کل سوم ساواک، مسئولیت شکنجه و اعدام مخالفان رژیم را بر عهده داشت.

6- گرفتن حق توحش و تحمیل کاپیتولاسیون به مردم ایران

در آغاز دهه 1340، آمریکا امیدوار بود با تحمیل کاپیتولاسیون نفوذ غیرقابل کنترلی در ایران به دست بیاورد. با این امتیاز، شهروندان آمریکایی که بخش مهمی از آن ها را مأموران عالی رتبه اطلاعاتی و نظامی تشکیل می دادند، می توانستند آزادانه در ایران فعالیت کنند و هیچ مرجعی در ایران قادر به محاکمه آنان به دلیل اقدامات غیرقانونی، نبود. بر اساس این امتیاز اگر یک آمریکایی مرتکب جنایتی در ایران می شد، باید او را برای محاکمه به آمریکا می فرستادند؛ به عبارت دیگر، دستگاه قضایی ایران در مقابل آنان، کاملاً فاقد قدرت بود.

7- آمریکا و به اصطلاح انقلاب سفید

در اوایل دهه 1340، آمریکا رژیم دست نشانده خود را در ایران، به انجام یکسری اصلاحات داخلی وادار کرد. این جریان که به اصطلاح انقلاب سفید نامیده می شد، ابتدا شامل 6 اصل بود که اصلاحات ارضی و اصلاح قانون انتخابات را در برمی گرفت. گرچه به اصطلاح انقلاب سفید با مخالفت امام خمینی (ره) مواجه شد، اما محمدرضا پهلوی به خواست آمریکا، در یک همه پرسی ساختگی در 6 بهمن 1341، اصول آن را به همه پرسی گذاشت. کاملاً مشخص بود که برنامه این کار توسط آمریکایی ها طراحی و به سران کشورهای وابسته به غرب ابلاغ شده بود و آن را بدون در نظر گرفتن شرایط خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، برنامه ریزی کرده بودند. این برنامه، تبعات منفی فراوانی برای ایران در پی داشت و کشاورزی ایران را نابود کرد.

8- نقض تمامیت ارضی ایران و تجاوز به طبس

با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مسئله طرح تجاوز نظامی به جمهوری اسلامی، در دستور کار کاخ سفید قرار گرفت. بر همین اساس، در اردیبهشت 1359 تفنگداران ارتش آمریکا، در عملیاتی به نام «دلتا» که بعدها چگونگی اجرای آن فاش شد باهدف آزاد کردن گروگان های این کشور که در سفارت آمریکا در تهران تحت مراقبت بودند، در صحرای طبس پیاده شدند. قرار بود این نیروها از طبس با بالگرد به سوی تهران حرکت کنند و در ورزشگاه امجدیه فرود آیند و سپس، بالباس مبدل، به سفارت آمریکا در تهران حمله و گروگان ها را آزاد کنند. نیروهای آمریکایی، شامل 132 نظامی، 8 بالگرد و 3 هواپیمای باربری هرکولس C130، پس از استقرار در طبس و قبل از حرکت به سمت تهران، گرفتار توفان شن شدند.

9- مخالفت با برنامه صلح آمیز هسته ای ایران

آمریکا طی سال های اخیر به روش های مختلف، کوشیده است تا با بهانه های واهی ایران را از دستیابی به دانش صلح آمیز هسته ای بازدارد. حتی پس از امضای برجام، باوجود پایبندی ایران به مفاد آن که بارها از سوی نهادهای بین المللی رسمی تأیید شده است، آمریکا همواره در پی مانع تراشی بر سر اجرای آن و جلوگیری از رسیدن ایران به حقوق قانونی خود بوده است. تا جایی که سرانجام، ترامپ، این توافقنامه بین المللی را امضا کرد و بی توجه به قوانین بین المللی از آن خارج شد

2-1-2- تفرقه افکنی و جلوگیری از همبستگی مسلمین

اشاره

یکپارچگی میان مسلمانان و دوری از هرگونه تفرقه، یکی از مهم ترین موضوعاتی است که همواره مورد تأکید قرآن و روایات بوده است. از سوی دیگر دشمنان اسلام، از هر شیوه ای برای ایجاد دودستگی و چنددستگی میان مسلمین بهره می جویند. این امر از صدر اسلام تاکنون در جریان است. عملیات تفرقه افکنانه، هم در داخل و هم خارج از کشور، انجام می شود.

الف- صدر اسلام

رفع اختلافات بین دو قبیله اوس و خزرج (اختلافات 20 ساله) از مشکلات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از هجرت به مدینه بود. بعد از صلح این دو، یهود شروع به تفرقه افکنی کردند، اما پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مردم را هوشیار نمودند و دوباره صلح را برقرار کرد. آیه 100 سوره آل عمران(1) در این باره است و مسلمانان را از اطاعت از اهل کتاب منع می کند.

ص: 161

1- يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءٰمَنُوْا اِنْ تُطِيعُوْا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوْا الْكِتٰبَ يَرُدُّوْكُمْ بَعْدَ اِيْمَانِكُمْ كَافِرِيْنَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از گروهی از اهل کتاب، (که کارشان نفاق افکنی و شعله ور ساختن آتش کینه و عداوت است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمان، به کفر بازمی گردانند. (آل عمران/100).

«در این آیه روی سخن را به مسلمانان اغفال شده کرده، به آن‌ها هشدار می‌دهد که اگر تحت تأثیر سخنان مسموم دشمن واقع شوند و به آن‌ها اجازه دهند که در میان افرادشان نفوذ کنند و به وسوسه‌های آن‌ها ترتیب اثر دهند، چیزی نخواهد گذشت که رشته ایمان را به کلی خواهند گسست و به سوی کفر بازمی‌گردند، زیرا دشمن، نخست می‌کوشد آتش عداوت را در میان آن‌ها شعله‌ور سازد و آن‌ها را به جان هم بیفکنند و مسلماً به این مقدار قناعت نخواهد کرد و به وسوسه‌های خود هم چنان ادامه می‌دهد تا به کلی آن‌ها را از اسلام بیگانه سازد» (مکارم شیرازی، 1374، تفسیر نمونه، ج 3، ص: 24). همچنین، آیه 4 سوره قصص (1)، تفرقه افکنی را از شیوه‌های استکبار معرفی می‌کند: فرعون، نخست کوشید در میان مردم مصر تفرقه بیندازد. همان سیاستی که در طول تاریخ پایه اصلی حکومت مستکبران را تشکیل می‌داده است، چراکه حکومت یک اقلیت ناچیز بر یک اکثریت بزرگ جز با برنامه تفرقه بینداز و حکومت کن! امکان‌پذیر نیست! آن‌ها همیشه از توحید کلمه و کلمه توحید وحشت داشته و دارند، آن‌ها از پیوستگی صفوف مردم به شدت می‌ترسند و به همین دلیل حکومت طبقاتی تنها راه حفظ آنان است، همان کاری که فرعون و فراعنه در هر عصر و زمان کرده و می‌کنند. آری فرعون مخصوصاً مردم مصر را به دو گروه مشخص تقسیم کرد: «قبطیان» که بومیان آن سرزمین بودند و تمام وسایل رفاهی و کاخ‌ها و ثروت‌ها و پست‌های حکومت در اختیار آنان بود؛ و «سبطیان» یعنی مهاجران بنی اسرائیل که به صورت بردگان و غلامان و کنیزان در چنگال آن‌ها گرفتار بودند. فقر و محرومیت، سراسر وجودشان را فراگرفته بود و سخت‌ترین کارها بر دوش آن‌ها بود، بی‌آنکه بهره‌ای داشته باشند (مکارم شیرازی، 1374، تفسیر نمونه، ج 16، ص: 12).

ص: 162

1- إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَصِدَّ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ؛ فرعون در زمین برتری جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برد و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت او به یقین از مفسدان بود

ایجاد اختلاف داخلی

منظور از اختلاف داخلی، درون یک کشور، شهر و جامعه است که دشمنان از اختلاف نظرهای سیاسی، مذهبی و قومی سوءاستفاده کرده دو جریان را به جان هم می اندازند.

برای نیل به این هدف، به هریک از جریان های سیاسی، مذهبی، قومی و زبانی نفوذ کرده نقشه خود را اجرا می کنند.

مثلاً در حوزه مذهبی، خود را شیعه جلوه نموده به اهل سنت توهین کرده آنان را علیه شیعه تحریک می کنند و برعکس.

یکی از راه های سلطه مستکبران بر مردم، ایجاد تفرقه میان ایشان است (موسوی، 1387 ص 39). ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی، ایجاد اختلاف در گروه های مختلف جامعه اسلامی، تلاش برای تجزیه کشورهای مسلمان، دامن زدن به اختلافات قومی (ترک، کرد، عرب، عجم، بلوچ و...) و اختلافات سیاسی (اصول گرا و اصلاح طلب و...) از مهم ترین برنامه های آمریکا در ایران است. ایجاد و القای وجود اختلاف و تفرقه در جامعه هدف و جبهه رقیب، برای تقویت گسست های طبیعی قومیتی، مذهبی، نژادی، دینی، جنسیتی، زبانی و... در آن ها تا مشغول مشکلات درونی شوند و از اقتدار، انرژی، مقبولیت و یکپارچگی شان کاسته شود. این تاکتیک به شدت مورد توجه بنگاه های خبرپراکنی و استکبار جهانی در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران است و اخیراً بر شدت بهره گیری از آن افزوده اند (وزیری 1390).

منظور از ایجاد اختلاف بین المللی، این است که دشمن، بین کشور هدف، با سایر کشورهای دنیا اختلاف ایجاد کرده روابط آنان را خدشه دار می کند.

یکی از مهم ترین برنامه دشمن از جمله آمریکا، برای نیل به این هدف، «ایران هراسی» است.

ایران هراسی برنامه ای راهبردی به منظور ساخت تهدیدی بزرگ از ایران برای منطقه و فراتر از آن تهدیدی بزرگ برای صلح و امنیت جهانی است که با ایجاد هراس در تلاش است با تغییر رفتار بازیگران نظام بین الملل در برابر ایران، این کشور را تضعیف، تخریب و به حاشیه راند. این پدیده بیان کننده احساس مخالفت یا دشمنی با سیاست ها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین المللی ایران است. ایران هراسی علاوه بر حوزه کشورهای غربی در حوزه کشورهای عربی منطقه نیز گسترش یافته و با تحرکات سیاسی بسیار در رسانه ها و شبکه های عربی نیز در حال شکل گیری و راهبری است. این طرح بر مبنای بزرگ نمایی برخی از واقعیت های موجود در منطقه خاورمیانه به انضمام انواع دروغ پراکنی و دگرگون نمایی شکل گرفته است؛ در این چارچوب چنین القا می شود که در صورت قدرت یابی جمهوری اسلامی ایران، کشورهای منطقه مجبور خواهند شد هزینه هایی کلان را متقبل و با خطراتی جدی مواجه شوند. این اصطلاح همچنین بی اعتمادی، نفرت، انزجار، حسادت، تبعیض، تعصب، نژادپرستی، کلیشه، ترس یا بیزاری از ایرانیان به عنوان یک گروه نژادی، قومی، زبانی و مذهبی را دربرمی گیرد. درمجموع، ایران هراسی به عنوان یک سیاست، طی سالیان متمادی برای اهداف مختلف به کار گرفته شده است (مهدی زاده و میرحسینی 1396: 154).

اشاره

سرکوب از دیگر روش های مستکبران است که جهت جلوگیری و پیشگیری از ظلم ستیزی و اعتراض انجام می پذیرد (برهانیان، 1378). سرکوب یعنی، حاکمان، با استفاده از ابزار قدرت، جلو افکار و رفتار طرف مقابل را در جامعه بگیرند. با توجه به شرایط جامعه و افراد، به چند شکل انجام می شود از جمله تهدید، تطمیع، توسل به خشونت و اذیت.

الف - تهدید

تهدید به معنی ترسانیدن کسی به وعده انجام دادن کاری علیه او یا متعلقاتش است (هاشمی شاهرودی و همکاران، 1387 ج 2 ص 671)؛ مثلاً در قرآن کریم، تهدید به اخراج از وطن، بریدن دست و پای مخالفین (ابراهیم/13؛ اعراف/124) (1) و... از شیوه های مستکبرین است.

ب- توسل به خشونت و اذیت

پیامبران الهی و یارانشان، همواره از سوی مخالفان مورد آزار (روحی و جسمی)، قتل و... واقع شده اند (غافر/5؛ توبه/61؛ احزاب/58؛ نساء/155) (2)

ص: 165

1- وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا...؛ و کسانی که کافر شدند، به پیامبرانشان گفتند: شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد مگر اینکه به کیش ما بازگردید. (ابراهیم/13) لَا قُطْعَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ؛ سوگند می خورم که دستها و پاها را بطور مخالف [دست راست با پای چپ، یا دست چپ با پای راست] قطع می کنم سپس همگی را به دار می آویزم (اعراف/124). لَن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ و اگر (از این سخنان) دست برندارید شما را سنگسار خواهیم کرد و شکنجه دردناکی از ما به شما خواهد رسید (یس/18).

2- هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ... هر امتی در پی آن بود که توطئه کند و پیامبرش را بگیرد (و آزار دهد)... (غافر/5). وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ؛ و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند (توبه/61). وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ...؛ و از ایشان ک

تطمیع، به معنی وعده اعطای پاداش، در صورت تحقق اهداف موردنظر.

به عنوان نمونه، در شان نزول آیه 5 سوره ص(1)، مفسرین نقل می کنند: در آغاز رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سران قریش نزد ابوطالب آمدند و گفتند ای ابوطالب فرزند برادرت ما را سبک مغز می خواند و به خدایان ما ناسزا می گوید، جوانان ما را فاسد نموده و در جمعیت ما تفرقه افکنده است، اگر این کارها به خاطر کمبود مالی است ما آن قدر مال برای او جمع آوری می کنیم که ثروتمندترین مرد قریش شود و حتی حاضریم او را به ریاست برگزینیم... حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پاسخ دادند: «اگر آن ها خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من بگذارند من به آن تمایل ندارم» (مکارم شیرازی 1374، ج 19، ص: 217). در برخی منابع (مجلسی، 1403، ج 9، ص: 144)(2)، عبارت «دست از مأموریت خود بر نمی دارم تا به انجام برسانم یا کشته شوم» نیز اضافه شده است.

همچنین در پاره ای از گزارش های تاریخی، نقل شده که کفار و مشرکین به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پیشنهاد دادند که اگر از مأموریت خود دست بردارد؛ زیباترین دختران را به نکاح او درمی آورند! (مکارم شیرازی، 1374 ج 24، ص: 384).

ص: 166

-
- 1- أَجْعَلِ الْإِلَهَةَ إِلَّا هَا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَاب؛ آیا خدایان [متعدد] را خدای واحدی قرار داده؟ این واقعاً چیز عجیبی است. (ص/5).
 - 2- إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَا عَمُّ وَاللَّهِ لَوْ وَضِعَ عَتِ الشَّمْسُ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرُ فِي شِمَالِي مَا تَرَكْتُ هَذَا الْقَوْلَ حَتَّى أَنْفِذَهُ أَوْ أُقْتَلَ دُونَهُ؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشک از چشمانش جاری شد بعد فرمود عمو، اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم قرار دهند دست از مأموریت خود بر نمی دارم تا به انجام برسانم یا کشته شوم (مجلسی، 1403، ج 9، ص: 144).

از لحن آیات (قلم/9 و... (1) و از آنچه در تواریخ آمده است به خوبی استفاده می شود که وقتی مشرکان کوردل سرعت پیشرفت آئین اسلام را مشاهده کردند به فکر افتادند که از طریق دادن امتیازاتی به پیامبر ص امتیازاتی از او بگیرند و او را به نوعی سازش بکشاند- همان گونه که روش همه طرفداران باطل در طول تاریخ است- لذا گاه اموال عظیم و گاه زنان زیبا و گاه پست و مقام برجسته پیشنهاد می کردند (مکارم شیرازی، 1374 ج 24، ص: 384).

4-1-2- تضعیف و حذف رهبری

اشاره

رهبری الهی، در جامعه اسلامی چنان حائز اهمیت است که در قرآن کریم، بیش از 18 بار، با تعبیر «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» (2) با تکرار «أَطِيعُوا»، اطاعت از ایشان هم ردیف اطاعت از خدا تلقی شده است (تغابن/12؛ محمد/33؛ نور/54 و...) و در آیه دیگر (مائده/66) ارزش معرفی رهبر بعدی (جانشین) را به اندازه ارزش طول رسالت می داند. به همین دلیل، کفار و منافقین، از هر وسیله ای برای تضعیف جایگاه رهبران الهی و یا حذف فیزیکی (قتل) رهبران الهی، بهره مند می شوند.

دشمن سعی می کند با تردید در حقانیت رهبر جریان حق و سلب مشروعیت او در افکار عمومی و آحاد جامعه، به اهداف از پیش تعیین شده خود دست یابد؛ و در پی آن رهبری را فاقد صلاحیت لازم معرفی کند (موسوی و دولتی، 1395).

ص: 167

1- وَدُّوا لَوْ تَدَّهْنُ فَيَدْهِنُونَ؛ آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آنها (هم) نرمش نشان دهند (نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق)! (قلم/9).

2- اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول (خدا) را.

دشمنان و مخالفان انبیاء (علیه السلام)، بهروش های مختلف به مقابله با دین خدا، پرداخته اند. یکی از این روش ها، تضعیف و قتل رهبر جامعه یعنی پیامبران خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است که آیات متعدد قرآن کریم، به شیوه های آن اشاره می کند:

1-4-1-2- نهمت و افتراء

اشاره

اتهام های بی اساس، یکی از مهم ترین برنامه دشمن، علیه رهبران دینی (پیامبران) است؛ که برخی مصادیق آن را می شماریم:

1-4-1-1-2- نهمت برتری جویی

* 1-4-1-1-2- تهمت برتری جویی (1) به پیامبر خدا (مؤمنون/24) (2)

2-4-1-1-2- تهمت جنون و سبک مغزی

* 2-4-1-1-2- تهمت جنون و سبک مغزی (مؤمنون/25؛ قمر/9؛ اعراف/66؛ شعرا/27؛ حجر/6) (3)

تهمت جنون، از دیرباز به عنوان ابزاری در دست جریان باطل به شمار می آمده است. قوم نوح (علیه السلام) با تأثیر پذیری از بزرگان قوم خود در برابر تلاش مجاهدانه این پیامبر بزرگ خدا، او را شخصی مجنون می خواندند (موسوی و دولتی، 1395).

ص: 168

- 1- در عصر انقلاب اسلامی ایران، مخالفان و ضد انقلاب، رهبری و ولایت فقیه را دیکتاتور خطاب کردند!
- 2- فَقَالَ الْمَلَأُوا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَفْضَلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ . جمعیت اشرافی (و مغرور) از قوم نوح که کافر بودند گفتند : این مرد جز بشری همچون شما نیست که می خواهید بر شما برتری جوید! اگر خدا می خواست (پیامبری بفرستد) فرشتگانی نازل میکرد ما چنین چیزی را هرگز در نیاکان خود نشنیده ایم (مؤمنون / 24)
- 3- إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فْتَرَبِّصُوا بِهِ حَتَّى حِينٍ؛ او فقط مردی است که به نوعی جنون مبتلاست! پس مدتی درباره او صبر کنید (تا مرگش فرارسد، یا از این بیماری رهایی یابد) (مؤمنون / 25). * كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَارْدُجِرَ . پیش از آنان قوم نوح نیز به تکذیب پرداختند و بنده ما را دروغزن خواندند و گفتند : «دیوانه ای است» و بسی آزار کشید (قمر / 9). * قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ أَنَا لَنَرَنَّكَ فِي سَفَاهَةٍ وَأَنَا لَنُظَنَّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ . اشراف کافر قوم او گفتند : « ما تو را در سفاهت (و نادانی و سبک مغزی) می بینیم و ما مسلما تو را از دروغگویان میدانیم. (اعراف / 66). * قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ . (فرعون) گفت : « پیامبری که بسوی شما فرستاده شد مسلما دیوانه است» (شعرا / 27). * وَقَالُوا يَٰيَهَا الَّذِي نَزَّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ أَنْكُ لَمَجْنُونٌ . و گفتند : ای کسانی که «ذکر» قرآن بر او نازل شده مسلما تو دیوانه ای! (حجر / 6).

*3-1-4-1-2- نسبت دادن (تهمت) ساحری و سحر زدگی به پیامبران الهی (شعراء/ 49؛ مدثر/ 24؛ فرقان/ 8 اسراء/ 47؛ ذاریات/ 52)(1)

2-1-4-1-2- دروغ گو خواندن رهبر

سردمداران اردوگاه باطل چون از رهبران جبهه حق معجزات انکارناپذیری مشاهده می کردند و نمی توانستند آن را هضم کنند آنان را دروغ گو می خواندند (موسوی و دولتی، 1395).

قرآن کریم (هود/ 27؛ قمر/ 25؛ شعراء/ 186؛ ص/ 4؛ اعراف/ 66، سبا/ 43)(2) به این امر اشاره کرده است.

2-1-4-1-5- نسبت شاعری به رهبر

دشمنان که در برابر اعجاز قرآن مخصوصاً اعجاز کلامی و... ناتوان بودند؛ به ناچار پیغمبر خدا را شاعر خواندند (صافات/ 36)(3).

ص: 169

1- قَالْ آمَنَّا بِكُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ؛ (فرعون) گفت: آیا پیش از اینکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ مسلماً او بزرگ و استاد شماست که به شما سحر آموخته (شعرا/ 49). * فَقَالَ إِنَّ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ يُّوْثَرُ. و سرانجام گفت: این قرآن چیزی جز افسون و سحری همچون سحرهای پیشینیان نیست! (مدثر / 24). * وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنَّ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسَّ حُورًا. و ستمگران گفتند: «شما تنها از مردی مجنون پیروی میکنید.» (فرقان / 8). * اذ يقول الظالمون إِنَّ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسَّ حُورًا. آن گاه که ستمگران میگویند: «شما جز از انسانی که افسون شده پیروی نمیکنید» (اسرا / 447). * كَذٰلِكَ مَا اٰتٰی الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا قَالُوْا سَاحِرٌ اَوْ مَجْنُوْنٌ. این گونه است که هیچ پیامبری قبل از اینها بسوی قومی فرستاده نشد مگر اینکه گفتند: «او ساحر است یا دیوانه» (ذاریات / 52).

2- فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرٰكَ اِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَ مَا نَرٰكَ اَتَّبَعَكَ اِلَّا الَّذِيْنَ هُمْ اَرَادُوْا لِنَا بَادِيَ الرَّآيِ وَ مَا نَرٰى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِيْنَ؛ اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: «ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی بینیم! و کسانی را که از تو پیروی کرده اند، جز گروهی اراذل ساده لوح، مشاهده نمی کنیم و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی بینیم بلکه شما را دروغگو تصور می کنیم!» (هود/ 27).

3- وَيَقُوْلُوْنَ اٰنَّا لَتَّارِكُوْا ءِلٰهِيْنَآ لَشَاعِرٍ مَّجْنُوْنٍ؛ و پیوسته می گفتند: «آیا ما معبودان خود را بخاطر شاعری دیوانه رها کنیم؟!» (صافات/ 36).

2-1-4-1-6- نسبت ناروای کاهنی به پیامبران

خداوند متعال، در آیه 29 سوره طور(1) و سوره حاقه(2) آیات 40-41، ضمن اشاره به این مطلب، ساحت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را از این نوع اتهام ها پاک می نماید.

2-1-4-1-7- برچسب فسادگری به رهبر

از دیگر شیوه های مستکبرین برای تضعیف رهبران الهی، برچسب فسادگری به آنان است. خداوند کریم، از این نقشه نیز در سوره اعراف(3)، آیه 127 و سوره غافر(4)، آیه 26 پرده برمی دارد.

2-1-4-1-8- برچسب گمراهی به رهبر دینی

طبق فرموده قرآن مجید (اعراف/60)(5) برچسب گمراهی به رهبر دینی، به منظور خارج کردن آنان از صحنه، جزو شیوه های استکبار است.

2-1-4-1-9- نهمت ناتوانی و فریب کاری به رهبر

از جمله موضع گیری های سرسختانه جریان باطل بر ضد رهبران آسمانی این است که رهبری جبهه حق را ضعیف و ناتوان و از نظر فراهم نمودن نیروی انسانی، ناکارآمد و نسبت به قوانین مربوط به اداره جامعه ناآشنا معرفی می کردند (موسوی و دولتی، 1395).

ص: 170

1- فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ؛ پس تذکر ده، که به لطف پروردگارت تو کاهن و مجنون نیستی! (طور/29)

2- إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ؛ که این قرآن گفتار رسول بزرگواری است (حاقه/40)*وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ؛ و گفته شاعری نیست، اما کمتر ایمان می آورید (حاقه/41)

3- وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ؛ و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: آیا موسی و قومش را رها می کنی که در زمین فساد کنند (اعراف/127).

4- وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ؛ و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم و او پروردگارش را بخواند (تا نجاش دهد)! زیرا من می ترسم که آیین شما را دگرگون سازد و یا در این سرزمین فساد بر پا کند!» (غافر/26).

5- قَالِ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرُكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ اشراف قومش (قوم نوح ع) به او گفتند: «ما تو را در گمراهی آشکاری می بینیم!» (اعراف/60).

2-4-1-2- معرفی رهبر دینی به عنوان سرچشمه بدبختی ها و ناکامی ها

از نگاه آموزه های وحیانی (اعراف/131؛ نمل/47؛ یس/19-18) (2) دشمنان برای تضعیف رهبر الهی، وی را به عنوان سرچشمه بدبختی ها به مردم معرفی می کنند. این امر، در کلام الله مجید با واژه «تطیر» تعبیر شده است؛ یعنی شوم دانستن و فال بد زدن به چیزی (طباطبایی، 1374 ج 17، ص: 109).

3-4-1-2- تحقیر و تمسخر رهبر

خداوند متعال، در آیه 30 سوره یس، به خاطر به تمسخر گرفتن و وهن مقام رهبران الهی توسط جریان باطل، تأسف می خورد. آیات متعدد دیگر به موارد و مصادیق استهزاء می پردازد (هود/38؛ انبیا/36؛ حجر/11؛ زخرف/52؛ فرقان/41؛ زخرف/7) (3).

ص: 171

1- قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَنَّكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْ لَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِيزٌ؛ گفتند: «ای شعیب! بسیاری از آنچه را می گویی، ما نمی فهمیم! و ما تو را در میان خود، ضعیف می یابیم و اگر (بخاطر) قبیله کوچکت نبود، تو را سنگسار می کردیم و تو در برابر ما قدرتی نداری!» (هود/91). * و إِذْ يَقُولُ الْمُدَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا؛ و (نیز) به خاطر آوردید زمانی را که منافقان و بیمار دلان می گفتند: «خدا و پیامبرش جز وعده های دروغین به ما نداده اند!» (احزاب/12). *

2- إِنْ تَصْبِرْ بِهِمْ سَبْعِينَ نَجِيَّةً يُطَيِّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ إِلَّا إِنَّمَا طَرَّهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَا كِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ ولی موقعی که بدی (و بلا) به آنها می رسید، می گفتند: «از شومی موسی و کسان اوست!» آگاه باشید سرچشمه همه اینها، نزد خداست ولی بیشتر آنها نمی دانند! (اعراف/131). * قَالُوا أَطِیرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَرَّكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ؛ آنها گفتند: «ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتیم!» (صالح) گفت: فال (نیک و) بد شما نزد خداست (و همه مقدرات به قدرت او تعیین می گردد) بلکه شما گروهی هستید فریب خورده! (نمل/47). * قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ آنان گفتند: ما شما را به فال بد گرفته ایم (و وجود شما را شوم می دانیم) و اگر (از این سخنان) دست برندارید شما را سنگسار خواهیم کرد و شکنجه دردناکی از ما به شما خواهد رسید! (یس/18). * قَالُوا طَرَّكُمْ مَعَكُمْ أَنْ دُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ؛ (رسولان) گفتند: «شومی شما از خودتان است اگر درست بیندیشید، بلکه شما گروهی اسرافکارید!» (یس/19)

3- يٰۤاَحْسَرَةٌ عَلٰى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ اِلَّا كَانُوْا بِهِ يَسْتَهْزِءُوْنَ؛ افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را استهزا می کردند! (یس/30). * وَيَصْنَعُ الْفُلَّكَ وَكَلَّمَآ مَّرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ؛ او مشغول ساختن کشتی بود و هر زمان گروهی از اشراف قومش بر او می گذشتند، او را مسخره می کردند (هود/36). * وَإِذَا رَأٰكَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اِنْ يَتَّخِذُوْكَ اِلَّا هُزُوًا هٰذَا الَّذِي يَذْكُرُ اِلٰهِيَّتَكُمْ وَهُمْ يَذِڪُرُ الرَّحْمٰنِ هُمْ كٰفِرُوْنَ؛ هنگامی که کافران تو را می بینند، کاری جز استهزا کردن تو ندارند (و می گویند) آیا این همان کسی است که سخن از خدایان شما می گوید؟! در حالی که خودشان ذکر خداوند رحمان را انکار می کنند (انبیاء/36). * وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ اِلَّا كَانُوْا بِهِ يَسْتَهْزِءُوْنَ؛ هیچ پیامبری به سراغ آنها نمی آمد مگر اینکه او را مسخره می کردند (حجر/11). * اَمْ اَنَا خَيْرٌ مِّنْ هٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِيْنُ؛ مگر نه این است که من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی تواند فصیح سخن بگوید برترم (زخرف/52). * وَإِذَا رَاَوْكَ اِنْ يَتَّخِذُوْكَ اِلَّا هُزُوًا هٰذَا الَّذِي بَعَثَ اللّٰهُ رَسُوْلًا؛ و هنگامی که تو را می بینند، تنها به باد استهزایت

می گیرند - و می گویند - آیا این همان کسی است که خدا او را بعنوان پیامبر برانگیخته است؟ (فرقان/41). * وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ؛ ولی هیچ پیامبری به سوی آنها نمی آمد مگر اینکه او را استهزا می کردند (زخرف/7).

هرگاه دشمن با شیوه‌های فوق، به هدف شوم خود نرسید؛ به تهدید روی می‌آورد نظیر تهدید به قتل، تبعید و... قرآن کریم (اعراف/88؛ ابراهیم/13؛ شعراء/29 و 116؛ قصص/20) (1) این ماجرا را بیان می‌کند.

5-4-1-2- انکار و ایجاد تردید نسبت به حقانیت رهبری

معاندان، منکر انبیاء الهی بوده و با شیوه‌هایی، در حقانیت او، تردید ایجاد می‌نمودند (اعراف/75؛ رعد/43؛ فرقان/7 و 8؛ تغابن/6...) (2)

ص: 172

1- قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ؛ اشراف زورمند و متکبر از قوم او گفتند: «ای شعیب! به یقین، تو و کسانی را که به تو ایمان آورده اند، از شهر و دیار خود بیرون خواهیم کرد، یا به آیین ما بازگردید!» گفت: «آیا (می‌خواهید ما را بازگردانید) اگر چه مایل نباشیم (اعراف/88). * وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا؛ (ولی) کافران به پیامبران خود گفتند: «ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه به آیین ما بازگردید (ابراهیم/13). * قَالَ لَنْ اتَّخَذَ إِلَّا هَا غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ؛ (فرعون خشمگین شد و) گفت: اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان قرار خواهم داد (شعراء/29). * قَالُوا لَنْ لَمْ تَنْتَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ؛ گفتند: ای نوح! اگر (از حرفهایت) دست برداری، سنگباران خواهی شد!» (شعراء/116). * قَالُوا لَنْ لَمْ تَنْتَ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ؛ گفتند: ای لوط! اگر (از این سخنان) دست برداری، به یقین از اخراج شدگان خواهی بود!» (شعراء/167). *

2- قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضِعُوا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ؛ سران قوم او که استکبار می‌ورزیدند، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: آیا می‌دانید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟ گفتند: بی تردید، ما به آنچه وی بدان رسالت یافته است مؤمنیم (اعراف/75). * وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا؛ آنها که کافر شدند می‌گویند: تو پیامبر نیستی (رعد/43). * وَقَالُوا مَا لِهَٰذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا؛ گفتند: چرا این پیامبر غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟! (نه سنت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!) چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده که همراه وی مردم را انذار کند (و گواه صدق دعوی او باشد) (فرقان/7). * أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسَّ حُورًا؛ یا گنجی (از آسمان) برای او فرستاده شود، یا باغی داشته باشد که از (میوه) آن بخورد (و امرار معاش کند)؟ و ستمگران گفتند: شما تنها از مردی مجنون پیروی می‌کنید! (فرقان/8). * ذَٰلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ؛ این بخاطر آن است که رسولان آنها (پیوسته) با دلایل روشن به سراغشان می‌آمدند، ولی آنها (از روی کبر و غرور) گفتند: آیا بشرهایی (مثل ما) می‌خواهند ما را هدایت کنند؟! از این رو کافر شدند و روی برگرداندند و خداوند (از ایمان و طاعتشان) بی‌نیاز بود و خدا غنی و شایسته ستایش است! (تغابن/6).

طبق، آیات قرآن (صف/5؛ اعراف/129؛ انعام/34؛ ابراهیم/12؛ احزاب/69)(1)، پیامبران الهی و یارانشان پیوسته مورد آزار و اذیت کفار و مشرکان قرار می گرفتند(2) به عنوان نمونه،

مسلمانان بعد از هجرت از دو ناحیه مورد اذیت و آزار بودند؛ از یک طرف مشرکان به خانه و اموال آن ها در مکه هجوم برده، بستگان آنان را با زبان و رفتار ناشایست خود می آزرده و از سوی دیگر در مدینه از بدگویی و زخم زبان یهودیان در امان نبودند (حاجی صادقی 1390 ص 56). آیه 58 سوره احزاب(3)، تصریح می کند که مؤمنین، از سوی دشمن، اذیت می دیدند.

ص: 173

1- وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُّونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ؛ (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: ای قوم من! چرا مرا آزار می دهید با اینکه می دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم (صف/5). * قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوُّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ؛ گفتند: «پیش از آنکه به سوی ما بیایی آزار دیدیم، (هم اکنون) پس از آمدنت نیز آزار می بینیم! (کی این آزارها سر خواهد آمد؟)» گفت: امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین (آنها) سازد و بنگرد چگونه عمل می کنید! (اعراف/129). * وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبِرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرٌ؛ پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند و در برابر تکذیبها، صبر و استقامت کردند و (در این راه) آزار دیدند، (انعام/34). * لَنْصَبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (ابراهیم/12). * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِندَ اللَّهِ وَجِيهاً؛ ای کسانی که ایمان آورده اید همانند مردمانی نباشید که موسی را آزار دادند و خداوند او را از آن تهمت مبرا ساخت و او پیش خدا پیامبری مقرب و گرانقدر بود (احزاب/69). *

2- مصادیق اذیت نسبت به پیامبران الهی و یارانشان بسیار گسترده بوده خود موضوع یک کتاب و مقاله است، در این بخش، فقط به چند مثال، برای تفهیم مطلب، بسنده نمودیم.

3- وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا؛ و آنان که مردان و زنان باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده اند آزار می دهند بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده اند (احزاب/58).

شخص رسول اکرم صل الله علیه و اله از آغاز رسالت تا فرجام، توسط دشمن آزار می شدند. آیات متعدد قرآن (سوره توبه، آیه 61؛ احزاب، 48 و 57...) (1) بر این آزار و اذیت اشاره می کند.

یکی از عوامل خطر ساز برای مسلمین در آن زمان، قبایل مختلف یهود مدینه بودند که دست به فتنه انگیزی زدند و شعارهای توهین آمیزی علیه پیامبر صل الله علیه و اله می دادند (جعفریان، 1392 ج 1 ص 453).

7-4-1-2- نقشه قتل پیامبران

اشاره

قرآن کریم، نقشه قتل پیامبران الهی از جمله حضرت صالح علیه السلام و خانواده اش را در آیه 49 سوره نمل (2) و نقشه قتل حضرت محمد صل الله علیه و اله را آیه 30 سوره انفال (3)، تشریح می کند.

2-1-4-1-3- قتل رهبران الهی

مهم ترین و بسا، اولین و آخرین برنامه دشمن، برای مقابله با دین حق، کشتن (شهید نمودن) انبیای الهی است. در کلام و حیانی (نساء/155؛ آل عمران/181 و 112 و 21؛ بقره/61 و 87؛ مائده/70) (4) به این مقوله پرداخته شده است.

ص: 174

1- وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ از آنها (منافقان) کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: او آدم خوش باوری است! بگو: خوش باور بودن او به نفع شماست! (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد و (تنها) مؤمنان را تصدیق می کند و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده اند! و آنها که رسول خدا را آزار می دهند، عذاب دردناکی دارند (توبه/61). * إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا؛ آنها که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته و برای آنها عذاب خوارکننده ای آماده کرده است (احزاب/57). * وَ لَا تَطْعَمُ الْكُفْرَيْنِ وَ الْمُتَّقِينَ وَ دَعَا أَذْنَهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا؛ و از کافران و منافقان اطاعت مکن و به آزارهای آنها اعتنا ننما و بر خدا توکل کن و همین بس که خدا حامی و مدافع (تو) است (احزاب/48). *

2- قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَ أَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَ إِنَّا لَصَّادِقُونَ؛ آنها گفتند: بیایید قسم یاد کنید به خدا که بر او [صالح] و خانواده اش شیخون می زنیم (و آنها را به قتل می رسانیم) سپس به ولی دم او می گوییم: ما هرگز از هلاکت خانواده او خبر نداشتیم و در این گفتار خود صادق هستیم (نمل/49).

3- وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می کشیدند که تو را به زندان بيفکنند، یا به قتل برسانند و یا (از مکه) خارج سازند (انفال/30).

4- وَ قَتَلَهُمُ الْأَنْبِيَاءُ بَغَيْرِ حَقٍّ؛ بناحق کشتن آنان پیامبران را (نساء/155) * وَ قَتَلَهُمُ الْأَنْبِيَاءُ بَغَيْرِ حَقٍّ؛ بناحق کشتن آنان پیامبران را (آل

عمران/181). وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيْنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ؛ و پیامبران را بناحق می کشتند (بقره/61)* أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهَوَّىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ
فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ؛ پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد، کبر ورزیدید؟ گروهی را دروغگو
خواندید و گروهی را کشتید (بقره/87)* إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيْنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ
فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ کسانی که به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را بناحق می کشتند و دادگستران را به قتل می رسانند، آنان را از عذابی
دردناک خبر ده. (آل عمران/21)* وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ؛ و پیامبران را بناحق می کشتند (آل عمران/112)*. فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا
يَقْتُلُونَ؛ گروهی را تکذیب می کردند و گروهی را می کشتند (مائده/70).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مستکبرین و دشمنان نظام اسلامی، برای تضعیف رهبری (ولایت فقیه) و حذف آن، از هیچ تلاشی دریغ نکرده اند! مشابه توطئه های فوق را علیه جایگاه حقوقی رهبری یعنی ولایت فقیه (1)، هم چنین مصداق آن یعنی شخص رهبر (2) انجام داده و می دهند. ولی به لطف خدا تاکنون ناکام مانده اند.

5-1-2. مکر و نیرنگ

اشاره

مکر یعنی با حيله و نیرنگ کسی را از مقصدش دور کنند و برگردانند (راغب، 1369 ص 238). معادل آن در زبان فارسی، فریب، نیرگ و... است. کلمه «مکر» به معنای این است که شخصی دیگری را غافل گیر کرده و به او آسیبی برساند (طباطبایی، 1374، ج 8، ص: 256). مکر (3)، در اصطلاح علم اخلاق به معنای جستن راه های پنهان برای اذیت رساندن به مردمان است (جامع السعادات، ص 246، به نقل از رضایی، 1398).

ص: 175

- 1- طرح و پاسخ به شبهات علیه ولایت فقیه، از حوصله این کتاب بیرون است. علاقمندان به منابع مربوطه مراجعه نمایند. از قبیل 1- «ولایت فقیه کانون عزت و اقتدار - جلد پنجم: سوالات و شبهات رایج» تحقیق و تنظیم: سازمان بسیج مستضعفین، ناشر: موسسه فرهنگی فخر الائمه علیهم السلام. 2- «ولایت فقیه - جلد چهارم: شبهات رایج» مولف: محمود زارعی ناشر کتاب: شهید کاظمی.
- 2- شخص و مصداق رهبر و ولی فقیه در جمهوری اسلامی ایران، از سال 1357 تا 1368 هجری شمسی، حضرت آیت الله العظمی سید روح الله خمینی، معروف به «امام خمینی» و «حضرت امام» بودند. و بعد از رحلت ایشان (خرداد 1368) حضرت آیت الله العظمی سید علی حسینی خامنه ای این مسؤولیت را به عهده گرفتند.
- 3- در آیاتی از قرآن، مکر، به خدا نسبت داده شده که منظور عذاب و جزای او بر مکر بندگان است؛ یعنی مکر خداوند برخلاف مکر بشر شامل حيله و نیرنگ نیست بلکه منشأ مکر خداوند تدبیر و مالکیت او بر بندگان است و...

قرآن کریم (انفال/30)(1)، به سه مورد از مصداق های مکر و نقشه دشمن اشاره می کند. از دیگر کارهای دشمنان منافق، تشکیل جلسات مخفیانه (شبانه) برای کارشکنی در امور مسلمین است. خداوند متعال، از طریق وحی (نساء/81 و 108)(2) حضرت رسول اکرم صل الله علیه و اله را آگاه ساخت.

نمونه ای از سیاست های معاویه برای فریب افکار عمومی

معاویه برای اینکه بتواند با امام علی علیه السلام مقابله کند موافقت و همراهی مردم شام را نیاز داشت. وی برای اینکه آن ها را با خود همراه کند به حيله های مختلفی دست زد. حيله هایی که نمونه آن را در تبلیغات رسانه ای امروزه غرب و به ویژه آمریکا می توان دید. بررسی این رفتارها نشان می دهد که همواره افکار عمومی برای سیاستمداران از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است و سیاست های رسانه ای آنان در جهت کنترل و همراه نمودن افکار عمومی با سیاست های خودشان است.

معاویه سعی داشت به مردم شام القا کند که قاتل عثمان، امام علی علیه السلام است تا از این طریق آنان را برای جنگ با امام تحریک کند. از جمله اقداماتی که وی در این باره انجام داد از این قرارند:

ص: 176

- 1- وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می کشیدند که تو را به زندان بيفکنند، یا به قتل برسانند و یا (از مکه) خارج سازند آنها چاره می اندیشیدند (و نقشه می کشیدند) و خداوند هم تدبیر می کرد و خدا بهترین چاره جویان و تدبیرکنندگان است! (انفال/30).
- 2- وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا؛ آنها در حضور تو می گویند: فرمانبرداریم. اما هنگامی که از نزد تو بیرون می روند، جمعی از آنان بر خلاف گفته های تو، جلسات سری شبانه تشکیل می دهند آنچه را در این جلسات می گویند، خداوند می نویسد. اعتنایی به آنها نکن! (و از نقشه های آنان وحشت نداشته باش!) و بر خدا توکل کن! کافی است که او یار و مدافع تو باشد. (نساء/81). * يَسَّ تَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسَّ تَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا؛ آنها زشتکاری خود را از مردم پنهان می دارند اما از خدا پنهان نمی دارند و هنگامی که در مجالس شبانه، سخنانی که خدا راضی نبود می گفتند، خدا با آنها بود، خدا به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد (نساء/108).

1- وی نامه ای به قیس بن سعد، فرمانده بزرگ لشکر امام نوشت و وعده حکومت کوفه و بصره را به وی داد همچنین وعده حکومت حجاز را به هرکدام از خویشان قیس که وی بخواهد. گرچه قیس به شدت پیشنهاد معاویه را رد کرد ولی معاویه وانمود کرد که قیس با معاویه بیعت کرده و دستور داد برای قیس دعا کنند. همچنین نامه ای از طرف قیس جعل کرد که متن نامه بدین شرح است:

اما بعد... کشتن عثمان حادثه بزرگی در اسلام بود و من به خودم و دینم دقت کردم، به خود ندیدم که کمک کنم به قومی که امامشان را کشتند در حالی که او شخص مسلمان، محترم و پاکی بود. طلب آمرزش از خدا می کنیم برای گناهانمان. بدانید که من با شما طرح صلح را پیش گرفتم و دوست دارم جنگیدن با قاتلان امام هدایت شده مظلوم را، پس از من آنچه از اموال و مردان دوست داری بخواه که به سرعت برای تو بفرستم اهل شام که خیال می کردند قیس واقعاً چنین نامه ای نوشته، مجاب شدند که با معاویه همراه شده و به خونخواهی عثمان پردازند. (گلی زواره قمشه ای، 1380 ص 56). انتشار این نامه جعلی باعث شد که امام علی (علیه السلام) با فشار اطرافیانش! برخلاف میل باطنی اش، قیس را از استانداری مصر، برکنار کند (ابن ابی الحدید، ج 6، ص 62).

2- وقتی امام (علیه السلام) «جریر بجلی» را به نزد معاویه فرستاد و او را به بیعت دعوت کرد (شریف الرضی، 1414، نامه 8)، معاویه دستور داد «شرحبیل الکندی» که معروف ترین شخصیت ها در شام بود را احضار کنند. معاویه به یک گروه از یاران خود دستور داد که تک تک آن ها به شرحبیل تفهیم کنند که علی آن کسی است که عثمان بن عفان را کشته است. شرحبیل بر معاویه وارد شد. معاویه او را از ورود بجلی از جانب امام برای اخذ بیعت از معاویه باخبر کرد و چنین وانمود کرد که وی برای پاسخ به فرستاده امام، منتظر نظر شرحبیل است؛ و ادعا کرد که امام (علیه السلام) عثمان را کشته است. شرحبیل از او مهلت خواست تا در مورد کشته شدن عثمان به دست امام علی (علیه السلام) تحقیق کند. شرحبیل وقتی از آنجا خارج شد به همان گروهی برخورد که معاویه قبلاً از آن ها خواسته بود کشته شدن عثمان

را به گردن امام بیندازند. وقتی شرحبیل از آن ها جریان را جویا شد، تک تک آن ها به او گفتند که علی عثمان را کشته است. دیگر شکی برای شرحبیل باقی نماند که آن ها راست گو هستند و به سوی معاویه برگشت در حالی که داد می زد:

ای معاویه، مردم کجایند؟ چرا علی عثمان را کشته است؟! به خدا اگر بیعت کنی تو را از شاممان بیرون می کنیم یا تو را می کشیم...

معاویه هم که منتظر چنین سخنانی بود و با همین هدف برای شرحبیل نقشه کشیده بود جواب داد:

من با شما مخالفت نمی کنم، من نیستم مگر مردی از اهل شام (الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ج 10 ص 409 - 421) ⁽¹⁾

ص: 178

1- به نقل از اولین دایرةالمعارف دیجیتال از کتاب شریف «الغدیر» علامه امینی (ره)، به نشانی <http://ekmal.ir>، تاریخ دست رسی 1398/3/04 و سایت حوزه <https://hawzah.net/fa/goharenab/View>، طی مقاله ای با عنوان «گوشه ای سیاست های معاویه برای فریب افکار عمومی».

جنگ نرم در حوزه مسائل اجتماعی موارد و مصادیق زیادی را در برمی گیرد. در این بخش به چند مورد مهم و مبتلابه پرداخته ایم نظیر وارونه جلوه کردن امور، شایعه پراکنی، القای خوف و وحشت در دل مردم، فرار از مسئولیت، مانع تراشی، دروغ پراکنی، تحریک عواطف مصلحان الهی، نفوذ در لایه های جامعه اسلامی، نفوذ به عامه مردم، تلاش برای نفوذ به ارکان نظام، نفاق و نیرنگ، گسترش انواع فساد و غیره.

2-2- گستره جنگ نرم در بعد اجتماعی

1-2-2- بردگی و بندگی انسان ها

قرآن کریم (مؤمنون/ 47)(1)، شیوه حکومتی مستکبران (از جمله فرعون) را «تعبید» (به بنده گرفتن) می داند. در این آیه فرعون و مستکبران قومش می گفتند که بنی اسرائیل، بندگان (بردگان) مايند. در آیه 29 سوره شعراء(2)، فرعون، حضرت موسی (علیه السلام) را تهدید

ص: 180

-
- 1- فَقَالُوا أَتُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ؛ آنها گفتند: آیا ما به دو انسان همانند خودمان ایمان بیاوریم، در حالی که قوم آنها بردگان ما هستند (مؤمنون/ 47).
 - 2- قَالِ لئنِ اتَّخَذْتَ آلِهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ؛ (فرعون خشمگین شد و) گفت: اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان قرار خواهم داد! (شعراء/ 29).

می کند که اگر بار دیگر از ربوبیت رب العالمین و رسالت خودش از طرف او سخن به میان آورد، او را به زندان خواهد انداخت و این، روش همه جاهلان است، که وقتی حرف حسابی نداشته باشند، متوسل به زور شده، تهدید می کنند و وعید می دهند (طباطبایی، 1374، ج 15، ص: 381).

از روش های مهم مستکبران برای به استضعاف کشیدن توده های مردم، از یک سو القا می کنند که آنان بدون تکیه بر ثروتمندان و صاحبان قدرت، قادر به ادامه حیات نیستند. به عنوان نمونه:

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری وقت آمریکا در جمع حامیان در شهر ساوت هیون در ایالت میسیسیپی تأکید کرد: ما از عربستان سعودی محافظت می کنیم. شاید شما بگویید که آن ها ثروتمندند و من عاشق پادشاه، ملک سلمان هستم؛ اما گفتم: پادشاه! ما از شما حفاظت می کنیم. شما بدون ما دو هفته هم دوام نخواهید آورد. باید هزینه های ارتش خودتان را بپردازید (خبرگزاری ایسنا، 11 مهر 1397) (1).

از سوی دیگر، شرایط نامساعدی به وجود می آورند که توده های مستضعف، برای ادامه حیات (خوراک، پوشاک...) به بردگی استکبار تن دهند. نمونه بارز آن، آوارگان فلسطین است (2) (گروه اجتماعی، 1379).

2-2-2- وارونه جلوه دادن امور (آدرس غلط دادن)

اشاره

به استناد، آیه 48 سوره توبه (3)، یکی از برنامه های دشمن (منافقان)، وارونه جلوه دادن امور (آدرس غلط دادن) است.

ص: 181

1- <https://www.isna.ir/news/97071106261>

2- خوشبختانه، اخیراً گروه های مقاومت فلسطین، مسلح به موشک شده طی 13 و 14 اردیبهشت 1398 شمسی، در پاسخ به تجاوز رژیم صهیونیستی به نوار غزه ضمن شلیک 600 موشک طی دو روز به سرزمین های اشغالی تأکید کردند این تازه شروع نبرد است (روزنامه کیهان، مورخه 15/2/1398، <http://kayhan.ir/fa/news/159587>).

3- قَلِّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ؛ کارها را بر تو دگرگون ساختند (و به هم ریختند) تا آن که حق فرا رسید و فرمان خدا آشکار گشت (و پیروز شدید) (سوره توبه، آیه 48).

آری، همین منافقین بودند که همواره امور را برای تو دگرگونه ساخته، نعل را وارونه می زدند (طباطبایی، 1374 ج 9، ص: 390).

یک نمونه عینی

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، طبق اصل 150 قانون اساسی و ماده های یکم و دهم اساس نامه این نهاد (با تأیید مجلس) در نگرهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمانه ای الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا، در توسعه کشور مشارکت نموده در حوادث طبیعی حضور فعال و چشمگیر دارد.

در حوزه سازندگی، پروژه های بزرگ عمرانی را طی قرارداد با دولت ها مدیریت می کند. نمونه بارز آن افتخار آفرینی سپاه در میدان گازی پارس جنوبی و پالایشگاه ستاره خلیج فارس است (1)، این در حالی است که شرکت های خارجی مانند توتال فرانسه و غیره (2) به بهانه تحریم و خروج آمریکا از برجام و... از همکاری با ایران خودداری کرده از ایران رفتند! و...

در مقابل این همه خدمات نهاد انقلابی سپاه پاسداران، عده ای منافق، سپاه را دولتی در سایه خوانده، کوتاهی های برخی مسئولین غرب گرا را به گردن سپاه می اندازند! گروهی نادان و ناآشنا به مسائل (سیاسی، اقتصادی، بین المللی و...) نیز با کمال تأسف، با آنان همراهی می کنند!

ص: 182

1- [1] <http://kayhan.ir/fa/news/154821> - کیهان. 28 بهمن 1397.

2- <https://www.mashreghnews.ir/news/857251> - مشرق نیوز. 30 اردیبهشت 1397

* شایعه پراکنی (1)

شایعه، هر گزارش تأیید نشده یا شرح حادثه ای است که بدون توجه به درستی یا نادرستی آن پخش می شود (معارف و همکاران، 1395 ص 3).

امروزه، یکی از روش های مهم جنگ نرم و عملیات روانی، پخش «شایعات» در جامعه است. تا از این طریق، به اهداف خود دست یابند. شایعه، به مثابه یکی از ابزارهای پنهان تبلیغ، آسیب هایی جبران ناپذیر بر پیکره نیروهای درگیر در صحنه نبرد بر جای می گذارد. شایعه از جمله آسیب هایی است که تأثیرات آن در بعد نظامی و امنیتی مخرب تر از حوزه های دیگر است. باید گفت در محیط ها و موقعیت های بحرانی و آسیب زا (تروماتیک)، مانند جنگ، افراد شدیداً به دلیل مسائلی چون امید به پیروزی، ترس از شکست، تهدیدات جانی و مالی، جدایی از افراد مورد علاقه و... دچار اضطراب و ناامنی روانی هستند. از این رو، به دلیل فقدان امنیت روانی، در مواجهه با اخبار و رویدادهای اطراف خود، واکنش های هیجانی سریع نشان می دهند و از اخبار تأثیر می پذیرند بر این اساس، زمانی که شایعاتی در میدان نبرد پخش می شود، نیروهایی که از هوشیاری و بصیرت کمتری بهره مند هستند در برابر این سلاح زهرآگین، پایداری و قدرت مقابله خود را از دست می دهند و اسیر جو شایعات می شوند. بررسی آیات قرآن حکایت از آن دارد که کفار و منافقان در جنگ های احد، بدر صغری، حمراء الاسد، احزاب و تبوک از حربه تولید و انتشار شایعات بهره برده اند (معارف و همکاران، 1395 ص 1-2).

بسترهای مؤثر در شکل گیری شایعه عبارت اند از اهمیت و ابهام، تأخیر در اطلاع رسانی، نداشتن ارزیابی صحیح، تحصیل اطمینان اهداف و انگیزه های شایعه سازان

ص: 183

1- نظر به نقش بالای شایعه در جنگ نرم، مخصوصاً میان عامه مردم، در این باره کمی بیشتر بحث کرده ایم.

شامل القای خوف و وحشت، تضعیف توان روحی مؤمنان، فریب افکار عمومی، ایجاد سستی در عزم و اراده نیروها، ایجاد اختلاف و تفرقه (معارف و همکاران، 1395).

لذا یکی از شیوه های دشمن، پخش شایعات است (آل عمران/173؛ نساء/83؛ احزاب/13 و...) (1). چند نمونه هایی از شایعات در قرآن کریم که دشمن در جنگ علیه مسلمین استفاده کرده بر روحیه و رفتار مسلمین تأثیر بد (2) گذاشته است؛ عبارت اند از:

1-2-3-2- شایعه شهادت نبی مکرم اسلام در جنگ احد

سپاه اسلام در روز احد بعد از گرم شدن تنور جنگ، ظن قوی پیدا کردند به اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کشته شده (آل عمران/144) (3) به همین جهت متفرق شده و پشت به قتال کردند و عده ای نیز از دین اسلام خارج شدند (طباطبایی، 1374 ج 4، ص: 57).

2-2-3-2- شایعه سازی کفار در غزوه حمراء الاسد

مسلمانان که در غزوه احد شکست خورده بودند، با مجروحان فراوانی به مدینه بازگشتند... لشکر دشمن پس از پیروزی در احد، در غرور خود غوطه ور شده و تصمیم حمله مجدد به شهر مدینه و یکسره کردن کار مسلمانان را داشت (ابن کثیر، بیتا ج 4، ص 48). یک روز پس بازگشت از احد، پیامبر صل الله علیه و اله دستور می دهد دشمن را تعقیب کنید و جز

ص: 184

1- الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ؛ اینها کسانی بودند که مردم (منافق)، به آنان (مومنین) گفتند: مردم [لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده اند از آنها بترسید (آل عمران/173). * وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ؛ و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می سازند (نساء/82). * يَأْهَلُ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا؛ ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست به خانه های خود بازگردید (احزاب/13).

2- در مواردی نیز، مسلمین هیچ توجهی به شایعات دشمن نداشته اند، مثل غزوة حمراء الاسد (آل عمران/173).

3- وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فقط فرستاده خداست و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی زند و خداوند بزودی شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد (آل عمران/144).

کسانی که دیروز در جنگ حضور داشتند کسی نباید با ما (از مدینه) خارج شود(1) (واقعی، 1409 ق، ج 1، ص 334؛ ابن سعد، 1418 ق، ج 2، ص 37-38). منافقین که از یاری اسلام مضایقه کردند به منظور اینکه مسلمانان را هم از رفتن به جنگ بازدارند و سست کنند، به ایشان گفتند: ناس یعنی مشرکین جمعیت بسیاری برای جنگ با شما جمع کرده اند، (طباطبایی، 1374 ج 4، ص: 100)؛ اما مسلمانان بر اثر این تبلیغات، نه فقط دچار وحشت نشدند بلکه، بر ایمانشان افزوده شد(2) (طبرسی، 1373، ج 2 ص 889).

پیامبر اکرم صل الله علیه و اله و یارانش پس از 5 روز، بدون درگیری و بدون هیچ گونه تلفات بلکه با سود فراوان، از حمراء الاسد به مدینه بازگشتند (واقعی، 1409 ق، ج 1، ص 334)(3)، چون دشمنان، به خاطر ترسشان، از جمله مجدد به مدینه منصرف شدند، این غزوه شکستی روانی و تبلیغی برای قریش و منافقان و یهود مدینه بود و روحیه مسلمانان را هم تقویت کرد. آیات 172 تا 175 سوره آل عمران در شان غزوه حمراء الاسد نازل شده است.

3-3-2-2- شایعه سازی کفار در غزوه بدر صغرا

غزوه «بدر صغرا» یک سال پس از جنگ احد در ماه ذی قعدة رخ داد، پس از جنگ احد ابو سفیان گفته بود: وعده ما و شما سال دیگر در بدر! چون موعد مزبور فرارسید ابوسفیان با مشکلات زیادی روبه رو شد و توانست در موعد مقرر در بدر حضور یابد اما

ص: 185

1- الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ کسانی که [در نبرد احد] پس از آنکه زخم برداشته بودند، دعوت خدا و پیامبر [او] را اجابت کردند، برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزگاری کردند پاداشی بزرگ است (آل عمران/172).

2- الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند پس از آن بترسید! و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است (آل عمران/173).

3- فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ؛ پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، [از میدان نبرد] بازگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود و هم چنان خشنودی خدا را پیروی کردند و خداوند دارای بخششی عظیم است (آل عمران/174).

لشکر اسلام تا روز هشتم ماه ذی قعدة، منتظر آمدن مشرکین مکه بودند. به خاطر حاضر نشدن مشرکین در وعده گاه، مسلمانان بدون درگیری منطقه را ترک کردند (واقعی، 1409 ق، ج 1، ص 384).

آیه 83 سوره نساء(1)، با داستان بدر صغرا تطبیق می کند (طباطبایی، 1374 ج 5، ص: 29) که هرگاه به منافقان یا بقولی مسلمانان ضعیف و زبون، خبری برسد که حاکی از یورش دشمن به مدینه باشد و ایجاد ترس کند یا حاکی از پیروزی مؤمنان بر دشمن باشد و ایجاد امنیتی کند؛ این خبر را در میان مردم منتشر می کنند، بدون اینکه به صحت آن یقین داشته باشند. خداوند از انتشار این گونه اخبار کراهت دارد، زیرا خواه ناخواه منتشرکنندگان آن از دروغ گویی مصون نخواهند بود و همچنین اخبار وحشت آور، مردم مؤمن را دچار ترس و نگرانی می سازد (طبرسی، 1360 ج 5، ص: 264)(2).

4-2-2-3-4- شایعه سازی منافقان در جنگ احزاب (خندق)

غزوه خندق یا غزوه احزاب از غزوات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که در سال پنجم هجری قمری رخ داد. این جنگ با توطئه قبیله بنی نضیر آغاز شد و قریش با تمام متحدان خود برای ریشه کن کردن اسلام هم داستان شدند. برای مقابله با مشرکان به پیشنهاد سلمان فارسی، مسلمانان در اطراف مدینه خندق حفر کردند (واقعی، 1409 ق، ج 2، ص 445). این جنگ با پیروزی مسلمانان به پایان رسید و مشرکان عقب نشینی کردند. در این جنگ حضرت علی عمرو بن عبدود را به هلاکت رساند (جعفریان، 1383 ص 167).

ص: 186

1- فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ؛ پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، [از میدان نبرد] بازگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود و هم چنان خشنودی خدا را پیروی کردند و خداوند دارای بخششی عظیم است (آل عمران/174).

2- این آیه به نحوی به امور فنی و تخصصی نیز می پردازد؛ یعنی گزارش های خاص و طبقه بندی شده باید توسط اهل فن، در صورت صلاحدید، منتشر شود.

طبق آیه 12 و 13 سوره احزاب(1)، منافقان و مسلمین بیمار دل، به شایعه پراکنی و نشر اکاذیب پرداخته برای متفرق نمودن سپاه اسلام کوشیدند. به صراحت می گفتند «خدا و فرستاده اش جز فریب به ما وعده ای ندادند» (مکارم شیرازی، 1374، ج 17، ص: 226).

بسترهای مؤثر در شکل گیری شایعه عبارت اند از اهمیت و ابهام، تأخیر در اطلاع رسانی، نداشتن ارزیابی صحیح، تحصیل اطمینان (معارف و همکاران، 1395). اهداف و انگیزه های شایعه سازان شامل القای خوف و وحشت، تضعیف توان روحی مؤمنان، فریب افکار عمومی، ایجاد سستی در عزم و اراده نیروها، ایجاد اختلاف و تفرقه.

4-2-2- القای خوف و وحشت در دل مردم

از دیگر کارهای دشمن (منافقان) القای خوف و وحشت در دل مسلمین است. قرآن کریم (آل عمران/173-175)(2)، از این نقشه شوم، پرده برمی دارد.

در غزوه «حمراء الاسد»، عوامل تبلیغاتی دشمن و برخی از مردمان ساده اندیش و ترسو، به رزمندگان و مجاهدان اسلام، تلقین و نصیحت می کنند که دشمن قوی است و کسی نمی تواند حریف آنان بشود، پس بهتر است درگیر جنگ نشوید. اما مسلمانان واقعی، بدون هیچ ترس و هراسی، با آرامش خاطر و با توکل به خداوند، در پاسخ به آنان می گویند:

ص: 187

1- إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا؛ هنگامی که منافقان و کسانی که در دلهایشان بیماری است می گفتند: خدا و فرستاده اش جز فریب به ما وعده ای ندادند (احزاب/12) * وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُ يَٰأَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا؛ و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست به خانه های خود بازگردید! و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می خواستند و می گفتند: خانه های ما بی حفاظ است! در حالی که بی حفاظ نبود آنها فقط می خواستند (از جنگ) فرار کنند (احزاب/13)

2- الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند پس از آن بترسید! و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است (آل عمران/173). * إِنَّمَا ذَالِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ؛ این فقط شیطان (منافق) است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی اساس) می ترساند. از آنها (دشمن) بترسید! و تنها از من (خدا) بترسید اگر ایمان دارید! (آل عمران/175)

«خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست» (قرآنی، 1388، ج 1، ص: 654). آیه 175 آل عمران، تأکید می نماید که این شیطان است که دوستان خویش را (از قدرت کفار) می ترساند، پس اگر ایمان دارید از آنان نترسید و فقط از (مخالفت) من بترسید. در این غزوه، رزمندگان اسلام، بدون درگیری با دشمن، پیروز ماندند، با سود و نعمت فراوان برگشتند (آل عمران/174) (1).

5-2-2- مانع تراشی و بهانه گیری (فرار از مسولیت).

اشاره

دشمنان داخلی (منافقان) برای شانه خالی کردن از مسئولیت و عدم انجام وظایف، همیشه بهانه تراشی و مانع تراشی می کنند.

به عنوان نمونه به چند مورد از مانع تراشی منافقان در جریان جنگ تبوک (2) توجه کنید:

منافقان، از هر بهانه ای برای عدم حضور خود و دیگران در غزوه تبوک، استفاده می کردند، از جمله

الف- می ترسیم به گناه مبتلا شویم!

و مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْتِن لِيْ وَلَا تَقْتِنِيْ اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا؛ بعضی از آن ها می گویند: «به ما اجازه ده (تا در جهاد شرکت نکنیم) و ما را به گناه نیفکن!» آگاه باشید آن ها (هم اکنون) در گناه سقوط کرده اند (توبه/49).

ص: 188

1- فَاَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ؛ به همین جهت، آنها (از این میدان) با نعمت و فضل پروردگارشان، بازگشتند در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید و از رضای خدا، پیروی کردند و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است. (آل عمران/174).

2- غزوه تبوک آخرین غزوه رسول اکرم در رجب و شعبان سال نهم هجری در منطقه تبوک بود. در این غزوه پیامبر اسلام (ص) به قصد نبرد با رومیان به منطقه تبوک رهسپار شد؛ ولی برخی از اصحاب و به ویژه منافقان مدینه از حضور در سپاه سرباز زدند یا کوشیدند در دل مسلمانان هراس بیفکنند. سپاه اسلام پس از اقامت چند روزه در تبوک و بدون درگیری با رومیان به مدینه بازگشت (واقعی، 1409 ج 3، ص 1056).

يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ؛ می گفتند: «خانه های ما بی حفاظ است» و [لی خانه هایشان] بی حفاظ نبود (احزاب/13).

ج- توان مقابله با دشمن نیست!

يَا هَـٰؤُلَاءِ لِمَ يَتَرَبَّ لَآ مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا...؛ ای مردم مدینه، دیگر شمارا جای درنگ نیست، برگردید (احزاب/13)؛ یعنی در مقابل لشکرهای مشرکین تاب نمی آورید و ناگزیر باید برگردید (طباطبایی، 1374 ج 16، ص: 430).

د- هوا گرم است

«قَالُوا لَا تَفِرُوا فِي الْحَرِّ...؛ در این گرما، (به سوی میدان جنگ) حرکت نکنید» (توبه/81).

6-2-2- دروغ گویی و دروغ پراکنی

کفار و منافقان، در مواجهه با مسلمانان، مخصوصاً شخص رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پیوسته، دروغ می گفتند و فریبکاری می نمودند. قرآن کریم (منافقون/1؛ احزاب/12؛ توبه/107؛ عنکبوت/12)(1) به صراحت، می فرماید «إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ همانا آنان دروغ می گویند».

ص: 189

1- إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ؛ هنگامی که منافقان نزد تو آیند می گویند: ما شهادت می دهیم که یقیناً تو رسول خدایی، خداوند می داند که تو رسول او هستی، ولی خداوند شهادت می دهد که منافقان دروغگو هستند (و به گفته خود ایمان ندارند) (منافقون/1)*. وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا؛ و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که منافقان و بیمار دلان می گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده های دروغین به ما نداده اند! (احزاب/12)*. وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَاجًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ (گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود آنها سوگند یاد می کنند که: «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته ایم!» اما خداوند گواهی می دهد که آنها دروغگو هستند! (توبه/107)*. وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ و کافران به مؤمنان گفتند: شما از راه ما پیروی کنید، (و اگر گناهی دارد) ما گناهانتان را بر عهده خواهیم گرفت! آنان هرگز چیزی از گناهان اینها را بر دوش نخواهند گرفت آنان به یقین دروغگو هستند (عنکبوت/12).

علی علیه السلام در دوران خلافت خود با چنین توطئه هایی روبه رو بود، آن گونه که سخنانش را در نمی یافتند و ناجوانمردانه، علی علیه السلام را به دروغ گویی متهم می نمودند تا هم نادانی خود را بیوشانند و هم از نفوذ کلام او بکاهند (آقا جانی قناد، 1380 ص 36). امام (علیه السلام) به شبهات و شایعات آنان پاسخ محکمی داده است (1).

7-2-2- تحریک عواطف مصلحان الهی

تحریک عواطف مصلحان الهی و تلاش برای نزدیک شدن به او، به دست آوردن دل ایشان به منظور اخلاص در فرایند دعوت انبیاء (مصلحان الهی)، از دیگر برنامه های دشمن بشمار می رود. طبق آیه 62 سوره هود (2)، این برنامه، علیه حضرت صالح (علیه السلام) اجرا شد. تا شاید بتوانند با تعریف اجمالی از ایشان، مانع تحقق احکام الهی شوند.

7-2-2- نفوذ در لایه های جامعه اسلامی

اشاره

یکی از برنامه های دشمن (منافقان)، تلاش برای نفوذ در لایه های مختلف جامعه اسلامی است.

ص: 190

1- لَقَدْ بَلَّغْنِي أَنْكُمْ تَقُولُونَ عَلَيَّ يَكْذِبُ. قَاتَلَكُمْ اللَّهُ فَعَلَيْ مَنْ أَكْذَبُ؟ أَعَلَى اللَّهِ؟ فَأَنَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِهِ! أَمْ عَلَى نَبِيِّ؟ فَأَنَا أَوَّلُ مَنْ صَدَّقَهُ! كَلَّا وَاللَّهِ وَلَكِنَّهَا لَهُجَّةٌ غِبْتُمْ عَنْهَا، وَلَمْ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهَا؛ به من خبر دادند که می گوید علی دروغ می گوید! خدا شما را بکشد، بر چه کسی دروغ روا داشته ام؟ آیا به خدا دروغ روا داشتم؟ در حالی که من نخستین کسی هستم که به خدا ایمان آوردم، یا بر پیامبرش؟ در حالی که من اول کسی بودم که او را تصدیق کردم! نه به خدا هرگز! آنچه گفتم واقعیتی است که شما از دانستن آن دورید و شایستگی درک آن را ندارید (شریف رضی، 1414، خطبه 71).

2- قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ؛ گفتند ای صالح! تو پیش از این مایه امید ما بودی. آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می پرستیدند نهی می کنی، در حالی که ما به آنچه به سوی آن دعوت مان می کنید در شک و تردید هستیم (هود/62).

قرآن کریم (توبه/47)(1)، با تعبیر «فِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ»(2)، یعنی در میان شما، افرادی (سست و ضعیف) هستند که به سخنان آن ها کاملاً گوش داده و تحت تأثیر قرار می گیرند؛ ضمن تأیید نفوذ آنان، به عامه مسلمین، در این باره هشدار می دهد.

خداوند به مسلمانان اخطار می کند که مراقب باشید! افراد ضعیف الایمانی در گوشه و کنار جمعیت شما وجود دارند که زود تحت تأثیر سخنان این گروه منافق قرار می گیرند. سماع، به معنی کسی است که حال پذیرش و شنوایی او زیاد است و بدون مطالعه و دقت هر سخنی را باور می کند؛ بنابراین وظیفه مسلمانان قوی الایمان آن است که مراقب این گروه ضعیف باشند مبدا طعمه منافقان گرگ صفت شوند. 0 یا این که در میان شما افرادی هستند که برای منافقان جاسوسی می کنند (مکارم شیرازی 1374، ج 7، ص: 435).

ب- تلاش برای نفوذ به ارکان نظام اسلامی

دشمن تلاش می کند که به سران و ارکان جامعه اسلامی، رهبری (پیامبر ص) نفوذ کرده او را تحت تأثیر قرار دهد. بر اساس آیه 9 سوره قلم(3)، کفار، از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درخواست می کنند در مواضعش، نرمش نشان دهند تا آن ها نیز-در تقابل با دین خدا-

ص: 191

1- لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ؛ اگر آنها همراه شما (بسوی میدان جهاد) خارج می شدند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی افزودند و بسرعت در بین شما به فتنه انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می پرداختند و در میان شما، افرادی (سست و ضعیف) هستند که به سخنان آنها کاملاً گوش فرامی دهند و خداوند، ظالمان را می شناسد. (توبه/47).

2- این احتمال نیز وجود دارد که «سماع» در این آیه شریف به معنی جاسوس بوده باشد یعنی در میان شما پاره ای از افراد هستند که برای گروه منافقان جاسوسی می کنند.

3- [3] وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فِيْدَهُنَّوْنَ؛ آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آنها نرمش نشان دهند (نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق). (قلم/9).

نرمش نشان دهند. ولی خداوند در آیه 8 سوره قلم(1)، آنان را دروغ گو معرفی کرده به پیامبرش امر می کند که از تکذیب کنندگان اطاعت مکن!

طبق آیه 4 سوره منافقون(2)، دشمن با ظاهر سازی و آراستگی ظاهری در سخن گفتن و ...، درصدد نفوذ به سران اسلام از جمله پیامبر صل الله علیه و اله بود. به گونه ای که حضرت از ظاهر جذاب آنان شگفت زده شده به سخنانشان گوش می داد که خداوند متعال در این باره توصیه های لازم را ارائه نمودند.

جایی که پیامبر صل الله علیه و اله ظاهراً تحت تأثیر جذابیت سخنان آن ها قرار گیرد تکلیف دیگران روشن است (مکارم شیرازی، 1374 ج 24، ص: 154).

در ظاهر، ضمائر مفرد (مخاطب) نشان می دهد که مخاطب آیه 4 سوره منافقون شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، چون آغاز سیاق نیز خطاب به خود حضرت است(3). ولی طبق نظر علامه طباطبایی (ترجمه المیزان، ج 19، ص: 473) و دیدگاه برخی مفسرین دیگر (طبرسی، 1377 ج 6 ص. 238)، علاوه بر شخص نبی مکرم صل الله علیه و اله ناظر به عموم مسلمین هم هست.

زمخشری در «الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ج 4، ص: 541» نقل می کند: «عبد الله بن ابی، سرکرده منافقان مردی درشت اندام، خوش قیافه و فصیح و چرب زبان بود، هنگامی که با گروهی از یارانش - که همانند او بودند - وارد مجلس رسول خدا صل الله علیه و اله می شد؛ حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و اصحاب از ظاهر آن ها تعجب می کردند و به سخنانشان گوش فرا می دادند ولی آن ها (به خاطر غرور و نخوتی که داشتند) کنار دیوار رفته و به آن

ص: 192

1- فَلَا تُطْعِ الْمُكَذِّبِينَ؛ از تکذیب کنندگان اطاعت مکن (قلم/8).

2- وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشِبُ مَسَدٍ نَدَّةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ؛ هنگامی که آنها را می بینی جسم و قیافه آنان تو را در شگفتی فرو می برد و اگر سخن بگویند به سخنانشان گوش فرا می دهی، اما گویی چو بهای خشکی هستند که بر دیوار تکیه داده شده، هر فریادی از هر جا بلند شود بر ضد خود می پندارند، آنها دشمنان واقعی تو هستند از آنان بر حذر باش، خداوند آنها را بکشد چگونه از حق منحرف می شوند؟ (منافقون/4).

3- گرچه خطاب ها به شخص حضرت نیز جنبه تعلیمی به عامه مسلمین دارد.

تکیه کرده و مجلس را تحت تأثیر قیافه و سخنان خود قرار می دادند و آیه ناظر به حال آن ها است».

5-2-2- نفاق و نیرنگ

دشمنان، برای متزلزل ساختن ایمان مسلمانان از هر وسیله ای استفاده می کردند، طبق آیه 72 سوره آل عمران (1) یکی از شیوه های منافقان، ایجاد شک و تردید بین مؤمنین است. ابتدا وانمود می کردند که مسلمان شده اند و پس از مدتی اعلام می کردند که از اسلام برگشته اند تا بدین طریق مسلمانان را به ارتداد جرئت داده قبح این کار را بشکنند، در این عمل منافقانه، دانشمندان نشان پیش قدم بودند (مکارم شیرازی، 1374 ج 2، ص: 615). خداوند متعال در آیه 14 و 76 سوره بقره (2) نیز، پرده از این عمل زشت یهود برداشته آنان را رسوا می کند. مکر و حيله و استفاده از آن در تبلیغات، از روش های مستکبران است. آنان برای خاموش کردن فریاد حق طلبانه انسان های الهی، از دروغ و تهمت استفاده می کنند تا شناخت حقیقت برای مردم سخت گردد (برهانیان، 1378). مستکبران، با انواع نیرنگ و نسبت دادن دروغ، تهمت و... به پیامبران الهی، در برابر دعوت آنان مقاومت کرده اند

ص: 193

1- وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَامِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَ أَكْفَرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: (بروید در ظاهر) به آنچه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز، کافر شوید (و باز گردید)! شاید آنها (از آیین خود) بازگردند! (زیرا شما را، اهل کتاب و آگاه از بشارات آسمانی پیشین می دانند و این توطئه کافی است که آنها را متزلزل سازد). (آل عمران/72).

2- وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنُوا بِمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَؤْنَ؛ و هنگامی که افراد باایمان را ملاقات می کنند و می گویند: «ما ایمان آورده ایم!» (ولی) هنگامی که با شیطانهای خود خلوت می کنند، می گویند: «ما با شما نیستیم! ما فقط (آنها را) مسخره می کنیم!» (بقره/14). * وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنُوا وَإِذَا خَلَا بِعَضُدُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِدَدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ و هنگامی که مؤمنان را ملاقات کنند، می گویند: «ایمان آورده ایم.» ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می کنند، (بعضی به بعضی دیگر اعتراض کرده) می گویند: «چرا مطالبی را که خداوند (در باره صفات پیامبر اسلام) برای شما بیان کرد، به مسلمانان بازگو می کنید تا (روز رستاخیز) در پیشگاه خدا، بر ضد شما به آن استدلال کنند؟! آیا نمی فهمید؟!» (بقره/76)

(غافر/26؛ ذاریات 52...)(1). حيله گری(2) و نیرنگ (نساء/142؛ رعد/42؛ نحل/26؛ صافات/98...)(3) از دیگر روش های کفار، منافقان و شیطان برای گمراه نمودن انسان های موحد و مؤمن است.

ترویج شعارهای صلح و دوستی و مطرح ساختن حقوق بشر، دموکراسی خواهی، مبارزه با تروریسم و مخالفت ظاهری با تولید و به کارگیری سلاح های شیمیایی و هسته ای و نیز جنگ تبلیغاتی و رسانه ای با برخی کشورهای آسیای دور، همه از برنامه دقیق برای انحراف افکار عمومی و فریب مسلمانان جهان از توجه به توطئه اصلی و دشمنی های استکبار حکایت دارد (شیدائیان، 1386 ص 77).

6-2-2- گسترش انواع فساد

اشاره

فساد در لغت، یعنی خارج شدن چیزی از حد اعتدال، چه کم و اندک و چه زیاد. نقطه مقابل آن، صلاح است (راغب اصفهانی، 1369 ج 3، ص: 56). فساد، با اخلال در نظم و اعتدالِ شی، به دست می آید، این اخلال یا در وجود خارجی، یا در نظم تکوینی، مانند قتل،

ص: 194

1- وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ؛ و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم و او پروردگارش را بخواند (تا نجاتش دهد)! زیرا من می ترسم که آیین شما را دگرگون سازد و یا در این سرزمین فساد بر پا کند!» (غافر/26). *كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجُنٌّ؛ این گونه است که هیچ پیامبری قبل از اینها بسوی قومی فرستاده نشد مگر اینکه گفتند: «او ساحر است یا دیوانه!» (ذاریات/52)

2- قرآن کریم، طی ماده های مکر، خدع، کید و نظایر آن، به توطئه های فریبکارانه دشمن پرداخته است.

3- إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُتَّالٍ يَرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا؛ منافقان می خواهند خدا را فریب دهند در حالی که او آنها را فریب می دهد و هنگامی که به نماز برمی خیزند، با کسالت برمی خیزند و در برابر مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی نمایند! (نساء/142). * وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ؛ پیش از آنان نیز کسانی طرحها و نقشه ها کشیدند ولی تمام طرحها و نقشه ها از آن خداست! او از کار هر کس آگاه است و بزودی کفار می دانند سرانجام (نیک و بد) در سرای دیگر از آن کیست! (رعد/42). * وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ؛ کسانی که قبل از ایشان بودند (نیز) از این توطئه ها داشتند ولی خداوند به سراغ شالوده (زندگی) آنها رفت و آن را از اساس ویران کرد و سقف از بالا بر سرشان فرو ریخت و عذاب (الهی) از آن جایی که نمی دانستند به سراغشان آمد! (نحل/26). * فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمْ الْأَسْفَلِينَ؛ آنها طرحی برای نابودی ابراهیم ریخته بودند، ولی ما آنان را پست و مغلوب ساختیم! (صافات/98).

یا در تشریعیات (آموزه های دینی) است (مصطفوی، 1368، ج 9، ص: 85). بر اساس چندین آیه قرآن کریم (بقره/12، 11، 27، مانده/33؛ فجر/12؛ و...)(1)، یکی از برنامه های معاندان حق، گسترش انواع فساد، در جامعه است تا بدان وسیله، بتوانند به اسلام و مسلمین، آسیبی برسانند.

به استناد نص کلام الهی (عنکبوت/28)(2) دشمنانِ خدای متعال، درصدد اشاعه فحشاء و گناهان جدید در بین مردم هستند.

فساد، دامنه گسترده و مصادیق فراوانی دارد. نظیر فساد اخلاقی، فساد اقتصادی، فساد اداری و...، به چند مورد، فهرست وار، می پردازیم:

1-2-2-6-2- فساد اخلاقی

اخلاق، بخشی از دین است که به فضایل و رذایل اعمال انسان می پردازد. اخلاق به صفات درونی انسان گفته می شود که در او به صورت عادت درآمده است. اخلاق به خلق های خوب و بد و اخلاق اجتماعی و فردی را تقسیم می شود.

ص: 195

1- الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، میشکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده و در روی زمین فساد میکنند اینها زیانکارانند. (بقره/27). * وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصَدِّقُونَ؛ و هنگامی که به آنان (منافقان) گفته شود: «در زمین فساد نکنید» می گویند: «ما فقط اصلاح کننده ایم!» (بقره/11). * أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ؛ آگاه باشید! اینها همان مفسدانند ولی نمی فهمند. (بقره/12). * إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند)، فقط این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، بعکس یکدیگر، بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست و در آخرت، مجازات عظیمی دارند. (مانده/33). * فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ؛ فساد فراوان در آنها به بار آوردند (فجر/12).

2- وَلَوْ طَا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَنَآتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ؛ و لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت: شما عمل بسیار زشتی انجام می دهید که هیچ يك از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است! (عنکبوت/28).

اخلاق به صفات درونی انسان گفته می شود که در درون نهاده شده است. این واژه، هم خوی های نیکو و پسندیده مانند جوان مردی و دلیری را شامل می شود و هم خوی های زشت و ناپسند همچون فرومایگی و بزدلی را (مصباح یزدی، محمدتقی، 1382 صص 13-14)، همچنین اخلاق فردی چون صبر و شجاعت و اخلاق اجتماعی مثل تواضع و ایثار را در بر می گیرد (مکارم شیرازی، 1385 خ. 1 ص. 76).

بنابراین، منظور از فساد اخلاقی، (1) یعنی عدم تحققِ بایدها و نبایدهای اخلاقی و دینی. چون هرگاه ارزش های اخلاقی - به عنوان بخش مهمی از آموزه های اسلامی و موتور محرک برای پابندی به سایر گزاره های دینی - تضعیف شود؛ باور و عمل به سایر فرایض اسلامی نیز، کم رنگ خواهد شد. با کم رنگ شدن فرمان ها الهی، جامعه، راه سقوط را در پیش خواهد گرفت.

2-2-6-2- فساد جنسی

فساد جنسی یکی از مصادیق فساد اخلاقی است که شامل زنا (2)، لواط (3)، سحاق (4) و سایر روابط عاطفی نامشروع و به طور کلی هر نوع لذتِ حرام از نامحرم را شامل می شود. قرآن کریم، علاوه بر لفظ «زنا» با اصطلاحاتی مانند «فحشاء» (5) و «فاحشه»، به این مقوله

ص: 196

-
- 1- درعرف امروزی، -به غلط- معنای متبادر از فساد اخلاقی، همان فساد جنسی - به عنوان یکی از مصادیق فساد اخلاقی - است.
 - 2- آمیزش زن و مرد نامحرم.
 - 3- همجنس بازی (آمیزش) دو مرد.
 - 4- همجنس بازی (آمیزش) دو زن.
 - 5- «فحشاء» و «فاحشه» در قرآن مجید غالباً در موارد انحرافات جنسی و آلودگیهای ناموسی به کار رفته، ولی از نظر مفهوم لغوی، به معنی هر گونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ اطلاق می شود، در قرآن مجید نیز گاهی در همین معنی وسیع استعمال شده باشد (مکارم شیرازی، 1347، ج 14، ص: 404).

پرداخته در آیه 19 سوره نور(1)، آیه 27 سوره نساء(2) و... تصریح می نماید که تلاش برای «گسترش فساد جنسی» از برنامه های مهم دشمن است.

امروزه، گسترش فساد جنسی، یکی از مهم ترین برنامه های استکبار در کشورهای اسلامی است. باکمال تأسف در خیلی جاها هم از این راه، به اهداف خود رسیده اند.

ماجرا سقوط «اندلس» یک نمونه آشکار در این مورد است؛ یعنی گسترش فساد جنسی، عیاشی، میگساری تجمل گرایی، علت اصلی سقوط دولت اسلامی اندلس است. به عنوان نمونه:

دختران زیبا و طناز اروپایی که در همه جا مأمور دل ربایی از جوانان مسلمان اندلسی بودند؛ با دقت هر چه بیشتر مأموریت خود را انجام داده، در نتیجه جوانان مسلمان تا نیمه های شب در گوشه های مهمان خانه هایی که میعادگاه دختران اروپایی بود، به سر می بردند. عیاشی، شهوت رانی و پرده دری مخصوصاً در طبقه مأموران، بالا-گرفت و زمینه را برای سقوط اندلس، با دسیسه مسیحیان، فراهم ساخت (شریعتی، 1357 ص 2؛ رائف، 1370).

از این جهت، دشمنان، در تلاش اند تا این تجربه را در ایران اسلامی نیز، اجرا نمایند(3)، آنان می کوشند تا با ترویج بد حجابی و بی حجابی، انتشار تصاویر و فیلم های مستهجن، عادی سازی روابط محرم و نامحرم و... فساد جنسی را در بین مسلمین رواج دهند. شبکه های ماهواره ای و شبکه های اجتماعی لجام گسیخته، از مهمترین ابزار های دشمن، در این زمینه است.

ص: 197

1- إِنَّ الَّذِينَ يَحْبُونُ أَنْ تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ، کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است و خداوند می داند و شما نمی دانید! (نور/19).

2- وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا؛ خدا می خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید)، اما آنها که پیرو شهواتند، می خواهند شما بکلی منحرف شوید (نساء/27).

3- مشاهدات عینی و خیابانی حاکی است که به دلیل غفلت مردم، متأسفانه، دشمن در این زمینه پیشروی هایی دارد!

فساد اداری به معنای استفاده غیر قانونی از اختیارات دولتی، برای نفع شخصی است (محمودی و همکاران، 1397 ص 67).

در یک دسته بندی کلی اشکال فساد اداری را به 10 مقوله زیر تقسیم بندی کرده اند 1- رشوه 2- اختلاس 3- تصرف غیر قانونی 4- تدلیس 5- اعمال نفوذ 6- پورسانت 7- کلاه برداری 8- اخاذی یا باج گیری 9- پارتی بازی 10- خویشاوند سالاری (محمودی و همکاران، 1397 ص 64).

فساد اداری، یکی از مهم ترین موانع توسعه و از علل افول دولت هاست. از این رو، بدخواهان بلاد اسلامی، درصدد گسترش این معضل در کشورهای مسلمان از جمله ایران، هستند.

قرآن کریم (بقره/205) (1) نابودی زیرساخت های توسعه از جمله کشاورزی و دامداری را از اقدامات دشمنان (منافقان)، به عنوان مصداق فساد اداری-اقتصادی، معرفی می نماید.

حضرت علی علیه السلام در خطبه 3 نهج البلاغه (2)، به اوج فساد اداری در زمان عثمان (خلیفه سوم) اشاره نموده تأکید دارند که همین فساد اداری- اخلاقی، عامل کشته شدن عثمان

ص: 198

- 1- إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ و- منافقان- چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش میکند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل (دام ها و چهار پایان اهلی) را نابود سازد و خداوند تباهکاری را دوست ندارد (بقره/205)
- 2- إِلَى أَنْ قَامَ ثَالِثُ الْقَوْمِ نَافِجًا حِصَّةً بَيْنَهُ بَيْنَ نَسِيلِهِ وَمُعْتَلِفِهِ وَقَامَ مَعَهُ بَنُو أَبِيهِ يَخْضَعُونَ مَالَ اللَّهِ - [خَضَمَ] خِصْمَةً الْإِبِلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ إِلَى أَنْ ائْتَكَّتْ عَلَيْهِ فَتْلُهُ وَأَجْهَزَ عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَكَبَتْ بِهِ بَطْنَتُهُ؛ تا آن که سومی به خلافت رسید، دو پهلوی از پر خوری باد کرده، همواره بین آشپزخانه و دستشویی سرگردان بود و خویشاوندان پدری او از بنی امیه به پا خاستند و همراه او بیت المال را خوردند و بر باد دادند، چون شتر گرسنه ای که بجان گیاه بهاری بیفتد، عثمان آنقدر اسراف کرد که ریسمان بافته او باز شد و اعمال او مردم را برانگیخت و شکم بارگی او نابودش ساخت.

شد. این حضرت، در رابطه با پیامدهای منفی فساد اداری (1) و ضرورت پرهیز از آن (2)، به سران حکومتی، سفارش اکید داشته اند.

4-2-6-2- فساد اقتصادی

اشاره

* فساد اقتصادی (3)

فساد اقتصادی (فساد مالی) نقض قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی است (رحیمیان، 1393 ص 105). در سنت شیعی «مکاسب محرّمه» (4) با توجه به جایگاه آن در نهادهای رسمی و غیررسمی، دقیق ترین و عمیق ترین معادل مفهومی برای فساد اقتصادی از منظر اسلام هست (خدیوی رفوگر، 1396 ص 47).

آیه 75 سوره شریفه آل عمران (5)، به اختلاف فاحشی که اهل کتاب در حفظ امانت ها و پیمانها داشتند اشاره می کند و می فهماند اهل کتاب در این باب در دو طرف تضاد و دو نقطه مقابل قرار دارند، بعضی حتی در يك دینار خیانت را روا نمی دارند و بعضی دیگر شتر را با بارش می بلعند (مفسد اقتصادی هستند) (طباطبایی، 1374، ج 3، ص: 413).

ص: 199

1- مَنْ جَارَ فِي سُلْطَانِهِ وَ أَكْثَرَ عُدْوَانَهُ هَدَمَ اللَّهُ بُنْيَانَهُ وَ هَذَا أَرْكَانُهُ؛ هر که ستم کند در سلطنت خود و بسیار کند ظلم خود را، خراب کند خدا بنیان او را و ویران کند ارکان او را (تمیمی آمدی، 1366 ص 347).

2- وَ إِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَّيْنٌ بَلَّغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِيءِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لِأَشَدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ ثَقِيلَ الظَّهْرِ صَغِيرَ النَّيْلِ الْآ مَر؛ همانا من، برآستی به خدا سوگند می خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال، در مانده و خوار و سرگردان شوی (شریف الرضی، 1414، نامه 20). (نامه امام به به زیاد بن ابیه، جانشین فرماندار بصره).

3- دربخش پنجم (گستره جنگ نرم در حوزه مسایل اقتصادی)، خصوص فساد اقتصادی، کمی بیشتر بحث شده است.

4- مکاسب مُحَرَّمه به تجارت هایی گفته می شود که دین آنها را حرام اعلام کرده است. در فقه از تجارت های حرام با عنوان مکاسب مُحَرَّمه یاد می شود. همچنین عنوان مکاسب مُحَرَّمه برای برخی از کتاب های فقهی که به این موضوع پرداخته اند، به کار رفته است.

5- وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيَّانِ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز می گردانند و کسانی هستند که اگر يك دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی گردانند مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلط) باشی! این بخاطر آن است که می گویند: «ما در برابر اُمّیین [غیر یهود]، مسئول نیستیم.» و بر خدا دروغ می بندند در حالی که می دانند (این سخن دروغ است). (آل عمران/75).

فساد اداری و فساد اقتصادی، گرچه در برخی مقوله ها نظیر رشوه، اختلاس و غیره، مشترک اند؛ ولی هرکدام حوزه اختصاصی خود را دارد.

7-2-2-2- تحقیر نوده های مستضعف

مستکبران، معتقدند جامعه انسانی به دو گروه اقویا و ضعیفا تقسیم می شود. اقویا، صاحبان قدرت و ثروت اند، که همه باید برای آنان کار کنند و آنان اند که شایسته سروری و حکومت اند. ضعیفا انسان های منحط یا حیوانات انسان نما هستند که فلسفه وجودی شان خدمت به اشراف است (طباطبایی، 1374، ج 10، ص 214، به نقل از فرقانی، 1373 ص 18). قرآن کریم، در سوره هود، آیه 31،⁽¹⁾ این تفکر را نفی کرده به مستکبران پاسخ می دهد.

استکبار، در طول تاریخ، ضعیف را پایمال کرده است. فریدریش ویلهلم نیچه فیلسوف، شاعر، منتقد فرهنگی آلمان در قرن 18 میلادی، صراحت حمایت از انسان های ضعیف را نکوهش می کند. او معتقد است انسان های ضعیف باید حذف شوند (نیچه، 1373، قطعه 222 و 260).

8-2-2-2- آزار رساندن به پیامبر اکرم و مسلمانان

مسلمانان بعد از هجرت از دو ناحیه مورد اذیت و آزار بودند؛ از یک طرف مشرکان به خانه و اموال آن ها در مکه هجوم برده، بستگان آنان را با زبان و رفتار ناشایست خود

ص: 200

1- . وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ؛ من هرگز به شما نمی گویم خزائن الهی نزد من است! و غیب هم نمی دانم! و نمی گویم من فرشته ام! و (نیز) نمی گویم کسانی که در نظر شما خوار می آیند، خداوند خیری به آنها نخواهد داد خدا از دل آنان آگاهتر است! (با این حال، اگر آنها را برانم)، در این صورت از ستمکاران خواهم بود! (هود/31).

می آزدند و از سوی دیگر در مدینه از بدگویی و زخم زبان یهودیان در امان نبودند (حاجی صادقی 1390 ص 56). آیات متعدد قرآن (سوره توبه، آیه 61؛ احزاب، آیات 48، 57 و 58...) (1) بر این آزار و اذیت اشاره می کند.

یکی از عوامل خطر ساز برای مسلمین در آن زمان، قبایل مختلف یهود مدینه بودند این ها دست به فتنه انگیزی زدند و شعارهای توهین آمیزی علیه پیامبر صل الله علیه و اله می دادند (جعفریان، 1392 ج 1 ص 453).

9-2-2- تمسخر انبیاء و پیروانشان

از نگاه قرآن کریم (انعام/10؛ یس/30؛ فرقان/41؛...) (2)، استهزاء، از برنامه های اصلی کفار و مشرکین، علیه انبیاء و پیروانشان است. معاندان، به طرق مختلف از جمله چشمک زدن به هم دیگر (مطففین/30) (3)، خندیدن (مؤمنون/110؛ مطففین/29) (4)، نسبت دادن القاب ناروا... پیامبر صل الله علیه و اله و مسلمین و مومنین را مسخره می نمودند.

ص: 201

1- وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ؛ از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: او آدم خوش باوری است! (توبه/61). * وَلَا تَطْعَمُ الْكَافِرِينَ وَ الْمُتَّقِينَ وَ دَعَا أَذْنَهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا؛ و از کافران و منافقان اطاعت مکن و به آزارهای آنها اعتنا ننما و بر خدا توکل کن و همین بس که خدا حامی و مدافع (تو) است! (احزاب/48). * إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا؛ آنها که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته و برای آنها عذاب خوارکننده ای آماده کرده است. (احزاب/57). * وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَ إِثْمًا مُبِينًا؛ و آنان که مردان و زنان باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده اند آزار می دهند بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده اند. (احزاب/58).

2- وَ لَقَدْ اسْتَهْزَى بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ؛ و پیش از تو پیامبرانی به استهزاء گرفته شدند (انعام/10). * يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ؛ افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را استهزاء می کردند! (یس/3). * إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَصْخَكُونَ؛ بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می خندیدند، (مطففین/29). * وَ إِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَخَذُوا نَكَاحًا هَؤُلَاءِ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا؛ و هنگامی که تو را می بینند، تنها به باد استهزایت می گیرند (و می گویند): آیا این همان کسی است که خدا او را بعنوان پیامبر برانگیخته است؟! (فرقان/41).

3- وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَرُونَ؛ و هنگامی که از کنارشان می گذشتند آنان را با اشاره تمسخر می کردند، (مطففین/30).

4- فَاتَّخَذُوا لَهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّى أَنَسَوْكُمْ ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ؛ اما شما آنها را به باد مسخره گرفتید تا شما را از یاد من غافل کردند و شما به آنان می خندیدید! (مؤمنون/110). * إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَصْخَكُونَ؛ بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می خندیدند، (مطففین/29).

یهود از راه های گوناگون مسلمانان را مورد تمسخر قرار می دادند از آن جمله مسئله نماز گزاردن به بیت المقدس بود (سبحانی تبریزی، 1373 ص 218) که با نزول آیه تغییر قبله (بقره/144)(1) این مشکل حل شد. یهودیان ثروتمند مدینه که با پیشرفت روزافزون حکومت اسلام، موجودیت و هستی خود را بر پرتگاه نیستی می دیدند، جنگ سرد و تبلیغاتی را با نشر شعارهای زننده و اشعار توهین آمیز آغاز نمودند و به سر انجام، با عنایت به آیه 59 سوره حجر(2)، خداوند متعال، شر مخالفان را از پیامبر صل الله علیه و اله دفع می نماید.

10-2-2- ایجاد ناامیدی در جامعه (یأس)

از مهمترین شیوه ها و برنامه های جنگ نرم در حوزه اجتماعی، ایجاد ناامیدی در جامعه و تاریک نشان دادن آینده جامعه اسلامی است.

امیدواری موهبتی از جانب خداوند است که به انسان های مؤمن داده شده تا هیچ گاه از تلاش بازنايستند و با قوت بیشتری مسیر زندگانی را طی کنند. پیامبر اکرم صل الله علیه و اله در این باره فرمود: «امید و آرزو رحمت است برای امت من و اگر آرزو نبود ما در بچه اش را شیر نمی داد و باغبان نهالی نمی کاشت»(3)

در مقابل، ناامیدی ناشی از وسوسه های شیطانی است که در دل رسوخ می کند به گونه ای که انسان را از تلاش بازمی دارد و او را تبدیل به موجودی منزوی و خانه نشین و بی خاصیت می کند؛ این حالت به قدری قبیح است که طبق فرمایش امام صادق علیه السلام (4) از گناهان کبیره محسوب می شود.

ص: 202

1- قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ؛ پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن (بقره/144).

2- إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ؛ ما شر استهزاكنندگان را از تو دفع خواهیم كرد (حجر/95).

3- الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَلَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعْتَ وَالِدَتَهَا وَلَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجَرًا (مجلسی، 1403، ج 74، ص: 174).

4- «مِنْ أَكْبَرِ الْكَبَائِرِ عِنْدَ اللَّهِ الْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ، وَالْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ؛ بزرگ ترین گناهان کبیر نزد خدا، یأس از روح الله و ناامیدی از رحمت و نیکی خداست» (الکافی (ط - دارالحديث)، ج 4، ص 472).

در توصیه حضرت یعقوب به فرزندانش نسبت به عدم ناامیدی دریافتن یوسف نبی علیه السلام، ناامیدی را از صفات کافران می‌شمارند(1).

امروزه دشمن، با استناد به برخی مشکلات در ایران اسلامی، می‌کوشد، آینده را کاملاً تاریک نشان داده نسل جوان را مأیوس و دلسرد نماید.

11-2-2- ترویج اعتیاد و مسکرات

یکی از برنامه‌های دشمن برای استثمار کشورها، توزیع مواد مخدر و گسترش اعتیاد در بین مردم است؛ زیرا از یک سو، عقل به عنوان موتور محرک انسان از کار می‌افتد، از سوی دیگر هزینه‌های خانواده و به تبع آن، هزینه کلان کشور، برای مبارزه و درمان آن، مصرف می‌شود. اعتیاد به مواد مخدر و مسکرات، هزاران پیامد منفی از خود بجای می‌نهد که نتیجه آن‌ها، نابودی نظام خانواده و جامعه است که در این صورت، مستکبرین، بر کشور مسلط خواهند شد.

مشروبات الکلی(2)، از جمله مواد مسکر و مخل عقل است که قرآن کریم، در آیه 90 سوره مائده،(3) آن را رفتار شیطانی معرفی نموده پرهیز از آن را مایه رستگاری می‌داند. طبق فرمایش امام کاظم علیه السلام(4)، هر چیزی که خاصیت شراب را داشته باشد؛ در حکم آن بوده و حرام است.

ص: 203

1- يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِنَّهٗ لَا يَيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛ پسرانم! بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند (یوسف/87)

2- امروزه، با کمال تاسف، هزاران نوع، مواد مخدر و مسکرات صنعتی دردسترس مردمان متخلف هست؛ اما یکی از رایج‌ترین این مسکرات در طول تاریخ، مشروبات الکلی است که مصرف آن در عصر نزول نیز در بین مردم رواج داشت.

3- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بتها و ازلام [نوعی بخت آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید! (مائده/90).

4- إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يُحَرِّمِ الْخَمْرَ لِسَمِّهَا وَ لَكِنَّهُ حَرَّمَهَا لِعَاقِبَتِهَا فَمَا كَانَ عَاقِبَتُهُ عَاقِبَةَ الْخَمْرِ فَهُوَ خَمْرٌ؛ خداوند عزّ و جلّ شراب را به خاطر نامش حرام نکرده بلکه به سبب پیامدهای آن حرامش کرده است، پس هر چیزی که پیامدهای شراب را داشته باشد آن نیز در حکم شراب بوده و حرام است (کلینی، 1407، ج 6، ص: 413).

روایات فراوانی درباره پیامدهای منفی شراب، از جمله ضایع شدن عقل و...، وجود دارد به چند مورد بسنده می‌نماییم:

بر اساس حدیث امام علی علیه السلام (1) فلسفه تحریم خمر، صیانت از عقل است. امام صادق علیه السلام (2) مواردی از پیامدهای منفی شراب خواری و مصادیق فساد را می‌شمارند از جمله قتل، زنا (حتی زنا با محارم)، شرارت و غیره.

مواد مخدر یک موضوع مستحدثه نمی‌باشد، زیرا برخی از آن‌ها در کلمات ائمه معصومین (علیه السلام) و فقهای قدیم آمده آثار و احکام شرعی مختلفی بر آن مترتب شده است، نظیر بنج (حشیش/ماری جوانا)، مفتر، مخدر و افیون.

به عنوان نمونه، مرحوم ابن ادریس، از فقهای قرن ششم ه.ق، به صراحت، برای مصرف بنج (بنگ)، مجازاتی معین می‌کنند (ابن ادریس، 1410، ج 3 ص 511).

لذا یکی از برنامه‌های دشمن در حوزه اجتماعی جنگ نرم، ترویج اعتیاد و مسکرات در جوامع اسلامی است.

ص: 204

1- امام علی علیه السلام: *فَرَضَ اللَّهُ تَرَكُ شَرْبِ الْخَمْرِ تَحْصِينَاَ لِلْعَقْلِ*؛ خداوند برای حفظ عقل، ترك شرابخواری را واجب گردانید (تمیمی آمدی، 1366 ص 177).

2- امام صادق علیه السلام: *حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ لِفَعْلِهَا وَفَسَادِهَا، لِأَنَّ مَذْمِنَ الْخَمْرِ تُورِثُهُ الْإِزْتِعَاشُ وَتَذْهَبُ بُنُورُهُ وَتَهْدِمُ مُرُوتَهُ وَتَحْمِلُهُ عَلَى أَنْ يَجْتَرِيَ عَلَى ارْتِكَابِ الْمَحَارِمِ وَتَفُكُ الدَّمَاءَ وَرُكُوبِ الزُّنَا وَلاَ يُؤْمَنُ إِذَا سَكَرَ أَنْ يَتَّبَعَ عَلَى حُرْمِهِ وَلاَ يَعْقِلُ ذَلِكَ وَلاَ يَزِيدُ شَارِبُهَا إِلَّا كُلَّ شَرٍّ*؛ خداوند شراب را به علت تأثیر بد و فسادی که به وجود می‌آورد حرام کرد، زیرا می‌گسار دچار رعشه [در اندام] می‌شود و شراب نورانیت و جوانمردی و مروتش را از بین می‌برد و او را در ارتکاب کارهای حرام، خونریزی و زنا، گستاخ می‌کند و این خطر برایش وجود دارد که چون مست و لا یعقل شود به محارم خود تجاوز کند. شراب بر شراب خوار جز شر و بدی نمی‌افزاید (ابن بابویه، 1385، ج 2 ص 477).

دشمن در کنار جنگ سخت، برای تضعیف برنامه های جنگ سخت، به جنگ نرم نیز متوسل می شد نظیر جنگ افروزی، طرح ترور پیامبر اسلام صل الله علیه و اله، تحریک و تجهیز مخالفان اسلام، الف. توطئه سران بنی نضیر در شکل گیری جنگ احزاب، تحریک سران بنی قریظه، تهدید امنیت (ایجاد ناامنی و تهدید نظامی)، جاسوسی علیه مسلمانان، تلاش برای تضعیف روحیه لشکریان اسلام، تضعیف روحیه ایثارگران و خانواده شهدا، غیره (صیدی، 1400 ص 167)(1). در این بخش، موارد فوق را به طور خلاصه تشریح می نمایم.

1-3-2- جنگ افروزی

* جنگ افروزی (2)

دشمنان از جمله یهودیان، همیشه آغازگر جنگ با مسلمین بوده اند. چند نمونه از جنگ های صدر اسلام که آنان آتش جنگ را شعله ور کردند؛ عبارت اند از نبرد یهودیان بنی قینقاع، بنی نضیر، بنی قریظه و خیر با مسلمانان. این قوم مغضوب الهی، به دلیل

ص: 206

1- مطالب این بخش (بخش پنجم-نظامی) اکثرا برگرفته از مقاله خود مولف است که در دو فصلنامه بیداری اسلامی، سال دهم، شماره نوزدهم، بهار 1400 با عنوان «روش های تامین امنیت نظامی در جمهوری اسلامی ایران براساس رهنمود های قرآنی» چاپ شده است. برای اختصار، فقط به یک مورد ارجاع داخل متن، بسنده می نمایم.

2- درگیری فیزیکی (نظامی) جزو جنگ سخت است؛ اما بهانه جویی ها و زمینه سازی برای آغاز این نوع درگیری و سایر اقدامات در راستای تضعیف لشکریان اسلام، می تواند موضوع جنگ نرم نیز باشد. همچنین برخی شیوه های مربوط به جنگ نظامی، مانند استتار، فریب و... در بخش جنگ نرم، قابل بحث است.

داشتن قدرت نظامی، از هر بهانه ای برای آغاز جنگ علیه مسلمانان استفاده می کردند. لذا منظور ما نیز از «جنگ افروزی» زمینه سازی و بهانه تراشی برای آغاز یک درگیری و جنگ نظامی است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، می گویند: اگر پیامبر اسلام را به حال خود گذاشته بودند؛ هرگز فرمان (هیچ) جنگی را صادر نمی کرد و این همه جنگ هایی که در اسلام واقع شد؛ همه اش تحمیل به اسلام بود (طباطبایی، 1374، ج 4 ص 261). ادیان الهی هیچ گاه شروع کننده جنگ و افروزنده آتش آن نبوده اند. حتی در مخاصمات دو جبهه حق و باطل، آنجا که با سپاه کفر و نفاق مواجه می شدند، باز مدافع بوده اند و جنگ را در وجه دفاع انجام می داده اند؛ و بالعکس این سپاه کفر بوده که زننده طبل آغازین جنگ و طمع در براندازی منادیان حق و حقیقت و پیروان ادیان و عدالت بوده اند. (ملکی و همکاران، 1395 ص 43).

با نگاهی به عملکرد دولت آمریکا حداقل از یک قرن پیش تاکنون شاهد آن هستیم که هر زمان اقدامات تروریستی دولت این کشور در سطح جهان افزایش بیشتری می یابد به همان میزان هم فعالیت سازمان ها و مؤسسات رسمی و وابسته آن (نظامی - سیاسی) برای متهم کردن کشورهای دیگر به حمایت از تروریسم گسترش می یابد (خبرگزاری فارس 1395). ایالات متحده آمریکا کشوری است که حدود 241 سال از تاریخ حیاتش می گذرد و 93 درصد از این عمر خود یعنی 223 سال آن را در جنگ و تجاوز به کشورهای مختلف در سرتاسر جهان سپری کرده است (1) (هدایتی، 1397).

ص: 207

1- جنایات این کشور جنگ طلب (آمریکا) خیلی بیشتر از اینهاست ولی لیست زیر از موارد مهم آن است: 1901 — ورود مستقیم نیروهای آمریکایی به کلمبیا، 1902 — حمله به پاناما، 1904 — ورود به کره و مغرب، 1905 — ورود به هندوراس علیه انقلاب این کشور، 1905 — حمله به مکزیک (در کمک به دیکتاتور وقت بورویریو دماز برای سرکوب قیام مردمی این کشور)، 1907 — حمله به نیکاراگوئه، 1907 — ورود به دومینیکن برای سرکوب انقلاب این جمهوری، 1907 — مشارکت در جنگ میان هندوراس و نیکاراگوئه، 1908 — مداخله در انتخابات پاناما، 1910 — برای سرکوب کودتا علیه حکومت نیکاراگوئه، 1911 — ورود به هندوراس برای حمایت از کودتا به رهبری مانوئل بونیلا بر ضد رئیس جمهور منتخب میگل داویا، 1911 — سرکوب قیام ضد آمریکایی در فیلیپین، 1911 — مداخله در چین، 1912 — حمله و اشغال کوبا، 1912 — حمله به پاناما، 1912 — حمله به هندوراس، 1912 — 1933 — اشغال نیکاراگوئه، 1914 — 1934 — اشغال هائیتی 19 سال، 1916 — 1924 — اشغال جمهوری دومینکن به مدت 8 سال، 1917 — 1933 — اشغال کوبا، 1917 — 1918 — مشارکت در جنگ جهانی اول، 1918 — 1922 — مداخله در روسیه، 1918 — 1920 — ورود نظامی به پاناما، 1919 — ورود نظامی به کاستاریکا، 1919 — حمله به هندوراس، 1920 — حمله به گواتمالا، 1921 — حمایت آمریکا از گروههای مسلح علیه کارلوس گیرو، 1922 — مداخله در ترکیه، 1922 — 1927 — ورود نظامی به چین، 1924 — 1925 — حمله به هندوراس، 1925 — حمله به پاناما، 1926 — حمله به نیکاراگوئه، 1927 — 1934 — آمریکا چین را به اشغال درآورد، 1932 — حمله به السالوادور، 1937 — حمله به نیکاراگوئه، 1945 — حمله اتمی به ژاپن، 1947 — 1949 — حمله به یونان، 1948 — 1953 — حمله به فیلیپین، 1950 — حمله به پورتوریکو، 1950 — 1953 — حمله به کره، 1958 — لبنان، 1958 — جنگ با پاناما، 1959 — اشغال لائوس، 1959 — حمله به هائیتی، 1960 — عملیات نظامی در اکوادور، 1960 — حمله به پاناما، 1965 — 1973 — تجاوز خونین به ویتنام، 1966 — حمله به گواتمالا، 1966 — حمایت نظامی از اندونزی علیه فیلیپین، 1971 — 1973 — بمباران لائوس، 1972 — حمله به نیکاراگوئه، 1980 — عملیات نظامی علیه ایران در طیس، 1983 — دخالت

نظامی در گرینادا، 1986 — حمله به لیبی و بمباران لیبی، 1988 — حمله آمریکا به هندوراس، 1988 — حمله به هواپیمای مسافربری ایرانی و قتل عام تمامی 290 نفر سرنشین این هواپیما، 1989 — سرکوب ناآرامی ها در جزایر ویرجین، 1991 — عملیات نظامی گسترده در عراق (جنگ اول خلیج فارس)، 1992 — 1994 — اشغال سومالی و انجام خشونت بسیار مفرط علیه شهروندان این کشور، 1998 — حمله به سودان، 1999 — آمریکا با پوشش ناتو جنگی را علیه یوگسلاوی برآه انداخت. بمباران این کشور 78 روز به طول انجامید و یوگسلاوی از هم فروپاشید، 2001 — حمله و اشغال افغانستان به بهانه تعقیب گروه القاعده که بعدها ثابت شد القاعده را خود آمریکاییها تجهیز کرده اند! 2003 — حمله و اشغال عراق بدون مجوز سازمان ملل، 2011 — حمله به لیبی پس از پیروزی انقلاب این کشور و سرنگونی قذافی، 2011 — حمایت رسمی از گروههای مسلح تروریستی در سوریه با هدف براندازی نظام منتخب ملت سوریه، 2011 — اعلام حمایت رسمی از رژیم آل خلیفه در سرکوب قیام مردمی بحرین، 2015 — اعلام پشتیبانی رسمی از آل سعود در جنگ این کشور علیه انقلاب ملت یمن و...) <http://karbala.ghasam.ir/h154/fa/news-details/571939/-222>

1- القاعده تشکیلات بین‌المللی نظامی و بنیادگرای اسلامی افراطی است که در دوران جنگ شوروی در افغانستان توسط اسامه بن لادن در شهر پیشاور تأسیس شد.

2- طالبان جمع طالب به معنای طلبه‌ها نام گروهی از شبه‌نظامیان افراط‌گرای دینی مخالف دولت افغانستان است که وابسته به مکاتب حنفی و وهابی است. (مشق نیوز 34529). [/https://www.mashregnews.ir/news](https://www.mashregnews.ir/news)

3- داعش، یک گروه تکفیری و پیرو یک آموزه وهابی از اسلام سنی است. این گروه با اشغال بخش‌هایی از کشور سوریه در حدود سال‌های 2010-2017 و اشغال بخشی از عراق (شهر موصل) در سال 2014 م. طی جنگ داخلی آسیب‌های جبران‌ناپذیری به این دو کشور، مخصوصاً سوریه وارد کرد. تا اینکه پس از 7 سال جنگ داخلی و ویرانی با مقاومت کشورهای درگیر (سوریه و عراق) و حمایت نظامی ایران و برخی کشورها (حزب الله لبنان، فاطمیون افغانستان، زینیون پاکستان) در تاریخ 21 نوامبر 2017 فرمانده وقت نیروی قدس سپاه سردار قاسم سلیمانی در پیامی به محضر مقام معظم رهبری شکست و پایان داعش را اعلان نمود (سایت تابناک). این فرمانده دلیر و مخلص (سردار قاسم سلیمانی)، در 13 دیماه 1398 ش. در عراق به شهادت رسید.

[/https://www.tabnak.ir/fa/tags/9314/1](https://www.tabnak.ir/fa/tags/9314/1)

خود دست می یابد؛ همچنین با شیطن، دو کشور اسلامی را به جان هم می اندازد! جنگ تحمیلی عراق علیه ایران(1)، جنگ یمن و

عربستان سعودی(2) ... نمونه بارز آن است.

ایالات متحده همواره می کوشد تا ضمن دامن زدن به اختلافات منطقه ای بین ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس- که تحت نفوذ آمریکا هستند- از جمله عربستان سعودی، آتش جنگ را نیز شعله ور نماید که با اقتدار نظامی و سیاسی ایران تاکنون ناکام مانده است. گرچه این کشور استعمارگر و استثمارگر، از طریق مقوله «ایران هراسی» تسلیحات نظامی خود را به این کشورها فروخته (شریعتی نیا، 1389 ص 15) و از آب گل آلود، ماهی گرفته است.

2-3-2- طرح ترور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم

یهودیان و کفار، بارها، ترور پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله را در سر داشتند، یکی از معروف ترین آن جریان «لیله المبيت» است که طبق آیه 30 سوره انفال(3) جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و اله نازل شد و او را از نقشه مشرکان آگاه ساخت و دستور خداوند را ابلاغ کرد. دیگری «توطئه بنی نضیر» است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روزی با چند نفر از بزرگان و یارانش به سوی قبیله بنی نضیر آمد حضرت در بیرون قلعه یهود بود و با «کعب بن اشرف» در این زمینه صحبت

ص: 209

1- جنگ عراق با ایران، طی سال های شهریور 1359 تا 27 مردادشمسی 1367 با تحریک و تجهیز صدام حسین (رئیس جمهور عراق) توسط آمریکا و دیگر کشور ها صورت گرفت. با همه حمایت های مستکبرین جهانی از صدام، جوانان مومن و انقلابی ایران، با استواری در برابر زورگویان عالم ایستادگی نموده حتی یک وجب از خاک ایران را به دشمن ندادند، سرانجام در مرداد 1367 شمسی، طبق قطعنامه 598 سازمان ملل، بین ایران و عراق، آتش بس، ایجاد شد.

2- در پی اختلافات داخلی یمن، مداخله نظامی در یمن در 25 مارس 2015 میلادی برابر 6 فروردین 1394 با حمله هوایی ائتلافی از کشورهای منطقه به رهبری عربستان سعودی به یمن آغاز شده و ایماهای 5 کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس شامل عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین به همراه مراکش، مصر، اردن و سودان در این حمله مشارکت دارند. این درگیری فعلا (1400 شمسی) ادامه دارد.

3- وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند و یا (از مکه) خارج سازند آنها چاره می اندیشیدند (و نقشه می کشیدند) و خداوند هم تدبیر می کرد و خدا بهترین چاره جویان و تدبیرکنندگان است! (انفال/30).

کرد، در این هنگام یهودیان یکدیگر گفتند: يك نفر پشت بام رود و سنگ عظیمی بر او بیفکند و ما را از دست این مرد راحت کند! رسول خدا صل الله علیه و اله از طریق وحی آگاه شد برخاست و به مدینه آمد (واقعی 1409، ج. 1 ص. 364). از جمله شأن نزول های منقول برای سوره حشر، همین ماجراست (مکارم شیرازی، 1382 ج 5 ص 134). از دیگر نقشه های دشمن، طرح ترور حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) توسط منافقان در راه بازگشت از غزوه تبوک است (طباطبایی، 1374 ج 9، ص: 439؛ ابن کثیر، بیتا، ج 5، ص 19)، آیاتی از سوره مبارک توبه (64-66) (1) به این موضوع نیز اشاره دارد.

طراحی ترور (قصص/20) (2) و عملی نمودن ترور پیامبران الهی، از برنامه های دشمن است (نساء/155؛ آل عمران/181 و 112 و 21؛ بقره/61 و 87؛ مائده/70) (3).

ص: 210

1- یَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوْا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ؛ منافقان از آن بیم دارند که سوره ای بر ضد آنان نازل گردد و به آنها از اسرار درون قلبشان خبر دهد. بگو: «استهزا کنید! خداوند، آنچه را از آن بیم دارید، آشکار می سازد!» (توبه/64). وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ؛ و اگر از آنها بپرسی: (چرا این اعمال خلاف را انجام دادید؟) می گویند: ما بازی و شوخی می کردیم! بگو: آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می کردید؟ (توبه/65) لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبُ طَائِفَةَ بَأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ؛ (بگو) عذر خواهی نکنید (که بیهوده است چرا (که) شما پس از ایمان آوردن، کافر شدید! اگر گروهی از شما را (بخاطر توبه) مورد عفو قرار دهیم، گروه دیگری را عذاب خواهیم کرد زیرا مجرم بودند (توبه/66).

2- وَ جَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ؛ (در این هنگام) مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر [مرکز فرعونیان] آمد و گفت: ای موسی! این جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشسته اند فوراً از شهر خارج شو، که من از خیرخواهان توام (قصص/20).

3- وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ؛ به ناحق کشتن آنان پیامبران را (نساء/155)* وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ؛ به ناحق کشتن آنان پیامبران را (آل عمران/181). وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بَغَيْرِ الْحَقِّ؛ و پیامبران را بناحق می کشتند (بقره/61)* أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ؛ پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد، کبر ورزیدید؟ گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید (بقره/87)* إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بَغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ کسانی که به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را بناحق می کشتند و دادگستران را به قتل می رسانند، آنان را از عذابی دردناک خبر ده. (آل عمران/21)* وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ؛ و پیامبران را بناحق می کشتند (آل عمران/112)*. فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ؛ گروهی را تکذیب می کردند و گروهی را می کشتند (مائده/70).

پس از ترور پیامبران صل الله علیه و اله ترور جانشینان آنان، جزوه برنامه های مهم دشمن است. حبس، ایجاد محدودیت و سرانجام به شهادت رساندن (ترور) امامان معصوم علیهم السلام نمونه بارز این مدعاست. شهید نمودن امام علی علیه السلام در حال نماز و به صورت ناجوانمردانه، مصداق روشن بر این امر است.

یکی از شیوه های استکبار در مقابله با گسترش تفکر اسلام ناب و اصیل، حذف فیزیکی یعنی ترور شخصیت های مؤثر در جهان اسلام است (شیدائیان، 1386 ص 77).

ترور شخصیت های اسلامی، مخصوصاً در جمهوری اسلامی ایران با شیوه های گوناگون (نظامی، بیولوژیک و ...)، جزو برنامه های آمریکا و یهود است. به عنوان نمونه: به شهادت رساندن شخصیت های تراز اول (علمی، فرهنگی، سیاسی، نظامی) انقلاب اسلامی ایران، نظیر شهیدان رجایی، باهنر و دکتر بهشتی و 72 تن از یارانش، ترور دانشمندان هسته ای ایران: دکتر شهریاری دکتر علی محمدی، دکتر احمدی روشن و دکتر رضایی نژاد، ترور بیولوژیک شخصیت های فرهنگی و هنری مانند مرحوم سلحشور، طالب زاده و غیره.

ترور (به شهادت رساندن) سردار قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، در فرودگاه بغداد توسط جنگنده های آمریکایی در دی ماه 1398 شمسی، نمونه بارز این ترفند شیطانی در دهه اخیر به شمار می رود.

3-3-2- تحریک و تجهیز مخالفان اسلام

اشاره

امروزه به عیان مشاهده می شود که استکبار جهانی، مخالفان (اعم از مخالفان عقیدتی و سیاسی و...) را علیه مسلمانان تحریک و تجهیز می کند (باباجانی پور، 1392، ص 115)، داعش، القاعده و حمایت از وهابیان عربستان و... نمونه های آن است.

ص: 211

سران یهود با قبایل دیگر و بت پرستان، احزابی را تشکیل دادند و در مقابل مسلمانان قرار گرفتند و مخالفان را از نظر نظامی و اقتصادی یاری کردند. سران یهود مردم عادی یهودی را با حيله تحریک به مخالفت و کارشکنی کردند به عنوان مثال:

الف. توطئه سران بنی نضیر در شکل گیری جنگ احزاب

نخستین جرقه جنگ احزاب، از ناحیه گروهی از یهود «بنی نضیر» زده شد که به «مکه» آمدند، طایفه «قریش» را به جنگ با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تشویق کردند و به آن ها قول دادند، تا آخرین نفس در کنارشان می ایستند، سپس به سراغ قبیله «غطفان» رفتند و آن ها را نیز آماده کارزار کردند. این قبائل، از هم پیمانان خود مانند قبیله «بنی اسد» و «بنی سلیم»، نیز دعوت کردند و چون همگی خطر را احساس کرده بودند، دست به دست هم دادند تا کار اسلام را برای همیشه یکسره کنند: پیامبر صل الله علیه و اله را به قتل برسانند، مسلمین را در هم بکوبند، «مدینه» را غارت کنند و چراغ اسلام را خاموش سازند (مکارم شیرازی، 1374، ج 17 ص 216).

ب. تحریک سران بنی قریظه

بنی قریظه بعد از پیمان شکنی و شرکت در جنگ احزاب چاره ای جز جنگ با پیامبر صل الله علیه و اله نداشتند، پس به وسایل مختلف کارشکنی کردند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مسلمانان مژده پیروزی داد. بنی قریظه نقشه کشیدند که با دو هزار نفر به شهر حمله کنند و آن را غارت کنند. پیامبر صل الله علیه و اله پانصد نفر را مأمور کرد در شهر بگردند و تکبیر بگویند تا زنان و کودکان آرامش یابند. انتشار پیمان شکنی بنی قریظه به شدت، روحیه مسلمانان را به هم ریخت و آنان را مضطرب کرد (فرهنگ نامه تاریخی زندگانی پیامبر اعظم، صص 172-).

173، به نقل از بیات، 1395). خداوند در آیه 10 سوره احزاب(1) این حادثه را وصف می کند و می گوید که مسلمانان، از شدت ترس چشمانشان خیره و جان هایشان به لب رسیده بود. ولی طبق آیه 9 سوره احزاب(2)، نصرت الهی و امداد غیبی شامل حال مسلمین شد.

4-3-2- تهدید امنیت (ایجاد ناامنی و تهدید نظامی)

از جمله کارهایی که یهود برای کارشکنی انجام دادند، ایجاد ناامنی و فتنه بود. بعد از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر یهود «بنی قینقاع» از شدت ناراحتی شروع به فتنه انگیزی و گفتن شعارهای توهین آمیز کردند. رسول خدا صل الله علیه و اله در پاسخ، نشانه های پیامبری خود در تورات را گوشزد نموده و آن ها را بیم داد، بنی قینقاع به جای عبرت گرفتن، قدرت نظامی خود را به رخ پیامبر صل الله علیه و اله کشیدند و او را تشویق به جنگ کردند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سکوت کرد، اما مسلمین منتظر فرصت انتقام بودند. آیات 12 و 13 سوره آل عمران(3) نازل شد و شکست زود هنگام یهودیان و محصور شدن آن ها در جهنم را خبر داد (مکارم شیرازی، 1382 ج 1 ص 295).

در عصر کنونی، آمریکا که در ظاهر به توان نظامی و قدرت سیاسی جهانی خود می بالد، ایران اسلامی را به انواع گزینه های روی میز از جمله حمله نظامی تهدید می کند (گروه مطالعات بسیج، 1388 ص 124). از سوی دیگر با ایران هراسی، کشورهای اسلامی، از جمله بلاد عربی منطقه را علیه ایران تحریک و متحد می کند.

ص: 213

1- إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا؛ (به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشمتان از شدت وحشت خیره شده و جانها به لب رسیده بود و گمانهای گوناگون بدی به خدا می بردید. (احزاب/10)

2- يٰۤأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۖ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی دیدید (و به این وسیله آنها را در هم شکستیم) و خداوند همیشه به آنچه انجام می دهید بینا بوده است (احزاب/9).

3- قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْيُهُمْ وَهُمْ يُجْزَوْنَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ؛ به آنها که کافر شدند بگو: (از پیروزی موقت خود در جنگ احد، شاد نباشید!) بزودی مغلوب خواهید شد (و سپس در رستاخیز) به سوی جهنم، محصور خواهید شد؛ و چه بد جایگاهی است! (آل عمران/12).

اشاره

جاسوسی در لغت به معنای آگاهی جستن از اخبار و اموری عمدتاً پنهان آمده و اغلب کاربردی منفی دارد. (ابن اثیر جزري، 1367 ش، ج 1، ص 272)

جاسوسی در حوزه حقوق و روابط بین الملل، حقوق جزای خصوصی و جرم شناسی کاربرد داشته به کسب اطلاعات محرمانه نظامی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی در پوشش عناوین غیر واقعی، با قصد ارائه به بیگانگان و عمدتاً متخاصم تعریف شده است.

این امر توسط دو گروه انجام می شود، یکی مسلمین ضعیف الایمان (به منظور حفظ و کسب منافع) و دیگری توسط دشمن.

نمونه ای از جاسوسی مسلمین ضعیف الایمان:

الف- جاسوسی و خیانت ابولبابه انصاری

اشاره

قرآن کریم، در آیه 27 سوره انفال [1] مؤمنان را از خیانت به خدا، رسول و امانت های خود بازداشته است، در آیه 28 سوره انفال (1)، دارایی و فرزندان مسلمین زمینه امتحان آنان خوانده شده و بر پاداش عظیم الهی کسانی که امانت های خدا و پیامبرش را پاس دارند تأکید می شود.

از این آیه برمی آید که خیانت یادشده با انگیزه حفظ دارایی ها و فرزندان از گزند دشمنان صورت پذیرفته است (طباطبایی، 1374 ج 9، ص: 71)

[1] يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَخُوْنُوْا اللّٰهَ وَ الرَّسُوْلَ وَ تَخُوْنُوْا اٰمَانَتِكُمْ وَ اَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که می دانید (این کار، گناه بزرگی است) (انفال/27).

ص: 214

1- وَ اعْلَمُوْا اَنَّكُمْ اَمْوَالُكُمْ وَ اَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ اَنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ اَجْرٌ عَظِيْمٌ؛ و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است و (برای کسانی که از عهده امتحان برآیند)، پاداش عظیمی نزد خداست! (انفال/28).

یهودیان بنی قریظه پس از 21 روز محاصره شدن از سوی مسلمانان، خواستار صلح و خروج از مدینه شدند. پیامبر صل الله علیه و اله با ردّ این خواسته و با درخواست اوسیان به داوری سعد بن معاذ رئیس قبیله اوس رضایت داد. سعد به کشتن مردان جنگی، اسارت زنان و غنیمت دارایی آنان حکم کرد. یهودیان ابولبابه را به سبب الفت و روابط پیشین با وی، برای مشورت طلبیدند و او با اشاره دست به گلولی خود به آنان فهماند که در صورت پذیرش داوری سعد همه مردان جنگی کشته خواهند شد. آیه 27 و 28 سوره انفال در این باره نازل شد.

گفته اند که دارایی و زن و فرزندان ابولبابه در میان قبیله بنی قریظه بود و او برای جلب حمایت آنان چنین کرد. ولی بعداً پشیمان شده و توبه کرد (طبرسی، 1360، ج 10، ص: 198).

برخی مفسران، شأن نزول دیگری بر این آیه ذکر کرده اند که بدون اشاره به فرد یا شأن نزولی خاص، آیه را ناظر به کسانی دانسته اند که اخبار و اسرار جنگی را پس از شنیدن از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آشکار ساخته، به گوش مشرکان می رساندند. در هر صورت و بر اساس آیه یادشده انتقال اسرار سیاسی و نظامی مسلمان ها به دشمنان از مصادیق خیانت به خدا، رسول و خود مسلمانان خوانده شده است که موجودیت، استقلال و منافع جامعه اسلامی و در نتیجه حیات و هویت دینی آن را به مخاطره می افکند.

ب۔ جاسوسی حاطب بن ابی بلتعہ

اشاره

قرآن کریم، با اشاره به پاره ای از برخوردهای خصمانه و کینه توزانه دشمنان اسلام - در آیات 1-3 سوره ممتحنه(1)، مؤمنان را از همگرایی و ابراز مودت و دوستی نسبت

215 : ∞

1- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخْذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِّنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَن تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِن كُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَن يَفْعَلْهُ مِنكُم فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می رانند اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده اید (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می سازید از همه دانایترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است (ممتحنه/ 1). إِنْ يَتَفَقَّوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءَ وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ؛ اگر آنها بر شما مسلط شوند، دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خود را به بدی کردن نسبت به شما می گشایند و دوست دارند شما به کفر بازگردید! (ممتحنه/ 2).

به آنان نهی کرده و آن را مایه گمراهی خوانده است. آیه 119 آل عمران(1)، تصریح می کند: شما، کفار و مشرکین را دوست می دارید اما آن ها شما را دوست ندارند. آیه دوم سوره ممتحنه تأکید می کند که «اگر آن ها بر شما مسلط شوند، دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خود را به بدی کردن نسبت به شما می گشایند و دوست دارند شما به کفر بازگردید».

از آیه سوم سوره ممتحنه برمی آید که انگیزه این همگرایی و دوستی با دشمنان خدا، حفظ بستگان، فرزندان و دارایی ها از گزند آنان بوده است، از همین رو خداوند، مؤمنان را از روزی (قیامت) بر حذر می دارد که در آن روز بستگان، فرزندان و دارایی آدمیان هیچ سودی به حال آنان نخواهد داشت، پس نباید دل بستگی به آنان زمینه ساز دوستی با دشمنان خدا شود.

شان نزول

عموم مفسران آیه را در شان حاطب بن ابی بلتعنه دانسته اند. بر اساس این روایت هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در سال هشتم هجری، آماده فتح مکه می شد،

برای رعایت اصل غافلگیری در جنگ، میان مردم شایع ساخت که به سوی خیبر می روند. حاطب، آگاه از مقصد اصلی حرکت، با نوشتن نامه و به وسیله زنی که عازم مکه بود، درصدد اطلاع دادن به مشرکان قریش برآمد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از آگاهی از

ص: 216

1- ها أَنتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ؛ شما کسانی هستید که آنها را دوست می دارید اما آنها شما را دوست ندارند (آل عمران/119).

طریق وحی، برخی از یاران خود همانند علی علیه السلام و زبیر را در پی او گسیل داشت. زن در آغاز انکار کرد؛ ولی پس از جست و جوی همه وسایل و در برابر تهدید به بازرسی کامل بدنی یا کشته شدن، نامه را از لابه لای گیسویان بافته شده خویش بیرون آورد. حاطب در پاسخ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که چرا چنین کرده است، با نفی نفاق ورزی و ارتداد خویش، انگیزه آن را فقط به دست آوردن دل مشرکان و جلب حمایت آنان خواند، زیرا وی برخلاف بسیاری از مهاجران، کسی را در مکه نداشت که در برابر تعرض مشرکان به خانه و کاشانه و دارایی و افراد خانواده اش از آن ها حمایت کند (طبرسی، 1360، ج 24، ص: 358)

ج- جاسوسی از روی نیاز

گروهی از مسلمانان فقیر و نیازمند، در برابر دریافت مقداری از فرآورده های کشاورزی، اخبار و اطلاعات مربوط به مسلمانان را در اختیار یهودیان قرار می داده اند. آیه 13 سوره ممتحنه⁽¹⁾ مسلمین را از این کار منع می کند (طبرسی، 1370، ج 9، ص: 416).

د- جاسوسی منافقان

عده ای از یهودیان (منافقان) برای ضربه زدن به اسلام دست به عملیات جاسوسی زدند تا به اسرار مسلمانان پی ببرند (جدید بناب، 1385 ص 46). قرآن کریم (مائده/41)⁽²⁾ از

ص: 217

1- يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُوْا مِنَ الْاٰخِرَةِ كَمَا يَسَّ الْكُفَّارُ مِنْ اَصْحٰبِ الْقُبُوْرِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می باشند (ممتحنه/13).

2- وَ مِنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا سَـَٔمَاعُوْنَ لِلكَذِبِ سَـَٔمَاعُوْنَ لِقَوْمٍ اٰخِرِيْنَ لَمْ يَأْتُوْكَ...؛ گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می دهند تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده اند (مائده/41).

این نقشه، پرده برمی دارد. خداوند متعال، در آیه 14 سوره مجادله(1)، از روابط دوستانه منافقان با یهودیان خبر می دهد. از سوگند دروغین منافقان، وعده عذاب شدید و تقبیح رابطه یاد شده می توان به دست آورد که این ارتباط بسیار آسیب رسان بوده است. بر اساس گزارش های تفسیری، گروهی از منافقان جمله عبدالله بن ابی و عبدالله بن نبتل از سران آنان که با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان نشست و برخاست داشته اند، اخبار و اسرار آنان را در اختیار یهودیان قرار داده، از آن ها بدگویی می کرده اند (طبرسی، 1372/ ج 9، ص: 381؛ ابن جوزی، 1422 ق، ج 4، ص: 251).

خداوند در آیه 118 سوره آل عمران(2)، دستور می دهند که مسلمانان راز خود را بین بیگانگان افشا نکنند. خداوند در این آیه از باطن دشمنان خبر می دهد و یادآوری می کند که: آن ها شایسته دوستی نیستند، ما آیات (وراه های پیشگیری از شرّ آن ها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید.

آیه 119 آل عمران(3)، یادآور می شود که شما (مسلمین)، آن ها (منافقان) را به دلیل عدم شناخت، ظاهر جذابشان و...- دوست می دارید اما آن ها شمارا دوست ندارند!

ص: 218

1- [1] أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با گروهی که مورد غضب خدا بودند ریختند؟! آنها نه از شما هستند و نه از آنان (یهود) سوگند دروغ یاد می کنند - که از شما هستند- در حالی که خودشان می دانند - که دروغ می گویند- (مجادله/14).

2- يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هر گونه شرّ و فساد در باره شما، کوتاهی نمی کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده و آنچه در دلهایشان پنهان می دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (وراه های پیشگیری از شرّ آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید! (آل عمران/118).

3- هَآأَنْتُمْ أُولَآءِ تَحِبُّونَهُمْ وَلَا يَحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ شما (مسلمین) کسانی هستید که آنها (منافقان) را دوست می دارید اما آنها شما را دوست ندارند! در حالی که شما به همه کتابهای آسمانی ایمان دارید (و آنها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می کنند، (به دروغ) می گویند: «ایمان آورده ایم!» اما هنگامی که تنها می شوند، از شدّت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می گزند! بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه ها آگاه است.» (آل عمران/119).

درحالی که شما به همه کتاب های آسمانی ایمان دارید (و آن ها به قرآن ایمان ندارند). هنگامی که شمارا ملاقات می کنند، (به دروغ) می گویند: «ایمان آورده ایم!» اما هنگامی که تنها می شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می گزند! بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه ها آگاه است.»

جاسوسی های گوناگون استکبار، در کشورهای اسلامی از جمله ایران، بر کسی پوشیده نیست. تسخیر سفارت آمریکا در ایران (لانه جاسوسی) پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به همین خاطر، صورت گرفت. امروزه، یکی از شیوه های نوین جاسوسی دشمن، از طریق پهباد انجام می گیرد (ضیایی و محمدی، 1394 ص. 45).

6-3-2- تلاش برای تضعیف روحیه لشکریان اسلام

دشمنان، از طریق نفوذی ها (منافقان) با انتشار اخبار و اطلاعات غلط، برای تضعیف روحیه لشکریان اسلام تلاش می کردند(1). نظیر شایعه شهادت نبی مکرم اسلام در جنگ احد (آل عمران/441)(2)، قوی جلوه نمودن دشمن و ترساندن از آن (آل عمران/173؛ احزاب/13)(3)، اظهار نظر و انتشار مطالب غیر تخصصی (نساء/83)(4)، تخریب فرمانده کل قوا و متهم کردن ایشان به دروغ گویی (احزاب/12)(5) و غیره.

ص: 219

- 1- در این باره، مطالب بیشتری در بخش «اجتماعی - شایعه» با درج متن کامل آیات، ذکر شده است.
- 2- وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُدَّهُ اللَّهُ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فقط فرستاده خداست و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی زند و خداوند بزودی شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد. (آل عمران، 144).
- 3- الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ؛ اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: مردم [لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده اند از آنها بترسید (آل عمران/173)؛ وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا؛ و (نیز) به خاطر آوردید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست (توان مقابله با دشمن ندارید) به خانه های خود بازگردید! (احزاب/13).
- 4- وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ؛ و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می سازند در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد (نساء/83).
- 5- وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُوراً؛ و (نیز) به خاطر آوردید زمانی را که منافقان و بیمار دلان می گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده های دروغین به ما نداده اند! (احزاب/12).

از جمله شیوه‌های دشمن در جهت ایجاد عملیات روانی، راه اندازی هیاهوی تبلیغاتی به منظور بر هم زدن آرامش در جامعه از جمله تضعیف روحیه ایثارگران و خانواده شهدا و تضعیف فرهنگ ایثار و شهادت است.

این مسئله، بعد از جنگ احد، رخ داد که کفار و منافقین، به خاطر شهادتِ برادرانِ نسبی و مسلمانان می گفتند: «اگر به جنگ نمی رفتند؛ کشته (شهید) نمی شدند!»، قرآن کریم، طی آیات 168 و 156 سوره آل عمران(1)، ضمن اشاره به این قضیه، جواب دندان شکنی به آنان داده تصریح می نماید که مرگ و زندگی در حال به دست خدا است و مسافرت (مهاجرت در راه خدا) و یا حضور در میدان جنگ نمی تواند مسیر قطعی آن را تغییر دهد (مکارم شیرازی، 1374 ج 3، ص: 139).

ص: 220

1- الَّذِينَ قَالُوا لَا خُورَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ (منافقان) آنها هستند که به برادران خود- در حالی که از حمایت آنها دست کشیده بودند- گفتند: اگر آنها از ما پیروی می کردند، کشته نمی شدند! بگو: (مگر شما می توانید مرگ افراد را پیش بینی کنید؟) پس مرگ را از خودتان دور سازید اگر راست می گویند (آل عمران/168). *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لَا خُورَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يَخِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! همانند کافران نباشید که چون برادرانشان به مسافرتی می روند، یا در جنگ شرکت می کنند (و از دنیا می روند و یا کشته می شوند)، می گویند: اگر آنها نزد ما بودند، نمی مردند و کشته نمی شدند! (شما از این گونه سخنان نگویند) تا خدا این حسرت را بر دل آنها [کافران] بگذارد. خداوند، زنده می کند و می میراند (و زندگی و مرگ، به دست اوست) و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست (آل عمران/156).

جنگ نرم در حوزه فرهنگی، بسیار گسترده است. این درگیری نرم، شامل، رواج تجمل گرایی و خوش گذرانی، رواج فساد جنسی، شریعت سازی، تحریف دین و فرهنگ ستیزی و غیره است (افتخاری و عبدی، 1393). امروزه یکی از شیوه های جنگ نرم دشمن، ایجاد شبه در ارکان نظام اسلامی از جمله ولایت فقیه و غیره، مشغول ساختن مردم به امور حاشیه ای و تحریف و انکار حقایق است. تا از این طریق، به اهداف شوم خود برسند (وزیری، 1390). از این رو، با جذب و تربیت افرادی خاص حتی در حد اجتهاد در علوم اسلامی، به تحریف، قرائت های نادرست از اسلام و شبهه افکنی می پردازند. استکبار، در حوزه اعتقادی، تحریف باورهای اساسی و مقدسات را هدف گرفته است. تدوین و انتشار انواع شبهه، تحریف حقایق معارف اسلامی و تقدس زدایی و غیره در این گروه اند. برای نمونه، پاره ای از مستشرقان با استناد به منابع غیر معتبر، باور به تحریف قرآن، القای شبهه و دودستگی در میان گروه های مسلمان را ترویج می کنند! (قرائی، 1394 ص 107).

مستکبرین، وقتی از بعدهای سیاسی و نظامی نتوانستند به نتیجه برسند از بعد اعتقادی-فرهنگی وارد عمل شده و مشکلات عدیده ای را برای اسلام و مسلمانان به وجود آوردند.

از نگاه قرآن، مستکبرین و کفار اهل کتاب، فعالیت های زیادی در عرصه فرهنگی علیه اسلام انجام داده اند تا جلو ترقی این دین آسمانی را بگیرند؛ به چند مورد بسنده می شود:

فرهنگ

برای فرهنگ تعاریف مختلفی ذکر کرده اند. موسایی (1374: 37-44) بیش از 25 نوع تعریف، برای این واژه نقل می کند. به طور کلی فرهنگ، عبارت است از عقیده، برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلیات فردی و خلیات اجتماعی و غیره.

به عبارت دیگر فرهنگ، شامل ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم، باورها و ارزش ها و... است.

در این کتاب، شاکله اصلی «فرهنگ» شامل، مجموعه آموزه های دینی، مجموعه ارزش های عرفی (1) همخوان با گزاره های دینی است که در ابعاد توسعه کشورهای اسلامی، نقش دارد. چون از منظر شیعه، «دین اسلام» سازه ها و همه گزاره های لازم را مشخص نموده است.

هدف اصلی دشمن، در جنگ نرم فرهنگی، حذف یا تضعیف یا تحریف گزاره های ناب دینی است.

ص: 223

1- مثل علاقه به وطن، نوع دوستی و... که مورد تایید دین نیز است.

* شیوه های خصومت مستکبرین با اسلام از بعد فرهنگی (1)

1-4-2- انکار رسالت پیامبر اکرم (ص)، حقیقت گریزی و نژادپرستی.

در طول تاریخ، معاندان، منکر انبیاء الهی بوده و با شیوه هایی، در حقانیت آنان، تردید ایجاد می نمودند (اعراف/75؛ رعد/43؛ فرقان/7 و 8؛ تغابن/6) (2)

گروهی از یهود در گفت وگوهای خود با مسلمانان، همواره ادعا داشتند که تمام پیامبران از میان ما برخاسته اند و دین ما قدیمی ترین ادیان و کتاب ما کهن ترین کتاب آسمانی است، اگر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز پیامبر است باید از میان ما مبعوث شده باشد (مکارم شیرازی، 1374 ج 2، ص: 616).

این گروه نژادپرست می گفتند: حتی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و «اسباط» همگی یهودی یا نصرانی بوده اند (سوره بقره آیه 140) (3). این طرز تفکر و نژادپرستی یهود

ص: 224

1- نظر به اینکه در این کتاب، همه گستره های جنگ نرم از منظر قرآن و حدیث تبیین می شود؛ لذا همه آنها از یک نگاه کلی، اعتقادی و دینی بشمار می آیند. ولی به منظور تفهیم بهتر مطالب و در راستای علوم جدید (علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم نظامی، علم اقتصاد و ...) هر کدام از این ابعاد، در بخش جداگانه تبیین شده است

2- قَالِ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّ جُفُوءًا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنْ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ؛ سران قوم او که استکبار می ورزیدند، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: آیا می دانید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟ گفتند: بی تردید، ما به آنچه وی بدان رسالت یافته است مؤمنیم (اعراف/75) * وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا؛ آنها که کافر شدند می گویند: تو پیامبر نیستی (رعد/43) * وَقَالُوا مَا لِهَٰذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا؛ گفتند: چرا این پیامبر غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟! (نه سنت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!) چرا فرشته ای بر او نازل نشده که همراه وی مردم را انداز کند (و گواه صدق دعوی او باشد) (فرقان/7) * أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَبِيعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا؛ یا گنجی (از آسمان) برای او فرستاده شود، یا باغی داشته باشد که از (میوه) آن بخورد (و امرار معاش کند)؟ و ستمگران گفتند: شما تنها از مردی مجنون پیروی می کنید! (فرقان/8) * ذَٰلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهُدُونَنَا فَكُفِّرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ؛ این بخاطر آن است که رسولان آنها (پیوسته) با دلایل روشن به سراغشان می آمدند، ولی آنها (از روی کبر و غرور) گفتند: آیا بشرهایی (مثل ما) می خواهند ما را هدایت کنند؟! از این رو کافر شدند و روی برگرداندند و خداوند (از ایمان و طاعتشان) بی نیاز بود و خدا غنی و شایسته ستایش است! (تغابن/6).

3- أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَ مَن أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ یا می گوئید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بودند؟ بگو:

شما بهتر می دانید یا خدا؟ (و با اینکه می دانید آنها یهودی یا نصرانی نبودند، چرا حقیقت را کتمان می کنید؟) و چه کسی ستمکارتر است از آن کس که گواهی و شهادت الهی را که نزد اوست، کتمان می کند؟ و خدا از اعمال شما غافل نیست (بقره/140).

باعث شده بود که هرروز بهانه تازه ای گرفته و به اشکال تراشی و مخالفت و انکار پیامبر پردازند (سوره بقره، آیه 87)(1).

دشمنان اسلام، برای گریز از پذیرش حقیقت (آیین محمدی صل الله علیه و اله)، خود را به «نفهمی» زده مدعی شدند که دل های ما در غلاف است (ما از گفته پیامبر اسلام چیزی نمی فهمیم) (بقره/88)(2). کفار و مشرکین، خطاب به پیامبر اکرم صل الله علیه و اله می گفتند: «قلب های ما نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می کنی در پوشش هایی قرار گرفته و در گوش های ما سنگینی است و میان ما و تو حجابی وجود دارد» (فصلت/5)(3) کفار متعصب، مسلمات تاریخی را نیز انکار کردند، این کارشکنی های کفار و مشرکین، سبب گشته بود تا قرآن به بیان استدلالات محکم پردازد تا هم جواب دندان شکنی به اهل کتاب داده باشد و هم مسلمانان دل گرم شوند، آنجا که صریح می فرماید: «آنان که کتاب آسمانی بر آنان نازل کردیم، به خوبی پیامبر اسلام را می شناسند؛ همان گونه که فرزندان خود را می شناسند.» (بقره / 146)(4).

2-4-2- سعی در گمراه کردن مسلمانان و مردم با شیوه های گوناگون

اشاره

یکی از شیوه های خطرناک جنگ روانی، منحرف کردن افکار از موضوع اصلی و مشغول کردن اذهان عامه به مسائل فرعی و حاشیه ای و طرح شبهات اساسی است.

ص: 225

1- أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ؛ آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید (و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید) پس عده ای را تکذیب کرده و جمعی را به قتل رساندید؟ (بقره/87).

2- قَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ؛ و (آنها از روی استهزا) گفتند: دل های ما در غلاف است! (و ما از گفته تو چیزی نمی فهمیم. آری، همین طور است!) خداوند آنها را به خاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته، (به همین دلیل، چیزی درك نمی کنند) و کمتر ایمان می آورند (بقره/88).

3- وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْ إِنَّا عَمِلُونَ (فصلت/5).

4- الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او [پیامبر] را همچون فرزندان خود می شناسند (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می کنند! (بقره / 146).

طبق آیه 69 سوره آل عمران(1)، یهود از این شیوه ها استفاده می کردند تا مردم را گمراه کنند نظیر:

1-2-4-2- تضعیف توحید (نسبت فقر دادن به خدا)

اعتقاد به اصل توحید از ارکان و اصول دین است و انکار آن موجب خروج از دین می شود، در قرآن کریم نیز برای خداوند متعال از آنجا که خالق هستی است، صفاتی را بیان کرده که از جمله آن ها بی نیاز بودن خداست و انکار آن باز خلل در اصل دین است. طبق آیه 181 سوره آل عمران(2)، یهودیان مدینه با وجود آگاهی، به شبهه پراکنی در این زمینه پرداختند و نسبت فقر و تنگدستی به خدای متعال دادند (طباطبائی، 1374، ج 4، ص 85).

2-2-4-2- شبهه ارائه تورات در قرآن به گونه ای تحریف یافته! و منکر رسالت نبی مکرم اسلام

از کارشکنی های بسیار روشن یهود، به ویژه علمایشان، ایجاد شبهه در کتاب آسمانی قرآن کریم است. یهود درباره این کتاب الهی می گفتند: مطالب قرآن همه از تورات گرفته شده است، بدین صورت که آیات تورات را تحریف کرده اند و به صورت آیات قرآنی درآورده اند، علاوه بر این در قرآن، تناقضات و مطالب مخالف باهم وجود دارد (طباره، 1353 ص 30). حتی عده ای پیامبری حضرت محمد صل الله علیه و اله را انکار کرده اصرار داشتند که هرگز بعد از موسی علیه السلام پیامبری مبعوث نشده و کتابی نازل نشده است (طباطبائی، 1374، ج 7،

ص: 226

1- وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِيعُ لُؤْنُكُمْ^۱ وَمَا يُضِيعُ لُؤْنٌ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ^۲ وَمَا يَشْعُرُونَ؛ جمعی از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو می کردند) شما را گمراه کنند (اما آنها باید بدانند که نمی توانند شما را گمراه سازند)، آنها گمراه نمی کنند مگر خودشان را و نمی فهمند! (آل عمران/69)

2- لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ؛ خداوند، سخن آنها را که گفتند: «خدا فقیر است و ما بی نیازیم»، شنید (آل عمران/181).

ص 373). قرآن کریم در سوره مائده، آیه 19(1)، سوره انعام، آیه 91(2) به این مسئله پرداخته و به شبهات پاسخ می دهد.

3-1-4-2- ترجیح بت پرستی بر خداپرستی جهت ایجاد تردید در مسلمین

بر اساس آیه 51 سوره نساء(3)، ترجیح بت پرستی بر خداپرستی جهت ایجاد تردید در مسلمین از شگردهای اهل کتاب بوده است. مشرکین و یهودیان مدینه در مقابل گسترش اسلام به حدی احساس خطر کردند که در بعضی مواقع حاضر بودند برای براندازی آن، کفر و شرک و بت پرستی را بر دین آسمانی مقدم بدانند و افراد امی و بی سواد را در حالت شک و تردید نگه دارند و مانع از گرایش آن ها به اسلام شوند.

آیه شریفه فوق، یکی دیگر از صفات ناپسند یهود را منعکس می کند که آن ها برای پیشبرد اهدافشان آن چنان سازش کاری با هر جمعیتی نشان می دادند که حتی برای جلب نظر بت پرستان در برابر بت های آن ها سجده می کردند، حتی برای خوش آیند بت پرستان آئین خرافی و مملو از ننگ آن ها را بر اسلام ترجیح می دادند، باینکه اهل کتاب بودند و قدر مشترکشان با اسلام به مراتب بیش از بت پرستان بود به این هم قناعت نکردند، بلکه به بت پرستان، گفتند: راه شما از مسلمانان به هدایت نزدیک تر است (مکارم شیرازی، 1374، ج 3، ص: 418)

ص: 227

1- يٰۤاَهْلَ الْكِتٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُوْلُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلٰى فِتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ اَنْ تَقُوْلُوْا مَا جَآءَنَا مِنْ بَشِيْرٍ وَّلَا نَذِيْرٍ فَقَدْ جَآءَكُمْ بَشِيْرٌ وَّ نَذِيْرٌ وَّ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ؛ ای اهل کتاب! رسول ما، پس از فاصله و فترتی میان پیامبران، به سوی شما آمد و نه بیم دهنده ای! (هم اکنون، پیامبر) بشارت دهنده و بیم دهنده، کند تا مبادا (روز قیامت) بگویید: «نه بشارت دهنده ای به سراغ ما آمد و نه بیم دهنده ای!» (هم اکنون، پیامبر) بشارت دهنده و بیم دهنده، به سوی شما آمد! و خداوند بر همه چیز تواناست. (مائده/19).

2- اِذْ قَالُوْا مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ عَلٰى بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ؛ خدا، هیچ چیز بر هیچ انسانی، نفرستاده است (انعام/91).

3- اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ اُوْتُوْا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتٰبِ يُؤْمِنُوْنَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّغُوْتِ وَ يَقُوْلُوْنَ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا هٰؤُلَاءِ اَهْدٰى مِنَ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا سَبِيْلًا؛ آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب (خدا) به آنان داده شده، (با این حال)، به «جبت» و «طاغوت» [بت و بت پرستان] ایمان می آورند و درباره کافران می گویند: «آنها، از کسانی که ایمان آورده اند، هدایت یافته ترند»؟! (نساء/51).

یهودیان با ظهور اسلام، موقعیت سیاسی اجتماعی و اقتصادی خود را ازدست رفته می دیدند. از سوی دیگر پیامبر خاتم از میان آنان برانگیخته نشد، از این رو از اسلام و مسلمانان کینه بسیار شدیدی در دل داشتند و همواره درصدد نابودی و ضربه زدن به اسلام بودند و چون از طریق مقابله نظامی و همدستی با مشرکان نتوانستند به این هدف دست یابند، از در حيله و تزویر وارد شده با پذیرش اسلام و تظاهر به آن و جلب اعتماد برخی مسلمانان، عقاید خرافی فراوانی را وارد فرهنگ اسلامی کردند که «اسرائیلیات»⁽¹⁾ نام دارد.

شبهه یعنی قرار دادن چیزی در مکان چیز دیگر به جهت مناسبت و هم شکلی (مصطفوی، 1360 ج 6 ص 12). «شبهه» آن است که چیزی از دیگری که میانشان همسانی و شباهت است، تمیز داده نشود، یا از جهت جسم یا کیفیت و معنی (راغب اصفهانی، 1412 ص 444).

امام علی علیه السلام در این باره فرموده اند: «وَإِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشَبُّ بِهَ الْحَقِّ؛ شبهه را شبه نام نهادند چون به حق شباهت دارد» (شریف الرضی، 1414 خ 38).

ص: 228

1- اسرائیلیات، اصطلاحی در معارف اسلامی، به ویژه در زمینه تفسیر و علوم حدیث و آن به دسته ای از روایات و قصص و مفاهیم اشاره دارد که نه در قرآن و احادیث نبوی، بلکه در تعالیم امم سالفه به ویژه بنی اسرائیل ریشه دارند و حاصل جریانی است از داستان سرایی، اسطوره پردازی و وجوهی دیگر از تعالیم غیر اصیل که به ویژه در سده های نخست هجری توسط گروهی - بیشتر از یهودیان اسلام آورده - صورت پذیرفته و به حاشیه آموزش های مسلمانان راه یافته است.

قرآن کریم (آل عمران/71) (1)، به اصل شبهه افکنی دشمنان اشاره کرده مصادیق آن را نیز بیان نموده است. نظیر شبهه «جبر» (انعام/148) (2)، شبهه «غیر الهی بودن قرآن» (نحل/103) (3) و غیره.

3-4-2- به بازی گرفتن اصل دین

آیه 72 سوره آل عمران (4)، نشان می دهد که یهود جهت جلوگیری از گسترش روزافزون اسلام در اصل دین اسلام ایجاد شبهه می کردند که آیا دین آسمانی است، آیا همان دین موعودی است که در تورات و انجیل به آن وعده داده شده است. در ضمن طرح ریزی کردند عده ای از یهودیان صبح ایمان بیاورند عصر از اسلام خود برگردند و منکر اسلام شوند و طبق آیین یهود عمل نمایند تا بدین طریق حداقل شبهه ای در اذهان تازه مسلمانان ایجاد کنند و مانع رشد سریع اسلام و گرایش افراد به این دین الهی شوند. آیه فوق بیانگر این است که یهود جهت متزلزل ساختن ایمان مسلمانان از هر وسیله ای استفاده می کردند این توطئه در مسلمانان و افراد دارای ایمان ضعیف تأثیر می گذاشت (مکارم شیرازی، 1374، ج 2، ص 616؛ طباطبایی، 1374، ج 3، ص 405)

ص: 229

1- يٰۤاَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَلْبِسُوْنَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوْنَ الْحَقَّ وَ اَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ؛ ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل (می آمیزید و) مشتبّه می کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند) و حقیقت را پوشیده می دارید در حالی که می دانید؟! (آل عمران/71).

2- سَيَقُولُ الَّذِيْنَ اٰسْرَكُوْا لَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا اَشْرَكْنَا وَاَ لَاۤ اَبَاۤؤُنَا وَاَ لَا حَرَمٰنًا مِّنْ شَيْءٍ كَذٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتّٰى ذٰقُوْا بِاَسٰتٰرِ قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوْهُ لِنَاۤ اِنْ تَتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنْ اَنْتُمْ اِلَّا تَخْرٰصُوْنَ؛ بزودی مشرکان (برای تبرئه خویش) می گویند: اگر خدا می خواست، نه ما مشرک می شدیم و نه پدران ما و نه چیزی را تحریم می کردیم! کسانی که پیش از آنها بودند نیز، همین گونه دروغ می گفتند و سرانجام (طعم) کيفر ما را چشیدند. بگو: آیا دلیل روشنی (بر این موضوع) دارید؟ پس آن را به ما نشان دهید؟ شما فقط از پندارهای بی اساس پیروی می کنید و تخمینهای نابجا می زنید (انعام/148).

3- وَ لَقَدْ نَعَلِمُ اَنَّهُمْ يَقُوْلُوْنَ اِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِيْ يُلْحِدُوْنَ اِلَيْهِ اَعْجَمِيّ وَاٰذَا لِسَانَ عَرَبِيٍّ مُّبِيْنٍ؛ ما می دانیم که آنها می گویند: این آیات را انسانی به او تعلیم می دهد! در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می دهند عجمی است ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است (نحل/103).

4- وَقَالَتْ طٰٓئِفَةٌ مِّنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ ءَامِنُوْا بِالَّذِيْ اُنْزِلَ عَلٰی الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَجِهَ النَّهَارِ وَ اَكْفُرُوْا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ؛ و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: (بروید در ظاهر) به آنچه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز، کافر شوید (و باز گردید)! شاید آنها (از آیین خود) بازگردند! (زیرا شما را، اهل کتاب و آگاه از بشارات آسمانی پیشین می دانند و این توطئه کافی است که آنها را متزلزل سازد) (آل عمران/72).

اخبار و آموزه های قرآن کریم در باب بشارت پیامبران گذشته نسبت به پیامبر اسلام صل الله علیه و اله را می توان در سه مرحله به شرح ذیل طبقه بندی کرد:

در مرحله نخست، قرآن کریم (سوره آل عمران آیه 81) (1)، اعلام می دارد که خداوند از همه پیامبران پیمان گرفته است - تا به امت های خود ابلاغ کنند - که هرگاه پیامبری آمد و آموزه های وحیانی پیامبران سابق را تصدیق کرد به او ایمان آورند و یاری اش رسانند.

در مرحله دوم، آیات قرآن (سوره انعام، آیه 20؛ سوره بقره آیات 89، 146) (2) خبر می دهد که با عمل پیامبران به وظیفه و میثاق الهی شان، امت های گذشته نسبت به ویژگی های پیامبر اسلام آشنا بوده اند.

در مرحله سوم و در پی انکار پاره ای از اهل کتاب، آیات قرآن به افشای نشانی بشارت ها در میراث مکتوب حاضر در نزد خودشان می پردازد تا برای حق جویان جای هیچ ابهامی باقی نگذارد. این بار به آن ها یادآوری می کند که برای یافتن نشانی پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) کافی است که به تورات و انجیل موجود مراجعه کنند تا نام و اوصاف ایشان

ص: 230

1- وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَى ذَالِكُمْ عِصْرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ؛ و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان مؤکد گرفت، که هر گاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس (خداوند) به آنها گفت: «آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان مؤکد بستید؟» گفتند: (آری) اقرار داریم! (خداوند به آنها) گفت: پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم (آل عمران 81).

2- الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ آنان که کتاب آسمانی به ایشان داده ایم، بخوبی او [پیامبر] را می شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می شناسند فقط کسانی که سرمایه وجود خود را از دست داده اند، ایمان نمی آورند (انعام/20). * وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه هایی بود که با خود داشتند و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می دادند (که با کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند). با این همه، هنگامی که این کتاب و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند لعنت خدا بر کافران باد! (بقره/89). * الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَ إِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ؛ کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او [پیامبر] را همچون فرزندان خود می شناسند (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می کنند! (بقره/146).

و یارانش را ببندد. در این باره، سه آیه از آیات قرآن (سوره اعراف، آیه 157؛ سوره فتح، آیه 29 و سوره صف آیه 6) (1) به روشنگری پرداخته است (بیات، 1395).

5-4-2- تحریف آموزه های اسلامی

آیات متعدد قرآن کریم (نساء/46؛ مائده/13 و 41) (2) نشان می دهد که اکثریت قوم یهود فرمان های خدا را تحریف می کردند.

بسیاری از تحریف ها و احادیث جعلی و اسرائیلیات (داستان های مذهبی بی اساس) از سوی علمای منافق یهودی (کسانی که در ظاهر اظهار اسلام کرده بودند) صورت گرفته

ص: 231

1- الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ؛ همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می کنند پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند (اعراف/157). * مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمِثْلَهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْهُ فَازَرَهُ فَاسْتَظْلَمَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است (فتح/29). * وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَبْنِي إِسْرَءِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ؛ و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده [تورات] می باشم و بشارت دهنده به رسولی که بعد از من می آید و نام او احمد است! هنگامی که او [احمد] با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: «این سحری است آشکار!» (صف/6).

2- مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا؛ بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می کنند و (به جای اینکه بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»)، می گویند: شنیدیم و مخالفت کردیم (نساء/46). * يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ؛ سخنان (خدا) را از موردش تحریف می کنند و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند (نساء/13). * وَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ؛ گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می دهند تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده اند آنها سخنان را از مفهوم اصلیش تحریف می کنند (نساء/41).

است. باکمال تأسف، افرادی چون تمیم داری و کعب الاحبار، در دستگاه های فرهنگی و دینی جهان اسلام جایگاهی والا کسب کردند! (معارف، 1392 ص 108).

6-4-2- دشمنی با جبرئیل علیه السلام

رسول خدا صل الله علیه و اله قوم یهود را به اسلام دعوت کرد، سران یهود پس از گذشت زمانی از هجرت پیامبر صل الله علیه و اله به محضر ایشان رسیدند و برای امتحان یا اثبات عجز و ناتوانی حضرت و... سؤالاتی پرسیدند از جمله: عبدالله بن صوری یکی از علمای طراز اول یهود این سؤال را پرسید که کدام ملک بر تو وحی الهی را نازل می کند؟ پیامبر صل الله علیه و اله فرمود: «جبرئیل»، آن عالم یهودی بلافاصله گفت: «ولی جبرئیل دشمن ما و ویرانگر و خون ریز است، اگر میکائیل وحی الهی را بر تو ابلاغ می کرد ما همگی به تو ایمان می آوردیم!» (طبرسی، 1372، ج 1، ص: 326). در این هنگام آیه های 97-98 سوره بقره (1) جواب دندان شکنی به یهود ارائه داد.

ص: 232

1- قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ؛ بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست) چرا که او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می کند و هدایت و بشارت است برای مؤمنان (بقره/97). * مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ؛ کسی که دشمن خدا و فرشتگان و رسولان او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است و) خداوند دشمن کافران است. (بقره/98).

اعمال فشارهای اقتصادی، یکی از شگردهای اقتصادی جنگ نرم برای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی ایران است. جهانی شدن اقتصاد و گسترش وابستگی متقابل اقتصادی و در نتیجه افزایش نقش اقتصاد در روابط بین الملل، باعث شده کشورها به طور گسترده ای از ابزار اقتصادی برای نیل به اهداف ملی خود استفاده کنند. تأثیرگذاری بر ذهنیت ها و رفتار، تنها با تکیه بر جنگ روانی و تبلیغات انجام نمی شود.

امکاناتی مانند عملیات فریب و اقدامات اطلاعاتی نیز می توانند نقش مهم و گاه منحصربه فردی در رسیدن به هدف یادشده فراهم کنند؛ ضمن اینکه گاه برخی اقدامات عملی یا به کارگیری قدرت سخت و نیمه سخت، می تواند صرفاً باهدف تأثیرگذاری روانی بر مخاطبان صورت پذیرد؛ نمونه هایی از این کاربرد را می توان به شرح زیر فهرست کرد: استفاده از تحریم، عدم همکاری، رسانه سازی و تصویرسازی در قالب تهاجم فرهنگی در بعد اقتصادی، استفاده از نیروهای ستون پنجم مانند محترکان، دلالان ارز و سکه، قاچاقچیان و غیره (سیف و خجسته، 1392ص 12). امروزه، به جز این موارد، حمایت از

اختلاس گران ایرانی که سرمایه هنگفتی را به این کشورها منتقل می کنند؛ از شیوه های دیگر جنگ اقتصادی بشمار می رود. مانند خاوری(1)، در کشور کانادا!

بررسی تاریخ نشان می دهد که قوم یهود دنیا طلب و مال دوست بودند و با آمدن پیامبر به مدینه منافع آنان به خطر افتاد، برای اینکه با رسول خدا و مسلمین مبارزه کنند و آن ها را در محاصره اقتصادی قرار دهند دست به اقدامات خصمانه و رذیلانه زدند که اهم آن ها عبارت اند از:

1-5-2- انحصار طلبی

به استناد آیه 53 سوره نساء(2) و آیه 100 سوره اسراء(3)، کفار اهل کتاب، به ویژه یهودیان چنان حسود و انحصار طلب اند که اگر قدرت و تسلط یابند، از حقوق مادی و معنوی، حتی پیشیزی (به اندازه کوچک ترین دانه در منقار پرنده) به مسلمین نمی دهند.

روح انحصار طلبی چنان بر آنان (کفار اهل کتاب) چیره شده که اگر موقعیتی را پیدا کنند به هیچ کس، هیچ حقی، نخواهند داد و همه امتیازات را درست به خودشان تخصیص می دهند! (مکارم شیرازی، 1374، ج 3، ص: 421).

ص: 235

1- محمودرضا خاوری، مدیر عامل سابق بانک ملی ایران و از مجرمان محکوم شده به دلیل مشارکت در اختلاس 3 هزار میلیارد تومانی است. محمودرضا خاوری در مهر 1390 به بهانه «مشکلات عصبی حادث شده و بیماری مزمن» از مقام خود استعفا داد و به کشور کانادا که تابعیت آن را دارا بود گریخت.

2- أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا؛ آیا آنان (یهود) نصیبی از حکومت دارند؟ [اگر هم داشتند]، به قدر نقطه پشت هسته خرمایی [چیزی] به مردم نمی دادند (نساء/53).

3- قُلْ لَّوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذَا لَا أَمْسَ كُنتُمْ خَسِيفَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا؛ بگو: اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید. در آن صورت، (بخاطر تنگ نظری) امساک می کردید، مبدا انفاق، مایه تنگدستی شما شود و انسان تنگ نظر است! (اسراء/100).

این اهل کتاب اگر چنین ملکی (قدرت مادی و معنوی) می داشتند، حتی اقل قلیلی و پیشیزی به مردم نمی دادند، ازبس که بخیل و بد سریر و بدباطن اند (طباطبایی 1374، ج 4، ص: 600).

2-5-2- تحریم اقتصادی

سران یهود برای این که مسلمین را از آیین اسلام برگردانند یا اعتقادات آن ها را تضعیف نمایند آنان را در بحران های اقتصادی شدیدی قرار دادند. قرآن کریم، در آیه 7 سوره منافقون(1)، به اهداف چنین کار غیرانسانی، پرداخته است، به طوری که عده ای از مسلمانان به ویژه مهاجرین در معرض مرگ قرار گرفتند. وقتی مهاجرین به سبب آزار و اذیت مشرکین مجبور شدند تا خانه و کاشانه خویش را در مکه ترک کرده به مدینه کوچ نمودند؛ از هیچ گونه امکانات مالی برخوردار نبودند، زیرا نه جان پناهی جهت استراحت و نه ابزار لازم جهت امرار معاش در اختیار داشتند و انصار مدینه هم به حد کفاف قدرت یاری آن ها، نداشتند، باینکه آنچه داشتند بین خود و مهاجرین تقسیم می کردند و حتی گاهی مهاجرین را بر خود مقدم می داشتند (رسولی محلاتی، 1392، ج 4، ص 147). یکی از شدیدترین تحریم های اقتصادی تاریخ اسلام، ماجرای «شعب ابیطالب» بود که طی آن مسلمانان در اثر تحریم یهود و مشرکان، در شرایط بسیار دردناکی قرار داشتند. محاصره شعب، سه سال طول کشید فشار و سختگیری ها به حدی رسید که ناله فرزندان بنی هاشم به گوش مشرکان مکه می رسید (ابن هشام- السیره النبویه، ج 1، ص 354).

استکبار جهانی، از جمله آمریکا، برای مقابله با کشورهای مستقل اسلامی و ظلم ستیز، از جمله ایران، از این شیوه بهره می گیرند.

ص: 236

1- هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا؛ به افرادی که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید (آن ها را تحریم اقتصادی کنید) تا (از اطراف پیامبر خدا) پراکنده شوند (از اسلام برگردند) (منافقون/7).

3- وَ يَاقَوْمِ أَوفُوا بِالْمِيثَاقِ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (هود/85). * وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ و حق مردم را کم نگذارید و در زمین تلاش برای فساد نکنید! (شعراء/183). * وَ إِلَى مَدِينِ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ؛ و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم) گفت: ای قوم من! خدا را پرستید، که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است بنا بر این، حق پیمانه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نکاهید! و در روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید! (85) (اعراف/85). * وَ يَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ؛ وای بر کم فروشان! وای بر کم فروشان! (مُطَفِّفِينَ/1). * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسَّ تَوْفُونَ؛ آنان که وقتی برای خود پیمانه می کنند، حق خود را بطور کامل می گیرند (مُطَفِّفِينَ/2). * وَ إِذَا كَالُواهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ؛ اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می گذارند (مُطَفِّفِينَ/3)

آیه 75 سوره شریفه آل عمران(1)، به اختلاف فاحشی که اهل کتاب در حفظ امانت ها و پیمان ها داشتند اشاره می کند و می فهماند اهل کتاب در این باب در دو طرف تضاد و دو نقطه مقابل قرار دارند، بعضی حتی در يك دينار خیانت را روا نمی دارند و بعضی دیگر شتر را با بارش می بلعند (مفسد اقتصادی اند) (طباطبایی، 1374، ج 3، ص: 413).

فساد اقتصادی دامنه گسترده ای دارد که مرحوم شیخ انصاری و دیگر فقها در کتب فقهی به مصادیق و جزئیات آن پرداخته اند. امروزه مصادق های فساد اقتصادی دامنه ای گسترده تر از آنچه در کتب فقهی متقدم ذکر شده؛ دارد که این سطور مجال احصای همه آن ها را ندارد. با این حال، مفاسد اقتصادی در سه حوزه فردی، اجتماعی و اداری و... قابل تبیین است که برای نمونه به برخی مصادیق هر کدام اشاره می گردد.

فساد اقتصادی فردی شامل احتکار، کم فروشی، گران فروشی، فریبکاری (تدلیس)، قاپاق، کلاه برداری و غیره.

مفاسد اقتصادی اجتماعی، شامل تجمل گرایی، اسراف و عدم اهتمام به حفظ اموال عمومی و غیره.

مصادیق فساد مالی اداری- که متأسفانه در طول تاریخ بیشترین سهم را دارد- موارد زیر را در بر می گیرد

ص: 238

1- وَ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ؛ و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز می گردانند و کسانی هستند که اگر يك دينار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی گردانند مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلط) باشی! این بخاطر آن است که می گویند: «ما در برابر اُمِّيَّین [غیر یهود]، مسئول نیستیم.» و بر خدا دروغ می بندند در حالی که می دانند (این سخن دروغ است). (آل عمران/75).

رشته، اختلاس(1)، اخذ پورسانت، جعل و تزویر، فرار مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و غیره. این بخش، ناظر به تصاحب اموال دولتی-اداری به شیوه نامشروع است.

امام علی علیه السلام به این نوع فساد در زمامدار قبلی اشاره نموده از آن می نالند:

وَقَامَ مَعَهُ بَنُو أَبِيهِ يَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ خِصْمَةَ الْإِبِلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ؛ دودمان پدری او (بنی امیه) به همراهی او برخاستند و چون شتری که گیاه تازه بهار را با ولع می خورد به غارت بیت المال دست زدند (شریف رضی، 1414 خ 3).

لذا یکی از مهم ترین برنامه های دشمن در کشورهای اسلامی، ترویج و عملیاتی کردن فساد اقتصادی است.

4-5-2- عدم بازپرداخت اموال مسلمین (توقیف و مصادره اموال)

با عنایت به آیه 75 سوره آل عمران(2)، گروهی از یهودیان برای منصرف کردن مسلمانان از آئین خود اقدام به کار جدیدی کردند و با خودداری از پرداخت هرگونه دین و یا امانت یا معاملاتی که در ذمه آن ها برای افرادی که به دین مقدس اسلام مشرف شده اند مسلمانان را محاصره اقتصادی کرده به آن ها گفتند: حقوقی که شما بر ما داشتید پیش از اسلام بود و اکنون که مسلمان شدید این حقوق منتفی و باطل گردید.

آمریکا و کشورهای اروپایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اموال و دارایی کشور ایران را بلوکه نموده از آزادسازی آن امتناع نمودند. در طول تحریم اقتصادی ایران توسط

ص: 239

1- به عنوان نمونه، در عصر کنونی ما، کشور کانادا، پناهگاه اختلاسگران ایرانی شده است؛ زیرا از سال 1391 تاکنون (آذر 1400) روابط این دو کشور به دلایلی قطع شده است.

2- وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنُهُ بِقَنْطَرٍ يُؤَدُّ إِلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنُهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ؛ و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز می گردانند و کسانی هستند که اگر يك دينار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی گردانند مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلط) باشی! این بخاطر آن است که می گویند: «ما در برابر اُمّیین [غیر یهود]، مسؤل نیستیم.» و بر خدا دروغ می بندند در حالی که می دانند (این سخن دروغ است). (آل عمران/75).

آمریکا و حامیانش، اکثر کشورهای همسو با آنان نیز، دارای (حساب های بانکی) ایران را مسدود کردند.

5-2-5- ترغیب مسلمان به بخل ورزی (عدم همکاری اقتصادی با دولت اسلامی)

بخل، یکی از رذایل اخلاقی است که انسان را از خرج کردن آنچه در تحت اختیار اوست، منع می کند؛ خواه از حقوق الهی باشد، مانند زکات، خمس و یا از حقوق خلقی، مانند نفقه های واجب، دیونی که وقت پرداخت آن ها رسیده و یا از امور بافضیلت، مانند صدقه، انفاق برای عیال و خویشان و همسایگان.

آیه 37 سوره نساء⁽¹⁾، بیان می کند که یهودیان مدینه علاوه بر سایر فشارهای اقتصادی، خودشان بخل ورزیده مسلمان را تشویق می کردند که اموال خود را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اصحابش مصرف نکنید.

دشمنان، ضمن اینکه خود برای جلوی گیری از توسعه اقتصادی کشور اسلامی می کوشند؛ مردم را به این کار تشویق می کنند. امروزه فرار مالیاتی، هدایت سرمایه ها از صنعت و تولید به تجارت خدمات نظیر بازارچه سازی و...، تعطیلی صنایع و غیره با شیوه های مختلف از مصادیق این بخش بشمار می رود.

ص: 240

1- الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا؛ آنها کسانی هستند که بخل می ورزند، و مردم را به بخل دعوت می کنند، و آنچه را که خداوند از فضل (و رحمت) خود به آنها داده، کتمان می نمایند. (این عمل، در حقیقت از کفرشان سرچشمه گرفته) و ما برای کافران، عذاب خوارکننده ای آماده کرده ایم (نساء 37).

با استناد به آیه 205 سوره بقره(1) از دیگر برنامه های اقتصادی دشمنان (منافقان) علیه مسلمین، نابود کردن زیرساخت های اقتصادی-صنعتی نظیر کشاورزی و دامداری و... است.

این آیات درباره «اخنس بن شریق» نازل شده که مردی زیبا و خوش زبان بود و تظاهر به دوستی پیامبر صل الله علیه و اله می کرد خود را مسلمان جلوه می داد و سوگند می خورد که آن حضرت را دوست دارد و به خدا ایمان آورده، پیامبر اکرم نیز که مأمور به ظاهر بود با او گرم می گرفت و او را مورد محبت قرار می داد، ولی او در باطن مرد منافقی بود، در يك ماجرا زراعت بعضی مسلمانان را آتش زد و چهارپایان آنان را کشت (و به این ترتیب پرده از روی کار او برداشته شد) در اینجا آیات فوق نازل شد (مکارم شیرازی، ج 2، ص: 73).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، منافقان با شیوه های گوناگون زیرساخت های صنعتی را تضعیف یا تعطیل کردند(2) ازجمله:

الف- واردات کالاهایی که مشابه آن در داخل تولید می شود.

ب- خام فروشی (صادرات مواد اولیه موردنیاز کارخانه های داخلی).

ج- تلاش برای خروج دام زنده از کشور و نابودی دامداری.

ه- واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی باقیمت ارزان و غیره؛ که با ورود قوه قضائیه، جلو این کار گرفته شد.

و...

ص: 241

1- وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ (نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی گردانند (و از نزد تو خارج می شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می کنند، و زراعتها و چهارپایان را نابود می سازند (با اینکه می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد (بقره/205).

2- این ترفند، در نیمه دوم دهه 90 (1395 تا خرداد 1400 ه.ش) اوج گرفت.

خلاصه بخش سوم از فصل دوم (روش های جنگ نرم در بعد سیاسی)

جنگ نرم در حوزه مسائل سیاسی، گستره وسیعی دارد، از جمله پیمان شکنی (پیمان شکنی طوایف یهود بنی النضیر، بنی قینقاع، بنی غریظه) تفرقه افکنی و جلوگیری از همبستگی مسلمین (داخلی و خارجی)، سرکوب، (تهدید، توسل به خشونت و اذیت و تطمیع)، تضعیف و حذف رهبری (تهمت و افتراء، تهمت برتری جویی به پیامبر خدا، تهمت جنون و سبک مغزی، نسبت دادن (تهمت) ساحری و سحر زدگی به پیامبران الهی، دروغ گو خواندن رهبر، نسبت شاعری به رهبر، نسبت ناروای کاهنی به پیامبران، برچسب فسادگری به رهبر، برچسب گمراهی به رهبر دینی، معرفی رهبر دینی به عنوان سرچشمه بدبختی ها و ناکامی ها، تهمت ناتوانی و فریب کاری به رهبر، تحقیر و تمسخر رهبر، تهدید رهبر، انکار و ایجاد تردید نسبت به حقانیت رهبری، آزار رساندن به رهبر و پیروانش، نقشه قتل پیامبران، قتل رهبران الهی)، تشکیل جلسات مخفیانه (شبانہ) برای کار شکنی در امور. فریب کاری،

خلاصه بخش چهارم از فصل دوم (روش های جنگ نرم در زمینه مسائل اجتماعی)

برخی از مهم ترین برنامه های دشمن در زمینه مسائل اجتماعی علیه موحدان و مسلمین عبارت اند از بردگی و بندگی انسان ها، وارونه جلوه کردن امور (آدرس غلط دادن).

- شایعه پراکنی، القای خوف و وحشت در دل مردم، مانع تراشی و بهانه گیری (فرار از مسئولیت)، دروغ گویی و دروغ پراکنی، تحریک عواطف مصلحان الهی، نفوذ در لایه های جامعه اسلامی (نفوذ به عامه مردم، نفوذ به ارکان نظام)، نفاق و نیرنگ، گسترش انواع فساد (فساد اخلاقی، فساد جنسی، فساد اداری، فساد اقتصادی و...)، تحقیر توده های مستضعف، آزار رساندن به پیامبر اکرم و مسلمانان، تمسخر انبیاء و پیروانشان،

خلاصه بخش پنجم از فصل دوم (روش های جنگ نرم در زمینه مسائل نظامی)

گستره جنگ نرم دشمن در حوزه نظامی عبارت اند از جنگ افروزی، طرح ترور پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، تحریک و تجهیز مخالفان اسلام، تهدید امنیت (ایجاد ناامنی و تهدید نظامی)، جاسوسی علیه مسلمانان، تلاش برای تضعیف روحیه لشکریان اسلام، تضعیف روحیه ایثارگران و خانواده شهدا.

خلاصه بخش ششم از فصل دوم (روش های جنگ نرم در حوزه فرهنگی)

گستره خصومت استکبار با اسلام از بعد فرهنگی شامل انکار رسالت پیامبر اکرم صل الله علیه اله، حقیقت گریزی و نژادپرستی، سعی در گمراه کردن مسلمانان و مردم با شیوه های گوناگون، تضعیف توحید (نسبت فقر دادن به خدا)، شبهه ارائه تورات در قرآن به گونه ای تحریف یافته! و منکر رسالت نبی مکرم اسلام، ترجیح بت پرستی بر خداپرستی جهت ایجاد تردید در مسلمین، ترویج خرافات، شبه افکنی، به بازی گرفتن اصل دین، کتمان بشارت پیامبر اسلام، دشمنی با جبرئیل علیه السلام، تحریف آموزه های اسلامی،

خلاصه بخش هفتم از فصل دوم (روش های جنگ نرم در حوزه اقتصادی)

گستره خصومت استکبار با اسلام از بعد اقتصادی شامل انحصارطلبی، تحریم اقتصادی،

ترویج فساد اقتصادی، عدم بازپرداخت اموال مسلمین (توقیف و مصادره اموال)، ترغیب مسلمین به بخل ورزی (عدم همکاری اقتصادی با دولت اسلامی)، نابود کردن زیرساخت های اقتصادی.

ص: 244

فصل سوم: اصول و روش های مبارزه با جنگ نرم از نگاه قرآن

اشاره

ص: 245

قرآن کریم، ضمن تصریح به ترفندهای استکباری-که در فصل دوم اشاره شد- اصول و راهکارهای لازم را نیز بیان نموده است که شناخت و کار بست آن ها، بهترین (زمر/ 55)(1) و مناسب ترین راه گشای جهان اسلام در راه استکبارستیزی خواهد بود؛ زیرا دستورهای قرآنی، از چشمه زلال وحی بیرون آمده برخلاف اندیشه های صرف بشری- فاقد هرگونه عیب و نقص بوده و در کل جهان (یوسف/ 104)(2)، قابلیت اجرایی دارد. مقایسه مجموعه نقشه های شوم ظالمان - که در قرآن ذکر شده- با عملکرد مستکبرین در طول تاریخ تاکنون، همسانی و همخوانی کاملی را نشان می دهد، فقط شکل رفتارها، به دلیل رشد ابزارها و فناوری اندکی تفاوت دارد، نه اصل رفتار. از این رو، خداوند متعال، دقیق ترین، مناسب ترین و بهترین راهکارها و اصول مبارزه با استکبار را در قرآن کریم، به مسلمین آموخته اند که باید این مسائل به دقت شناسایی و تبیین شوند.

از سوی دیگر در عصر کنونی، استکبار، از جمله آمریکا و همدستانان، برای از بین بردن مسلمین، از هیچ تلاشی دریغ نمی کند، به انواع نیرنگ های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دست می زنند! هریک از کشورها، مخصوصاً بلاد اسلامی را به گونه ای غارت و

ص: 246

1- وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ؛ و از بهترین دستورهایی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید (زمر/ 55).

2- إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ؛ آن نیست مگر تذکری برای جهانیان (یوسف/ 104).

نابود می کند! در منطقه خاورمیانه-مرکز جهان اسلام- برخی کشورها را دست نشانده خود نموده و برخی کشورها - از جمله عراق، افغانستان، سوریه، یمن و...- را با جنگ نظامی تضعیف می کنند. برخی کشورها - مانند جمهوری اسلامی ایران- را پس از جنگ تحمیلی 8 ساله، با تحریم تهدید و جنگ نرم، تروریسم و غیره هدف گرفته اند (جاودانی، 1382)، این در حالی است که بسا، پاره ای از مردم، از حقیقت این نقشه ها و ترفندهای شیطانی استکبار، بی خبر هستند. طبق آیه 169 سوره بقره، شیطان - به عنوان نماد استکبار- انسان ها مخصوصاً مؤمنین را به انواع بدی ها و زشتی ها دستور می دهد. آیات 31 - 33 سوره سبأ و آیه سوره 21 ابراهیم حاکی از دسیسه های شبانه روزی مستکبران برای القای اندیشه های خود به مستضعفان است.

با عنایت به موارد بالا، مسئله اساسی این است که متأسفانه، این راهکارها، به طور کامل و کاربردی استخراج نشده و در کشورهای مستضعف، مخصوصاً بلاد اسلامی، نهادینه نشده است. از این جهت باید پرسید که قرآن کریم، برای مبارزه با مستکبرین، چه اصول و روش هایی را بیان نموده است؟ در این کتاب، به سؤالات مذکور پاسخ داده شیوه های مقابله با جنگ نرم را از منظر قرآن و حدیث تبیین می نماییم.

از دیدگاه قرآن کریم (بقره/194؛ نحل/126؛ انفال/58؛ رحمن/60)(1)، مقابله به مثل در تمامی امور؛ اعم از مثبت و منفی به ویژه در عرصه جنگ و صلح در حوزه سیاست خارجی کاربرد دارد و این کتاب آسمانی، راهبردهای به کارگیری آن را فراروی دولت اسلامی قرار

ص: 247

1- فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ؛ هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن، بر او تعدی و تجاوز کنید (بقره/194). وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ؛ و هر گاه خواستید کیفر کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده، کیفر دهید. (نحل/126). وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ؛ و اگر از خیانت و پیمان شکنی گروهی [از آنان که با هم معاهده دارید]، بیم داری، پس تو نیز [نقض پیمان خود را] بر مبنای تساوی و عدالت به سوی آنها بیفکن [و بدون اعلام، پیمان خود را مشکن] که همانا خداوند، خائنان را دوست ندارد (انفال/58). وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا؛ کیفر بدی، مجازاتی همانند آن است (شوری/40) هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ؛ آیا جزای نیکی جز نیکی است؟! (رحمن/60).

داده است تا بر اساس مصالح و اولویت های موجود آن را در تعامل و روابط با دیگران به کار گیرد. توصیه قرآن نسبت به مقابله به مثل با دیگران در امور نیک و مثبت جبران احسن آن ها است، اما در امور منفی و در برابر کشوری که روابط خصمانه با دولت اسلامی دارد، توسل به اقدام متناسب متقابل است. در این باره اجتناب از زیاده روی به ویژه نسبت به غیرنظامیان و نیز استفاده از روش های غیرانسانی توصیه شده است (میرعلی، 1398: 135).

ص: 248

*1-1-3- ضرورت مقابله با فتنه (1) (جنگ نرم)

قرآن کریم (انفال/39؛ بقره/193) (2) و اهل بیت (علیه السلام)، ما را به مبارزه با فتنه گران فراخوانده اطاعت از رهبری را تنها راه رهایی از فتنه دانسته تأکید می نمایند که اگر با کفار مقابله نکنید؛ فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می دهد (انفال/73) (3).

در آیه 25 سوره انفال (4)،

ضرورت مبارزه با فتنه تفرقه به شکل خاصی بیان شده است. معنای آیه به تحذیر تمامی مسلمانان از سهل انگاری در امر اختلافات داخلی خواهد بود، چون این گونه اختلافات آنان را به تفرقه و اختلاف کلمه تهدید نموده و باعث می شود که وحدت مسلمین به تشتت و چنددستگی مبدل شود، ... چون فتنه های مزبور وحدت دینی اسلام را منهدم نموده و با ایجاد تفرقه، قدرت و شوکت اسلام را درهم شکسته، خون هایی

ص: 250

- 1- در فصل دوم گذشت که «فتنه»، مهمترین معادل جنگ نرم در قرآن و حدیث است.
- 2- وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ و با آنان بجنگید تا هیچ ن-وع ف-ساد و فتنه [وخ-ونریزی و ن-امنی] ب-ر جای نماند و دین [در س-راسر گیتی] ویژه خدا شود؛ پس اگر از فتنه بازایستند [با آنان بجنگید] زیرا خدا، به آن-چه ان-جام می دهند، بیناست (انفال/39). * وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ؛ و با آنها بجنگید ت-ا ف-تنه (بت پرستی و سلب آزادی از مردم)، باقی ن-ماند و دی-ن، تنها از آن خدا شود. پس اگر (از روش نادرست خود)، دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید؛ زی-را) ت-عدی جز بر ستمکاران روا نیست (ب-قره/193).
- 3- إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ (انفال/73) اگر (این دستور را) انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می دهد.
- 4- وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمْتُمْ مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ و از فتنه ای بپرهیزید که ت-نها ب-ه س-تمکاران شما نمی رسد (بلکه همه را فرا خواهد گرفت، زیرا دیگران سکوت اختیار کردند) و بدانید خ-داوند ک-یفر شدید دارد (انفال/25).

به ناحق ریخت و باعث اسارت و غارت و هتك نوامیس و حرمت ها گردید (طباطبایی 1374، ج 9، ص: 65).

مخاطب این آیه (25 سوره انفال) همه امت اسلامی و جامعه مؤمنان است. مضمون این آیه این است که همه جامعه اسلامی و همه مؤمنان موظف اند با فتنه هایی که هرچند در ظاهر مخصوص ظالمان و ستمگران است مبارزه کنند؛ چراکه آسیب ها و آفات فتنه همگان را در بر خواهد گرفت. در ذیل آیه نتیجه این توصیه نیز بیان شده است که اگر مسلمانان وظیفه خود را در مقابله با فتنه ها انجام ندهند، عذاب های شدید الهی در دنیا و آخرت نصیبشان خواهد شد. ثمره فتنه چیزی جز ضعف اجتماع مسلمانان، ایجاد تفرقه و اختلاف در صفوف آنان و در نتیجه ذلت و خواری حکومت و جامعه اسلامی در برابر دشمنان نخواهد بود و بر همه افراد جامعه اسلامی به ویژه خواص و نخبگان لازم است ضمن شناسایی فتنه ها و آگاهی دادن به مردم، بکوشند آتش فتنه را خاموش کنند و ریشه آن را بسوزانند (ذوقفاری و جاوری، 1391 ص 28).

2-1-3- عوامل مؤثر در مقابله با جنگ نرم

1-2-1-3- وجود رهبری صالح و یاورانی راستین

برای مبارزه با استکبار، در همه زمینه ها از جمله جنگ نرم، وجود رهبری شایسته و جمع شدن یاران و افراد جامعه، گرد محور او از ضروریات و بایسته های اولیه است. رهبر صالح و نیروی انسانی مطیع، دو شرط اساسی برای مبارزه با ستمگران است (موسوی 1387 ص 36). طبق تحقیقات متعدد (امیری و همکاران، 1392 ص 121؛ بیگدلو، 1391 ص 25)، ولایتمداری و عمل به رهنمودهای ولی فقیه بالاترین سهم را در مقابله با جنگ نرم دارد.

ص: 251

در آیه 75 سوره نساء(1)، نخستین تقاضای مستضعفان گرفتار در چنگال دشمن، برای نجات خویش، نخست تقاضای ولی (رهبر شایسته) سپس درخواست یار و یاور از جانب خداوند است.

مسلمانانی که در چنگال دشمن گرفتار بوده اند برای نجات خویش نخست تقاضای «ولی» از جانب خداوند کرده اند و سپس «نصیر». برای نجات از چنگال ظالمان قبل از هر چیز وجود «رهبر» و سرپرست لایق و دلسوز لازم است و سپس یار و یاور و نفرت کافی، بنابراین وجود یار و یاور هر چند فراوان باشد بدون استفاده از يك رهبری صحیح بی نتیجه است (مکارم شیرازی، 1374 ج 4، ص: 11).

حدود 30 مورد از آیات قرآن، فقط با فعل امر «أَطِيعُوا وَ أَطِيعُونِ» (آل عمران/132؛ شعرا/150...) (2) به اطاعت از رهبری، سفارش اکید نموده است. فرجام این پیروی هم رستگاری و پیروزی معرفی شده است (نور/52) (3). نقش رهبری، در ظهور و استمرار انقلاب اسلامی ایران، به روشنی، نمایان است. لذا، داشتن رهبری شایسته و وجود و اطاعتِ یاورانی راستین از اصول استکبارستیزی است.

امام علی علیه السلام تأکید دارند که «فَإِنِّي فَقَّاتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ وَلَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِئَ عَلَيْهَا أَحَدٌ غَيْرِي بَعْدَ أَنْ مَاجَ غِيْبُهَا وَ اِشْتَدَّ كَلْبُهَا فَاسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْهَرُ دُونِي؛ فقط و فقط من بودم که چشم فتنه را کندم و جز من هیچ کس جرئت چنین کاری را نداشت، آنگاه که امواج سیاهی ها بالا گرفت و به آخرین درجه شدت خود رسید. پس از من بپرسید پیش از آن که مرا نیابید» (نهج البلاغه، خطبه 93). حضرت در خطبه 5 نهج البلاغه، اهل بیت (ولایت و

ص: 252

1- وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما! (نساء/75)

2- أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ خدا و پیامبر را اطاعت کنید تا مشمول رحمت شوید (آل عمران/132)؛

3- وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند (نور/52).

رهبری) را کشتی نجات از فتنه معرفی می کنند: «أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسَفْنِ النَّجَاةِ: ای مردم امواج فتنه ها را با کشتی های نجات (اهل بیت) در هم شکنید»

دو ویژگی مهم در رهبری جامعه ی اسلامی برای برخورد با فتنه ها درخور اهمیت است: یکی، «بصیرت»⁽¹⁾ (نهج البلاغه، خطبه ی 10) به معنای شناخت و بینش دقیق از جامعه و فتنه های هم بستر با آن است و دیگری، جسارت و شجاعت⁽²⁾ (نهج البلاغه، خطبه ی 6) در اقدام و مقابله با آن هاست. رهبری در هرم قدرت جامعه ی اسلامی از جایگاه والا و خطیری برخوردار است و هر عمل و سخن رهبر به عنوان پیش برنده ی اجتماع مسلمانان، اهمیت بسیار دارد. از این رو، بینش استوار و شناخت همه جانبه و صحیح از عوامل فتنه ها، شرط لازم و اساسی برای رهبری خردمندانه ی جامعه ی اسلامی است. در میان امواج فتنه ها که هر کدام به سویی پیش می روند، قدرت تفکر، تدبّر و اراده و عمل رهبری می تواند تلاطم امواج را فرونشاند و کشتی توفان زده ی جامعه را به ساحل آرامش رساند. بصیرت، روشن بینی و درک درست، از شرایط رهبری جامعه ی اسلامی است که به همراه توانمندی و جسارت برخورد، نقش ویژه ای در دفع فتنه دارد. آری اگر نیروی عزم و اراده و قدرت اندیشه و کیاست، در رهبری جمع گردد، جامعه مسیر هدایت را می پیماید و سنگلاخ های پریچ و خم را درمی نوردد. (آقاخان قناد 1380، ص 40).

ص: 253

1- امام علی علیه السلام بصیرت خود را چنین به تصویر می کشد: أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَاسَّ تَجَلَبَ حَيْلَهُ وَرَجَلَهُ وَإِنَّ مَعِيَ لَبِصَةً يَرْتِي. مَا لَبَسْتُ عَلَى نَفْسِي وَلَا لُبْسَ عَلَى وَائِمِ اللَّهِ لَا فَرِطَنَ لَهُمْ حَوْضًا أَنَا مَا تَحُهُ! لَا يُصْذِرُونَ عَنْهُ وَلَا يَعُودُونَ إِلَيْهِ؛ به هوش باشید که اینک شیطان، هواداران خود را گرد آورده و نیروهای سواره و پیاده اش را فرا خوانده است؛ اما این همه بر من هیچ است؛ زیرا که بینش من همواره با من است. هرگز حقایق را بر خود مشتبه نساخته ام تا عوامل دیگر، زمینه ساز اشتباه آفرینی شود. به خدا سوگند! برایشان گودالی پر آب کنم که چون در آن افتند، بیرون شدن نتوانند و چون بیرون آیند، هرگز هوس نکنند که بار دیگر در آن افتند. (نهج البلاغه، خطبه ی 10).

2- مولا علی علیه السلام از شجاعت و ذکاوت خود این گونه سخن می راند: وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَالضَّبْعِ تَنَامُ عَلَى طُولِ اللَّدْمِ حَتَّى يَصِلَ إِلَيْهَا طَالِيهَا وَيَخْتَلِهَا رَاصِدُهَا، وَلَكِنِّي أَصْرَبُ بِالْأُمُقْبِلِ إِلَى الْحَقِّ الْمُدْبِرِ عَنْهُ وَبِالسَّمَاعِ الْمُطِيعِ الْعَاصِيَ الْمُرِيبِ أَبَدًا؛ به خدا سوگند! من نه آن کفترام که به ضرب آهنگ های پیاپی و طولانی صیاد به خواب رود تا جوینده اش به او برسد و نخجیرگیر کمین کرده در راهش تا او را بفریبد و او را فرا چنگ آورد (هرگز غافلگیر نمی شوم) من همواره با یاری انسان حق طلب، بر سر آن کس می گویم که از حق روی گردان است، (نهج البلاغه، خطبه ی 6).

امام رضا علیه السلام در اهمیت رهبری می فرمایند «امامت، زمام دین و مایه نظام و تشکیلات مسلمانان و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است. رهبری، پایه بالنده اسلام و شاخه بلند آن است» (1) (کلینی، 1407 ج 1 ص 200).

حضرت امام علی (علیه السلام) تصریح نمودند که «نقش زمامدار نسبت به ملت، مانند رشته ای است که مهره ها را گردآورده و به یکدیگر پیوند می دهد. اگر رشته بگسلد، دانه ها از هم می پاشد و هرگز، گرد نمی آیند» (2) (نهج البلاغه، خ 146).

پس وجود رهبری توانا که مردم را گرد خود جمع کرده اهداف نظام اسلامی را پیگیری نماید؛ در فرایند مقابله با جنگ نرم، ضروری می نماید.

2-2-1-3- پناه بردن به قرآن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله:

فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ ... هُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلَى خَيْرِ سَبِيلٍ؛ آنگاه که فتنه ها ... همه جا را فراگیرد شما باید به قرآن پناه ببرید... زیرا به بهترین راه راهنمایی می کند (کلینی 1407 ج 2، ص: 599). یکی از راهکارهای امام علی (علیه السلام) برای گریز از فتنه جمل، پناه بردن به قرآن است (نهج البلاغه، خطبه ی 169) (3).

ص: 254

1- إِنْ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاحُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنْ الْإِمَامَةُ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَفَرْعُهُ السَّامِي. (کلینی، 1407 ج 1 ص 200).

2- مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَائِيرِهِ أَبَدًا (نهج البلاغه، خ 146).

3- فَأَرَادُوا رَدَّ الْأُمُورِ عَلَى أَذْبَارِهَا وَلَكُمُ عَلَيْنَا الْعَمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْقِيَامُ بِحَقِّهِ وَالنَّعْشُ لِسُنَنِهِ؛ می خواهند کارها را در مسیر جاهلیت گذشته اندازند (منظور اصحاب جمل است). شما را بر ما حقی است و آن عمل کردن به کتاب خدای تعالی و سیرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و قیام به ادای حق و برپای داشتن سنت اوست (نهج البلاغه، خطبه ی 169).

اشاره

«علم» به معنی دانستن و فهمیدن، حدود 788 بار، در قرآن آمده که اهمیت و ضرورت این امر را نشان می دهد. علم، در این مقال، همان معنی رایج، یعنی دانستن، اطلاعات تخصصی و عمومی است. «بصیرت» به معنی توان تجزیه و تحلیل اطلاعات، قدرت تشخیص حق از باطل، مخصوصاً در زمان فتنه. هردو، مقوله برای مبارزه با ستمگران، ضروری می نماید.

الف- علم به معنی دانستن مطالب و مسائل

* الف- علم به معنی دانستن مطالب و مسائل (1)

جای جای سوره ها و آیه های قرآن کریم، مستقیم یا غیرمستقیم، مسلمین را به علم ترغیب کرده (نحل/43)(2)

از عالمان تجلیل می کند (زمر/9؛ مجادله/11)(3). پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ضمن تأکید بر آموختن علم (کلینی، 1407 ج 1، ص 30)(4).

طی شمارش آثار علم، دانش را به سلاحی علیه دشمن، تشبیه ساخته اند: «العلم... وَ سِلَاحٌ عَلَى الْأَعْدَاءِ» (ابن شعبه حرانی، 1404 ص 28). حضرت علی (علیه السلام)، آموختن علوم سودمند را از ویژگی های پروا پیشگان می خوانند (شریف الرضی، 1379، خطبه 193). (5) در فرمایش دیگر، آن حضرت به کمیل بن زیاد، فرمودند «دانش، نگهبان و فرمان رواست» (شریف الرضی، 1379، حکمت 147)(6).

این امام بزرگوار، دانش و آگاهی را از بایسته های زندگی در ابعاد گوناگون می داند:

ص: 255

1- تعلیم و تعلم در اسلام، اهمیت زیادی داشته، علما از جایگاه بلندی برخوردارند، در این بخش از کتاب حاضر، فقط چند نمونه از آیات و روایات ذکر شده است. علاقتان به کتب روایی نظیر کافی باب «علم و علما» مراجعه نمایند.

2- فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ اگر نمی دانید، از آگاهان پرسید (نحل/43).

3- قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ بگو: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟ (زمر/9)، «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛ خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد (مجادله/11).

4- طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مَسْلُومٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاةَ الْعِلْمِ، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: دانشجوئی بر هر مسلمانی واجب است، همانا خدا دانشجویان را دوست دارد.

5- وَقَفُّوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ، پارسایان دانش های سودمند می جویند.

«ای کمیل! هیچ فعالیت و حرکتی نیست مگر آنکه در انجام آن به علم و معرفت نیازمندی» (مجلسی، 1403 ص. 268)(1). امام متقیان، رشد و کمال دین را در علم می داند (کلینی، 1407، ج. 1، ص. 30)(2).

ب- بصیرت

بصیرت در لغت، به معنای بینائی دل، معرفت و درک، عقل و زیرکی است (قرشی، 1371، ج 1، 195). در اصطلاح، عبارت است از قوه ای در قلب شخص که به وسیله آن حقایق اشیا و امور را درک می کند؛ به عبارت دیگر، شناخت روشن و یقینی از دین، تکلیف، پیشوا، حجت خدا، راه، دوست و دشمن، حق و باطل، «بصیرت» نام دارد. یکی از معانی رایج این واژه در دهه اخیر، (1388 به بعد) به معنی تشخیص حق و باطل، درک توطئه های دشمن و به طور کلی، عبور موفقیت آمیز از فتنه هاست. بصیرت- که به معنای هوشیاری و از اسمای ذات الهی است- در قرآن کریم، بسیار به کار رفته است. بصیرت از نظر فقیهان، همان قوای ممیّزة مصلحت و مفسده یا نیروی قلبی متأثر از نور خدا است که ابزار تشخیص حقایق اشیا هست. در بیان بعضی از بزرگان، بصیرت، اساس انسانیت انسان یا راه نجات کشورهای اسلامی هست (جواهری، 1392، ص 31).

ماده «بصر» و مشتقات آن 148 بار در 62 سوره و 139 آیه قرآن، استعمال شده است که از نقش و اهمیت بالای آن ها در سرنوشت انسان حکایت می کند. این کتاب آسمانی، بصیرت را از ویژگی های مهم پیامبر اسلام و پیروان آن حضرت می شمارد: «این راه من است من و پیروانم و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم» (یوسف/108)(3). حضرت علی (علیه السلام) ویژگی هایی برای انسان بصیر فرموده اند؛ از جمله «انسان

ص: 256

1- يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ.

2- أَيُّهَا النَّاسُ ااعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ

3- قُلْ هَٰذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي (يوسف/108)

با بصیرت کسی است که بشنود و خوب بیندیشد و بنگرد و ببیند و از تجارب دنیا بهره گیرد، سپس در راه روشن حرکت کند و از افتادن در پرتگاه ها و گم شدن در کوره راه ها، دوری نماید» (شریف الرضی، 1379، خطبه 153). (1) این امام همام، به مسلمانان گفت: «فَانْفُذُوا عَلَى بَصَائِرِكُمْ؛ پس ای مردم، با بصیرت حرکت کنید (نهج البلاغه، خطبه 197). (2) فَاصْحِرْ لِعَدُوِّكَ وَامْضِ عَلَى بَصِيرَتِكَ؛ پس برای مقابله با دشمن، سپاه را بیرون بیاور و با آگاهی لازم به سوی دشمن حرکت کن (نهج البلاغه، نامه 34). (3) إِلَّا مَنْ فَاءَ مِنْ أَهْلِ الْبَصَائِرِ؛ جز اندکی از آگاهان (صاحبان بصیرت) که مسیر خود را تغییر دادند (از فتنه رهایی یافتند) (نهج البلاغه، نامه 32 و...). (4) الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا.

4-2-1-3- شناسایی و معرفی سران فتنه

حضرت علی علیه السلام در نامه 1 نهج البلاغه-خطاب به مردم کوفه- سران- فتنه جمل (طلحه، زبیر و عایشه) را به صراحت به مردم معرفی نموده تصریح دارند که این سه نفر از یک سو قتل عثمان را هدایت کرده اکنون نیز فتنه ای پیا کرده (به بهانه خونخواهی عثمان) علیه من شوریده اند که سریعاً به یاری امیرتان بشتابید (5).

ص: 257

1- فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ وَانْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي وَالضَّلَالَ فِي الْمَغَاوِي وَ لَا يُعِينُ عَلَى نَفْسِهِ الْعَوَاةَ بِنَعْسٍ فِي حَقٍّ أَوْ تَحْرِيفٍ فِي نَظَرٍ أَوْ تَخَوُّفٍ مِنْ صِدْقٍ.

2- و متولیان حکومتی

3- تأکید می نمایند که در همه امور، با «بصیرت» حرکت کنید. حضرت علی علیه السلام تنها صاحبان بصیرت را نجات یافته از فتنه معرفی می نمایند.

4- از نگاه امام صادق علیه السلام بصیرت، چراغ راهنما است؛ کسی که بدون بصیرت، بکاری دست می زند مانند مسافری است که در بیراهه می رود، او هر قدر بر سرعت سیر خود می افزاید به همان نسبت از جاده دورتر می شود (کلینی، 1407، ج 1 ص 43)

5- ... فَإِنِّي أَخْبِرُكُمْ عَنْ أَمْرِ عُمَانَ حَتَّى يَكُونَ مَعَهُ كَعِيَانِهِ إِنَّ النَّاسَ طَعَنُوا عَلَيْهِ فَكُنْتُ رَجُلًا مِنَ الْمُهَاجِرِينَ أَكْثَرَ مِمَّنْ تَعْتَابُهُ وَأَقْلُ عِتَابَهُ وَ كَانَ طَلْحَةُ وَ الزُّبَيْرُ أَهْوَنَ سَرِيرِهِمَا فِيهِ الْوَجِيفُ وَ أَزْفَقَ حِمَاهُمَا الْعَنِيفُ* وَ كَانَ مِنْ عَائِشَةَ فِيهِ فَلْتَةٌ غَضَبٍ فَأُتِيَاحَ لَهُ قَوْمٌ [فَقَتَلُوهُ] فَقَتَلُوهُ ... وَ اعْلَمُوا أَنَّ دَارَ الْهَجْرَةِ قَدْ قَلَعَتْ بِأَهْلِهَا وَ قَلَعُوا بِهَا وَ جَاسَتْ جَيْشُ الْمَرْجَلِ وَ قَامَتِ الْفِتْنَةُ عَلَى الْقُطْبِ فَأَسْرِعُوا إِلَى أَمِيرِكُمْ وَ بَادِرُوا جِهَادَ عَدُوِّكُمْ؛ همانا شما را از کار عثمان چنان آگاهی دهم که شنیدن آن چنان دیدن باشد، مردم بر عثمان عیب گرفتند و من تنها کسی از مهاجران بودم که او را به جلب رضایت مردم واداشته و کمتر به سرزنش او زبان گشودم. اما طلحه و زبیر، آسان ترین کارشان آن بود که بر او یورش برند و او را برنجانند و ناتوانش سازند. عایشه نیز ناگهان بر او خشم گرفت، عده ای به تنگ آمده او را کشتند... آگاه باشید! شهر مدینه مردم را يك پارچه بیرون راند و مردم نیز برای سرکوبی آشوب از او فاصله گرفتند. دیگر حوادث آشوب به جوش آمد و فتنه ها بر پایه های خود ایستاد. پس به سوی فرمانده (ولی امر) خود بشتابید و در جهاد با دشمن بر یکدیگر پیشی گیرید (نامه 1 نهج البلاغه).

مولای متقیان، خواصّی با بصیرت، نظیر عمار، مالک، خزیمه بن ثابت و غیره که امام را در غلبه بر فتنه ها و فتنه گران یاری می رسانند، به نیکویی می ستایند (نهج البلاغه، حکمت 443\خطبه 182).⁽¹⁾ به این معنی که برای عبور از فتنه، نخبگان و یاران جبهه حق باید در جامعه، حضور فعال داشته و مردم را آگاه سازند.

6-2-1-3- حضور توده مردم (حامیان حق) در خارج از صحنه فتنه

مردم، رکن اصلی و واحد ضروری تشکیل دهنده ی اجتماع اند و در تغییر و تحول های اجتماعی نقش اساسی دارند. هرچه مردم جامعه از نشاط، پویایی، هوشیاری و زیرکی بالاتری برخوردار باشند، جامعه بهتر و سریع تر مسیر ترقی و پیشرفت را خواهد پیمود و کمتر دچار فتنه ها می شود. اکنون پرسش این است که مردم چگونه با فتنه ها روبه رو گردند؟ وظیفه ی آنان در رویارویی با امواج خروشان و توفان زای فتنه چیست؟ با توجه به گستردگی و پیچیدگی فتنه، به طور معمول، شناخت و تجزیه و تحلیل لایه های زیرین و درونی فتنه ها برای مردم دشوار است. از این رو، باید با احتیاط با آن روبه رو شوند و تا آنجا

ص: 258

1- أَئِنْ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ وَ مَضَوْا عَلَى الْحَقِّ أَئِنْ عَمَّارٌ وَ أَئِنْ ابْنُ التَّيْهَانِ وَ أَئِنْ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ وَ أَئِنْ نَظَرَاؤُهُمْ مِنْ إِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ تَعَاقَدُوا عَلَى الْمَنِيَّةِ وَ أُبْرِدَ بُرْؤُسُهُمْ إِلَى الْفَجْرَةِ؛ کجا هستند برادران من که بر راه حق رفتند و با حق در گذشتند؟ کجاست عمار؟ و کجاست پسر تیهان؟ (مالک بن تیهان انصاری) و کجاست ذو الشّهادتین؟ (خزیمه بن ثابت که پیامبر شهادت او را دو شهادت دانست) و کجایند همانند آنان از برادرانشان که پیمان جانبازی بستند و سرهایشان را برای ستمگران فرستادند؟ (نهج البلاغه، خطبه 182).... وَ مَا مَالِكٌ وَ اللَّهُ لَوْ كَانَ جَبَلًا لَكَانَ فَتْدًا- [أَوْ] وَ لَوْ كَانَ حَجْرًا لَكَانَ صَدْلًا لَا يَرْتَقِيهِ الْحَافِرُ وَ لَا يُوفِي عَلَيْهِ الطَّائِرُ؛ مالک! چه مالکی؟ به خدا اگر کوه بود، کوهی که در سرفرازی یگانه بود و اگر سنگ بود، سنگی سخت و محکم بود، که هیچ رونده ای به اوج قلّه او نمی رسید و هیچ پرنده ای بر فراز آن پرواز نمی کرد! (نهج البلاغه، حکمت 443).

که می توانند دامن خود را از آن برکشند و به همراه رهبر عادل و زمان شناس جامعه اسلامی حرکت کنند. البته این بدین معنا نیست که نسبت به حوادث روزگار و آنچه در متن جامعه می گذرد، بی تفاوت بود و در حالت خمودگی به سر برد. بلکه منظور فتنه گریزی به دور از بی تفاوتی است. پیش رفتن به سوی فتنه و افکندن خود در آتش آن، ناپسندیده است. (آقاجانی قناد، 1380 ص 42).

حضرت علی علیه السلام حضور حامیان ولایت و امامت (طرفداران حق و حقیقت) در خارج از صحنه فتنه (جدا کردن صف خود از صف فتنه گران) را از دیگر عوامل رهایی از فتنه می دانند (نهج البلاغه، خطبه ی 151)(1).

7-2-1-3- حرکت محتاطانه و پرهیز از احساسات

این امام بزرگوار تأکید دارند، در رویارویی با فتنه ها باید اندیشناک و محتاطانه حرکت کرد (نهج البلاغه، حکمت 1)(2). دیگر آن که در رویارویی با فتنه ها باید از شتاب زدگی بی جا، دوری کرد و اسیر کمند احساسات بی ریشه نگردید (نهج البلاغه، خطبه ی 190)(3).

ص: 259

1- فَلَا تَكُونُوا أَنْصَابَ الْفِتَنِ وَأَعْلَامَ الْبِدْعِ وَالزُّمُومَا مَا عَقِدَ عَلَيْهِ حَبْلُ الْجَمَاعَةِ وَبُنِيَ عَلَيْهِ أَرْكَانُ الطَّاعَةِ؛ پس سعی کنید که شما پرچم فتنه ها و نشانه های بدعت ها نباشید و آنچه را که پیوند امت اسلامی بدان استوار و پایه های طاعت بر آن پایدار است، بر خود لازم شمارید (نهج البلاغه، خطبه ی 151)

2- كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ. لَا ظَهْرَ فَيْرَكَبَ وَلَا ضَرْعَ فَيَحْلَبَ؛ به روزگار فتنه، اشتر بچه ای را مانند باش که نه سواری دادن را پستی دارد و نه دوشیده شدن را پستانی (نهج البلاغه، حکمت 1).

3- الزُّمُوا الْأَرْضَ وَاصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ. وَلَا تَحَرَّكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَتَدْعُوا فِي هُدَى السَّيِّئِينَ وَلَا تَسْعَوْا بِمَا لَمْ يُعَجِّلْهُ اللَّهُ لَكُمْ؛ به جای خویش بنشینید. در بلا و گرفتاری شکیبا باشید. دست ها و شمشیرها را به آهنگ شعار بی شعور به جنبش در نیاورید؛ و در آن چه خداوند به شتاب فرمان تان نداده است، بیهوده مشتایید (نهج البلاغه، خطبه ی 190).

3-1-3-1- خودباوری (اعتماد به نفس) همراه با ایمان

از روش های مستکبران برای به استضعاف کشیدن توده های مردم، القاء این مطلب است که آنان بدون تکیه بر ثروتمندان و صاحبان قدرت، قادر به ادامه حیات نیستند؛ به عبارت دیگر، تضعیف و تحقیر پیامبران و یاران آنان از شیوه های رایج دشمن است (سوره هود، آیه 27) (1)، اما پیامبران الهی در برابر این سیره مستکبران، همواره در پی زدودن جهل و نادانی از مستضعفان و القای روحیه و اعتماد به نفس و توکل بوده اند (برهانیان، 1378، ص 109). در عصر کنونی نیز مستکبران این پندار نادرست را بر ملت ها تحمیل کرده اند که شرق بدون تکیه بر غرب نمی تواند به حیات خود ادامه دهد. امام خمینی (ره) با زدودن این اندیشه از ملت ایران، ثابت کرد که يك ملت می تواند بر خود تکیه کند و به پیروزی برسد (موسوی 1387 ص 36).

در همین زمینه قرآن کریم از مؤمنان می خواهد که سستی و غم و اندوه به خود راه ندهند: «اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین نشوید که شما برتر هستید» (آل عمران/ 139) (2).

در آیه دیگر می فرماید: «رفت و آمد (پیروزمندانه) کافران در شهرها، تو را نفریبد! این متاع ناچیزی است و سپس جایگاهشان دوزخ و چه بد جایگاهی است» (آل عمران/ 196-197) (3).

«چه بسا لشکریان اندکی که بر لشکریان فراوان به اذن

ص: 260

1- فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَ مَا نَرَاكَ إِلَّا الَّذِي هُمْ أَرَادُوا بِادِّى الرَّأْيِ وَ مَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ؛ اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: «ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی بینیم! و کسانی را که از تو پیروی کرده اند، جز گروهی اراذل ساده لوح، مشاهده نمی کنیم و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی بینیم بلکه شما را دروغگو تصور می کنیم!» (هود/ 27).

2- وَ لَا تَهْنُؤْا وَ لَا تَحْزَنْوْا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

3- لَا يَغُرُّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ (196) مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمِهَادُ (197)

پروردگار عالم پیروز شدند.» (بقره/249)(1). همچنین در آیه 88 سوره حجر(2) و آیه 131 سوره طه(3)، خداوند متعال، اعتماد به نفس و خودباوری را در مسلمین تقویت فرموده اند.

امام علی علیه السلام می فرماید: «اگر آسمان ها و زمین درهای خود را بر روی بنده ای ببندند و او از خدا بترسد، خداوند راه نجاتی از میان آن دو برای او خواهد گشود. آرامش خود را در حق جستجو کن و جز باطل چیزی تو را به وحشت نیندازد» (شریف الرضی، خطبه 130)(4). لذا، اعتماد به نفس (خودباوری) همراه با ایمان از اصول مهم استکبارستیزی است.

2-3-1-3- استمرار مبارزه

استمرار، از ماده «مرر/ مرّ» به معنی پیوسته رفتن و غیره است (عمید، 1369). در اینجا، استمرار، یعنی تا رسیدن به هدف و پیروزی بر دشمن، فعالیت ها، ادامه دارد.

از آیه 193 سوره بقره(5) (با آنان بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند)؛ استمرار مبارزه تا پیروزی نهایی، به دست می آید. همچنین، آیات متعدد قرآن مستقیم یا غیرمستقیم، به استمرار کارهای شایسته، تأکید می کند (معارج/23)(6).

در متون روایی، احادیث زیادی درباره مداومت بر عمل صالح وجود دارد، به گونه ای که در اکثر کتاب های روایی، مانند کافی،

ص: 261

-
- 1- كَمْ مِّن فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ
 - 2- لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفَضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ (بنا بر این)، هرگز چشم خود را به نعمتهای (مادی)، که به گروه هایی از آنها [کفار] دادیم، ميفکن! و بخاطر آنچه آنها دارند، غمگین مباش! و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر (حجر/88).
 - 3- وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ؛ و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادی، که به گروه هایی از آنان داده ایم، ميفکن! اینها شکوفه های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است (طه/131).
 - 4- وَلَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ كَانَتَا عَلَىٰ عَبْدٍ لَّاتَّقَىٰ اللَّهَ لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا مَخْرَجًا.
 - 5- وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ؛ و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (وبت پرستی و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد (بقره/193).
 - 6- الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ؛ آنها که نمازها را پیوسته بجا می آورند (معارج/23).

وسایل الشیعه و غیره⁽¹⁾، فصل جداگانه ای به «مداومت در عمل» اختصاص داده اند. حضرت علی (علیه السلام) این امر را با تأکید، بیان فرموده است (نوری، 1408، ج 1 ص 130)⁽²⁾. امام باقر (علیه السلام) نیز می فرمایند: هیچ چیز نزد خداوند -عز و جل- محبوب تر از عملی نیست که بر آن مداومت شود، هرچند اندک باشد (کلینی، 1407، ج 2 ص 82)⁽³⁾.

ازاین رو، مداومت و مقاومت، از اصول مبارزه با استکبار است.

3-3-1-3-3 صبر و تقوا

دومین اصل اساسی در مبارزه با استکبار، شکیبایی همراه با تقوا است. «صبر» در لغت عبارت است از وادار نمودن خود به آنچه که عقل و دین اقتضا می کند و بازداشتن از آنچه عقل و دین نهی می کند (راغب اصفهانی، 1385: 216).

تقوی به معنی انجام دستورهای خدا و دوری از نواهی او.

معنای اصطلاحی تقوا در سخن امام صادق علیه السلام خلاصه می شود: «... (تقوا یعنی) آنجا که خداوند دستور داده حاضر باشی و آنجا که نهی کرده، تو را مشاهده نکند»⁽⁴⁾.

در اسلام، صبر، از ارزش بالایی برخوردار است. ازاین جهت، قرآن کریم، مسلمانان را به این فضیلت اخلاقی-روانی، سفارش نموده آن را از عوامل مهم پیروزی و از کارهای شایسته (هرگونه کار محکم و قابل اطمینان) معرفی می کند: «به یقین (همه شما) در اموال و جان های خود، آزمایش می شوید! و از کسانی که پیش از شما به آن ها کتاب (آسمانی) داده شده [یهود] و (همچنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید! و اگر

ص: 262

1- وسائل الشیعه، ج 1، ص. 94؛ الکافی (ط - الإسلامية)، ج 2، ص. 83.

2- الْمُدَاوَمَةُ الْمُدَاوَمَةُ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ لِعَمَلِ الْمُؤْمِنِينَ غَايَةً إِلَّا الْمَوْتَ. مداومت ورزید، مداومت ورزید؛ زیرا که خداوند برای عمل مؤمنان پایانی جز مرگ قرار نداده است. ح. 177.

3- أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَإِنْ قَلَّ. ح. 2.

4- «... أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ» (حر عاملی محمد بن حسن، 1409 ق، ج 15، ص: 240).

استقامت کنید و تقوایشته سازید، (شایسته تر است؛ زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است» (آل عمران/186) (1). برد باری، همراه پرهیزگاری، ارزشمند است: «(اما) اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه های (خائنانه) آنان، به شما زیانی نمی رساند» (آل عمران/120) (2).

خداوند متعال پیروزی بنی اسرائیل بر فرعونیان را میوه بردباری آنان بیان می نماید «و مشرق ها و مغرب های پربرکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ظلم و ستم)، واگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، به خاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت و آنچه فرعون و فرعونیان (از کاخ های مجلل) می ساختند و آنچه از باغ های داربست دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم» (اعراف، آیه 137) (3).

حضرت علی علیه السلام در خطبه 66 نهج البلاغه، تأکید می نمایند که «مقاومت کنید تا ستون حق بر شما آشکار گردد» (4). این امام همام، نهایت درجه صبر 25 ساله خود را بسان فردی که خار در چشمش و استخوان در گلویش گیر کند؛ به تصویر می کشند (شریف رضی، 1414ق، خطبه 3) (5)، چنان برد باری دشواری که بزرگ تران را فرسوده و کوچک تران را پیر می کند و مؤمن در آن، رنج می کشد تا به ملاقات پروردگارش رسد. (شریف رضی، 1414ق، خطبه 3) (6)، صبری طولانی و بسیار مشقت بار (شریف رضی، 1414ق، خطبه 3) (7).

ص: 263

1- لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَسْتَ مَعَكُمْ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (آل عمران/186).

2- وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا (آل عمران/120).

3- وَأَوْثَرْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانْ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (اعراف، آیه 137)

4- فَصَمَدًا صَمَدًا حَتَّى يَنْجَلِيَ لَكُمْ عَمُودُ الْحَقِّ. (خطبه 66 نهج البلاغه).

5- فَصَبَرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَدًى وَفِي الْحَلْقِ شَجًّا؛ بسان فردی که خار در چشمش و استخوان در گلویش گیر کند؛ صبر کردم. (شریف رضی، 1414ق، خطبه 3).

6- أَوْ أَصْبَرَ عَلَى طَخِيَةِ عَمِيَاءَ، يَهْرُمُ فِيهَا الْكَبِيرُ، وَيَشِيبُ فِيهَا الصَّغِيرُ، وَيَكْدَحُ فِيهَا مُؤْمِنٌ حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ؛ یا بر ظلمت کوری مردم، صبر کنم؛ صبری که بزرگ تران را فرسوده و کوچک تران را پیر می کند و مؤمن در آن، رنج می کشد تا به ملاقات پروردگارش رسد. (شریف رضی، 1414ق، خطبه 3)

7- فَصَبَرْتُ عَلَى طَوْلِ الْمُدَّةِ، وَشِدَّةِ الْمُحَنَةِ؛ در این مدت طولانی، با همه رنج، صبر کردم (شریف رضی، 1414ق، خطبه 3).

به استناد خطبه‌ی حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها، انسان باید در مواقع لزوم، برای دستیابی به اهداف بلند تا آخرین نفس و آخرین توان، بردباری و مقاومت کند. این بزرگ بانوی اسلام، نمونه‌ای از صبر خاندان نبوت را در مقوله غصب ولایت و غصب اموالشان (باغ فدک و...) چنین به تصویر می‌کشد: «و ما بسان خنجری بر گلو خلیده و نیزه‌ای بر دل فرونشسته، شکیبایی کردیم(1)» (اربلی، 1381 ق، ج 1، ص: 488).

5-3-1-3- استمرار کنترل اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر)،

جامعه، مانند کشتی در وسط دریا است که اگر همه از آن مراقبت نکنند، ممکن است از ناحیه فردی سوراخ شده و همه غرق شوند. اصل کلی مهم در استکبارستیزی و موفقیت در آن، پایبندی به آموزه‌های اسلامی است، یکی از ارزشمندترین راه‌نهادینه سازی تعالیم دینی، فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» است. قرآن کریم، صریحاً، مسلمین را به این قانون فرامی خوانده آنان را در این مسیر تشویق می‌کند: «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگاران اند» (آل عمران/ 104)(2).

«شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید» (آل عمران/ 110)(3).

ارزش و کارکرد این فریضه مهم، در کلام امام باقر (علیه السلام) نمایان است: «امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن بر پا می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی‌گردد،

ص: 264

-
- 1- وَ نَصْبِرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمَدَى وَ وَخَزِ السَّنَانِ فِي الْحَشَا (اربلی، 1381 ق، ج 1، ص: 488).
 - 2- وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران/ 104).
 - 3- كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَتُومِنُونَ بِاللَّهِ (آل عمران/ 110).

زمین آباد می شود و (بدون ظلم) حق از دشمنان گرفته می شود و کارها سامان می پذیرد» (کلینی، 1407 ج 5، ص 56) إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصُّلَحَاءُ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ (لینی، 1407 ج 5، ص 56) (1) امام علی علیه السلام: لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَوَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ؛ امر به معروف و نهی از منکر را رها مکنید که در آن صورت پلیدان بر شما حکومت خواهند کرد و هر چه دعا کنید مستجاب نخواهد شد. (مجلسی، 1403 ج 75 ص 99).

5-2-1-3- ترویج و تبلیغ قانون نفی سلطه (نفی سبیل)

طبق آیه 141 سوره نساء (2) یکی از اصول حاکم بر سیاست خارجی اسلام که بر تمام روابط خارجی و بین المللی اسلام در زمینه های گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکمیت دارد و کلیه روابط مسلمانان باید بر اساس آن برنامه ریزی شود، اصل مهم و اساسی «نفی سلطه» یا قاعده «نفی سبیل» است. در صورت عملی شدن این اصل و قاعده فقهی، کفار و بیگانگان کوچک ترین راه نفوذ و تسلط سیاسی، نظامی و اقتصادی بر مسلمانان نخواهند داشت. این اصل ضامن حفظ استقلال اسلام و مسلمانان در تمام زمینه هاست، از این رو، باید آن را دقیقاً شناخت و مورد عمل قرارداد تا راه هرگونه اسارت و بردگی سیاسی و فرهنگی و نظامی و مانند آن به روی مسلمانان بسته و آزادی و استقلال آنان تضمین شود (ضیاء بخش، 1386، ص 39).

ص: 265

- 1- . امام علی علیه السلام ترک این فریضه را عامل تسلط و حاکمیت پلیدان می داند (مجلسی، 1403 ج 75 ص 99)
- 2- وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. (نساء/141)

قرآن کریم (آل عمران/28؛ نساء/141 و 144؛ مائده/57؛ ممتحنه/1 و 13)(1)، سلطه اجانب بر مسلمین را نپسندیده بر مؤمنین سفارش می کند که کفار را به عنوان دوست و ولی خود انتخاب نکرده زیر سلطه مستکبرین قرار نگیرند. پس ترویج و تبلیغ قانون نفی سلطه، از دیگر اصول استکبارستیزی بشمار می رود.

4-1-3- روش های مهم، در مبارزه با مستکبرین

روش های مبارزه با معاندان در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی قابل طبقه بندی است.

در بخش های بعدی در این حوزه ها بحث می کنیم.

ص: 266

1- لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَنَّةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ؛ افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می شود) مگر اینکه از آنها بپرهیزد (و به خاطر هدفهای مهمتری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می دارد و بازگشت (شما) به سوی خداست (ال عمران/28). *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أْتَرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه گاه خود قرار ندهید! آیا می خواهید (با این عمل)، دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار دهید (نساء/144). *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می گیرند- از اهل کتاب و مشرکان- ولی خود انتخاب نکنید و از خدا بپرهیزد اگر ایمان دارید! (مائده/57). *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِّنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می رانند اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده اید (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می سازید از همه دانایترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است (ممتحنه/1). *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُوءُ مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسُوءُ الْكَافِرُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می باشند (ممتحنه/13).

مبارزه و مقابله با دشمن در بعد سیاسی، زوایا و شیوه های گوناگونی دارد. در این قسمت به چند مورد که در متون اسلامی تصریح شده، بسنده می کنیم.

1-2-3- عدم اعتماد و تکیه بر دشمن

قرآن کریم (سوره بقره آیات 83 تا 85 و 100؛ سوره توبه آیه 13؛ سوره اعراف آیه 135؛ سوره مائده، آیه 13؛ سوره انفال، آیات 55 تا 56) ⁽¹⁾ جریان عهدشکنی دشمنان انبیاء از جمله یهودیان را بیان نموده است. لذا راهکار قرآن کریم این است که در هیچ شرایطی نباید به دشمن اعتماد کرده و نباید از وی انتظار یاری داشت.

قرآن کریم در آیات 51-52 و 57 مائده ⁽²⁾ از دوستی با دشمن (یهود و نصارا...) منع می کند و آن دسته از مسلمین (منافق) را که دست دوستی به سوی آنان دراز می نماید؛ بشدت ملامت کرده می فرماید: چنین افرادی بعداً از این کارشان پشیمان خواهند شد.

ص: 268

1- متن و ترجمه آیات در فصل دوم گذشت.

2- * يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا الْيَهُودَ وَالنَّصٰرَ اَوْلِيَآءَ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَآءُ بَعْضٍ وَّ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! یهود و نصاری را ولی (و دوست و تکیه گاه خود)، انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی کند (مائده/51). * فَتَرَى الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ يُسِرُّوْنَ فِيْهِمْ يَقُوْلُوْنَ نَحْشَى اَنْ تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ فَعَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّاتِيَ بِالْفَتْحِ اَوْ اَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهٖ فَيُضْبِحُوْا عَلٰى مَا اَسْرَوْا فِيْ اَنْفُسِهِمْ نَادِمِيْنَ؛ (ولی) کسانی را که در دلهایشان بیماری است می بینی که در (دوستی با آنان)، بر یکدیگر پیشی می گیرند و می گویند: «می ترسیم حادثه ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم!)» شاید خداوند پیروزی یا حادثه دیگری از سوی خود (به نفع مسلمانان) پیش بیاورد و این دسته، از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند (مائده/52)

قرآن کریم، ضمن نهی از اعتماد به دشمن، هشدار می دهد که در صورت اعتماد به دشمن به آتشی دچار می شوید که یار و یآوری نخواهید داشت (هود/113)(1).

تکیه بر ظالم، مفاسد و نابسامانی های فراوانی می آفریند، از جمله باعث تقویت آن هاست، گسترش دامنه ظلم و فساد و تباهی جامعه ها. تکیه بر ظالمان در فرهنگ فکری جامعه تدریجاً اثر می گذارد و زشتی ظلم و گناه را از میان می برد و مردم را به ستم کردن و ستمگر بودن تشویق می نماید و نتیجه ای جز بدبختی نخواهد داشت (مکارم شیرازی، 1371، ج 9، ص: 262).

حق مطلب این است که رکون به معنای صرف اعتماد نیست، بلکه اعتمادی است که توأم با میل باشد (طباطبایی، 1374، ج 11، ص: 67). در آیه مورد بحث (هود/113)، منظور از «الَّذِينَ ظَلَمُوا» دشمنان مشرک پیغمبر اسلام (و مسلمین) است (طباطبایی، 1374، ج 11، ص: 72).

لذا از متون اسلامی در این باره چند دستور و رهنمود صریح، به شرح ذیل به دست می آید:

2-2-3- از دشمن انتظار یاری نداشته باشید (یاری نجوید).

کلام و حیانی الهی یادآور می شود که انتظارِ ایمان آوردن از کفار، یک باور درستی نیست زیرا آنان، آگاهانه به مقابله با قرآن و اسلام می پردازند (بقره/75)(2). در آیه دیگر

ص: 269

1- وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فْتَمَسَّكُمْ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛ و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت و یاری نمی شوید (هود/113).

2- أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْعَىٰ مَعَ الْكَافِرِينَ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ؛ آیا انتظار دارید به (آئین) شما ایمان بیاورند، با اینکه عده ای از آنان، سخنان خدا را می شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند؟! (بقره/75).

سوره بقره، تصریح می نماید که کفار و مشرکین تا شمارا شکست نداده و تسلیمتان نکرده اند؛ دست بردار نخواهند شد (بقره/120)(1).

به استناد آیه 53 سوره نساء، (2) و آیه 100 سوره اسراء (3)، مشرکین و کفار اهل کتاب، به ویژه یهودیان چنان حسود، بخیل و انحصارطلب اند که اگر قدرت و تسلط یابند، از حقوق مادی و معنوی، حتی پیشیزی (به اندازه کوچک ترین دانه در منقار پرنده) به مسلمین نمی دهند (مکارم شیرازی، 1374، ج 3، ص: 421؛ طباطبایی، 1374 ج 4، ص: 600).

امام علی (علیه السلام) تأکید می کنند که از دشمن، یاری نجوید که بی مقدار (ذلیل) می شوید (4) (غرالحکم ص 624)(5).

3-2-3- عدم اعتماد به «صلح نامه ها و معاهدات» با دشمن.

گزاره های اسلامی بر عدم اعتماد به «صلح نامه ها و معاهدات» با دشمن اصرار می ورزد. از آیات متعدد قرآن کریم (انفال/61-62...)(6). مشخص می شود که «صلح نامه ها و معاهدات» با دشمن، پیوسته همراه با نیرنگ از سوی آنان بوده است.

ص: 270

1- وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَبْعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنَّ آتِبْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ؛ هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته های آنها شوی و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوسهای آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده ای، هیچ سرپرست و یآوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود. (بقره/120).

2- أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا؛ آیا آنان (یهود) نصیبی از حکومت دارند؟ [اگر هم داشتند]، به قدر نقطه پشت هسته خرمایی [چیزی] به مردم نمیدادند (نساء/53).

3- قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا؛ بگو: «اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید. در آن صورت، (بخاطر تنگ نظری) امساک میکردید، مبدا انفاق، مایه تنگدستی شما شود» و انسان تنگ نظر است! (اسراء/100)

4- به عنوان نمونه، دولت تدبیر و امید (آقای حسن روحانی) علیرغم توصیه ها و رهنمود های که انقلابیون و لایبی، در راس همه، رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای بیش از 20 ماه چشم نیاز بسوی اروپا دوخت تا شاید آنان به تعهدات برجامی اش عمل کنند! ولی نتیجه نگرفت!

5- مَنِ اتَّصَرَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ اسْتَوْجَبَ الْخِذْلَانَ (غرر الحکم و درر الکلم، ص: 625).

6- وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست! (انفال/61)* وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ؛ و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است او همان کسی است که تو را، با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد (انفال/62).

اگر آن‌ها (دشمن) تمایل به صلح نشان دهند تو نیز از در صلح درآ و بر خدا تکیه کن که او شنوا و دانا است... اما اگر آن‌ها بخواهند با مطرح کردن صلح تو را فریب دهند و نیرنگی در کار باشد هرگز تسلیم مشو و نگرانی به خود راه مده، چراکه خداوند پشتیبان تو است (مکارم شیرازی، ج 21، ص: 491).

امام علی علیه السلام توصیه و تأکید می‌نمایند: «از دشمنان بعد از آن که از در صلح درآمد؛ سخت بترس! چه بسا او به وسیله صلح نزدیک می‌شود تا شمارا غافل گیر کند (شمارا فریب می‌دهد)! پس دوراندیشی کن! در چنین مواردی خوش گمان نباش (به دشمن اعتماد مکن)» (فرازی از نامه 53 نهج البلاغه) (1). نمونه بارز آن در عصر ما (2)، ماجرای «برجام» (3) است که اروپا و آمریکا، به تعهداتش، در قبال ایران، عمل نکرد، به همین خاطر، خداوند متعال، سفارش می‌کند که مسلمین، به ستمگران، اعتماد نکنند، زیرا در صورت اعتماد، زیان‌های غیرقابل جبران، شمارا در برگرفته یار و یآوری نخواهید داشت (هود/113) (4).

ص: 271

1- وَلَكِنَّ الْحَذَرَ كُلَّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صُلْحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ فَيَخْذُ بِالْحَزْمِ وَاتَّهَمَ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ (فرازی از نامه 53 نهج البلاغه)

2- سال 1398 شمسی.

3- برجام یعنی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، توافقی بین المللی بر سر محدود سازی برنامه هسته ای ایران است که در تاریخ 14 ژوئیه 2015 میان ایران و کشورهای گروه 5+1 (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان) در شهر وین صورت گرفت. آمریکا در اردیبهشت 1397 یکجانبه از این توافق نامه خارج شد. کشور های اروپایی نیز فقط در زبان (شفاهی) نه در عمل، برجام را قبول داشته اند؛ تا این که ایران، به دلیل عدم پایبندی عملی طرف های مقابل، در سال 1398 گامی لازم را برای کاهش تعهدات برجامی (از سرگیری فعالیت های هسته ای) را با نظارت آژانس بین المللی، گام های لازم را برداشت. این در حالی بود که در سال 1396، ایران به همه تعهدات برجامی اش عمل کرد یعنی فعالیت های صلح آمیز هسته ای رادر حد قابل توجی کاهش داد. به نحوی که یکی از مهمترین مراکز هسته ای (راکتور اراک) را با سیمان پرکرد! دلسوزان انقلاب اسلامی ایران، مخالف برجام بودند اما دولت حاکم، به دلیل گرایش های غربی اش، به برجام اصرار می ورزید. سرانجام همان شد که انقلابیون، در راس همه، رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای، پیش بینی کرده بود (غیر قابل اعتماد بودن غرب).

4- وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛ و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شمارا فراگیرد؛ و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ و یاری نمی شوید (هود/113).

4-2-3- در مقابل پیمان شکنی دشمن، شما نیز پیمان را بشکنید!

قرآن کریم دستور می دهد: در مقابل پیمان شکنی دشمن، شما نیز پیمان را بشکنید! و پیمان نامه را به سویشان بپندازید (أنفال/58)(1).

اگر آن ها (کفار) در برابر تو (پیامبر اکرم صل الله علیه و اله) در میدان حاضر نشدند ولی قرائن و نشانه هایی از آن ها ظاهر شده است که در صدد پیمان شکنی هستند و بیم آن می رود که دست به خیانت بزنند و پیمان خود را بدون اعلام قبلی یک جانبه نقض کنند، تو پیش دستی کن و به آن ها اعلام نما که پیمانشان لغو شده است (مکارم شیرازی، 1374 ج 7، ص: 219).

اگر از قومی که میان تو و ایشان عهدی استوار گشته ترسیدی که در عهدت خیانت کرده و آن را بشکنند و ترست از این جهت بود که دیدی آثار آن در حال ظهور است تو نیز عهد ایشان را نزد ایشان بپنداز و آن را لغو کن و لغویت آن را به ایشان اعلام هم بکن تا شما و ایشان در شکستن عهد برابر هم شوید (طباطبایی، ج 9، ص: 150).

5-2-3- درخواست صلح و معاهدات خفت بار از سوی مسلمین به دشمن، ممنوع

طبق آیه 35 سوره مبارکه محمد، (2) از نگاه قرآن، درخواست صلح و معاهدات خفت بار از سوی مسلمین به دشمن، ممنوع است. خداوند متعال، در همین سوره و آیه 139 سوره آل عمران (3) به این مساله تأکید نموده می فرماید: سستی و دعوت از دشمن برای صلح

ص: 272

1- وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانِذِرْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ (أنفال/58)

2- فَلَا تَهِنُوا وَادْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ بِالْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالُكُمْ؛ پس [با توجه به یا کاسا خدا] سست نشوید [کافرا مشرکا] به شتی صلحی [که برا شما خفت با است] عو نکند، حالی که شما برتر هستید خدا با شماست هرگز! [ثوا پا] اعمالتا نمی کاهد (محمد/35).

3- وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ بِالْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ [انجام فرما ها حق جها با شمن] سستی نکند [ا پش مدها حوا] سختی هایی که به شما می سد [اند هگن مشوید که شما اگر مؤمن باشد، برترید. (139)

خفت بار ممنوع، چون خدای قادر در کنار شما و یاور شماست. شرط پیروزی بر دشمن و برتری شما بر دیگران، ایمان است.

در تعقیب آیات گذشته پیرامون مسئله جهاد این آیه به یکی از نکات مهم پیرامون "جهاد" اشاره می کند و آن اینکه افراد سست و ضعیف الایمان برای فرار از زیر بار جهاد و مشکلات میدان جنگ غالباً مساله صلح را مطرح می کنند، مسلماً صلح بسیار خوب است اما در جای خود، صلحی که تامین اهداف والای اسلامی کند و حیثیت و عظمت و آبروی مسلمین را حفظ نماید، نه صلحی که آن ها را به خواری و ذلت کشاند. لذا می فرماید: اکنون که دستورهایی گذشته را شنیدید سست نشوید و دشمنان را دعوت به صلح نکنید در حالی که شما برترید» یعنی حالا که نشانه های پیروزی و برتری شما آشکار شده چگونه با پیشنهاد صلح که مفهومش عقب نشینی و شکست است پیروزیهای خود را عقیم می گذارید؟ این در حقیقت صلح نیست، این تسلیم و سازشی است که از سستی و زبونی سرچشمه می گیرد، این يك نوع عافیت طلبی زشتی است که عواقب دردناك و خطرناك به بار می آورد؛ و در ذیل آیه برای تقویت روحیه مسلمین مجاهد می افزاید: و خدا با شما است و ثواب اعمالتان را هرگز نمی کاهد (مکارم شیرازی، 1374، ج 21، ص: 490).

6-2-3- تکیه بر نیروها و توان داخلی

از منظر قرآن کریم (انفال/64؛ حجر/88؛ شعراء/215) [\(1\)](#) سران اسلامی بجای تکیه بر ظالمان (دشمنان) باید به خدا، نیروهای مؤمن و توان داخلی تکیه نمایند. در این مسیر، نگران مشکلات احتمالی نباشند که خدای قادر و متعال، یار و یاور آنان است (توبه/28) [\(2\)](#).

ص: 273

1- يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، برای حمایت تو کافی است (فقط بر آنها تکیه کن!) (انفال/64). * لا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ (بنا بر این)، هرگز چشم خود را به نعمتهای (مادی)، که به گروه هایی از آنها [کفار] دادیم، ميفکن! و بخاطر آنچه آنها دارند، غمگین مباش! و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر! (حجر/88). * وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر! (شعراء/215).

2- يٰۤاَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسَاجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَ إِن خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِن شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (28) ای کسانی که ایمان آورده اید! مشرکان ناپاکند پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می ترسید، خداوند هر گاه بخواهد، شما را به کرمش بی نیاز می سازد (و از راه دیگر جبران می کند) خداوند دانا و حکیم است. (توبه/28).

آیات متعدد قرآن (توبه/13، 12 و...) (1) مسلمین را به جنگ با پیمان شکنان، دعوت می کند.

این آیات مسلمانها را تحریک می کند به اینکه با مشرکین بجنگند و برای اینکه تحریکشان کند، آن جرائمی را که مشرکین مرتکب شده و خیانت هایی که به خدا و حق و حقیقت ورزیدند و خطاها و طغیانانشان را در رابطه با عهدشکنی و اینکه می خواستند آن حضرت را بیرون کنند و شروع در جنگ را خاطرنشان می سازد؛ و نیز به منظور تحریکشان تعریفشان می کند به اینکه لازمه ایمانشان به خدای مالک خیرات و شرور و مالک منافع و مضار ایشان این است که جز از او ترسند، بدین وسیله دل هایشان را تقویت نموده و بر امر کارزار با دشمن تشجیعشان می کند (طباطبایی 1374، ج 9، ص: 213).

خداوند متعال، در آیه 123 توبه (2)، تأکید می نماید که با تمام قدرت با دشمن بجنگید به گونه ای که دشمن، قدرت شما را مشاهده کند.

ص: 274

-
- 1- وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلَمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ؛ و اگر سوگندهای خود را پس از پیمان خویش شکستند و شما را در دینتان طعن زدند، پس با پیشوایان کفر بجنگید، چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست، باشد که [از پیمان شکنی] باز ایستند. (توبه/12). *أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهُمْ يُبَاخِرُ الرِّسُولَ وَهُمْ بِدُؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَ تَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ چرا با گروهی که سوگندهای خود را شکستند و بر آن شدند که فرستاده [خدا] را بیرون کنند و آنان بودند که نخستین بار [جنگ را] با شما آغاز کردند، نمی جنگید؟ آیا از آنان می ترسید؟ با اینکه اگر مؤمنید خدا سزاوارتر است که از او بترسید (توبه/13).
 - 2- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! با کافرانی که به شما نزدیکترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آنها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند و بدانید خداوند با پرهیزگاران است! (توبه/123).

دومین دستوری که در زمینه جهاد، در آیه فوق می خوانیم، دستور شدت عمل است، آیه می گوید دشمنان باید در شما يك نوع خشونت احساس کنند «وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً». اشاره به اینکه تنها شجاعت و شهادت درونی و آمادگی روانی برای ایستادگی و مبارزه سرسختانه با دشمن کافی نیست، بلکه باید این آمادگی و سرسختی خود را به دشمن نشان بدهید و آن ها بدانند در شما چنین روحیه ای هست و همان سبب عقب نشینی و شکست روحیه آنان گردد و به تعبیر دیگر وجود قدرت کافی نیست، بلکه باید در برابر دشمن نمایش قدرت داد؛ و نیز در داستان فتح مکه می خوانیم که پیامبر ص شب هنگام دستور داد مسلمانان همگی در بیابان آتش بیفروزند تا مردم مکه به عظمت ارتش اسلام آشنا شوند و اتفاقاً این کار در روحیه آن ها اثر گذاشت و نیز دستور داد که ابو سفیان بزرگ مکه را در گوشه ای نگهدارند و ارتش نیرومند اسلام در مقابل او رژه روند. (مکارم شیرازی، 1374، ج 8، ص: 198؛ واقدی 1407، المغازی، ج 2، ص: 819).

شرط پیروزی و شمول امداد الهی، استقامت و پایداری در برابر دشمن است که آیات متعدد قرآن (فصلت/30؛ احقاف/13؛ جن/16)(1) بر آن تأکید می کند.

8-2-3- زیر بار سازش با دشمن نروید

طبق آیه 9 سوره قلم(2)، دشمنان در تلاش اند که مسلمین را به سازش(3) کشانده از پیشرفت آنان جلوگیری کنند(4).

ص: 275

1- إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا؛ به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: نترسید و غمگین مباشید (فصلت/30). * إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ محققاً کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد (احقاف/13). * وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ و اینکه اگر آنها [جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرایشان می کنیم! (جن/16).

2- وَذُوقُوا لَوْ تَدَّهْنُ فَيَذْهَبُونَ؛ آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آنها (هم) نرمش نشان دهند (نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق)! (قلم/9)

3- واژه «سازش» در علم حقوق و روابط اجتماعی بین مسلمین، پسندیده است؛ ولی در ادبیات سیاسی اسلام، در مواجهه با دشمنان، بار معنایی منفی داشته خداوندمنان، از آن منع می کند.

4- مثلاً در ایران اسلامی، «برجام» را از نظر هدف، می توان جزو سازش قلمداد کرد. چون هدف دشمن ممانعت از رشد و ترقی ایران در این علم بود.

از لحن آیات و از آنچه در تواریخ آمده است به خوبی استفاده می شود که وقتی مشرکان کوردل سرعت پیشرفت آئین اسلام را مشاهده کردند به فکر افتادند که از طریق دادن امتیازاتی به پیامبر اکرم صل الله علیه و اله، امتیازاتی از او بگیرند و او را به نوعی سازش بکشانند، لذا گاه اموال عظیم و گاه زنان زیبا و گاه پست و مقام برجسته پیشنهاد می کردند (مکارم شیرازی، 1374، ج 24، ص: 385).

خداوند متعال، در آیه 10 سوره قلم(1) و دیگر آیات، با صراحت دستور می دهند که زیر بار سازش با دشمن نروید.

قرآن بارها به پیامبر صل الله علی و اله، هشدار داده که هرگز کمترین انعطافی در برابر این پیشنهادهای انحرافی از خود نشان ندهد و با اهل باطل هرگز مدهانه نکند، چنان که در آیه 49 سوره مائده(2) می خوانیم: در میان آن ها (اهل کتاب) بر طبق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و از هوسهای آن ها پیروی مکن و بر حذر باش که تو را از تعلیماتی که خدا بر تو نازل کرده منحرف ن سازند. سپس بار دیگر در آیه 10 سوره قلم از اطاعت آن ها نهی کرده و صفات نه گانه مذمومی را که هر يك به تنهایی می تواند مانع اطاعت و تبعیت گردد، برمی شمرد(3) (مکارم شیرازی، 1374، ج 24، ص: 385).

منظور از مدهانه درخواستی مشرکان از پیامبر صل الله علیه و اله در آیه مورد بحث(4)، فرمان برداری از آنان، پیروی از خواسته ها و هواهای نفسانیشان، سازش، تسامح و تساهل در اصول

ص: 276

-
- 1- وَلَا تُطِيعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ؛ و از کسی که بسیار سوگند یاد می کند و پست است اطاعت مکن، (قلم/10).
 - 2- وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ. (مائده/49).
 - 3- برخی اوصاف ناپسند دشمنان طی آیات 11-14 سوره قلم فهرست شده است.
 - 4- آیه 9 سوره قلم.

اساسی و بنیان های اعتقادی و دینی است بطوری که به کفر پیامبر صل الله علیه و اله بیانجامد (رضایی کرمانی و همکاران، 1396 ص 17).

خداوند متعال، در آیه 9 سوره توبه (1)، سازش و مذاکره با مستکبرین فریبکار و فاسق را بی نتیجه اعلان کرده از آن منع می کند.

9-2-3- وحدت و یکپارچگی

مستکبرین، همواره دنبال ایجاد تفرقه در بین مسلمین هستند (سوره قصص، آیه 4). امروزه دشمنان در صدد ایجاد و گسترش اختلاف بین جریان های سیاسی (اصلاح طلب و اصول گرا و...) جریان های مذهبی (شیعه و سنی) و ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی، هستند. با کمال تاسف و تأثر، اکثر مردم، در رسانه ها (نشریات، شبکه های اجتماعی و...) ناخودآگاه، حرف های دشمنان را در تخریب جریان مقابل منتشر می کنند! بدون اینکه آگاهی لازم داشته باشند؛ و باعث تفرقه و از بین رفتن اعتماد بین مردم و مسولین نظام می شوند! در هر کشوری، یکی از قدرت های نرم و از ابعاد سرمایه های اجتماعی، اعتماد و تعامل سازنده بین مردم و مسولین است. اگر مردم به مسولین کشور، بدبین شوند؛ دشمنان به راحتی به اهداف شوم خود خواهند رسید.

از این رو، حفظ و تقویت انسجام، یکی از مهم ترین راهکار قرآنی است (آل عمران/103؛ بقره/208؛ حجرات/10؛ شورا/13؛ انفال/46؛ 63؛ روم 31-32) (2).

خداوند، نابودی را نتیجه

ص: 277

1- كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ؛ چگونه (میتوان با آنان پیمانی داشت) در حالی که اگر بر شما دست یابند، هیچ خویشاوندی و پیمانی را دربارهی شما مراعات نمی کنند. شما را با زبان (نرم) خویش راضی می کنند، ولی دلهایشان پذیرا نیست و بیشترشان فاسق و (پیمان شکن) اند. (توبه/9)

2- وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید و پراکنده نشوید (آل عمران/103). *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْخُلُوا فِي السَّلَامِ كُلَّهَا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید همگی در صلح و آشتی درآیید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست (بقره/208). *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحْ بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ مؤمنان برادر یکدیگرند پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید! (حجرات/10). *أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ؛ دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید (شورا/13). *وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَعَشَلُوا وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ؛ و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! (انفال/46). *وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَا كِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و دلهای آنها را با هم الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می کردی که میان دلهای آنان الفت دهی، نمی توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است! (انفال/63). *وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُسْتَرْكِينَ* مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلٌّ جِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فِرْحُونَ؛ از مشرکان نباشید! کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته ها و گروه ها تقسیم شدند! و (عجب اینکه) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دلبسته و) خوشحالند! (روم/31-32).

تفرقه شمرده به مسلمین سفارش می کند که از نزاع و تفرقه پرهیز کنید که در صورت جدال و جدایی، چنان از بین می روید که هیچ آثاری از شما، باقی نمی ماند (آل عمران/105؛ انفال/46)(1). با تأمل و تدبر در آیات مذکور، اهمیت و ضرورت اخوت و انسجام در بین مسلمین به روشنی دریافت می گردد. خداوند متعال، صریحاً، پیامدهای اختلاف و تفرقه را به مؤمنین، گوشزد می کند. از قبیل از بین رفتن قدرت و شوکت (انفال/46) گرفتار شدن در عذاب الهی (آل عمران/105)؛ و غیره.

حضرات معصومین علیهم السلام در راستای حفظ انسجام و حفظ اصل اسلام، با مخالفان، مدارا نموده و در شرایط خاص نیز، جنگیده اند.

بنا براین، حفظ و تقویت وحدت، در دو بعد داخلی و بین المللی از اصول بنیادین توسعه در هر کشوری است.

10-2-3- شناسایی منافقان و مبارزه با آنان

* شناسایی منافقان و مبارزه با آنان (2)

نفاق و نیرنگ (سوره آل عمران آیه 72؛ نساء/142؛ توبه/110...)، از اساسی ترین ترفندهای شیطانی دشمن است که از این راه، آسیب های جبران ناپذیری به جهان اسلام وارد کرده است. طبق آیه 60 سوره انفال شناخت این امر برای مردم عادی میسر نیست. تشخیص نفاق به قدری سخت است که خداوند متعال، پیامبرش را آگاه می سازد که تحت

ص: 278

1- وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَقَرَّعُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن هم) پس از آنکه نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند (آل عمران/105).

2- در فصل اول، بخش یکم، اکثر آیات در خصوص ویژگی های منافقین درج شده است. لذا در اینجا، تکرار نمی کنیم.

تأثیرِ ظواهرِ جذابِ منافقان و نفوذی ها قرار نگیرند؛ و در ادامه، خداوند متعال هم شعار «مرگ بر منافق و نفوذی سر داد»... (منافقون/4).

نفاق، در عرصه های مختلف، عرضه اندام کرده است! به حدی که در طول تاریخ اسلام، مستکبرینِ منافق؛ پست های کلیدی مسلمین را به دست گرفته اند. منافقانی چون تمیم داری و کعب الاحبار، در دستگاه های فرهنگی و دینی جهان اسلام جایگاهی والا کسب کردند! (معارف، 1392 ص 108).

یکی از مهم ترین راه های استکبارستیزی در قرآن، «نفاق شناسی و مقابله با آن» است.

به استناد کلام خدا، چهره واقعی منافقان و کینه هایشان نسبت به مسلمین، روشن خواهد شد. خداوند متعال وعده داده که چهره حقیقی منافقان و کینه هایشان را آشکار می کند (محمد/29)(1). از سوی دیگر، قرآن کریم (محمد/30)(2). تصریح می کند که خواص با بصیرت، منافقان را از روی نشانه ها و لحن کلام می توانند بشناسند.

لذا خداوند متعال شناخت منافقین (عنکبوت/11؛ منافقون/4)(3) مبارزه با آنان را (احزاب/60)(4) ضروری می داند. خداوند به نبی مکرم اسلام صل الله علیه و اله یادآور می شود که منافقان

از روی نشانه ها و لحن کلام(5) (ویژگی های خاص) قابل شناسایی اند. در آیه 4 سوره

ص: 279

1- أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَصْدَاعَهُمْ؛ آیا بیمار دلان (منافقان)، پنداشتند که خدا هرگز کینه آنان را آشکار نخواهد کرد؟ (محمد/29).

2- وَلَوْ شَاءَ لَرَأَيْنَهُمْ فَلَاعَفْتَهُمْ بِسِمِهِمْ وَ لَتَعَفَّنَهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ؛ و اگر بخواهیم، قطعاً آنان (منافقان) را به تو می نمایانیم، در نتیجه ایشان را به سیمای [حقیقی] شان می شناسی و از آهنگ سخن به [حال] آنان پی خواهی بُرد و خداست که کارهای شما را می داند

3- وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ؛ و قطعاً خدا کسانی را که ایمان آورده اند می شناسد و یقیناً منافقان را [نیز] می شناسد (محمد/30). (عنکبوت/11)*.

4- لَنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛ اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی هست و شایعه افکنان در مدینه، [از کارشان] باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می کنیم تا جز [مدتی] اندک در همسایگی تو نپایند. (احزاب/60).

5- وَلَوْ شَاءَ لَرَأَيْنَهُمْ فَلَاعَفْتَهُمْ بِسِمِهِمْ وَ لَتَعَفَّنَهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ؛ ما اگر بخواهیم تک آنان را به تو نشان می دهیم ولی تو خودت ایشان را هم به علامت هایشان خواهی شناخت و هم به لحن سخنانشان می شناسی (محمد/30).

منافقون، برخی نشانه های ظاهری منافق را گوشزد کرده آنان را دشمن واقعی معرفی می نماید (منافقون/40).

بنا براین، از جمله راهکارهای قرآنی در فرایند جنگ نرم، منافق شناسی و مقابله و مبارزه با جریان نفاق است.

11-2-3- اطاعت از رهبری

* اطاعت از رهبری (1)

حدود 30 مورد از آیات قرآن، فقط با فعل امر « أَطِيعُوا وَ أَطِيعُونَ » (آل عمران/132... و شعرا/150...) (2) به اطاعت از رهبری، سفارش اکید نموده است. فرجام این پیروی هم رستگاری و پیروزی معرفی شده است (نور/52) (3).

مولای متقیان، امام علی علیه السلام یکی از وظایف مردم نسبت به رهبری را اطاعت از ایشان می شمارند (نهج البلاغه، خطبه 34). (4) آن حضرت، یکی از شاخصه های مهم یاران را، اطاعت از ولی امر و اعتماد به ایشان معرفی نموده اند (نهج البلاغه، خطبه 182). (5)

نقش رهبری، در ظهور و استمرار انقلاب اسلامی ایران، به روشنی، نمایان است. لذا، داشتن رهبری شایسته و وجود و اطاعت یاورانی مطیع، از شیوه های استکبارستیزی است.

ص: 280

1- در بخش هفتم همین فصل، مطالب اجمالی در خصوص نقش و اهمیت رهبری بیان شد و در فصل دوم-بخش سوم توطئه های دشمن علیه رهبری تبیین گردید.

2- أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ خدا و پیامبر را اطاعت کنید تا مشمول رحمت شوید (آل عمران/132)؛

3- وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشِ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند (نور/52).

4- أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْفَوْا بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةِ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُكُمْ؛ حقی که من به گردن شما دارم، این است که - باید در بیعت وفادار باشید و در رویاروی و پشت سر نیکخواه من باشید و چون فرا می خوانمتان به من پاسخ دهید و چون فرمان می دهم فرمان برید (نهج البلاغه، خطبه 34).

5- ... وَتَقُوا بِالْقَائِدِ فَاتَّبِعُوهُ به رهبر خود اعتماد داشته و از او پیروی کردند.

یکی از مهم ترین الگویی که قرآن کریم در خصوص حمایت از رهبری معرفی می کند؛ ماجرای «لیلہ المبیّت» است.

پس از اینکه اهل مدینه با پیامبر صل الله علیه و اله بیعت کردند و کفار قریش از این پیمان اطلاع یافتند چهل نفر از اشراف در دارالندوه گرد آمدند و تصمیم گرفتند که از هر عشیره ای یک نفر حاضر شوند و این گروه به طور ناگهانی به خانه محمد (صلی الله علیه و آله) هجوم بردند و او را بکشند و بدین ترتیب قاتل مشخص نمی شود و خونخواهی معنایی نخواهد داشت و بنی هاشم مجبور می شوند به دیه راضی شوند. خداوند با نزول آیه 30 سوره مبارکه انفال (1) پیامبر خویش را از این واقعه آگاه نمودند.

شب اول ربیع الاول سال سیزدهم یا چهاردهم بعث حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) با اینکه کشته شدن ایشان بسیار زیاد بود در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله) خوابیدند و پیامبر به غار ثور رفتند و از آنجا به مدینه هجرت فرمودند. هنگامی که مشرکین به خانه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یورش بردند و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به جای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بستر یافتند و از هدف خود بازماندند (قمی، 1379، ج 2 ص 142).

به دلیل این فداکاری و از خود گذشتی حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) خداوند آیه 207 سوره مبارکه بقره (2) را در فضیلت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نازل فرمودند.

ص: 281

1- وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ: و [یاد کن] هنگامی را که کافران در باره تو نیرنگ می کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا [از مکه] اخراج کنند و نیرنگ می زدند و خدا تدبیر می کرد و خدا بهترین تدبیرکنندگان است. (انفال/30).

2- وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ؛ و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است (بقره/207).

در اهمیت این امر، حضرت علی علیه السلام فرموده اند «هر کس به وقت یاری رهبرش در خواب باشد؛ زیر لگد دشمن بیدار می شود» (غررالحکم، ص. 630)(1).

در فصل دوم، فهرستی از نقشه های شوم دشمن علیه رهبر جامعه اسلامی (پیامبران) را با استناد به آیات قرآن تشریح نمودیم. دشمن در راستای تضعیف و حذف رهبران الهی فعالیت گسترده ای انجام می دهد برخی عبارت اند از تهمت و افتراء (برتری جویی، جنون و سبک مغزی، ساحری و سحر زدگی، دروغ گویی، شاعری، کاهنی، گمراهی، فسادگری، ناتوانی و فریب کاری...)، معرفی رهبر دینی به عنوان سرچشمه بدبختی ها و ناکامی ها، تحقیر و تمسخر رهبر، تهدید رهبر، انکار و ایجاد تردید نسبت به حقانیت رهبری، آزار رساندن به رهبر و پیروانش، نقشه قتل پیامبران، قتل رهبران الهی...

برخی از اتهامات بی اساس به رهبران جمهوری اسلامی، عبارتند از دیکتاتوری، فساد اطرافیان و...

پس حمایت از رهبری (شناخت توطئه دشمن و دفع آن از ولی امر) از دیگر روش های مقابله با جنگ نرم در حوزه مسایل سیاسی بشمار می رود.

13-2-3- نگاهی گذرا به صلح و سابقه آن در قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم السلام

اشاره

سوال:

اگر صلح با دشمن ممدوح نیست، چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله، با کفار عهدنامه و صلح نامه امضا کرد ده اند؟

چرا امام حسن علیه السلام صلح کرد؟ چرا امام علی علیه السلام حکمیت را پذیرفت؟ و...؟

جواب

پیمان های حضرات معصومین را در یک نگاه به دو دسته تقسیم می شود:

ص: 282

1- مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِّهِ انْتَبَهَ بِوُطْأَةِ عَدُوِّهِ (غررالحکم، ص 630).

مثل صلح امام حسن علیه السلام که به خاطر نداشتن یار و یاور و با فشار اطرافیان، به حضرت تحمیل شد. همچنین، «حکمت»⁽¹⁾، با شمشیر یاران خود امام علی علیه السلام به حضرت تحمیل شد! در حالی که مالک اشتر، در چند قدمی پیروزی قرار داشت (نصر بن مزاحم، 1404 ق. ص 491).

پاره ای از پیمان های پیامبر گرامی اسلام با کفار و مشرکین، در این دسته قرار می گیرد. چراکه حضرت از ابزارهای مختلف برای استحکام رسالت خود و جامعه نوپای اسلامی بهره مند می شدند که پیمان با برخی طوایف و قبایل و... یکی از آن هاست. این نوع پیمان ها نوعا از سوی دشمن نقض می شد. چراکه مسلمین در آن حد از قدرت نبودند که ضمانت اجرایی این عهدها، تضمین شود. چند مصداق بارز این مقوله، عبارت اند پیمان شکنی یهود بنی النضیر و نقشه ترور نبی مکرم اسلام که حضرت از طریق وحی متوجه شد (واقعی، المغازی، ج 1، ص 364). پیمان شکنی یهود بنی قینقاع و اخراج آن ها از مدینه (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 138؛ بلاذری، ج 1، ص 309). پیمان شکنی یهود بنی غریظه و مشارکت در جنگ احزاب علیه مسلمین. (ابن هشام، السیره النبویه، ج 2، ص 220-221)؛ و غیره.

لذا پیمان هایی که در شرایط ضعیف مسلمین، در عصر نبوی، یا پیمان های تحمیلی که در عصر علوی منعقد شده؛ به راحتی و یک طرفه از سوی دشمن نقض شده است.

ص: 283

1- حَکْمِیت واقعه ای تاریخی مربوط به جنگ صفین است. در این واقعه، ابوموسی اشعری نماینده و حَکَم سپاه کوفه (سپاه امام علی علیه السلام) و عمرو عاص حَکَم سپاه شام (سپاه معاویه)، برای حل اختلاف میان مسلمانان با یکدیگر گفتگو کردند و قرار شد رأی آنان طبق قرآن باشد. درخواست حکمیت با حیلۀ عمرو عاص و معاویه و در پی از هم گسیختن سپاهشان در برابر سپاه امیرالمؤمنین مطرح شد و امام علی علیه السلام از آغاز با آن مخالف بود. عمرو عاص نماینده سپاه شام موفق شد ابوموسی اشعری را بفریب و بر خلاف قراری که در خفا با او داشت، معاویه را صاحب حق معرفی کند. ماجرای حکمیت بی نتیجه ماند و تنها نتیجه حکمیت، رهایی سپاه شام از شکست قریب الوقوع بود.

از این رو، قرآن کریم (سوره بقره آیات 83 تا 85 و 100؛ سوره توبه آیه 13؛ سوره اعراف آیه 135؛ سوره مائده، آیه 13؛ سوره انفال، آیات 55 تا 56) جریان عهدشکنی دشمنانِ انبیاء از جمله یهودیان را بیان نموده مسلمین را به مبارزه و مقاتله با پیمان شکنان فراخواند (توبه/12 و 13)... (1) به آنان دستور می دهد که شما نیز پیمان را بشکنید (انفال/58).

ب- پیمان در موضع قدرت

اشاره

پاره ای از صلح نامه های مسلمین با کفار در اوج قدرتِ آنان و در شرایطِ ضعف دشمن انجام شده است. مثل «صلح حدیبیه»

نکته های ویژه صلح حدیبیه

1- مسلمین آنچنان در موضع قدرت بودند که دشمن توان مقابله با آنان را نداشت: آیه 22 سوره فتح به این مسئله تصریح می کند: «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا». به عنوان نمونه: یک سال قبل، دشمن در جنگ تمام عیار احزاب، شکست خورده بود. در همین منطقه حدیبیه، همه عواملِ پشتاز دشمن، توسط نیروهای اسلام اسیر شده و سپس به دستور پیامبر صلی الله علیه و اله آزاد گشتند. از این رو قریش، به پیامبر صلی الله علیه و اله پیشنهاد صلح داد.

ص: 284

1- وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَتَمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ؛ و اگر سوگندهای خود را پس از پیمان خویش شکستند و شما را در دینتان طعن زدند، پس با پیشوایان کفر بجنگید، چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست، باشد که [از پیمان شکنی] باز ایستند. (توبه/12). *أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهُمْ يُبَاخِرُ الرِّسُولَ وَهُمْ بِدُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَ تَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ چرا با گروهی که سوگندهای خود را شکستند و بر آن شدند که فرستاده [خدا] را بیرون کنند و آنان بودند که نخستین بار [جنگ را] با شما آغاز کردند، نمی جنگید؟ آیا از آنان می ترسید؟ با اینکه اگر مؤمنید خدا سزاوارتر است که از او بترسید (توبه/13).

2- انسجام و وحدت خاصِ مسلمین در قالب بیعت رضوان که خداوند متعال آن را در آیه 18 سوره فتح تمجید می فرماید: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا»

3- و... صلح حدیبیه به خاطر قدرت و پشتوانه اجرایی مسلمین، یکطرفه از جانب کفار نقض نشد. لذا، کفار و مشرکین، در طول تاریخ به پیمان های شان پایبند نبوده اند، مگر اینکه مسلمین، در موضع قدرت بوده و ضمانت اجرایی برای این عهدنامه ها را داشته باشند.

به همین خاطر، آیات صلح در قرآن (نساء/90؛ انفال/61)، ناظر به زمانی است که دشمن در کمال ضعف، در حواست صلح می دهد و ضمانت اجرایی آن به خاطر قدرت و شوکت مسلمین تامین است. در همین شرایط هم خداوند اخطار می دهد که مراقب نیرنگ دشمن باشید «وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ» (انفال/62). امام علی علیه السلام نیز در فرازی از نامه 53 نهج البلاغه به این نکته اشاره نموده اند «از دشمن ات بعد از آن که از در صلح درآمد؛ سخت بترس! چه بسا او بوسیله صلح نزدیک می شود تا شما را غافل گیر کند (شمارا فریب می دهد)! پس دوراندیشی کن! در چنین مواردی خوش گمان نباش (به دشمن اعتماد مکن)».

اما خداوند دستور می دهد: شما مسلمین، به دشمن درخواست صلح ندهید فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ (محمد/35).

در این بخش، فقط آن دسته از مسائل اجتماعی که برای مقابله با دشمن و تقویت مسلمین نقش مؤثر داشته و در آموزه های اسلامی به آن ها تأکید شده؛ تشریح می گردد، وگرنه گزاره های اجتماعی ابعاد گسترده ای دارد.

1-3-3- جلوه گیری از شایعه

اشاره

یکی از شیوه های دشمن، پخش شایعات است (آل عمران/173؛ نساء/83؛ احزاب/13 و...). اسلام صریحاً هم با شایعه سازی «مبارزه کرده و جعل و دروغ و تهمت را ممنوع می شمارد و هم با نشر شایعات (مکارم شیرازی، 1374 ج 4، ص: 33).

قرآن کریم، شیوه های مقابله با شایعات و اخبار دروغین را چنین برمی شمارد:

1-3-3-1- ارجاع خبر به آگاهان (اهل تشخیص)

طبق دستور قرآن کریم (نساء/83)(1)

هنگامی که اخباری در میدان نبرد و... مطرح می شود، افراد و گروه ها وظیفه دارند، در برخورد با اخبار و گزارش ها، از خود حالات

ص: 288

1- وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا؛ و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی اند که [می توانند درست و نادرست] آن را دریابند و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلماً جز [شمار] اندکی، از شیطان پیروی می کردید (النساء/83).

احساسی و هیجانی و تأیید و تکذیب های آنی بروز ندهند و برای اطلاع از صحت و سقم اخبار به اهل تشخیص که همان مسئولان و منابع آگاه و مطلع هستند؛ رجوع نمایند.

نکته مهم این است که منافقان، در بین عموم مسلمین شیعه پراکنی می کردند که طبق فرمایش امام صادق علیه السلام، بجز خواص (1)، عموم مردم توانایی تحلیل شایعات را ندارند (برقی، 1371 ج 1، ص: 269) (2). خداوند متعال، به روشنی بیان می کند که اگر این اخبار را در بین خواص، انتشار دهند؛ آنان درستی و نادرستی آن را تشخیص می دهند.

2-1-3-3- تحقیق و بررسی اخبار و گزارش ها

هنگامی که مخاطبان شیعه درباره اخبار تحقیق نمی کنند، برخوردی غیر متعهدانه با اخبار دارند و به نقل و تکرار سخنان غیر مستند می پردازند، قطعاً عرصه برای پدید آمدن شایعات مساعد خواهد بود (معارف و همکاران، 1395 ص 16). به همین خاطر، قرآن کریم در آیه 6 سوره حجرات دستور می دهد: «ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی (3) برایتان خبری آورد، نیک واری کنید، مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده اید پشیمان شوید» (4).

ص: 289

-
- 1- مصداق خواص، 14 معصوم علیهم السلام، علما و یارانِ بابصیرتِ دین خدا است.
 - 2- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رِسَالَةٍ... فَأَمَّا غَيْرُهُمْ فَلَيْسَ يُعْلَمُ ذَلِكَ أَبَدًا؛... بجز خواص عموم مردم توانایی تحلیل و تشخیص شایعات را ندارند (برقی، 1371 ج 1، ص: 269).
 - 3- کلمه "فاسق" به طوری که گفته اند به معنای کسی است که از طاعت خارج و به معصیت گرایش کند (طباطبایی، 1374، ج 18، ص: 464).
 - 4- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (حجرات/6).

یکی از مهم ترین بسترهای پخش شدن شایعات و ناهنجاری ها، ناآگاهی و جهل است (نساء/17)(1). از این رو، خداوند متعال، در آیه 36 سوره اسراء(2)، تأکید می نماید که هرگاه، از چیزی که علم (اطلاعات دقیق) ندارید؛ پیروی نکنید، چون حدس و گمان، برای وصول به حق، کافی نیست (نجم/28)(3). قرآن کریم، کسانی را که براساس ظن (حدس و گمان) عمل می کنند؛ گمراه(4) و هلاک شده(5)، می خواند. در فرایند کسب علم، یا انسان خودش باید متخصص باشد یا به یک متخصص متعهد، مراجعه کند (النساء/83)(6).

پس پرهیز از حدس و گمان و عمل بر اساس علم و یقین، از عوامل برون رفت از تله شایعه است.

2-3-3- تقویت روحیه استکبارستیزی و شجاعت

سرکوب و تهدید (سوره اعراف، آیه 124 و 127)، از شیوه های ظالمان، برای استعمار دیگران است. لذا قرآن کریم، شجاعت را از صفات مؤمنین دانسته، انسان های آزاده و بالیمان را شجاعانه به ستیز با استکبار تشویق می کند. شجاعت از فضائل اخلاقی به معنای دلیری و دلاوری است که در علم اخلاق آن را حد وسط بی باکی و ترس قرار

ص: 290

- 1- إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ؛ پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می دهند (النساء/17).
- 2- وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛ از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئولند. (اسراء/36).
- 3- مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا؛ آنها هرگز به این سخن دانشی ندارند، تنها از گمان بی پایه پیروی می کنند با اینکه «گمان» هرگز انسان را از حق بی نیاز نمی کند! (نجم/28).
- 4- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها پرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است (حجرات/12).
- 5- وَظَنَنْتُمْ ظَنًّا السُّوءَ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا؛ و گمان بد کردید و سرانجام (در دام شیطان افتادید و) هلاک شدید! (فتح/12)*.
- 6- وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ؛ اگر آن را به پیامبر و پیشوایان- که قدرت تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد (النساء/83).

داده اند. شجاعت به عنوان یکی از چهار فضیلت اخلاقی برتر (حکمت، عدالت، شجاعت و عفت) نزد علمای اخلاق (نراقی، 1967 م ج 1 ص 85)، مورد توجه آیات و روایات قرار گرفته است.

آیات قرآن، روحیه استکبارستیزی و شجاعت و صلابت مؤمنین را توصیف می کند که در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. آنان گویی بنایی آهنین اند (صف/4؛ مائده/54)(1). همچنین، نمونه هایی از مبارزان شجاع، از جمله ساحران فرعون را به عنوان الگو، معرفی کند که چگونه با شجاعت، در برابر تهدید فرعون ایستاده و گفتند «(تهدید تو برایمان مهم نیست)، ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم»؟ (اعراف/125 و 126)(2).

آیه 29 سوره فتح(3) یکی از ویژگی های پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و همراهان او را شجاعت معرفی کرده و در آیه 39 سوره احزاب(4) از ویژگی های پیامبران را عدم ترس از غیر خدا و شهادت در دعوت مردم به سوی خدا می داند. در آیه 22 سوره احزاب(5)، این صفت اخلاقی، به عنوان یکی از رموز موفقیت و پیروزی مسلمانان معرفی می گردد.

ص: 291

1- إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَمَا كَانَتْهُمْ بُنَيْنٌ مَرُصُوصٌ؛ خداوند کسانی را دوست می دارد که هماهنگ (یکپارچه) در راه او پیکار می کنند گویی بنایی آهنین اند! (4). * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَآئِمَةً ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی رساند) خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند آنها در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست (مائده/54).

2- قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ؛ (ساحران) گفتند: (مهم نیست)، ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم (اعراف/125). * وَ مَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْهُمْ رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ؛ انتقام تو از ما، تنها بخاطر این است که ما به آیات پروردگار خویش - هنگامی که به سراغ ما آمد- ایمان آوردیم. بار الها! صبر و استقامت بر ما فروریز! (و آخرین درجه شکیبایی را به ما مرحمت فرما!) و ما را مسلمان بمیران (اعراف/126).

3- . مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ محمد صلی الله علیه و اله فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند (فتح/29).

4- الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ؛ (پیامبران) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالتهای الهی می کردند و (تنها) از او می ترسیدند و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند (احزاب/39).

5- وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ آلَ حَزَابٍ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ سَعْدًا لِمِمَّا؛ (اما) مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده و خدا و رسولش راست گفته اند!» و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود (احزاب/22).

امام علی علیه السلام آن را پیروزی در دسترس و فضیلتی آشکار معرفی می نمایند (لیثی واسطی، 1376 ش. ص 50) (1).

پس تقویت روحیه استکبارستیزی و شجاعت از شیوه های جنگ نرم است.

3-3-3- از دشمن نترسید

از لوازم شجاعت، نترسیدن از دشمن است. قرآن کریم (بقره/150؛ مائده/3؛ توبه/13) (2). توصیه می کند که از دشمن نترسید.

در آیه 13 سوره توبه (3) برای تحریک مسلمانان و دور ساختن هر گونه سستی و ترس و تردید در این امر حیاتی از روح و فکر آن ها، می گوید: چگونه (چرا) شما با گروهی پیکار نمی کنید که پیمانهایشان را شکستند و تصمیم گرفتند پیامبر را از سرزمین خود خارج کنند؛ و اگر تردید بعضی از شما در پیکار با آن ها به خاطر ترس است، این ترس کاملاً بیجا است، «آیا شما از این افراد بی ایمان می ترسید، در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او و از مخالفت فرمانش بترسید، اگر به راستی شما ایمان دارید (مکارم شیرازی، 1374، ج 7،

ص: 292

1- الشَّجَاعَةُ نُصْرَةٌ حَاضِرَةٌ وَفَضِيلَةٌ ظَاهِرَةٌ (لیثی واسطی، 1376 ش. ص 50)

2- فَلَا تَخْشَوْهُمْ (بقره/150؛ مائده/3). * أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ چرا با گروهی که سوگندهای خود را شکستند و بر آن شدند که فرستاده [خدا] را بیرون کنند و آنان بودند که نخستین بار [جنگ را] با شما آغاز کردند، نمی جنگید؟ آیا از آنان می ترسید؟ با اینکه اگر مؤمنید خدا سزاوارتر است که از او بترسید (توبه/13).

3- أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ چرا با گروهی که سوگندهای خود را شکستند و بر آن شدند که فرستاده [خدا] را بیرون کنند و آنان بودند که نخستین بار [جنگ را] با شما آغاز کردند، نمی جنگید؟ آیا از آنان می ترسید؟ با اینکه اگر مؤمنید خدا سزاوارتر است که از او بترسید. (توبه/13).

از آیات 55 و 85 سوره توبه(1) که می فرماید «و اموال و فرزندان آنان (دشمنان) تو را به شگفت نیندازد»؛ می توان استنباط کرد که امروزه، مسلمین در قبال امکانات و تجهیزات مادی (صنعتی، نظامی و...) دشمن نباید شگفت زده شده و خود را ببازند! چون خداوند کریم، در آیه 249 سوره بقره(2)، به این نکته پرداخته که اگر مطیع خدا و پیامبرش بوده و بردبار باشید؛ با تجهیزات و نیروهای اندک، بر دشمن غلبه خواهید کرد. به عنوان نمونه:

در پی اقدام جنگی آمریکایی ها در به شهادت رساندن سردار سلیمانی(3)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بامداد چهارشنبه (18 دیماه 1398 ش) با شلیک 13 موشک، عین الاسد در استان الانبار عراق و پایگاهی در اربیل را که محل استقرار نیروهای آمریکایی بودند، هدف قرارداد. حمله موشکی ایران علیه آمریکایی ها به نوعی بود که آمریکایی ها نه تنها نتوانستند موشک های ایرانی را رهگیری کنند، بلکه به تعبیر فرمانده هوا و فضای سپاه حتی یک گلوله هم شلیک نکردند.

موشک باران عین الاسد و... با استناد به این آیات صورت گرفت. نه بر اساس نظریه های علوم سیاسی غربی و مادی گرا؛ زیرا طبق این نظریه ها ما توان مقابله با آمریکا را نداریم(4). ولی قرآن خلاف آن را ثابت کرد.

ص: 293

1- فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ (توبه/55 و 85)

2- كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه های عظیمی پیروز شدند! و خداوند، با صابران و استقامت کنندگان است (بقره/249)

3- شهید، سپهبد، قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران بود که نقش مهمی در دادن قدرت نظامی به حزب الله لبنان، عقب راندن اسرائیل از جنوب لبنان، جنگ افغانستان، شکل دهی به فضای سیاسی عراق پس از سرنگونی صدام حسین، تغییر روند جنگ داخلی سوریه و نابودی داعش در عراق و سوریه داشته است؛ که در یک حمله ناجوانمردانه هواپیمای آمریکا، 13 دیماه 1398، در فرودگاه بغداد به شهادت رسید.

4- زیرا در ظاهر، تجهیزات و امکانات جنگی آمریکا، بیشتر از دیگران است؛ اما مردم ایران، با قدرت ایمان، بر دشمن، پیروز شدند.

اشاره

یکی از مهم ترین آموزه های اجتماعی اسلام که روح امید و نشاط را به جامعه مسلمین می دمد؛ باور به «امدادهای غیبی و نصرت الهی» است که مؤمنین، در طول تاریخ از آن بهره مند شده اند.

اعتقاد عمیق به امدادهای غیبی و توانایی قطعی و حتمی خداوند در گشایش کارها می تواند به نحو شگفت انگیزی، انسان را از غوطه ور شدن در یأس و ناامیدی برهاند، به گونه ای که انسان معتقد، در مصائب دردناک کار را تمام شده نمی بیند بلکه با باور قلبی به ولایت مطلقه خداوند، امور خود را به او واگذار می کند و بدین ترتیب دریچه ای از امید را به روی خود می گشاید. البته نزول الطاف و عنایات ویژه الهی به شرایط خاص و زمینه های مساعدی نیازمند است. یکی از اصلی ترین شرایط نیز آن است که انسان در بهره وری امدادهای عام راه صحیح را بییابد و با تقوای مناسب که فطرت هر انسان به آن راهنماست، از آن ها استفاده نماید. (ابراهیمیان و همکاران، 1394 ص 158).

خداوند متعال، همواره یار و غمخوار مؤمنین بوده (توبه/14)(1)، یاری مومنین را بر خود، حق (وظیفه) می شمارد (روم/47؛ یونس/103)(2) اگر به خدا ایمان داشته به فرامینش عمل کنند، همواره امدادهای غیبی و نصرت الهی، شامل حال شان خواهد بود (محمد/7)(3). آنگاه که مشمول امداد الهی شدید؛ دیگر کسی توانایی مقابله با شما را نداشته و

ص: 294

- 1- قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيُنْصِرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ؛ با آنها پیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات می کند و آنان را رسوا می سازد و سینه گروهی از مؤمنان را شفا می بخشد (و بر قلب آنها مرهم می نهد) (توبه/14).
- 2- ...وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ و از ازل یاری مؤمنین حق بود بر ما (روم/47). * ثُمَّ نُنْجِي رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِ الْمُؤْمِنِينَ؛ این چنین بر خود لازم کرده ایم که مؤمنین را نجات دهیم (یونس/103).
- 3- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصَرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گامهایتان را استوار می دارد (محمد/7).

شکست ناپذیر می شوید (آل عمران/160)(1). چراکه پیروان الهی همیشه پیروزند (مائده/56؛ صافات، 173)(2).

در خطبه های نماز جمعه تهران (27/10/1398) با استناد به آیه 5 سوره ابراهیم (علیه السلام)(3) دو رخداد دیمه 1398 در ایران یعنی تشیع بسیار باشکوه پیکر سردار سلیمانی(4) و موشک باران پایگاه نظامی آمریکا در عراق، توسط سپاه را مصداق «ایام الله» و از امدادهای خدا می شمارند.

قرآن کریم نمونه هایی از این یاری خودش را نسبت به انبیاء (علیه السلام) و یارانشان، ذکر کرده است؛ این امداد به چند صورت قابل تصور است(5):

1-3-5-3- لشکریان الهی

اشاره

امدادرسانی از طریق لشکر الهی یکی از شیوه های نزول حمایت های غیبی محسوب می شود. در قرآن با لفظ «جنود» و «جند» به سپاهیان آسمان و زمین اشاره شده است (مدثر / 31؛ فتح / 4)(6). از آیات مزبور چنین استنباط می شود که همه موجودات عالم اعم از جماد، نبات، حیوان، جن، انس و... جنود الهی اند که خداوند در شرایط مقتضی از همه آن ها به سود جبهه حق و ایمان و عدل بهره می گیرد. نمونه های زیر از مصادیق برجسته این نوع امدادرسانی در قرآن است:

ص: 295

- 1- **إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ؛** اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد (آل عمران/160).
- 2- **وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ؛** و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند (زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است (مائده/56). * **وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ؛** و لشکر ما پیروزند! (صافات/173).
- 3- **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِنَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ؛** ما موسی را با آیات خود فرستادیم (و دستور دادیم): قومت را از ظلمات به نور بیرون آر! و «ایام الله» را به آنان یاد آوری کن! در این، نشانه هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار (ابراهیم/5).
- 4- تشیع پیکر سردار سلیمانی، دومین تشیع باشکوه در ایران و سومین تشیع در جهان است. ترتیب اهمیت تشیع ها در جهان عبارتند از 1- امام خمینی (ره)، در ایران، 2- گاندی در هند 3- سردار سلیمانی در ایران.
- 5- در مطالب مربوط به امداد غیبی، مقاله آقای ابراهیمیان و همکاران 1394، با عنوان «شیوه های نزول امدادهای غیبی بر مومنین از منظر آیات قرآن» با تغییر و تصرف استفاده شده است. لذا از تکرار رجاع داخل متن، پرهیز می گردد.
- 6- **وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ؛** لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی داند (مدثر/31). * **وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛** لشکریان آسمانها و زمین از آن خداست (فتح/4).

قرآن کریم (احزاب/9) (1) فرستادن باد شدید (طوفان) را در نبرد احزاب یکی از نعمت ها و امدادهای ویژه الهی معرفی کرده است.

در جنگ مذکور به رغم تفرقه ای که در سپاه دشمن ایجاد شده بود، همچنان خطر احزاب جدی به نظر می رسید، از این رو پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مجدّانه دست به دعا برداشت به طوری که در شب آخر، سرما و طوفان شدیدی درگرفت و دشمن شکست خورد.

2-1-5-3-3- نزول باران

در جنگ بدر، سپاه کفر قبل از مسلمین به لب چاه رسید و در آنجا مستقر شد. مسلمانان نیز به ناچار در سرزمین خشک و شنزار مستقر شده با مشکلات متعدد ناشی از بی آبی، روبرو گردیدند. طبق آیه 11 سوره انفال (2)، خداوند بارانی فرستاد و مسلمین را یاری رساند. ولی همین باران، در سمت دشمن، موجب خسارات و ناراحتی آنان شد (مکارم شیرازی، 1374، ج 7، ص: 98).

3-1-5-3-3- نزول فرشتگان

آیات متعددی، از امدادرسانی ملائکه سخن می گویند. هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از مکه به مدینه یکی از موقعیت هایی بود که در آن به تصریح قرآن، پیامبر از امداد ملائکه بهره مند

ص: 296

- 1- إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودُ فَارِسَ لَنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا؛ در آن هنگام که لشکریایی (عظیم) به سراغ شما آمدند ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی دیدید (و به این وسیله آنها را در هم شکستیم) (احزاب/9).
- 2- إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَدَةً مِّنْهُ وَ يُنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَ يَذْهَبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ؛ [به یاد آورید] هنگامی را که [خدا] خوابِ سبک آرامش بخشی که از جانب او بود بر شما مسلط ساخت و از آسمان بارانی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند و وسوسه شیطان را از شما بزاید و دلهایتان را محکم سازد و گامهایتان را بدان استوار دارد. (انفال/11).

شدند (توبه/40). (1) طبق آیه فوق، خداوند با لشکریانی که دیده نمی شدند، پیامبرش را حمایت کرد و او را از چشم دشمنان مصون نگه داشت. همچنین آیه 4 تحریم (2) ناظر بر پشتیبانی ملائکه از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در برابر توطئه های بعضی از همسرانشان است.

جنگ های صدر اسلام یکی از حساس ترین عرصه های نزول ملائکه است. طبق آیات قرآن در سه جنگ بدر، احزاب و حنین در کنار دیگر امدادهای غیبی، فرستادن سپاه نامرئی نیز به عنوان یکی از شیوه های نزول امداد مطرح بوده است. آیات 123-126 سوره آل عمران (3)، پس از آنکه خداوند به نزول امدادهای خود در جنگ بدر تصریح کرده است؛ سخن از فرستادن سه هزار فرشته به میان آورده و متذکر شده است که در صورت پایداری و پیشه کردن تقوای الهی، این نزول فرشتگان حتی تا رقم پنج هزار خواهد رسید و در پایان این نکته را یادآور شده که این امر، برای بشارت و اطمینان دل های مؤمنان

ص: 297

1- إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَ أَتَاهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَ جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرد (و در مشکلترین ساعات، او را تنها نگذاشت) آن هنگام که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دومین نفر بود (و یک نفر بیشتر همراه نداشت) در آن هنگام که آن دو در غار بودند و او به همراه خود می گفت: «غم مخور، خدا با ماست!» در این موقع، خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد و با لشکرهایی که مشاهده نمی کردید، او را تقویت نمود و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد، (و آنها را با شکست مواجه ساخت) و سخن خدا (و آیین او)، بالا (و پیروز) است و خداوند عزیز و حکیم است! (توبه/40).

2- إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ؛ اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دلهایتان از حق منحرف گشته و اگر بر ضد او دست به دست هم دهید، (کاری از پیش نخواهید برد) زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند. (تحریم/4)

3- وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ؛ و یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر- با آنکه ناتوان بودید- یاری کرد. پس از خدا پروا کنید، باشد که سپاسگزاری نمایید. (آل عمران/123). * إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ؛ آن گاه که به مؤمنان می گفتی: «آیا شما را بس نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار فرشته فرودآمده، یاری کند؟» (آل عمران/124). * بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُم مِّنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همانگاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد (آل عمران/125). * وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَ لِيُظْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛ و خدا آن [وعده پیروزی] را، جز مژده ای برای شما قرار نداد تا [بدین وسیله شادمان شوید و] دلهای شما بدان آرامش یابد و یاری جز از جانب خداوند توانای حکیم نیست (آل عمران/126).

انجام گرفته است؛ که طبق آیه 9 سوره انفال(1)، خداوند هزار فرشته را به یاری مسلمین فرستاد. آیه 9 و 10 سوره احزاب(2)، وضعیت بحرانی جنگ احزاب و قدرت عظیم جنگی سپاه دشمن و نگرانی و ترس شدید بسیاری از مسلمانان را مطرح می نماید اما به مؤمنان یادآوری می کند که درست در همین لحظه ها ترس و اضطراب، فرشتگان در صحنه جنگ حاضر شدند. آیه 26 توبه(3) نیز یادآور نقش ملائکه در شکست دادن مشرکان و غلبه مؤمنین بر آن ها در جنگ حنین است.

2-3-5-3- حفظ و صیانت در برابر دشمنان و حوادث ناگوار

حمایت از پیامبران و پیروانشان در برابر تعرض منکران و حراست از آن ها در برابر حوادث نیز به عنوان یکی دیگر از مصادیق امدادهای غیبی مطرح است که در آیات متعدد بدان اشاره شده است.

نجات اعجاز آمیز حضرت ابراهیم علیه السلام از شرّ نمرودیان و سرد شدن آتش بر او (انبیاء/69)(4)، استجابت دعای یونس و نجات او از شکم ماهی (انبیاء / 88)(5) از صحنه هایی هستند که در آن ها خداوند متعال، حمایت خاص خود را از مقربانش بیان کرده است.

ص: 298

1- إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَبَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ؛ [به یاد آورید] زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می طلبیدید، پس دعای شما را اجابت کرد که: «من شما را با هزار فرشته پیاپی، یاری خواهم کرد.» (انفال/9).

2- إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودُ فَارِسَ لَمْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا؛ آن گاه که لشکری به سوی شما [در] آمدند، پس بر سر آنان تندبادی و لشکری که آنها را نمی دیدید فرستادیم (احزاب/9). * إِذْ جَاءَكُمْ مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا؛ (به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها [دشمن] از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشمها از شدت وحشت خیره شده و جانها به لب رسیده بود و گمانهای گوناگون بدی به خدا می بردید. (انفال/10).

3- ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ؛ سپس خداوند «سکینه» خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکری فرستاد که شما نمی دیدید و کافران را مجازات کرد و این است جزای کافران! (توبه/26).

4- قُلْ إِنَّا بِمَا نُرِيهِمْ بَرَدًا وَ سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ؛ (سرانجام او را به آتش افکندند ولی ما) گفتیم: «ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش!» (انبیاء/69).

5- فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَٰلِكَ نُجِي الْمُؤْمِنِينَ؛ ما دعای او را به اجابت رساندیم و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم! (انبیاء / 88).

نمونه هایی از این دست در قرآن فراوان اند: چنان که آیات 63 تا 66 سوره شعراء(1) به شکافتن دریا و نجات قوم بنی اسرائیل و غرق شدن فرعونیان می پردازد. در آیه 66 هود(2)، صیانت از حضرت صالح (علیه السلام) و پیروانش از عذاب خوارکننده الهی (عذاب دنیوی) مطرح شده است. طبق آیات قرآن، امداد الهی و صیانت از حوادث، دیگر پیامبران خدا را نیز در بر گرفته است. از جمله حضرت هود و یارانش (هود/58)(3)، لوط و خاندانش (شعراء/170؛ انبیاء/74).

3-3-5-3- اعطای آرامش و اطمینان قلبی

آرامش قلبی و اطمینان خاطر از دیگر موهبت های عظیمی است که قرآن کریم با عبارت «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ نه ترسی بر آن هاست و نه غمناک می شوند» و مشابه آن، در موارد متعددی بر اعطای آن به مؤمنین، تأکید می نماید (بقره/38 و 62؛ انعام/48؛ یونس/62؛ فصلت/30؛ احقاف/13 و...) چنان که به صراحت، در آیه 35 سوره اعراف(4)، هرگونه احساس ترس و اندوه از متقین و صالحان برداشته شده است.

ص: 299

1- فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اصْبِرْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ؛ پس به موسی وحی کردیم: «با عصای خود بر این دریا بزن.» تا از هم شکافت و هر پاره ای همچون کوهی سترگ بود (شعراء/63). * وَأَرْزَلْنَا ثَمَّ الْأَخْرِينَ؛ و در آنجا دیگران [الشکر فرعون] را نیز (به دریا) نزدیک ساختیم! (شعراء/64). * وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ؛ و موسی و همه کسانی را که همراه او بودند نجات دادیم (شعراء/65). * ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْأَخْرِينَ؛ آن گاه دیگران را غرق کردیم (شعراء/66)

2- فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ؛ و هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرارسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از رسوایی آن روز، رهایی بخشیدیم چرا که پروردگارت قوی و شکست ناپذیر است! (هود/66).

3- وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ؛ و هنگامی که فرمان ما فرارسید، «هود» و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم و آنها را از عذاب شدید، رهایی بخشیدیم! (هود/58).

4- فَمَنْ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند)، نه ترسی بر آنهاست و نه غمناک می شوند. (اعراف/35)

پایداری و ثبات قدم شگفت انگیز پیامبران و پیروان واقعی آن ها در رویارویی با طاغوت های زمان نیز تنها با برخورداری از این سرمایه عظیم روحی قابل توجیه است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و یارانش در عرصه جنگ های متعدد نیز با این لطف ویژه الهی یاری شدند. آیه 26 سوره توبه (1) خاطره جنگ حنین را در این مورد بازگو می کند. آیات قرآن صحنه هایی را نشان می دهد که متعاقب همین سکینه و اطمینان قلبی، مؤمنین راستین با خوابی آرامش دهنده یاری شدند. این خواب از آنجاکه در موقعیت های هولناک و پرخطر بر مؤمنین واقعی غالب شد، یکی از موهبت های شگفت انگیز الهی محسوب می شود. قرآن دو صحنه جنگ بدر و احد را یادآوری می کند، به گونه ای که آیه 11 انفال (2) نزول خواب را در شب جنگ بدر بیان می کند که به دنبال آن مسلمانان با بهره مندی از این نعمت خاص الهی در میدان مبارزه، نیرومندتر و بااقتدارتر ظاهر شدند. نمونه دیگر شب بعد از نبرد احد بود که شبی بسیار پراضطراب و پرتشویش برای مؤمنین محسوب می شد، اما طبق آیه 154 آل عمران (3) در این موقعیت نیز مؤمنین با این موهبت ویژه الهی یاری شدند.

4-5-3-3- اندک نمایی

تجهیزات کامل و تعداد کثیر سپاه دو عاملی هستند که در تقویت روحیه لشکریان و برعکس در تضعیف سپاه دشمن اهمیت به سزایی دارد. در این مورد آیات قرآن، یاری اعجاب انگیز الهی را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و گروه اندک سپاه اسلام در جنگ بدر و غلبه آنان را بر سپاه انبوه و مسلح قریش مطرح می کند. پیامبر خدا صلی الله لیه و اله با مشاهده کثرت سپاه قریش

ص: 300

1- ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ؛ سپس خداوند «سکینه» خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکریایی فرستاد که شما نمی دیدید و کافران را مجازات کرد و این است جزای کافران! (توبه/26)

2- إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِّنْهُ؛ و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت (انفال/11).

3- ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ؛ سپس بدنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد. این آرامش، بصورت خواب سبکی بود که (در شب بعد از حادثه احد)، گروهی از شما را فرا گرفت (آل عمران/154).

از خدا کمک خواست و به درگاهش استغاثه نمود. همچنین آیه 9 انفال(1) نیز نشان می دهد که مسلمانان نیز بیمناک و مضطرب بودند و با دعا و تضرع، غلبه بر دشمن را از خداوند می طلبیدند. به دنبال این وضعیت و پس از خوابی که بر پیامبر عارض شد، خداوند دشمنان را در نظر ایشان کم شمار جلوه داد. (انفال / 43)(2)

اما نکته قابل توجه آن که طبق آیه 44 سوره انفال،(3) این اندک نمایی دوجانبه بود؛ یعنی هم شمار مشرکان در چشم مؤمنین تقلیل یافت و هم لشکریان اسلام در دیدگان دشمنان اندک جلوه داده شدند. اندک نمایی سپاه قریش در نظر مؤمنین به این علت بود که دل هایشان استوار و درویشان آرام شود اما اندک نمایی سپاه اسلام در نظر مشرکین از این رو است که آنان مؤمنین را غیرقابل اعتنا و پیروزی بر آن ها را سهل الوصول تلقی کنند.

این دو موضوع اثر عمیقی در پیروزی مسلمانان داشت، زیرا از یک سو عدد دشمن در نظر آن ها کم جلوه می کرد تا از اقدام به جنگ ترس و واهمه ای به خود راه ندهند و از سوی دیگر نفرات مسلمانان در نظر دشمن کم جلوه می نمود تا از اقدام به جنگی که سرانجامش شکست آن ها بود منصرف نشوند، به علاوه نیروی زیادتری در این راه کسب

ص: 301

1- إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَبَ لَكُمْ أَنِّي مُّمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدَفِينَ؛ (به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر)، از پروردگارتان کمک می خواستید و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یکهزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می آیند، یاری می کنم. (انفال/9).

2- إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَأَيْتَهُمْ كَثِيرًا لَّفَشِلْتُمْ وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ لَا كِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ در آن هنگام که خداوند تعداد آنها را در خواب به تو کم نشان داد و اگر فراوان نشان می داد، مسلماً سست می شدید و (درباره شروع جنگ با آنها) کارتان به اختلاف می کشید ولی خداوند (شما را از شرّ اینها) سالم نگه داشت خداوند به آنچه درون سینه هاست، داناست. (انفال/43).

3- وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَیُّتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيَقَلُّ لَكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ؛ و در آن هنگام (که در میدان نبرد)، با هم رو به رو شدید، آنها را به چشم شما کم نشان می داد و شما را (نیز) به چشم آنها کم می نمود تا خداوند، کاری را که می بایست انجام گیرد، صورت بخشد (شما نترسید و اقدام به جنگ کنید، آنها هم وحشت نکنند و حاضر به جنگ شوند و سرانجام شکست بخورند!) و همه کارها به خداوند باز می گردد (انفال/44).

نکنند و بر آمادگی جنگی خود- بر گمان اینکه ارتش اسلام اهمیتی ندارد- نيفزايند (مکارم شیرازی، 1374 ج 7، ص: 192).

5-3-3-5-3- ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان

در قرآن کریم برای بیان مفهوم ترس از واژه «رعب» استفاده شده است، آن گونه که در روایات متعدد مشاهده می شود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) القاء رعب را در دل کفار یکی از خصایص خود دانسته؛ خصیصه ای که خدای تعالی در بین همه انبیا تنها به آن جناب داده و به وسیله آن او را یاری و دشمنانش را مغلوب کرده است (1). (ابن بابویه، 1362: 1 / 201).

طبق آیات قرآن مسلمانان صدر اسلام در عرصه های متعددی مثل جنگ بدر (انفال / 12) (2)

و جنگ با بنی قریظه (احزاب / 26) (3)

برخورد با بنی نضیر (حشر / 2) (4)،

با تسلط ترس بر دشمنان پیروز شدند. پس از شکست تأسف بار احد، خداوند متعال، طبق آیه 151 سوره

ص: 302

1- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صُفِّلْتُ بِأَرْبَعٍ... نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ؛... به وسیله رعب در دل دشمنان، پیروز شدم (ابن بابویه، 1362: 1 / 201).
2- إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنْتُمْ مَعَكُمْ فَتَبَيَّنُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ؛ و (به یاد آر) موقعی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: من با شما هستم کسانی را که ایمان آورده اند، ثابت قدم دارید! بزودی در دلهای کافران ترس و وحشت می افکنم ضربه ها را بر بالاتر از گردن (بر سرهای دشمنان) فرود آرید! و همه انگشتانشان را قطع کنید (انفال/12).

3- وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا؛ و خداوند گروهی از اهل کتاب [یهود] را که از آنان [مشرکان عرب] حمایت کردند از قلعه های محکمشان پایین کشید و در دلهایشان رعب افکند (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می رساندید و گروهی را اسیر می کردید! (احزاب/26)

4- هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ؛ او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با مسلمانان) از خانه هایشان بیرون راند! گمان نمی کردید آنان خارج شوند و خودشان نیز گمان می کردند که دژهای محکمشان آنها را از عذاب الهی مانع می شود اما خداوند از آنجا که گمان نمی کردند به سراغشان آمد و در دلهایشان ترس و وحشت افکند، بگونه ای که خانه های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می کردند پس عبرت بگیرید ای صاحبان چشم! (حشر/2).

آل عمران(1)، یاری قریب الوقوع مسلمانان را از طریق مرعوب ساختن دشمنان نوید می دهد و به این طریق آنان را به آینده ای روشن دلگرم می کند.

6-3-3- ترویج آزادی و یکتاپرستی

مستکبرین، انسان های زیردست را برده خود می سازند (سوره مؤمنون، آیه 47)، ولی پیامبران، انسان ها را به یکتاپرستی دعوت نموده و یوغ بردگی و بندگی طاغوت را از گردنشان برداشته اند (نحل/36؛ زمر/17؛ اعراف، 73 و...) (2). قرآن کریم (نساء/92؛ مائده، 89؛ مجادله/3...) (3) به بهانه جریمة مسلمین، آنان را به آزاد کردن بردگان تشویق می کند. حضرات معصومین (علیه السلام) نیز به این امر، اهتمام جدی داشتند. از این رو، آموزه های اسلامی، بر این نکته پا می فشارد که مسلمین، نباید سلطه و بردگی مستکبرین را بپذیرند! «خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است» (نساء: 141) (4).

ص: 303

1- سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشَدَّ رُكُوبًا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوًى الظَّالِمِينَ؛ بزودی در دل های کافران، بخاطر اینکه بدون دلیل، چیزهایی را برای خدا همتا قرار دادند، رعب و ترس می افکنیم و جایگاه آنها، آتش است و چه بد جایگاهی است جایگاه ستمکاران! (آل عمران/151).

2- وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید (نحل/36). * وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ؛ و کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت از آن آنهاست پس بندگان مرا بشارت ده! (زمر/17). * وَإِلَى تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ؛ و به سوی قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم) گفت: ای قوم من! (تنها) خدا را بپرستید، که جز او، معبودی برای شما نیست! (اعراف/73). *

3- وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُُّؤْمِنَةٍ؛ کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید يك برده مؤمن را آزاد کند (نساء/92). * لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَا كُنْ يُوَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّرتُهُ إِطْعَامَ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ؛ خداوند شما را بخاطر سوگندهای بیهوده (و خالی از اراده)، مؤاخذه نمی کند ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم کرده اید، مؤاخذه می نماید. كفاره این گونه قسمها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که به خانواده خود می دهید یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر و یا آزاد کردن يك برده (مائده/89). * وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا؛ کسانی که همسران خود را «ظهار» می کنند، سپس از گفته خود باز می گردند، باید پیش از آمیزش جنسی با هم برده ای را آزاد کنند (مجادله/3). *

4- وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. (نساء/141)

تحقیر توده های مستضعف (سوره هود، آیه 27 و 31)، از شیوه های مستکبرین است. قرآن کریم هم با این شیوه مقابله به مثل می کند. نمونه هایی از برخورد تحقیرآمیز با مستکبران در کلام حضرت نوح (علیه السلام) (یونس/71) (1) و تقابل ساحران مؤمن با فرعون (طه/72) (2) همچنین تحدی خود قرآن (طور/34؛ هود/13) (3) و غیره، نمایان است.

در جریان تسخیر لانه جاسوسی، اکثر مسئولان مخالف برخورد جدی با امریکا بودند؛ ولی تنها حضرت امام خمینی (آیت الله سید روح الله موسوی خمینی، بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران) - رحمت الله علیه - فرمودند: «امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند» (رودسری، 1378، ص. 231). این رهبر شجاع در جای دیگر فرموده اند «ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم» (صحیفه امام، ج 21، ص 283)، کلام ایشان، از مصادیق بارز این مقوله در قرن بیستم است که ایران اسلامی در 18 دی 1398 پایگاه نظامیان امریکا در عین الاسد عراق را موشک باران کرد ولی امریکا جرئت نکرد که واکنش نظامی علیه ایران نشان دهد.

لذا قرآن دستور می دهد شکوه ظاهری مستکبران را بشکنید.

ص: 304

1- * وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَاقَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرَكُمْ عَلَيْكُمْ غَمَةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنْظِرُون؛ سرگذشت نوح را بر آنها بخوان! در آن هنگام که به قوم خود گفت: ای قوم من! اگر تذکرات من نسبت به آیات الهی، بر شما سنگین (و غیر قابل تحمل) است، (هر کار از دستتان ساخته است بکنید). من بر خدا توکل کرده ام! فکر خود و قدرت معبودهایتان را جمع کنید سپس هیچ چیز بر شما پوشیده نماند (تمام جوانب کارتان را بنگرید) سپس به حیات من پایان دهید و (لحظه ای) مهلت ندهید! (اما توانایی ندارید!) (71)

2- قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيْتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَٰذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛ گفتند: سوگند به آن کسی که ما را آفریده، هرگز تو را بر دلایل روشنی که برای ما آمده، مقدم نخواهیم داشت! هر حکمی می خواهی بکن تو تنها در این زندگی دنیا می توانی حکم کنی! (طه/72).

3- فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ؛ اگر راست می گویند سخنی همانند آن بیاورند! (طور/34). * أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مِنْ آسَاطِنِهِمْ مَنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ آنها می گویند: «او به دروغ این (قرآن) را (به خدا) نسبت داده (و ساختگی است)!» بگو: «اگر راست می گویند، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید و تمام کسانی را که می توانید- غیر از خدا- (برای این کار) دعوت کنید!» (هود/13).

گسترش انواع فساد (سوره مائده، آیه 33؛ سوره فجر آیه 12؛ نور، آیه 19 و عنکبوت، آیه 28...)، از مهم ترین برنامه های دشمن، علیه مسلمین است. از این طریق نیز، در موارد متعددی به اهداف شوم خود رسیده اند. ماجرای سقوط «اندلس» یک نمونه آشکار در این مورد است (رائف، 1370).

فساد در لغت به معنی خروج شیء از اعتدال است، خواه کم باشد یا بیشتر که در نفس، بدن و اشیائی که از استقامت و ثبات خارج شده است بکار می رود (راغب اصفهانی، 1412 ق، ص 336). قرآن کریم، در آیات متعدد، مسلمین را از گرفتار شدن در انواع فساد، منع می کند (بقره/205؛ قصص/77؛ مائده/64، نور/21) (1). فساد اخلاقی (جنسی) (2)

یکی مهم ترین و جذاب ترین فسادها است که خداوند متعال، ضمن تحریم آن، راه مقابله با این رذیله را به مسلمین یاد می دهد. نخست، به کنترل نگاه، عفت و ایجاد حریم بین محرم و نامحرم سفارش می کند (نور/30-31؛ اسراء/32؛ فرقان/68؛ ممتحنه/12؛ اعراف/33...) (3) سپس با

ص: 305

1- وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ و خداوند تباهاکاری را دوست ندارد (بقره/205). *وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد! (قصص/77). *وَيَسَّ عَوْنِي فِي الْآ زَصِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ و برای فساد در زمین، تلاش می کنند و خداوند، مفسدان را دوست ندارد (مائده/64). *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از گامهای شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می دهد (نور/21).

2- فساد اخلاقی (اخلاق فاسد)، شامل همه رفتارهای غیر عادی و غیر مورد پسند عقل و دین است، ولی در ادبیات اجتماعی انقلاب اسلامی ایران، اولین چیزی که از این واژه به ذهن می رسد؛ انحراف جنسی (زنا و...) است. لذا نوعا در معنی دوم بکار می رود.

3- قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ؛ به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند این برای آنان پاکیزه تر است خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است! (نور/30). *وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْطِفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیششان، یا بردگانشان [کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد)؛ و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا درستگار شوید! (نور/31). *وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا؛ و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت و بد راهی است! (اسراء/32). *وَالَّذِينَ لَا

يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا؛ و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند و انسانی را که خداوند خودش را حرام شمرده، جز بحق نمی کشند و زنا نمی کنند و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید! (فرقان/68). * يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَاعِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْهِرَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ؛ ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند (ممتحنه/12). * قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ؛ بگو: خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است (اعراف/33).

متخلفان برخورد قضایی می کند (نور/2-3؛ نساء 15 و 25؛ احزاب/30...). لذا مبارزه با هرگونه فساد، مخصوصاً فساد اخلاقی، از شیوه های کاربردی برای استکبارستیزی است.

9-3-3- شناخت حق و نشر آن

واژه «حق» معمولاً با کلمات دیگری به کار می رود و معنای خاصی را اقتضا می کند. در آیاتی از کلام الله مجید، عقیده مطابق با واقع، حق نامیده شده است (احقاف/30 و...) (1)

به استناد، آیه 48 سوره توبه، یکی از برنامه های دشمن (منافقان)، وارونه جلوه دادن امور (آدرس غلط دادن) است.

به همین خاطر، در آیات و حینانی قرآن کریم (اعراف/169؛ بقره/26) (2)، انسان ها را به حق شناسی (3) و حق گویی، فرامی خواند. چون از منظر این کلام و حینانی، طرفداران باطل، در مواجهه با حق و حقیقت، سه گروه هستند:

ص: 306

-
- 1- يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ؛ به سوی حق و راه راست هدایت می کند. (احقاف/30).
 - 2- أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ؛ جز حق نگویند؛ (اعراف/169). * فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ؛ آنان که ایمان آورده اند، می دانند که آن، حقیقتی است از طرف پروردگارشان (بقره/26).
 - 3- واژه حق، 287 بار در قرآن کریم، آمده است که نشانگر اهمیت آن است.

1- حق را نمی دانند به این سبب ا گر اند (انبیا/24)(1)

2- توانایی درک و فهمیدن حق را ندارند (بقره/7 و 171). (2)

3- حق را می دانند ولی آن را عمداً انکار می کنند (بقره/146)(3)

از پیش نیازهای اصلی «حق شناسی و حق گوئی» داشتن رسول باطنی (عقل) و رسول ظاهری (انبیاء و امامان و جانشینانشان) است که قرآن کریم به هر دو مقوله، اهتمام ویژه دارد. در کنار دعوت به اطاعت از رسولان ظاهری (نساء/59...)(4)، به وفور، انسان را به تعقل و تفکر فرامی خواند (روم/8؛ بقره/73)(5).

10-3-3- تزریق امید به جامعه

* تزریق امید به جامعه (6)

از جمله برنامه های دشمن، در جامعه اسلامی، ایجاد «یاس و ناامیدی» نسبت به آینده حکومت اسلامی است که آموزه های دینی، ناامیدی را از ویژگی های کفار می شمارد (یوسف/87)(7).

ص: 307

1- بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُونَ؛ بلکه بیشترش ا حق ا نمی شناسند به این سبب ا گر اند (انبیا/24).

2- خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ خدا بر دلها و گوشهای آنان مهر نهاده و بر چشمهایشان پرده ای افکنده شده و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست (بقره/7)* صُمْ بُكُمْ عُمِّي فَهُمْ لَا- يَعْقِلُونَ؛ این کافران، در واقع کرو لال و نابینا هستند از این رو چیزی نمی فهمند! (بقره/171)

3- لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ حق را آگاهانه کتمان می کنند! (بقره/146).

4- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [اوصیای پیامبر] را (نساء/59)

5- أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ...؛ آیا آنان با خود نیندیشیدند (روم/8)*. يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ و آیات خود را به شما نشان می دهد شاید اندیشه کنید! (بقره/73).

6- امید، گستره هایی دارد که در این کتاب، حوزه حکومتی آن مد نظر است. به این معنی که باید به موفقیت و کارآمدی و کارآرایی حکومت و انقلاب اسلامی، در حال و آینده، امید وار باشیم.

7- يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فَتَحَسَّسُوْا مِنْ يُّوسُفَ وَ اَخِيْهِ وَ لَا تَاۡسُوْا مِنْ رُّوْحِ اللّٰهِ اِنَّهٗ لَا يَاۡئِسُ مِنْ رُّوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُوْنَ؛ پسرانم! بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می شوند (یوسف/87)

طبق حدیث نبوی، امید، حالتی نفسانی است که فرد امیدوار را به تلاش جدی وامی دارد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در این باره فرمود: «امید و آرزو رحمت است برای امت من و اگر آرزو نبود، مادر، بچه اش را شیر نمی داد و باغبان نهالی نمی کاشت» (1).

امید در زندگی دنیوی و اخروی نقش های شگرفی دارد نظیر فعالیت هدفمند، آرامش و آینده نگری. در قرآن و روایات نیز فرد، با امید به نصرت الهی، به آرامش در زندگی و تربیت خود دست می یابد با بررسی آیات مشتمل بر واژگان امید می توان بدین نکته دست یافت که متعلقات اصلی امید از منظر قرآن کریم عبارت اند از لقای الهی (کهف/110)، رحمت الهی (بقره / 218)، مغفرت و بخشش الهی، (اسراء/57). (خاری آرائی و همکاران، 1394).

گزاره های وحیانی، به صراحت، مسلمانان را به آینده روشن نوید داده همواره آنان را امیدوار می کند. آیه 5 سوره قصص (2)، نمونه بارزان است که می فرماید: ستم دیدگان، وارثان زمین خواهند شد. با استناد به فرمایش امام علی (علیه السلام) (3) تلاش برای توسعه و ترقی کشور، از ثمرات امیدواری است.

لذا باید مردم را به عملکرد نظام اسلامی، امیدوار نمود تا کشور، مسیر پیشرفت را به سرعت طی نماید.

ص: 308

-
- 1- . الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَلَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَلَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجَرًا (مجلسی، 1403، ج 74، ص: 174).
 - 2- وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضُّعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! (قصص/5).
 - 3- امام علی (علیه السلام): كُلُّ رَاجٍ طَالِبٌ وَ كُلُّ خَائِفٍ هَارِبٌ هر امیدواری جوینده است و هر بیمناکی گریزان (از آنچه می ترسد) (کلینی، 1407، ج 2، ص: 343).

یکی از خطرناک ترین برنامه های دشمن در حوزه اجتماعی جنگ نرم، ترویج اعتیاد و مسکرات در جوامع اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران است که باید با این امر، به صورت گسترده و همگانی مبارزه شود(1). در خطرناک بودن این شیوه، همین بس که طبق گزارش سایت عصر ایران(2) (4/8/1398) نود (90) درصد مواد مخدر دنیا در ایران کشف می شود!.

با توجه به آثار ویرانگر مواد مخدر و مشروبات الکلی، در اسلام، مصرف آن ها حرام بوده و برای مقابله و مبارزه با این ویرانگرهای جامعه، دستور جدی صادر شده است. همچنین مصرف کنندگان مخدرها و مسکرات، مجازات می شوند (80 ضربه تازیانه می خورد)(3).

قرآن کریم، در آیه 90 سوره مائده(4)، دستور می دهد که از مشروبات الکلی(5)، پرهیز کنید زیرا جزو اعمال شیطانی است. در آیات دیگر، به مضرات اجتماعی آن، می پردازد تا انگیزه مردم را برای اجتناب بالا ببرد، در آیه 91 سوره مائده(6) آن را عامل دشمنی بین مردم معرفی می کند.

ص: 309

1- گرچه در کشور ایران، «ستاد مبارزه با مخدر»، فعال هست ولی کافی نیست، باید همه مردم در این امر، مشارکت جدی نمایند.

2- <https://www.asriran.com>

3- قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِر (عليه السلام): إِذَا سَكِرَ مِنَ النَّبِيدِ الْمُسْكِرِ وَالْخَمْرِ جُلِدَ ثَمَانِينَ؛ هرگاه کسی با مصرف شراب یا نبید، مست شد؛ 80 ضربه تازیانه می خورد (مجلسی، 1403 ج 76 ص 156).

4- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بتها و ازالام [نوعی بخت آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید! (90) ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بتها و ازالام [نوعی بخت آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید! (مائده/90).

5- از تولید، توزیع و مصرف مشروب باید خود داری شود.

6- إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؛ شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد و با این نهی اکید)، خودداری خواهید کرد؟! (مائده/91).

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله (1) شراب را مادر (ریشه) زشتی ها و بزرگ ترین گناه کبیره و عامل زنا با محارم، می دانند. حضرات معصومین علیهم السلام (2) مسلمین را از هم نشینی و برقراری روابط اجتماعی با شراب خوران نهی می کنند.

ص: 310

- 1- پیامبر خدا صلی الله علیه و اله: الخمر أمّ الفواحش و أكبر الكبائر من شربها وقع علی أمّه و خالته و عمّته؛ شراب مادر بدیهاست و از همه گناهان بزرگ بزرگتر است هر که آن را بنوشد باک ندارد که با مادر و خاله و عمه خود زنا کند (پاینده، 1382، ص 477).
- 2- پیامبر خدا صلی الله علیه و اله: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ جَلَسَ طَائِعاً عَلَى مَائِدَةِ يَشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ. ملعون است، ملعون است کسی که با میل خود بر سر سفره ای که در آن شراب نوشیده می شود بنشیند. (کلینی، 1407 ج 6 ص 268). * امام علی علیه السلام: لَا تَجْلِسُوا عَلَى مَائِدَةِ يَشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ، فَإِنَّ الْعَبْدَ لَا يَدْرِي مَتَى يُؤْخَذُ؛ بر سر سفره ای که در آن شراب نوشیده می شود ننشینید؛ زیرا که آدمی نمی داند چه وقت جاننش ستانده می شود. (حرعاملی، 1409، ج 25 ص 28). * رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شَارِبُ الْخَمْرِ لَا تُصَدِّقُوهُ إِذَا حَدَّثَ وَلَا تَزُوجُوهُ إِذَا خَطَبَ وَلَا تَعُوذُوهُ إِذَا مَرِضَ وَلَا تَحْضُرُوهُ إِذَا مَاتَ وَلَا تَأْتَمِنُوهُ عَلَى أَمَانَةٍ؛ شراب خوار اگر سخنی گفت باور نکنید، اگر خواستگاری کرد به او زن ندهید، اگر بیمار شد به عیادتش نروید، اگر مُرد بر جنازه اش حاضر نشوید و به او امانت مسپارید (حرعاملی، 1409 ج 25 ص 313).

اشاره

توطئه های مستکبرین در بخش فرهنگی موارد متعددی را در بر می گیرد از قبیل گمراه کردن مسلمانان (سوره آل عمران، آیه 69)، تضعیف توحید (سوره آل عمران، آیه 181)، ایجاد شبهه در قرآن و منکر رسالت نبی مکرم اسلام (سوره مائده، آیه 19)، ترجیح بت پرستی بر خداپرستی جهت ایجاد تردید (سوره نساء، آیه 51) به بازی گرفتن اصل دین (سوره آل عمران آیه 72)، تحریف آموزه های اسلامی (بقره، آیه 57؛ مائده، 13 آیات و 41)، گسترش انواع فساد (سوره مائده، آیه 33؛ سوره فجر آیه 12؛ نور، آیه 19 و عنکبوت، آیه 28) و غیره.

خداوند متعال، برای مقابله با برنامه های ضد فرهنگی دشمن، راهکارهای متعددی را به مسلمین ارائه نموده است که به چند مورد می پردازیم.

1-4-3- تعمیق باورهای دینی و فرهنگی

اشاره

اشاعه ارزش های دینی برای جنگ نرم، اهمیت فراوان دارد (ذوالقدر و همکاران، 1392 ص 121).

گزاره های دینی (مذهب تشیع)، کامل ترین و مفیدترین آموزه های فرهنگی را به مردم یاد می دهد لذا، از شیوه های اصلی مقابله با جنگ نرم، تعمیق باورهای دینی و فرهنگی

ص: 312

است. این امر راهکارها و شیوه های گوناگونی را می طلبد به چند نمونه، از نگاه قرآن، اشاره می شود(1):

1-1-4-3- ترویج عقل گرایی (ژرف اندیشی) در جامعه

ژرف اندیشی و پرهیز گاری، از ابزارهای مصونیت در برابر انواع حمله های فرهنگی است. «عقل»، نیروی درونی است که انسان را در تشخیص خوب و بد، یاری می کند (مصطفوی، 1368، ج 8، ص. 196) «تفکر» به معنای بکار گرفتن نیروی عقل، برای تشخیص خوب و بد و کشف مجهول است (مصطفوی 1368، ج 9، ص. 126). قرآن کریم، انسان ها را به تفکر(2) (بقره/219 و 266؛ رعد/3...)(3)، تعقل(4) (بقره/73، 164، 242...)(5) و تدبیر (نساء/82؛ ص/29؛ محمد/24)(6) در امور، فرامی خواند. پاره ای از این خطاب ها، متوجه کفار و معاندان است که شاید از این طریق، به راه راست در آیند و پاره ای خطاب به مسلمین است که باید با دقت، امور جامعه را زیر نظر داشته با عقل و فکر، مسائل را تجزیه و تحلیل کنند تا از گزند دشمن در امان باشند؛ زیرا افراد سطحی نگر، با کوچک ترین، ترفند، از راه راست بیرون می رود. به همین دلیل، اسلام ضمن ارج نهادن به تعقل، تفکر و تدبیر، به پیروانش توصیه می کند که معارف الهی را مستدل و مستند یاد بگیرند.

پس گسترش ژرف اندیشی در جامعه، به تعمیق باورهای دینی کمک شایانی می کند.

ص: 313

1- شیوه های تعمیق باورهای دینی (تربیت دینی)، خودش، موضوع کتاب جداگانه ای است.

2- ماده «فکر و مشتقات آن» 18 بار در قرآن آمده است.

3- كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ؛ اینچنین خداوند آیات را برای شما روشن می سازد، شاید اندیشه کنید (بقره/219). إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ در اینها آیاتی است برای گروهی که تفکر می کنند (رعد/3).

4- ماده «عقل و مشتقات آن» 49 بار در قرآن آمده است.

5- كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می دهد شاید اندیشه کنید! (بقره/242).

6- أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ؛ آیا درباره قرآن نمی اندیشند؟ (نساء/82).

در همه سیمت های جامعه، قرآن بر شایسته سالاری (تعهد و تخصص) تأکید می کند (قصص/34)(1). تعمیق باورهای دینی هم از این امر، بیرون نیست بلکه ضرورت بیشتری دارد؛ لذا از تعالیم قرآنی، در فرایند ترویج و تعمیق گزاره های دینی، اصول و روش های آن را نیز قابل استخراج است که برخی از آن ها عبارت اند از تذکر و مرور مطالب (ذاریات/55؛ اعلی/9)(2)، استفاده از تشویق و تنبیه (بقره/25؛ ابراهیم/44؛ شعرا/214؛ نوح/1)(3)، توجه به تفاوت های فردی و ظرفیت مخاطب (انعام/152) استفاده از تمثیل (بقره/26؛ ابراهیم/24؛ نحل/75)، تشبیه محسوس به معقول جهت فهم بهتر مطلب (ابراهیم/26؛ بقره/17؛ یونس/24؛ عنکبوت/41)، مشاهده عینی و عملی (غاشیه/17-20، عنکبوت/20؛ روم/50 و 9) آزمایش و تجربه (بقره/60 و 259)، ارائه مطلب با استدلال و برهان (نحل/125؛ نساء/174)، ترغیب مخاطب به تفکر و تعقل (انعام/50؛ روم/8)، ارائه الگوی عملی (ممتحنه/4-6)، استفاده از داستان (اعراف/176؛ آل عمران/62؛ یوسف/3 و 111)،

3-1-4-3- به کارگیری مبلغان دینی توانمند

متولیان و مبلغان دینی باید از ویژگی ها و شایستگی های لازم برخوردار باشند که قرآن کریم پاره ای از آن ها را یادآوری می کند نظیر حسن خلق (آل عمران/159؛ قلم/4)، فروتنی (حجر/88؛ شعرا/7، 215)، گشاده رویی (انعام/54؛ لقمان/18)، نرمی در گفتار (طه/44)، عفو و گذشت (مانده/13؛ نور/22؛ تغابن/14؛ اعراف/199)، پرهیز از خودستایی (نجم/32؛ نساء/49)، تلاش در حد توان (هود/88)، اخلاص (مریم/51؛ زمر/2)، حرص ورزی در

ص: 314

1- وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا؛ و برادر من هارون زبانش از من فصیحتر است (قصص/34).

2- وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ؛ و پیوسته تذکر ده، زیرا تذکر مؤمنان را سود می بخشد (ذاریات/55).

3- وَ بَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ؛ به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، بشارت ده که باغهایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست (بقره/25). * أَنْ أَنْذِرَ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ قوم خود را انداز کن پیش از آنکه عذاب دردناک به سراغشان آید! (نوح/1).

تربیت (توبه/128؛ کهف/6؛ شعرا/3)، میانه روی (لقمان/19)، مشورت (آل عمران/159). لذا، بکارگیری نیروهای متعهد و متخصص، توجه به اصول و روش های صحیح تعلیم و تربیت دینی، نقش بسزایی در تعمیق باورهای دینی دارد.

4-1-4-3- تعظیم شعائر الهی

طبق آیه 32 سوره حج(1)، اهتمام ویژه به فرامین الهی از جمله، بزرگداشت آیین های گروهی نظیر حج، نماز جماعت و... در ترویج و تعمیق باورهای دینی نقش بسزایی دارد.

«شعائر» جمع «شعیره» به معنی علامت و نشانه است، بنابراین "شعائر الله" به معنای نشانه های پروردگار است که شامل سرفصل های آیین الهی و برنامه های کلی و آنچه در نخستین برخورد با این آیین چشمگیر است؛ از جمله مناسک حج می باشد که انسان را به یاد خدا می اندازد. این نکته نیز قابل توجه است که منظور از "بزرگداشت، حقیقت تعظیم آن است که مقام و موقعیت این شعائر را در افکار و اذهان و ظاهر و باطن بالا ببرند و آنچه درخور احترام و عظمت آن ها است به جای آورند (مکارم شیرازی، 1374، ج 14، ص: 97).

4-1-5-3- پرهیز از شبهات و پاسخگویی منطقی به آن ها

ایجاد شبهه در حقانیت قرآن و منکر رسالت نبی مکرم اسلام (سوره مائده، آیه 19)، تحریف آموزه های اسلامی (بقره/75؛ مائده/13 و 41؛ نساء/46)، به بازی گرفتن اصل دین (سوره آل عمران آیه 72) و غیره از برنامه های استکبار است.

قرآن کریم، برای مقابله با چنین مواردی، توصیه می کند که اولاً از شبهات (چیزی که نمی دانید) پرهیز کنید (اسراء/36)(2)، چراکه طبق فرمایش امام علی(علیه السلام)(3)، شبهات، مایه

ص: 315

1- وَ مَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست (حج/32).

2- وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ (اسراء/36).

3- أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) ... احْذَرُوا الشُّبُهَاتِ فَإِنَّهَا وَضِعَتْ لِلْفِتْنَةِ؛ از شبهه ها حذر کنید، زیرا که شبهه به قصد فتنه و گمراه سازی ساخته شده است (حرعاملی، 1409، ج 27، ص: 103)

گمراهی است. امام باقر علیه السلام⁽¹⁾، دوری از شبهه را نجات از هلاکت، معرفی می نمایند. حضرت صادق علیه السلام فرموده اند: «پارساترین مردم کسی است که به گاه شبهه بازایستد»⁽²⁾.

ثانیاً با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نمایند و با آن ها (کفار و منافقین) به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن (نحل/125)⁽³⁾.

نکته سوم این که بر اساس آیه 7 سوره آل عمران⁽⁴⁾، انسان های بیمار دل، دنبال تشابهات اند تا اهداف خود را القاء نمایند.

پس پرهیز از شبهات و پاسخگویی منطقی به آن ها از شیوه های کاربردی در جنگ نرم است.

ص: 316

1- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: الْوُفُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْإِفْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ؛ درنگ کردن هنگام پیش آمدن شبهه، بهتر از فرو رفتن در گرداب هلاکت است (کلینی، 1407، ج 1، ص: 51).

2- أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ الْحَدِيثِ. (حرعاملی، 1409، ج 27، ص: 163).

3- ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجِدْلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن (نحل/125).

4- فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ؛ اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال تشابهاتند تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند. (آل عمران/7)

استکبار در زمینه نظامی، به منظور شکست دادن اسلام، به ترفندهایی چون جنگ افروزی (طباطبایی، 1374، ج 4 ص 261)، طرح ترور پیامبر اسلام (انفال/30) تحریک و تجهیز مخالفان اسلام (احزاب/23)، ایجاد ناامنی و تهدید نظامی (آل عمران/12 و 13)، جاسوسی علیه مسلمانان (آل عمران/118) و غیره دست زده است. قرآن کریم، ضمن، آگاه ساختن مؤمنین از این نقشه ها، راه های مقابله را نیز، بیان می کند شیوه های نرم و نیمه نرم برای مقابله با استکبار در بعد نظامی موارد زیادی را دربر می گیرد که به چند مورد بسنده می کنیم نظیر تقویت توان داخلی، رزمایش نظامی، مقابله به مثل، حفاظت از سران و اسرار، فراهم ساختن تجهیزات ضد جاسوسی، اشراف اطلاعاتی و غیره (صیدی، 1400، ص 167)(1).

1-5-3- تقویت توان دفاعی مسلمین

به منظور مقابله با ترفندهای دشمن، قرآن کریم، تأکید می کند که توان دفاعی و اقتصادی خود را چنان تقویت کنید که دشمنان را به وحشت اندازید؛ «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن ها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب های ورزیده(2) (برای

ص: 318

1- مطالب این بخش (بخش دوازدهم-نظامی) اکثراً برگرفته از مقاله خود مولف است که در دو فصلنامه بیداری اسلامی، سال دهم، شماره نوزدهم، بهار 1400 با عنوان «وش های تامین امنیت نظامی در جمهوری اسلامی ایران براساس رهنمود های قرآنی» چاپ شده است. برای اختصار، فقط به یک مورد ارجاع داخل متن، بسنده می نمایم.

2- اسب، در زمان نزول آیه، یکی از مهمترین ابزار های جنگی به شمار میرفت.

میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از این ها را، که شما نمی شناسید و خدا آن ها را می شناسد» (انفال/60)(1)، این کتاب آسمانی، تقویت و ساخت ابزارهای جنگی (زره) را در زمان حضرت داوود (علیه السلام)، یادآور می شود که حاکی از ضرورت تقویت بنیان های نظامی علیه مستکبران است (انبیاء/80)(2). در آیه دیگر، نرم شدن آهن در دستان این پیامبر الهی را از معجزات و کرامات ایشان معرفی می کند «... و آهن را برای او نرم کردیم» (سبا/10)(3).

حضرات معصومین علیه السلام، به این امر اهتمام داشتند. در ایام جنگ «حنین» به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر دادند که سلاح جدیدی در یمن اختراع شده است، حضرت، فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند (مکارم شیرازی، 1374 ج 7، ص: 224)، حضرت علی (علیه السلام) در خطبه 66 نهج البلاغه، روش های دفاع نظامی را به لشگریانش یاد می دهد.

2-5-3- قدرت نمایی در برابر دشمن (رزمایش نظامی)

خداوند متعال در آیه 123 سوره توبه(4)، دستور می دهد که قدرت و شوکت خود را به دشمن نشان دهید.

ص: 319

1- وَاعْبُدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَغْلُمُونَ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) اتفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می شود و به شما ستم نخواهد شد! (انفال/60).

2- وَاعْلَمْنَهُ صَدَقَ نِعْمَةُ لِبُؤْسٍ لَكُمْ لِتُحْصِيَهُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ سَّكِرُونَ؛ و ساختن زره را بخاطر شما به او تعلیم دادیم تا شما را در جنگهایتان حفظ کند آیا شکرگزار (این نعمتهای خدا) هستید؟ (انبیاء/80)

3- وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا حِجَالُ أَوْبَى مَعَهُ وَالطَّيْرُ وَالتَّنَّ لَهُ الْحَدِيدُ؛ و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم (ما به کوه ها و پرندگان گفتیم): ای کوه ها و ای پرندگان! با او هم آواز شوید و همراه او تسیح خدا گوید! و آهن را برای او نرم کردیم. (سبا/10).

4- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ اهل ایما! با کافرانی که هم جوا شما هستند، نبر کنید؛ نا باید شما سرسختی شد یابند؛ بداند که خدا با پرهیزکا است. (توبه/123).

رسول خدا صلی الله علیه و اله به مانور و قدرت نمایی سپاه، اهتمام خاصی می ورزیدند. پس از صلح حدیبیه که مسلمانان فرصت یافتند کعبه را زیارت کنند، پیامبر صلی الله علیه و اله به مسلمانانی که در اطراف کعبه طواف می کردند، فرمود: با سرعت و شدت گرداگرد کعبه بگردند تا بدین وسیله، آمادگی روحی و رزمی خود را به کافران نشان دهید. پیامبر در ماجرای فتح مکه، نیز دستور داد که مسلمانان، شبانگاه در بیابان آتش بیفزوند تا مردم مکه با عظمت ارتش اسلام آشنا شوند (واقعی، 1409، ج 2 ص 814).

و حضرت فرمان داد تا ابوسفیان، بزرگ مکه را در گوشه ای بحالت اسارت- نگه دارند و ارتش نیرومند اسلام در برابر او رژه برود (واقعی، 1409، ج 2، ص 818؛ ابن هشام، بیتا، ج 4 ص 862) همین نمایش قدرت، موجب شد که در دل کفار هراس افتاده، فکر هرگونه مقاومتی از ذهن آنان رخت بربندد؛ در نتیجه، مرکز کفر و شرک، صبحگاهان، بدون خون ریزی به تصرف سپاه اسلام درآمد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا، پیوسته از حمله به ایران، سخن می گفت، اما با مشاهده قدرت نظامی ایران، مخصوصاً موشک ها و پهباد های سپاه پاسداران، از این تصمیم اش، منصرف شده است.

بنابراین، برگزاری رزمایش های نظامی ضمن، آمادگی نیروهای خودی و تقویت روحیه آن ها، باعث ترس و وحشت دشمن می شود.

3-5-3- تأکید به مقابله به مثل (انتقام)

* تأکید به مقابله به مثل (انتقام) (1)

خداوند متعال به مسلمین دستور می دهد، از دشمن انتقام بگیرید و مقابله به مثل کنید. (بقره/194) (2) و در این راه کوتاه نیابید (نساء/104) (3).

ص: 320

1- جمهوری اسلامی ایران، در مقابل مستکبرین، به این دستور خدا، پیوسته عمل می کند. نمونه اش، موشکباران پایگاه آمریکا در عین الاسد به دلیل ترور سردار سلیمانی. خود این عمل، یعنی مقابله به مثل، جزو جنگ سخت است؛ اما تبلیغ و ترویج آن در جامعه، از مصادیق جنگ نرم، در حوزه مسایل نظامی بشمار می رود.

2- فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ؛ پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان گونه که بر شما تعدی کرده، بر او تعدی کنید (بقره/194).

3- وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ اِنْ تَكُونُوا تَالْمُؤْنِ فَاِنَّهُمْ يَتَالْمُؤْنِ كَمَا تَتَالْمُؤْنُ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا؛ و در تعقیب گروه [دشمنان] سستی نورزید. اگر شما درد می کشید، آنان [نیز] همان گونه که شما درد می کشید، درد می کشند و حال آنکه شما چیزهایی از خدا امید دارید که آنها امید ندارند و خدا همواره دانای سنجیده کار است (نساء/104).

در فرایند انتقام گیری، ضمن تهدید، دشمن را مدتی در حالت انتظار نگهدارید تا رعب و وحشت، او را فراگیرد (توبه/52؛ طه/135)(1).

تأکید به مقابله به مثل (انتقام) و گسترش این شعار در جامعه، ضمن تقویت روحیه مسلمین، در دل دشمن، رعب و وحشت می اندازد. این شیوه را قرآن کریم (سجده/22)(2) به مسلمین می آموزد.

4-5-3- مراقبت و محافظت از سران اسلامی (شخصیت های مهم)

در عصر نزول قرآن، دشمن طرح ترور (زندانی کردن، تبعید و کشتن) پیامبر اسلام را طراحی کرده بود (انفال/30) که با فداکاری حضرت علی (علیه السلام)، خنثی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تاکنون، یکی از ترندهای استکبار، از بین بردن مسئولین و سران توانمند است. انفجار حزب جمهوری اسلامی، ترور دانشمندان (هسته ای، پزشکی، نظامی، فرهنگی-سیاسی) نمونه آن است. خداوند متعال یادآور می شود که در برابر نقشه شوم دشمن، از رسولش، محافظت نمود (انفال/30)(3). همچنین در آیه 207 سوره بقره(4)، از

ص: 321

1- قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ؛ بگو: «آیا برای ما جز یکی از این دویکی را انتظار می برید؟ در حالی که ما انتظار می کشیم که خدا از جانب خود یا به دست ما عذابی به شما برساند. پس انتظار بکشید که ما هم با شما در انتظاریم.» (توبه/52). * قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى؛ بگو: همه (ما و شما) در انتظاریم! (ما در انتظار وعده پیروزی و شما در انتظار شکست ما!) حال که چنین است، انتظار بکشید! اما بزودی می دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم و چه کسی هدایت یافته است! (طه/135).

2- إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ؛ ما از مجرمان انتقام میگیریم (سجده/22).

3- وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرُجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرَ الْمَاكِرِينَ؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می کشیدند که تو را به زندان بيفکنند، یا به قتل برسانند و یا (از مکه) خارج سازند آنها چاره می اندیشیدند (و نقشه می کشیدند) و خداوند هم تدبیر می کرد و خدا بهترین چاره جویان و تدبیرکنندگان است! (انفال/30).

4- وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ؛ بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی (علیه السلام) در «لایله المیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر ص)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است (بقره/207).

محافظِ نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و اله یعنی حضرت علی علیه السلام نیز به بزرگی یاد کرده ایشان را از فداکاران می شمارند.

لذا جریان «لیله المیت»⁽¹⁾ الگویی مهم برای مسلمین است که از سران بلاد اسلامی (شخصیت های مهم) مراقبت نمایند، زیرا این مدیران و سران توانمند است که کشور را به اوج قله پیشرفت رسانده با مستکبرین مبارزه می کنند؛ به عبارت دیگر، سرمایه هر کشوری، در درجه اول، نیروی انسانی توانمند است بعد سایر منابع.

5-5-3- حفاظت از اسرار و اطلاعات

از آیات قرآن کریم (انفال/27؛ ممتحنه/13، 1؛ مجادله/58، 14؛ آل عمران/آیه 118؛ نساء/83) جاسوسی مستکبرین و منافقین، علیه مسلمانان به دست می آید یعنی این که برخی مسلمین، اسرار نظامی را در اختیار دشمن می گذاشتند؛ (مکارم شیرازی، 1371، ج 7 ص 131). در شان نزول آیات فوق، نام افرادی چون «ابولبابه انصاری»، «حاطب بن ابی بلتعہ» که به دشمنان اسلام اطلاعات می دادند و علیه مسلمین جاسوسی می نمودند ثبت شده است (اسدی، 1391، ج 9 صص 393-409). به همین خاطر، در متون اسلامی، به حفظ اسرار و اطلاعات تأکید شده است، زیرا با لو رفتن آن ها، مسلمانان شکست می خورند (آل عمران/118؛ انفال/27)⁽²⁾.

ص: 322

1- لَيْلَةُ الْمَيِّتِ، شبی که امام علی علیه السلام برای حفظ جان پیامبر لی الله عیه و اله در بستر ایشان خوابید. مشرکان قصد داشتند در این شب دسته جمعی به خانه پیامبر حمله کنند و او را به قتل برسانند. به درخواست پیامبر صل الله علیه و اله، امام علی علیه السلام در بستر ایشان خوابید و در نتیجه مشرکان متوجه عدم حضور پیامبر نشدند و رسول خدا صل الله علیه و اله توانست در آن شب به سمت یثرب هجرت کند.

2- يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا بِطَاغَةِ مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُوْنَكُمۡ حَبَالًا وَّ دُوًّا مَّا عٰنَتْكُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ وَا مَا تُخْفِيْ صُدُوْرُهُمْ اَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰیٰتِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُوْنَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هر گونه شرّ و فساد در باره شما، کوتاهی نمی کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده و آنچه در دلهایشان پنهان می دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راه های پیشگیری از شرّ آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید! (آل عمران/118). * يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَخُونُوْا اللّٰهَ وَ الرَّسُوْلَ وَ تَخُونُوْا اٰمَانَتِكُمْ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که میدانید (این کار، گناه بزرگی است!) (انفال/27).

امام صادق علیه السلام (1). طی حدیثی به ابوجعفر احول، از جاسوسی و افشای راز توسط عده ای از مسلمانان، به شدت گله کرده و آن را از قتل بدتر می داند: خدای عز و جل در قرآن گروه هائی را به جرم افشاگری سرزنش کرده، گفتیم: قربانت، کجا؟ فرمود: در این آیه: «چون امری (از اسرار جنگ) که باعث ایمنی یا ترس مسلمانان است پیش آید آن را افشا کنند» (نساء/83) (2). سپس فرمود: «آن که اسرار ما را فاش سازد چون کسی است که شمشیر به روی ما کشد، خدا بر آن بنده رحمت آورد که چون علم نهانی ما را بشنود زیر قدم های خود دفن کند».

لذا، یکی از شیوه های مبارزه با استکبار، عدم افشای راز و ندادن اطلاعات به دشمن است.

6-5-3- فراهم ساختن تجهیزات ضد جاسوسی

یکی از ضرورت های جامعه اسلامی، فراهم ساختن تجهیزات ضد جاسوسی است تا امنیت جامعه را تأمین نماید. خداوند در قرآن کریم، متعال، «شهاب سنگ» را یکی از ابزار آلات خود برای جلوگیری از جاسوسی شیطان و جن، معرفی می نماید (جن/8 و 9؛ حجر/18؛ صافات/10) (3).

ص: 323

1- قَالِ أَبُو جَعْفَرٍ قَالَ لِي الصَّادِقُ ع إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ عَيَّرَ أَقْوَامًا فِي الْقُرْآنِ بِالْإِذَاعَةِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيْنَ قَالَ قَالَ قَوْلُهُ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ [1] ثُمَّ قَالَ الْمُذِيعُ عَلَيْنَا سِرًّا كَالشَّاهِرِ بِسَيِّفِهِ عَلَيْنَا رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ بِمَكْنُونِ عَلِمْنَا فَذَفَنَهُ تَحْتَ قَدَمَيْهِ (ابن شعبه حرانی، 1404 ق. ص 370).

2- وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَ هُنْكَامِي كَ خَبْرِي أَزْ پِروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می سازند (نساء/83).

3- وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرًّا شَدِيدًا وَ شَهْبًا؛ وَ مَا آسَمَانِ رَا جَسْتَجُو كَرْدِيم وَ هَمَّه رَا پَر أَزْ مَحَافِظَانِ قَوِيَّ وَ تِیرَهای شِهَابِ یَافْتِیم! (جن/8). * وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا؛ وَ اَیْنَكِه مَا پِیش أَزْ اَیْنِ بَه اسْتِرَاقِ سَمْعِ دَر آسَمَانِهَا مِی نَشَسْتِیم؛ اَمَّا اَکْثَرُ هَر کَسِ بَخَوَاهد اسْتِرَاقِ سَمْعِ کَند، شِهَابِی رَا دَر کَمِینِ خُودِ مِی یَابَد! (جن/9). * إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ؛ مَگر اَن کَسِ کِه اسْتِرَاقِ سَمْعِ کَند (وَ دزدانِه گُوشِ فَرَا دَهد) کِه «شِهَابِ مِبین» اَو رَا تَعْقِیبِ مِی کَند (وَ مِی رَاند) (حجر/18). * إِلَّا مَنْ خَطَفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ؛ مَگر اَنها کِه دَر لَحْظِه اَی کُوتاهِ بَرای اسْتِرَاقِ سَمْعِ بَه آسَمَانِ نَزْدِیکِ شُوند، کِه «شِهَابِ ثاقِب» اَنها رَا تَعْقِیبِ مِی کَند! (صافات/10)

امروزه، آشنایی و تخصص در جنگ الکترونیکی و شیوه های مقابله با آن، از بایسته های هر کشوری است.

7-5-3- اشراف اطلاعاتی به دشمن

در غزوه حمراء الاسد، پیامبر اکرم حضرت علی علیه السلام را برای کسب اطلاعات از دشمن، مأمور نموده و خط و مشی ها را نیز اعلان فرمود: اگر دیدی که مشرکان سوار بر شتران، از اسبان کناره گرفته اند، معلوم می شود که به سوی مکه روانه اند (خطری برای ما ندارند)؛ ولی اگر سوار بر اسبان و برکنار از شتران بودند، بدان که عازم مدینه اند (برای ما خطرند) (طبرسی، 1372، ج 2 ص 887).

در جنگ احزاب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله حذیفه بن یمان را برای کسب خبر از اوضاع دشمن، روانه اردوگاه آنان می کرد (ابن کثیر، 1396، ج 3 صص 220-221).

8-5-3- تقویت روحیه و انگیزه مدافعان امنیت

دشمنان، از طریق نفوذی ها (منافقان) با انتشار اخبار و اطلاعات غلط، برای تضعیف روحیه لشکریان اسلام تلاش می کردند. نظیر شایعه شهادت نبی مکرم اسلام در جنگ احد (آل عمران/44)، قوی جلوه نمودن دشمن و ترساندن از آن (آل عمران/173؛ احزاب/13)، اظهار نظر و انتشار مطالب غیر تخصصی (نساء/83)، تخریب فرمانده کل قوا و متهم کردن ایشان به دروغ گویی (احزاب/12)؛ و غیره.

اما خداوند با شیوه های گوناگون، به تقویت روحیه و انگیزه مدافعان امنیت پرداخت از جمله:

ص: 324

قران مجید، با ارج نهادن به مقام مدافعان امنیت (رزندگان و مجاهدان راه خدا)، آنان را بر دیگران برتری داده (نساء/95)(1) وعده اجر عظیم و جایگاه بلند نزد خدا به آنان داده (توبه/20)(2)، مجاهدان را رستگاران راستین معرفی می کند (توبه/88)(3). طبق آیات قرآن کریم، شهیدان، نزد پروردگار، دارای درجات رفیع و مقام شامخی دارند (آل عمران / 169؛ نساء / 74...)(4).

9-5-3- تقویت روحیه و انگیزه خانواده مدافعان امنیت (شهدا و ایثارگران)

طبق آیه 157 سوره بقره(5)، خدای متعال، الطاف خاص خود را شامل حال خانواده شهدا و ایثارگران فرموده از این خانواده دلجویی کرده روحیه آنان را تقویت می نماید، چون با عنایت به سیاق آیه و آیه 154 بقره(6)، آنان، از مصادیق صابران اند که مورد امتحان الهی قرار می گیرند.

حضرات معصومین علیه السلام از جمله پیامبر گرامی اسلام و امام علی علیه السلام همواره از خانواده های شهدا و ایثارگران دلجویی کرده جویای احوال آنان و پیگیر مشکلاتشان بودند.

ص: 325

1- لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ (هرگز) افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [ترك کنندگان جهاد] برتری مهمی بخشیده و به هر يك از این دو گروه (به نسبت اعمال نیکشان)، خداوند وعده پاداش نیک داده و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است. (نساء/95).

2- الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است و آنها پیروز و رستگارانند (توبه/20).

3- لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جانهایشان جهاد کردند و همه نیکبختان برای آنهاست و آنها همان رستگارانند (توبه/88).

4- وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛ هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. (آل عمران / 169)؛ * فَلْيَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا؛ کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته اند، باید در راه خدا پیکار کنند! و آن کس که در راه خدا پیکار کند و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد (نساء/74).

5- أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ؛ اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده (بقره/157).

6- وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ، وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ؛ و به آنها که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگوئید! بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید! (بقره/154).

یکی از جریان های معروف که در منابع اشاره شده، کمک امام علی (علیه السلام) به خانواده شهیدی است که همسر شهید، زندگی را به سختی به دوش می کشد (ابن شهر آشوب مازندرانی، 1379، ج 2، ص: 116).

از این رو، تقویت روحیه و انگیزه خانواده مدافعان امنیت (شهدا و ایثارگران)، به شیوه های مقتضی، نقش اساسی در نیرو سازی و مقابله با دشمن دارد.

ص: 326

خصوصیت استکبار با اسلام از بعد اقتصادی، گستره زیادی دارد از جمله انحصارطلبی (نساء/53؛ اسراء/100)، تحریم اقتصادی (منافقون/7)، ترویج فساد اقتصادی (نساء/29؛ توبه/34)، عدم بازپرداخت اموال مسلمین (توقیف و مصادره اموال) (آل عمران/75)، ترغیب مسلمین به بخل ورزی (عدم همکاری اقتصادی با دولت اسلامی) (سوره نساء/37)، نابود کردن زیرساخت های اقتصادی (بقره/205) و غیره.

توجه به آموزه های اسلامی در حوزه اقتصاد، نظیر تکیه بر توانمندی های داخلی و...، نقش مهمی در خنثی سازی ترفندهای دشمن و تقویت اقتصاد جامعه اسلامی خواهد داشت. در این بخش، برخی راهکارها را به طور اجمال مرور می کنیم از جمله مبارزه با فساد اقتصادی، تقویت قدرت اقتصادی، تحریم اقتصادی متقابل، میانه روی در امور اقتصادی، توجه به اقتصاد مقاومتی و غیره.

1-6-3- مبارزه با فساد اقتصادی

در فصل دوم، اشاره شد که مصادیق فساد اقتصادی، خیلی گسترده است که در کتب فقهی در بخش هایی نظیر «مکاسب محرمة، بیع، معاملات و...» به جزییات آن پرداخته اند. اختلاس، ارتشاء، تدلیس، کم فروشی، گران فروشی و... از رایج ترین مصادیق های فساد اقتصادی است.

یکی از تعبیر جامع قرآنی درباره فساد اقتصادی «اکل به باطل» به معنی، تصرف در مال به دست آمده از راه نامشروع است. حرام خواری، از شیوه های سرانِ یهودی است که خداوند متعال، مسلمانان را از این کار باز می دارد (نساء/29؛ توبه/34). (1)

این کتاب آسمانی از «کم فروشی» به عنوان مصادیقِ بارز فساد مالی، نهی کرده مرتکبین را به آتش جهنم بشارت می دهد (هود/85؛ شعراء/183؛ اعراف/85؛ مطففین/1-3). (2) شدتِ مبارزه با این نوع فساد، در سیره امیر المومنین علی بن ابیطالب علیه السلام کاملاً مشهود است (شاهرودی، 1397). ایشان بر بازگرداندن اموال نامشروع به دست آمده در دوران خلفای پیشین پافشاری داشتند (3) حضرت، در خطبه سوم نهج البلاغه (4)، فساد اقتصادی خلفای پیشین را به شدت مورد انتقاد قرار می دهند. امام علی علیه السلام ضمن تبیین مفاهیم و تشریح اهمیت موضوع نظیر عدالت، ساده زیستی و...، به صورت اساسی و ساختاری با

ص: 329

1- * يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءٰمَنُوْا اِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ الْاَحْبَارِ وَ الرُّهْبَانِ لَيَاْكُلُوْنَ اَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروا می خورند (توبه/34). * يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءٰمَنُوْا لَا تَاْكُلُوْا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ اِلَّا اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ، ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید- مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد (نساء/29).

2- وَ يٰۤاَقُوْمُ اَوْفُوْا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيْزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَبْخَسُوْا النَّاسَ اَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ (هود/85). * وَ لَا تَبْخَسُوْا النَّاسَ اَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ؛ و حق مردم را کم نگذارید و در زمین تلاش برای فساد نکنید! (شعراء/183). * وَ اِلَىٰ مَدِيْنٍ اَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يٰۤاَقُوْمُ اعْبُدُوْا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاَوْفُوْا الْكَيْلَ وَ الْمِيْزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوْا النَّاسَ اَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَفْسِدُوْا فِي الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ؛ و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم) گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است بنا بر این، حق پیمانه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نکاهید! و در روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید! (85) (اعراف/85). * وَيَلِّ لِّلْمُطَفِّفِيْنَ؛ وای بر کم فروشان! وای بر کم فروشان! (مُطَفِّفِيْنَ/1). * الَّذِيْنَ اِذَا اكْتَالُوْا عَلَى النَّاسِ يَسَّوْفُوْنَ؛ آنان که وقتی برای خود پیمانه می کنند، حق خود را بطور کامل می گیرند (مُطَفِّفِيْنَ/2). * وَ اِذَا كَالُوْهُمْ اَوْ وَّزَنُوْهُمْ يَخْسِرُوْنَ؛ اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می گذارند (مُطَفِّفِيْنَ/3).

3- وَ اللّٰهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهٖ النِّسَاءَ وَ مِلْكَ بِهٖ الْاِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ؛ به خدا سوگند اگر آن املاک را بیابم در حالی که مهریه زنان شده یا با آن برده خریداری شده است، باز هم آنرا به بیت المال باز می گردانم. (شریف رضی، خطبه 15).

4- وَ قَامَ مَعَهُ بَنُوْٓ اَبِيْهِ يَخْصَمُوْنَ مَالَ اللّٰهِ خِصْمًا اَلْبَلِ نَبْتَةُ الرَّبِّيْعِ؛ و خاندان پدرش (بنی امیه که خاندان عثمان خلیفه سوم بودند) با او برخاستند و مانند شتری که علف های تازه بهار را با حرص و ولع می بلعد به چپاول بیت المال پرداختند (نهج البلاغه خطبه 3 معروف به شقشقیه).

فساد، مبارزه نمودند. نمونه هایی از برخورد قاطع حضرت با مفسدان اقتصادی، در نامه های 43، 41، 40، 20، 73 نهج البلاغه (1)، مشهود است.

2-6-3- تقویت قدرت اقتصادی

اشاره

همچنان که در فصل قبل گذشت، تحریم اقتصادی (منافقون/7)، عدم بازپرداخت اموال مسلمین (توقیف اموال مسلمین) (سوره آل عمران آیه 75) ترغیب مسلمین به بخل ورزی (سوره نساء آیه 37) و غیره از برنامه های دشمن، علیه مسلمین است که راه مقابله آن ها، قوی شدن در اقتصاد و غیره هست.

دین اسلام، به اقتصاد و تقویت آن، اهمیت می دهد، چون تضعیف آن به تضعیف ایمان، منجر می شود (2). در قرآن کریم (منافقون/7) (3) و روایات (4)، صریحاً، نبود امکانات مادی، از عوامل کفر و تعطیلی آموزه های اسلامی (5) معرفی شده است.

ص: 330

1- بَلَّغْنِي أَتَّكَّ جَرَدْتُ الْأَرْضَ فَأَخَذْتُ مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ وَأَكَلْتُ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ! فَارْفَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ! وَاعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَعْظَمُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ: باخبر شدم که زمین را از محصول خالی کرده ای و هر چه زیر پایت بود برگرفته ای و بیت المال را که در اختیار داشتی خورده ای! پس حسابات را نزد من فرست! و بدان که حساب کشیدن خدا از حساب کشیدن مردم سخت تر است (نهج البلاغه نامه 40)* وَ لَئِنْ كَانَ مَا بَلَّغْنِي عَنْكَ حَقًّا، لَجَمَلُ أَهْلِكَ وَ شِدْعُ نَعْلِكَ خَيْرٌ مِنْكَ، فَأَقْبِلْ إِلَيَّ حِينَ يَصِلُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا: اگر آنچه از تو برایم گزارش شده درست باشد، شتر خانواده تو و بند کفش تو از تو بهتر است، پس هنگامیکه نامه ام به دست می رسد به نزد من آی. (نهج البلاغه نامه 71) و...

2- فقر زمینه و بستر مناسبی برای پیدایش بسیاری از انحرافات است. بر اساس آموزه های دین مبین اسلام، فقر نه تنها بر کردار و رفتار افراد فقیر تأثیر منفی دارد، بلکه حتی بنیان های فکری و اعتقادی آنان را نیز مضطرب و لرزان می سازد؛ چراکه کسب درجات بالایی ایمان نیازمند شناخت قوی و خرد دینی است. کسب این امتیازات نیازمند فرصت ها، وسایل و امکاناتی است که در شرایط عادی، فقرا از داشتن این امکانات در حد مطلوب محرومند. هرچند این ارتباط مطلق نیست و اغنیا هم دچار انحراف از نوع دیگر می شوند، اما زمینه و بستر در شرایط فقر برای انحراف مساعدتر است (شفق، 1386).

3- هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا؛ أَنَّهُمْ كَسَانِي هَسْتَنْدَ كَه مِي گويند: «به افرادی که نزد رسول خدا هستند اتفاق نكنيد تا پراكنده شوند (از ايمانشان دست بردارند)»! (منافقون/7).

4- كَاذَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا؛ چه بسيار نزديك است كه فقر، كفر باشد (كليني، 1407، ج 2 ص. 307)

5- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَقْرَبُوا بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ فُلُوكَ الْخُبْرِ مَا صُمْنَا وَلَا صَلَّيْنَا وَلَا أَدِينَا فَرَايَضَ رَبَّنَا عَزَّ وَجَلَّ. خداوندا! نان را براي ما برکت بده و میان ما و آن جدایی ميفکن که اگر نان نباشد، ما نماز نمی خوانیم، روزه نمی گیریم و فرایض خود را به جا نمی آوریم. (كليني، 1407، ج 6 ص. 287)

امام علی علیه السلام در حکمت 319 نهج البلاغه⁽¹⁾، به سه پیامد مهم فقر مادی، یعنی نقصان دین، تضعیف عقل و بدبینی بین مردم، اشاره می کنند.

خداوند متعال به مسلمین، توصیه می کند که زیرساخت ها و قدرت اقتصادی خود را با تکیه بر توان داخلی تقویت کنید و شما هم دشمن را تحریم کنید و از پیامدهای این امر، نگران نباشید (توبه/28)⁽²⁾.

حضرات معصومین علیهم السلام⁽³⁾ تلاش برای امور اقتصادی را همانند جهاد در راه خدا می دانند.

بنابراین اسلام، به همه ابعاد اقتصاد (تولید، توزیع و مصرف) عنایت ویژه دارد که هرکدام را اجمالاً و گذرا مرور می نماییم:

الف - تولید (صنعت)

در معارف اسلامی، کار و فعالیت های تولیدی، جایگاهی بس ارجمند دارد؛ قرآن کریم در آیه های فراوانی یادآوری می کند که خداوند، منابع و امکانات تولید را در اختیار انسان ها قرار داده و با تأکید بر تصرف در عوامل تولید، آنان را به آباد کردن زمین و برطرف کردن نیازهای معیشتی خود، تشویق کرده است (هود/ 61؛ جاوید/ 12-13)⁽⁴⁾. مصداق بارز «ابتغاء

ص: 331

1- وَقَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَقْصَصَةٌ لِلدِّينِ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ؛ امام علیه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: فرزندم! از فقر بر تو می ترسم پس از آن به خدا پناه ببر، چراکه فقر، هم دین انسان را ناقص می کند و هم عقل را مشوش می سازد و هم مردم را به او و او را به مردم بدبین می کند. (نهج البلاغه، حکمت 319).

2- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسَاجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَ إِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! مشرکان ناپاکند پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می ترسید، خداوند هر گاه بخواهد، شما را به کرمش بی نیاز می سازد (و از راه دیگر جبران می کند) خداوند دانا و حکیم است (توبه/28). با استناد به این آیه شریفه، میتوان گفت که مسلمین باید بر تواناییهای اقتصادی داخلی خودشان، تکیه کنند.

3- قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ كَادَ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که برای امور خانواده خویش کوشش می کند تا از راه حلال معیشت آنان را تهیه کند پاداشی همچون مجاهد در راه خدا دارد (ابن بابویه، 1413 ج 3 ص 168). مضمون این روایت از دیگر معصومین (علیه السلام) نیز نقل شده است: از جمله امام رضا علیه السلام در تحف العقول، ص: 446، از امام صادق (علیه السلام) در کافی (ط - دار الحديث)، ج 9، ص: 567.

4- هُوَ أَشَأْكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت (هود/61). * اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ فِيهِ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتیها بفرمانش در آن حرکت کنند و بتوانند از فضل او بهره گیرید و شاید شکر نعمتهایش را بجا آورید (جاوید/ 12). * وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ او آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته در این نشانه های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می کنند (جاوید/ 13).

فضل» در این گونه آیه ها، «فعالیت های تولیدی» است. افزون بر این ها، آیه هایی که به «فراهم سازی زمینه تولید» (اعراف/10؛ حجر/20 و...) (1) اشاره دارند و نیز آیه هایی که به «مطلق تصرف» (ملک/15؛ بقره/168؛ انعام/141-142 و...) (2) یا «آمادگی همه جانبه» (انفال/60) (3) فرمان می دهند، نیز به گونه التزامی، بر مطلوبیت فعالیت های تولیدی دلالت دارند. روایت هایی که دیدگاه اسلام را در این باره مشخص کرده اند، نیز از تنوع و گستردگی ویژه ای برخوردارند: «ارزش گذاری معنوی فعالیت های تولیدی»، «تبیین ارزش مادی کار و فلسفه و آثار آن» و «تشویق عملی به کار و تولید در سیره معصومان»، بخشی از این آموزه هاست (ایروانی، 1384).

ص: 332

1- وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ؛ مَا تَسْلُطُ وَمَالِكِيَّتِ وَحُكُومَتِ بِرِزْمِينَ رَا بَرَايَ شَمَا قَرَار دَادِيم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم (اعراف/10). * وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيْشَ وَ مَن لَّسْتُ لَهٗ بِرَازِقِيْنَ؛ و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم همچنین برای کسانی که شما نمی توانید به آنها روزی دهید (حجر/20)

2- هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ؛ او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه های آن راه بروید و از روزیهای خداوند بخورید و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست (ملک/15). * يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا؛ ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید (بقره/168). * وَ هُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّيْتُونَ وَ الْأَكْثَلَ وَ الرُّمَانَ مُشَبَّهٍ وَ غَيْرُ مُشَبَّهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ اوست که باغهای معروش [باغهایی که درختانش روی داربست ها قرار دارد] و باغهای غیر معروش [باغهایی که نیاز به داربست ندارد] را آفرید همچنین نخل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند و (نیز) درخت زیتون و انار را، که از جهتی با هم شبیه و از جهتی تفاوت دارند (برگ و ساختمان ظاهریشان شبیه یکدیگر است، در حالی که طعم میوه آنها متفاوت می باشد). از میوه آن، به هنگامی که به ثمر می نشیند، بخورید! و حق آن را به هنگام درو، پیردازید! و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد (انعام/141). * وَ مِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَ فَرَشَاتٌ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ (او کسی است که) از چهارپایان، برای شما حیوانات باربر و حیوانات کوچک (برای منافع دیگر) آفرید از آنچه به شما روزی داده است، بخورید! و از گامهای شیطان پیروی ننمایید، که او دشمن آشکار شماست (انعام/142).

3- وَاعْبُدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) اتفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می شود و به شما ستم نخواهد شد (انفال/60)

همچنین، اسلام به تولید و عوامل آن شامل منابع طبیعی (ابراهیم، 32-34) (1)، کار و نیروی انسانی (کلینی، 1407، ج 3 ص 93 و جلد 5، ص 262) (2)، سرمایه (حمیری، 1413 ص 115) (3)، مدیریت (شریف رضی، 1414، نامه 53) (4)، عنایت خاصی دارد. همین طور به انواع تولید شامل، تولیدات طبیعی و کشاورزی (حکیمی، 1380، ج 5، ص 513) (5)، تولیدات خدماتی (شریف رضی، 1379، نامه 53) (6)، تولیدات صنعتی (مجلسی، 1403 ج 69، ص 46) (7)، سفارش کرده است.

ص: 333

1- اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ؛ خداوند همان کسی است که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان، آبی نازل کرد و با آن، میوه ها (ی مختلف) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد و کشتی ها را مسخر شما گردانید تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند و نهرها را (نیز) مسخر شما نمود (ابراهیم/32). * وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ؛ و خورشید و ماه را- که با برنامه منظمی در کارند- به تسخیر شما در آورد و شب و روز را (نیز) مسخر شما ساخت (ابراهیم/33). * وَ ءَاتَكُمْ مِّنْ كُلِّ مَآءٍ الثَّمْوَۃَ وَإِن تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ؛ و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد! انسان، ستمگر و ناسپاس است (ابراهیم/34)

2- قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ع مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ حِلٍّ لِيَعُوذَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: کسی که از پی روزی حلال برود تا خود و خانواده خود را منتفع سازد اجر او در پیشگاه الهی مانند اجر سربازی است که در راه خدا جهاد میکند (الکافی (ط - الإسلامية)، ج 5، ص: 94). * أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ الزَّارِعُونَ كُنُوزَ الْأَنْامِ يَزْرَعُونَ طَيِّبًا أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُ النَّاسِ مَقَامًا وَ أَقْرَبُهُمْ مَنْزِلَةً يُدْعَوْنَ الْمُبَارَكِينَ؛ امام صادق (ع): «کشاورزان گنجهای خلقند، چیزی پاکیزه می کارند و خداوند بزرگ آن را از زمین بر می آورد و آنان در روز قیامت بهترین مقام را دارند و در نزدیکترین منزلت قرار می گیرند، «مبارکان» (فرخندگان، برکت داران) خوانده می شوند (الکافی (ط - الإسلامية)، ج 5، ص: 262).

3- أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ؛ کسی که آب و خاک یعنی نیروی طبیعی در اختیار دارد و نیروی انسانی خود را برای بهره برداری بکار نمی بندد و با فقر و گدائی می گذراند نفرین و لعنت بر او باد. (قرب الإسناد (ط - الحديث)، النص، ص: 115).

4- ثُمَّ التُّجَّارَ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ فَاسْتَوْصِ وَأَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا، ... دیگر این که نیکی به بازرگانان و صنعتگران را بر خود پذیر و سفارش کردن به نیکویی در باره آنان را به عهده گیر (نهج البلاغه، نامه 53)

5- الإمام الصادق (ع): الكيمياء الاكبر، الزراعة؛ کیمیای بزرگ، زراعت است (الحياة / ترجمه احمد آرام، ج 5، ص: 513).

6- اعْلَمُ أَنَّ الرِّعْيَةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ وَلَا غِنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ...؛ و بدان که رعیت را صنفهاست که کار برخی جز به برخی دیگر راست نیاید و به برخی از برخی دیگر بی نیازی شاید (نهج البلاغه، نامه 53). در این نامه، امام علی (علیه السلام)، اقشار مختلف جامعه را که نیاز های متقابل داشته به مردم خدمات ارایه می کنند؛ مفصلاً می شماند.

7- «عَنِ الرَّضَا (علیه السلام) ... فَمَنْ أَحْسَنُ حَالًا مِنْكَ وَ بِيَدِكَ صِنَاعَةٌ لَا تَبِيعُهَا بِمِلْءِ الْأَرْضِ ذَهَبًا، امام رضا (علیه السلام) فرمود: حال چه کسی از تو بهتر است در حالی که تو صنعتی داری که با طلای پر روی زمین عوض نمی کنی» (مجلسی، 1403 ج 69، ص 46).

توزیع نابرابر ثروت و امکانات، از مهم ترین مشکلاتی است که اغلب جوامع بشری از آن رنج می برد. آموزه های اسلامی، به هدف برقراری عدالت اقتصادی و مقابله با فقر و زراندوزی (تکاثُر)، شیوه هایی را ارائه نموده است که یکی از آن ها «مقابله فرهنگی با خاستگاه ها و پی آمده ای فقر و تکاثُر در قالب ارائه اخلاق اقتصادی» است. تحقّق اخلاق اقتصادی و رفتارهای برخاسته از آن، بر یک سلسله اصول اعتقادی و زیرساخت های معرفتی جامعه اسلامی مبتنی است که مهم ترین این اصول سه مورد است:

1. اصل مالکیت خداوند و جانشینی و امانت دار بودن انسان.

2. اصل عدالت، نفی افراط و تفریط مالی (فقر و تکاثُر) و لزوم برخورداری «تمام مردم» از «همه امکانات» با پذیرش اختلافی معقول در سطح برخورداری.

3. اصل اخوّت که در عرصه اقتصادی، به شکل موسسات مالی و نیز ایثار مالی، به شدّت مورد تأکید است

توزیع، از عوامل مهم در اقتصاد است. این واژه گاهی به معنی عام (توزیع و تخصیص منابع خدادادی) و نیز به معنی خاص، توزیع کالا و خدمات (تجارت)، بین مردم استعمال می شود. منابع اسلامی، مخصوصاً فقه شیعی، با اهتمام بیشتر به این موضوع نگریده است. به نحوی که در علم فقه، کتاب مفصلی در خصوص تجارت و احکام آن، همچنین در رابطه با ارث، خمس و زکات و غیره نگارش یافته است (ایروانی، 1384).

انواع توزیع

اشاره

توزیع، با لحاظ موقعیت زمانی به سه عنوان زیر قابل تقسیم است:

1- توزیع قبل از تولید

توزیع منابع طبیعی (آب، جنگل ها، معادن، دریا و...) که در طبیعت به وجود می آیند و انسان با بهره برداری مستقیم و غیرمستقیم از آن ها کار تولیدی

می کنند. این بخش، به دو شکل قابل تصور است: گروهی از ثروت های طبیعی، ملک ولی امر مسلمین و یا تحت اختیار اوست که تصرف در آن ها بدون اجازه ایشان ممکن نیست. گروهی دیگر که مباحات عامه نام دارند؛ همگان با حيازت (در اختیار گرفتن) بر تملك و استفاده از آن مجازند مانند پرندگان، حیوانات وحشی، ثروت های دریا و... این گروه نیز تحت سرپرستی حاکم اسلامی است ایشان، بنا به مصلحت، می تواند تصرف در آن را منع یا مشروط به شروطی نماید (میر معزی، 1380).

2- توزیع بعد از تولید

یعنی، توزیع درآمدهای حاصل از تولید، بین اشخاص و عوامل.

3- توزیع مجدد

اشاره

* توزیع مجدد (1)

یعنی توزیع درآمد حاصل، توسط ثروتمندان بین نیازمندان. اسلام برای این نوع توزیع، سیاست ها (روش ها) ی تکلیفی (واجب) و تشویقی (مستحب) مشخص نموده است (میر معزی، 1380).

سیاست های تکلیفی (واجب) در توزیع مجدد:

سیاست های تکلیفی (واجب) در توزیع مجدد شامل، خمس (انفال/41) (2)، زکات (3)، کفارات مالی (4).

ص: 335

- 1- توزیع مجدد، ازدوراه انجام می گیرد، یکی از راه مبادلات و دیگری از راه مالیات و اتفاقات (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، 1372). ما در این بخش از کتاب، به تشریح اتفاق های واجب (خمس، زکات و کفاره) و اتفاق مستحبی صدقه و... اقدام نموده ایم.
- 2- «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی القربى و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی ایمان) [روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده اید و خداوند بر هر چیزی توانا است» (انفال/41). * «عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عْ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبَرَنِي عَنِ الْفَرَاضِيِّ النَّبِيِّ افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ مَا هِيَ فَقَالَ... إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ الْخُمْسُ وَ الزَّكَاةُ وَ حِجُّ الْبَيْتِ... فَمَنْ أَقَامَهُنَّ وَ سَدَّدَ وَ قَارَبَ وَ اجْتَنَّبَ كُلَّ مُنْكَرٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ، سلیمان بن خالد می گوید از امام صادق (علیه السلام) در خواست کردم تا آنچه که خداوند متعال بر بندگانش واجب کرده به من ارایه نماید، حضرت در جواب چنین فرمود: نماز خواندن، پرداخت خمس و زکات، حج و... هرکس آنها را خوب به جا بیاورد و از کار زشت دوری کند، به بهشت وارد می شود» (مجلسی، 1403 ج. 65 ص. 386).

3- «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ وَ نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و هر کار خیری را برای خود از پیش می فرستید، آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت خداوند به اعمال شما بیناست» (بقره/110). «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ، کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان است و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند (بقره، 277). قال علی (علیه السلام):... وَ إِنِّئَاءَ الزَّكَاةِ فَإِنَّهَا فَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ، ... و پرداخت زکات که آن فرمان واجب است» (نهج البلاغه، خطبه، 110).

4- کفارات مالی: جریمه های شرعی است که افراد متخلف از دستورات خاص الهی، مانند شکستن نذرو قسم، خوردن روزه ماه مبارک رمضان و... باید پرداخت نماید: «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمْ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَّةً يَوْمَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَ احْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ، خداوند شما را بخاطر سوگندهای بیهوده (و خالی از اراده)، مؤاخذه نمی کند ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم کرده اید، مؤاخذه می نماید. كفاره این گونه قسمها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که به خانواده خود می دهید یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر و یا آزاد کردن يك برده و کسی که هیچ کدام از اینها را نیابد، سه روز روزه می گیرد این، كفاره سوگندهای شماس است به هنگامی که سوگند یاد می کنید (و مخالفت می نمایید)؛ و سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید!) خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می کند، شاید شکر او را بجا آورید» (مائده، 89).

*سیاست های تشویقی (انفاق) در توزیع مجدد(1)

سیاست های تشویقی (انفاق) (2) در توزیع مجدد شامل، صدقه(3) قرض(4)، عاریه(5) (نساء/58؛ انفال/27). توزیع، در نظام اقتصادی اسلام، آسیب هایی دارد که مهم ترین آن ها عبارت اند

ص: 336

1- اسلام، مردم را به صرف کردن اموال در راه خدا به صورت داوطلبانه، (انفاق)، تشویق کرده است. مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ اللَّهُ يضاعف لمن يشاء وله واسع عليم * الذين ينفقون أموالهم في سبيل الله ثم لا يتبعون ما انفقوا منا ولا اذى لى اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنوا. کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق میکنند همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هرکس بخواهد (وشایستگی داشته باشد) دو یا چند برابر میکند و خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع و (به همه چیز) داناست * کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند سپس به دنبال اتفاقی که کرده اند منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند پاداش آنها نزد پروردگارشان محفوظ است و نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند (بقره 261-262)

2- يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمتهای پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده اید و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید (بقره/267).

3- « وَاَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تُقَدِّمُوا لَانْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ » و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و هرکار خیری را برای خود از پیش می فرستید آن را نزد خدا در سرای دیگر خواهید یافت خداوند به اعمال شما بیناست» (بقره / 110) « إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند اجرشان نزد پروردگارشان است و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین میشوند (بقره 277). قَالَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : . . . وَاِتَاءَ الزَّكَاةَ فَانْهَافُ فَرِيضَةٍ وَاجِبَةٍ . . . و پرداخت زکات که آن فرمان واجب است» (نهج البلاغه خطبه 110).

4- کفارات مالی : جریمه های شرعی است که افراد متخلف از دستورات خاص الهی مانند شکستن نذور قسم خوردن روزه ماه مبارک رمضان و .. باید پرداخت نماید : « لا- يواخذكم الله بِاللَّغْوِ فِي اِيْمَانِكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْاِيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ اطْعَامُ عَشْرَةِ مَساكينَ مِنْ اَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ اَهْلِيكُمْ اَوْ كَسْوَتَهُمْ اَوْ تَحْرِيرَ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ اَيامٍ ذلِكَ كَفَّارَةُ اِيْمَانِكُمْ اِذَا حَلَفْتُمْ وَ احْفَظُوا اِيْمَانَكُمْ كذلِكَ يبين الله لكم آياته لعلكم تشكرون . خداوند شما را بخاطر سوگندهای بیهوده و خالی از اراده مواخذه نمی کند ولی در برابر سوگندهایی که از روی اراده محکم کرده اید مواخذه می نماید كفارة این گونه قسم ها اطعام ده نفر مستمند از غذاهای معمولی است که به خانواده خود می دهید یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر و یا آزاد کردن یک برده و کسی که هیچ کدام از اینها را نیابد سه روز روزه بگیرد این كفارة سوگندهای شماست به هنگامی که سوگند یاد می کنید و مخالفت می نمایید و سوگندهای خود را حفظ کنید و نشکنید خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می کند شاید شکر او را بجا آورید» (مانده 89).

5- اسلام، مردم را به صرف کردن اموال در راه خدا به صورت داوطلبانه، (انفاق)، تشویق کرده است. مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ

اللّٰهُ كَمَثَلِ حَبَّةٍ اُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ اللّٰهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَلَهُ وَّاسِعٌ عَلِيمٌ * الَّذِينَ يَنْفِقُونَ اَمْوَالِهِمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا اَنْفَقُوا مَتًّا وَلَا اِذْ لِيَ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوا . کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق میکنند همانند بذری هستند که هفت خوشه برویانند که در هر خوشه یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هرکس بخواهد (وشایستگی داشته باشد) دو یا چند برابر میکند و خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع و (به همه چیز) داناست * کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند سپس به دنبال اتفاقی که کرده اند منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند پاداش آنها نزد پروردگارشان محفوظ است و نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند (بقره 261-262)

از: ربا(1) (بقره/278، 276-279) و احتکار(2) (شریف رضی، 1379، نامه 53) که باید از آن ها پرهیز نمود.

ج- مصرف

اشاره

مصرف، از مؤلفه های اساسی زندگی بشر است و جدا کردن انسان از آن، کاری ناممکن است. پیوند انسان با مسئله مصرف تا آنجاست که حتی در روزستاخیز نیز سخن از مصرف انسان است(3).

ص: 337

1- يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ؛ خداوند، ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد (بقره/276).
2- فَاَمْنَعُ مِنَ الْاِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنَعَ مِنْهُ وَلَيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينٍ عَدْلٍ وَأَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَكَلَّلْ بِهِ وَعَاقِبَةُ مَنْ غَيْرِ إِسْرَافٍ، پس بایدت از احتکار منع نمود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از آن منع فرمود؛ و باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد. با نرخهای - رایج بازار - نه به زیان فروشنده و نه خریدار؛ و آن که پس از منع تو دست به احتکار زند او را کیفر ده و عبرت دیگران گردان و در کیفر او اسراف مکن (نهج البلاغه، نامه 53).

3- عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ» قَالَ تُبَدَّلُ خُبْرَةً نَفِيَّةً يَأْكُلُ مِنْهَا النَّاسُ حَتَّى يَفْرُغُوا مِنَ الْحِسَابِ؛ فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ: إِنَّهُمْ لَفِي شِدَّةٍ يَوْمَئِذٍ مِنَ الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ ابْنَ آدَمَ أَجُوفًا وَلَا بَدَنَ لَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ. أَهْمُ أَشَدُّ شِدَّةً غَلًا يَوْمَئِذٍ أَمْ مَنْ فِي النَّارِ؟ فَقَدْ اسْتَغَاثُوا وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «وَأِنْ يَسْتَغِيثُوا يُعَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ» زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيَنَ گوید که از امام محمد باقر علیه السلام معنای این سخن خداوند را پرسیدم که فرمود: «روزی که زمین به زمینی دیگر مبدل شود» فرمود: به نان پاکیزه ای تبدیل می شود که مردمان از آن می خورند تا از حساب فارغ شوند، گوینده ای به او گفت: «مردمان در آن روز گرفتارند و به خوردن و نوشیدن نمی توانند بیندیشند!» امام علیه السلام فرمود: خداوند، فرزند آدم را میان تهی آفرید و ناگزیر باید بخورد و بیاشامد. آیا اهل محشر گرفتارترند یا کسانی که در دوزخ به سر می برند؟ اهل دوزخ نیز آب می طلبند و خدا درباره ایشان می فرماید: «اگر آب بطلبند، به آنان آبی داده خواهد شد مانند مس گداخته که چهره ها را می سوزاند و چه بد شرابی است.» (کلینی، 1407، ج 6، ص: 287).

از دیدگاه اسلام، چگونگی و مقدار مصرف، بر اساس معیارها و اصولی مشخص می گردد (ایروانی، 1384).

که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

اصل نیاز: تأمین نیازمندی های مادی و دستیابی به رفاه نسبی (به دور از اسراف و تجمل گرایی).

اصل تقدیر معیشت: یعنی تدبیر امور اقتصادی و انضباط مالی با توجه به سه محور «نیازها»، «تناسب درآمدها با هزینه ها» و «شرایط اقتصادی جامعه و عموم مردم».

اصل اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در مصرف که با دو معیار «نیاز» و «شرایط زمان» تعیین می گردد.

اصل توجه به اولویت ها در هزینه های مصرفی

اصل قناعت: یکی دیگر از اصول مصرف در نظام اقتصادی اسلام، اصل قناعت است، قناعت، به معنای راضی بودن و قانع بودن به حاصل سعی و تلاش و پرهیز از حسادت و رقابت و چشم و هم چشمی نسبت به مال و دارایی دیگران است. اجرای این اصل، به همت بلند نیاز دارد(1).

برخی از کارکردهای اصل قناعت، با استناد به روایات، عبارت اند از احساس رضایت و آرامش و دوری از غم(2)، بی نیازی(3) گواراترین زندگی(4)، سروری(5)، سرمایه پایان ناپذیر(6) و در مقابل، زندگی ای که از قناعت بهره ای نبرده است، آرامش و آسایش را از دست می دهد(7).

ص: 338

- 1- قال علی علیه السلام من شرف الهمة لزوم القناعة، پابندی به قناعت، از والایی همت است (تمیمی آمدی، 1366، ح 8999)
- 2- «قال علی علیه السلام: من اقتصر رَ على بُلغة الكفاف فقد انتظم الراحة وَ تَبَوَّأَ خَفَضَ الدَّعةِ، هر کس به مقدار کفایت، قناعت کند، آسایش می یابد و برای خویش زمینه گشایش فراهم می کند» (نهج البلاغه، حکمت 377)*.
- 3- قال الصادق علیه السلام إِنَّ صَاحِبَ الدِّينِ ... وَ قَنَعَ فَاسْتَبَغَ، آدم دین دار... چون قناعت می کند، بی نیاز است (مفید، 1413، ص 52).
- 4- «قال علی علیه السلام أَطْيَبُ الْعِيشِ الْقَنَاعَةُ، الْقَنَاعَةُ عَلامَةُ الْأَثَقِيَّةِ، خوش ترین زندگی، زندگی با قناعت است، قناعت، نشانه ی پارسایان است» (تمیمی آمدی، 1366، ص. 390-391).
- 5- قال علی علیه السلام كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا، قناعت برای رسیدن به سروری (پادشاهی) بس است (مجلسی، 1403 ج. 68، ص. 345).
- 6- قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفُ، قناعت، سرمایه پایان ناپذیر است (نهج البلاغه، حکمت 57).
- 7- قال الصادق علیه السلام حُرِّمَ الْحَرِيصُ خَصْلَتَيْنِ وَلَزِمَتْهُ خَصْلَتَانِ: حُرِّمَ الْقَنَاعَةُ فَافْتَقَدَ الرَّاحَةَ وَ حُرِّمَ الرِّضَا فَافْتَقَدَ الْيَقِينَ، حریص از دو

خصلت محروم شده و در نتیجه دو خصلت را با خود دارد: از قناعت محروم است و در نتیجه آسایش را از دست داده است، از راضی بودن محروم است و در نتیجه یقین را از دست داده است (مجلسی، 1403 ج.70، ص.161).

اصل رعایت حلال و حرام: دو اصل حلال و حرام، از اصول مهم فقه⁽¹⁾ و احکام اسلام و ناظر بر مجوز یا منع استفاده در اموری هستند که شرع اسلام نحوه تعامل با بسیاری از مسائل جاری را از این طریق صادر کرده است. مؤمن به آیین اسلام، در پرتو نظام کنترلی حلال و حرام، نحوه مصرف خود را تنظیم می کند. اسلام ضمن پذیرش و بیان اصل حیل، مبنی بر اینکه همه چیز حلال است مگر آنچه از این دایره خارج شده باشد، مواردی مانند شراب، گوشت خوک و... را که حرمت ذاتی دارند، به همراه استفاده بیش از حد موارد حلال، وارد حوزه حرمت می کند؛ مانند استفاده از آب بیشتر از حد نیاز، حتی برای امری عبادی همچون وضو. اسلام استفاده از اموال را نیز در حوزه مالکیت خصوصی، بدون اجازه مالک و در حوزه مالکیت عمومی (بیت المال) بدون اجازه ولی امر مسلمین حرام می داند و جایز نمی شمارد. یکی از معیارهای اسلامی مصرف که نمود عینی دارد، بحث حلال و حرام است؛ چنان که در قرآن کریم، خداوند درباره غنائم، آن مقداری را که حلال است، برای مصرف و بهره مندی مجاز شمرده و بیشتر از آن (تعیین و تقسیم

ص: 339

1- حلال و حرام یکی از گسترده ترین موضوعات فقه شیعی است که کتاب «المکاسب» شیخ انصاری (ره)، با پاورقی مرحوم کلانتر، (1410 ق.) که در 16 جلد به چاپ رسیده است از منابع مهم در این باره است.

غنائم از اختیارات رهبر اسلامی است) را منع (حرام) کرده است(1). خداوند چیزهای پاکیزه را حلال و ناپاکی ها را حرام می کند(2).

زهد و ساده زیستی (پرهیز از تجمل و مصرف گرایی)

زهد و ساده زیستی، یکی از ارزش های اخلاقی است که در فرایند مصرف، تأثیر به سزایی دارد؛ زیرا یکی از مهم ترین عواملی که بحران اقتصادی و... را دنبال دارد، تجمل گرایی و مصرف گرایی هست. در طول تاریخ قدرت های سلطه گر، برای دستیابی به اهداف شوم خود، تجمل گرایی(3) و مصرف گرایی را ترویج کرده اند. اسلام با ترویج فرهنگ زهد، جریان مصرف را تعدیل نموده از مصرف بی رویه جلوگیری می کند. زهد دارای دو جنبه روانی و عملی است.

جنبه روانی زهد، عدم دل بستگی به دنیا و مظاهر آن است(4). بعد عملی زهد، یعنی چشم پوشی از برخی مصارف و بهره مندی ها برای تأمین مصالح فردی و عمومی. نمونه بارز

ص: 340

1- فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا، از آنچه به غنیمت گرفته اید، حلال و پاکیزه بخورید و از خدا بپرهیزید خداوند آمرزنده و مهربان است (انفال/69).

2- يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثَاتِ، آنها را به معروف دستور می دهد و از منکر باز میدارد اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد و ناپاکیها را تحریم می کند (اعراف/157).

3- با کمال تأسف، این فرهنگ، در ایران اسلامی هرروز شدیدتر شده مشکلاتی را برای خانواده ها و دولت بوجود می آورد. آرامش روانی را از سر پرستان خانواده سلب کرده است؛ زیرا با گسیل کالای تجملی جدید، تحت فشار اطرافیان به ناچار باید، آن را تهیه نموده کالای قبلی را کنار گذارد.

4- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الزَّهْدُ قَصْرُ الْأَمَلِ وَالشُّكْرُ عَلَى النِّعَمِ وَالْوَرَعُ عَنِ الْمَحَارِمِ...، زهد کوتاه کردن آرزو است و شکر بر نعمتها و دوری و از گناهان و محرمات می باشد (دیلمی، 1376، ص. 77). عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ النَّخَعِيِّ الْقَاضِي قَالَ قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ مَا الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا فَقَالَ قَدْ حَدَّثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ»، حفص بن غیاص نخعی، می گوید از امام صادق علیه السلام از معنی زهد در دنیا پرسیدم، حضرت جواب داد: که خداوند در قرآن با این جمله «این بخاطر آن است که برای آنچه از دست داده اید تأسف نخورید و به آنچه به شما داده است دل بسته و شادمان نباشید» زهد را مشخص کرده است. (ابن بابویه، 1400، ص. 617).

آن رفتار امام صادق علیه السلام در زمان قحطی است که دستور داد، گندم های مطلوب موجود در منزلش را در بازار بفروشند یا با جو مخلوط نمایند(1).

آسیب شنایی مصرف

اشاره

فرایند مصرف، با آفت ها و آسیب هایی از قبیل، اتراف، اسراف و... روبه رو است که به اختصار به آن ها می پردازیم:

1- اتراف

اشاره

«اتراف» که به معنای برخورداری از نعمت فراوان و غرق شدن در شهوات و خوش گذرانی های توأم با غرور و طغیان (رفاه زدگی و مصرف گرایی افسارگسیخته) است از محدودیت های مصرف در اسلام و از وجوه تمایز این مکتب با مکتب سرمایه داری به شمار می رود. از دیدگاه قرآن کریم، پدیده اتراف، زمینه ساز تکذیب حق و مقابله با پیامبران و مصلحان اجتماعی فساد اخلاقی و رفتاری و نابودی فرهنگ ها و تمدن هاست. از این رو، شیوه هایی برای مقابله با آن ارائه کرده است: تقویت باورها و ارزش های اصیل، برقراری عدالت اجتماعی و دوری خواص از اتراف و رفاه زدگی و غیره (ایروانی، 1384).

چند ویژگی مترفین در قرآن

انکار توحید و معاد

قرآن کریم (اعراف/179؛ محمد/12)(2)، اسراف و مترفین را چهارپایانی می داند که فقط به فکر غرایز حیوانی اند. از استدلال آن ها که گفتند(3): «او مانند سایر مردم است چون مثل

ص: 341

1- حضرت، به کارگزارش دستور داد: «اشتر لنا شعیرا، فاخلطه بهذا الطعام أو بعه؛ فإنّا نکره أن نأکل جیدا و یا کل الناس ردینا، مقداری جو بخر و با این گندمها مخلوط کن، یا گندمها را بفروش، چه ما دوست نداریم که خود خوراک خوب بخوریم و دیگران خوراک بد» (حکیمی، 1380، ج 5 ص. 197).

2- أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛ آنها همچون چهارپایانند بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند) (اعراف/179). *وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ؛ کافران از متاع زودگذر دنیا بهره می گیرند و همچون چهارپایان می خورند (محمد/12).

3- وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِلقاءِ الْآخِرَةِ وَآتَرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ؛ ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند و دیدار آخرت را تکذیب می کردند و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: این بشری است مثل شما از آنچه می خورید می خورد و از آنچه می نوشید می نوشد! (پس چگونه می تواند پیامبر باشد؟! (مومنون/33).

انسان می خورد و می نوشد» معلوم می شود که برای انسان غیر از خوردن و نوشیدن که از خواص حیوانات است کمال و فضیلت دیگری سراغ نداشتند. تنها خوشبختی بشر را در این می دانستند که همانند حیوانات در بهره وری از انواع لذات آزاد باشد (طباطبایی، 1374، ج 15 ص 42).

تقلید کورکورانه از گذشتگان

مترفین جوامع به هنگام خطر افتادن اسباب عیش و نوش و خوش گذرانی خویش بدون توجه به منطق و براهین و حیانی پیامبران الهی از سنت های متحجر گذشتگان خود دم می زدند. (1)

ملاک قرار دادن ثروت

مترفین، به دلیل کثرت ثروتشان خود را مقرب درگاه خدا و مصون از عذاب، تلقی می کنند (2)!

ص: 342

-
- 1- وَكَذَٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ؛ و این گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر انداز کننده ای نفرستادیم مگر این که ثروتمندان مست و مغرور گفتند: ما پدران خود خود را بر آیینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می کنیم (زخرف/23).
- 2- وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ؛ و گفتند: «اموال و اولاد ما (از همه) بیشتر است (و این نشانه علاقه خدا به ماست!) و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!» (سبا/35).

ستمگران که اکثریت این جامعه ها را تشکیل می دادند به دنبال ناز و نعمت و عیش و نوش رفتند و آن چنان مست باده غرور و تنعم و لذات شدند که دست به انواع گناهان زدند. (1)

فسق

از خصوصیات دیگر مترفین، فسق یعنی از حد و حقوق حقّه خارج شدن است (2).

2- اسراف

اسراف (سرف) در لغت به معنی خروج از حد در هر کاری است (راغب اصفهانی، 1412 ق)؛ که مقابل آن اعتدال (3) است. در کاربردهای قرآنی و روایی اسراف، صرفاً اختصاص به امری خاص مانند امور اقتصادی ندارد بلکه این واژه به معنای هرگونه خروج از اعتدال و عدم میانه روی در مسائل بینشی، منشی و کنشی به کاررفته است. از این جهت گاه با واژه گناه و گاه با مسئله فساد و گاه زیاده روی در مجازات و غیره ارتباط مستقیمی پیدا می کند (4). اسراف در امور اقتصادی، معیارهایی دارد از جمله مصرف در راه معصیت، تضييع کالاها (5)، زیان بار بودن مصرف و استفاده فراتر از حد نیاز (6) و غیره.

ص: 343

1- وَ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَ كَانُوا مُجْرِمِينَ؛ و آنان که ستم می کردند، از تنعم و کامجویی پیروی کردند و گناهکار بودند (و نابود شدند)! (هود/116).

2- وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا؛ و هنگامی که بخواهیم، شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا، بیان می داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت درهم می کوبیم (اسراء/16).

3- وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا وَ كَسَانِيَّ كِه هِر گاه اتفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند (فرقان آیه 67).

4- «لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ* الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ وَ فرمان مسرفان را اطاعت نکنید* همانها که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند» (شعراء آیه 151 - 152). قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، بو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است (زمر، 53). «فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ كُتِبَتْ عَلَيْكَ كَذِبَةٌ أَوْ كَذِبَتَانِ إِنْ كَانَ مُسْرِفًا بِالذُّنُوبِ عَلَى نَفْسٍ، براو یک یا دو دروغ نوشته می شود، اگر با گنا، بر نفس خویش اسراف نماید» (علامه مجلسی، ج 65، ص 155). وَ عَاقِبَةُ مَنْ غَيَّرَ إِسْرَافًا، در کيفر او (محترک) اسراف (زیاده روی) مکن» (نهج البلاغه، نامه 53).

5- وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ نَظَرَ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى فَائِزَةٍ قَدْ رُمِيَ مِنْ دَارِهِ لَمْ يُسْتَقْصَ أَكْلُهَا فَغَضِبَ وَقَالَ: مَا هَذَا إِنْ كُنْتُمْ شَبِعْتُمْ فَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَمْ يَشَبِعُوا فَأَطْعَمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ، نقل شده است که امام صادق علیه السلام مشاهده کردند که سببی را نیم

خورده از خانه بیرون انداخته اند، خشمگین شدند و فرمودند: اگر شما سیر هستید، خیلی از مردم گرسنه اند خوب بود آن را به نیازمندش می دادید (مجلسی، ج 63، ص 433، ح 16).

6- رَوَى الْأَصَبْعُ بْنُ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لِلْمَسْرِفِ ثَلَاثُ عِلَالِمَاتٍ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَيَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَيَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ؛ اسراف کننده سه نشانه دارد: آنچه در شأنش نیست خریداری می کند، آنچه در شأنش نیست می پوشد و آنچه در شأنش نیست می خورد». (ابن بابویه، 1413 ج 3 ص 167). * عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَذْنَى مَا يَجِيءُ مِنْ حَدِّ الْإِسْرَافِ فَقَالَ ابْتَدَأْ لَكَ ثَوْبَ صَوْنِكَ وَاهْرَاقْ فَضْلَ إِنَانِكَ وَأَكْلُكَ التَّمَرِ وَرَمِيكَ النَّوَى هَاهُنَا وَهَاهُنَا. حضرت در پاسخ به سؤال از کم ترین حد اسراف فرمودند: کم ترین اندازه آن این است که لباس بیرون را لباس خانه و دم دستی قرار دهی و ته مانده ظرف را دور بریزی (کلینی 1407، ج 4، ص 56، ح 10)

در معارف اسلامی، به پیامدهای منفی اسراف نظیر فقر و هلاکت (1) اشاره شده است.

3-6-3- تحریم اقتصادی متقابل

طبق آیه 7 سوره منافقون، یکی از برنامه های دشمن علیه مسلمین، تحریم اقتصادی است تا به این وسیله آنان را از پای درآورده و از اسلام منصرف کنند.

در اسلام مقابله به مثل اقتصادی در تعامل با دیگران با رعایت عدالت مورد توجه بوده است؛ چنانچه یکی از دلایل تحت تعقیب قرار گرفتن کاروان تجارتی مکه در منطقه «ذفران» توسط پیامبر و سپاه اسلام همین امر بوده است و یکی از عواملی که پیامبر صلی الله علیه و اله را وادار به این کار نمود؛ این بود که کفار قریش همه اموال و دارایی مهاجران و پیروان اسلام را در مکه ضبط کرده بودند و به آن ها ستم روا داشته بودند. پیامبر صلی الله علیه و اله برای این که کفار قریش را وادار به عقب نشینی کند، آن ها را در تنگنای اقتصادی قرارداد و راه های مواصلاتی و خطوط تجارتی میان مکه و شام را با تهدید مواجه ساخت و کفار

ص: 344

1- قال الإمام علي عليه السلام: كثرة السرف يدمر، اسراف زیاد، ویرانگر است (حکیمی، 1380 ج. 3، ص. 133). قال أبو عبد الله عليه السلام إِنَّ السَّرْفَ يورِثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَصْدَ يورِثُ الْغِنَى، اسراف باعث فقر و میانه روی موجب بی نیازی می شود (کلینی 1407، ج 4، ص 53).

قریش را با چالش مواجه کرد. مسلمانان مهم ترین راه های تجاری میان مکه و شام را مورد تهدید قرار دادند و امنیت قریش را در آن راه ها سلب کردند. این امر، برای تجارت قریش که تنها راه معاش مکیان بود، پی آمدهای بسیار ناگواری داشت. با ناامن شدن راه تجاری مکه شام و تلاش مسلمانان برای محروم ساختن قریش در استفاده از آن راه، مکه در خطر محاصره اقتصادی قرار گرفت (شیت خطاب، 1378، ص 104؛ میرعلی، 1398: 147).

4-6-3- میانه روی در امور اقتصادی

طبق توصیه معصومین علیهم السلام⁽¹⁾، در فعالیت های اقتصادی نیز، مانند سایر امور زندگی، باید میانه روی را رعایت نمود.

5-6-3- توجه به اقتصاد مقاومتی⁽²⁾

دشمن که بر تحریم های فلج کننده (نابودکننده) پافشاری می کند (منافقون/7)، توکل به خداوند متعال و توجه به اقتصاد مقاومتی، با تکیه بر توان داخلی (توبه/28) مهم ترین راهکار قرآن کریم است.

ص: 345

1- وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا، هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن (و ترك انفاق و بخشش منما) و بیش از حدّ (نیز) دست خود را مگشای تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرو مانی (اسرا/29). * قال رسول الله صلى الله عليه وآله مَنْ اقْتَصَدَ اغْنَاهُ اللَّهُ وَمَنْ بَذَرَ أَفْقَرَهُ اللَّهُ وَمَنْ تَوَاضَعَ رَفَعَهُ اللَّهُ وَمَنْ تَجَبَّرَ قَصَمَهُ اللَّهُ؛ هر کس میانه روی کند، خداوند بی نیازش سازد و هر کس ریخت و پاش نماید، خداوند نادرش کند، هر کس فروتنی پیشه کند، خداوند بلندش نماید و هر کس بزرگی کند، خداوند خردش نماید. (ورام بن ابی فراس، 1410، ص 167). * قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع... جَوَزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْدًا وَيَشْرَبُوا قَصْدًا وَيَلْبَسُوا قَصْدًا وَيَنْكِحُوا قَصْدًا يَرْكَبُوا قَصْدًا وَيَعُودُوا بِمَا سِوَىٰ ذَلِكَ عَلَىٰ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَرْمُوا بِهِ شَعَثَهُمْ؛ و بر ایشان روا می دارد که از آن با میانه روی بخورند و با میانه روی بنوشند و با میانه روی بپوشند و با میانه روی زناشویی کنند و با میانه روی از مرکب استفاده کنند؛ و هر چه جز آن (مصرف اقتصادی) باشد، به فقرای مؤمنان دهند و به نابسامانی زندگی ایشان سامان بخشند (حر عاملی، 1409، ج 11 ص 500). * فَدَعِ الإسْرَافَ مُقْتَصِدًا، وَاذْكُرْ فِي الْيَوْمِ عَدَا، وَأَمْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدَرِ ضَرُورَتِكَ وَقَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ؛ اسراف را رها کن و میانه روی در پیش گیر و امروز به یاد فردا باش و از مال به اندازه ضرورت نگه دار و اضافی آن را برای روز نیازمندیت (قیامت) پیش فرست (نهج البلاغه، نامه 21).

2- تشریح خط و مشی و شیوه نامه کامل اقتصاد مقاومتی، از عهده این اثر بیرون است. فقط به کلید واژگان اشاره کردیم.

اقتصاد مقاومتی الگوی اقتصادی برخاسته از آموزه های اسلامی و واقعیات داخلی و بین المللی است که مهم ترین ویژگی آن مقاومت است. این الگو متناسب با وضعیت امروز و فردای نظام جمهوری اسلامی ایران است که با مبانی و سیاست های خاص خود، در همه شرایط در مقابل هجمه ها، مقاوم است و در راستای مجموعه اهداف و سیاست های نظام، ضمن شکست ناپذیری، حفظ امنیت و عدالت اقتصادی، دارای برنامه ای کلان، هماهنگ و بلندمدت است (جابری علی و جمالی، 1394).

همچنان که در صفحات پیشین، برخی آموزه های اقتصادی اسلام را مرور کردیم؛ توجه به تولید، توزیع صحیح و مصرف درست، از کلید واژگان اقتصاد مقاومتی بشمار می رود.

ص: 346

خلاصه بخش هشتم از فصل سوم

عوامل مؤثر در مقابله با جنگ نرم شامل: وجود رهبری صالح و یاورانی راستین، پناه بردن به قرآن، علم و بصیرت، شناسایی و معرفی سران فتنه، حضور فعال نخبگان و یاران جبهه حق در جامعه، حضور توده مردم (حامیان حق) در خارج از صحنه فتنه، حرکت محتاطانه و پرهیز از احساسات. اصول مقابله با فتنه (جنگ نرم) شامل خودباوری (اعتماد به نفس) همراه با ایمان، استمرار مبارزه، صبر و تقوا، استمرار کنترل اجتماعی (امربه معروف و نهی از منکر)، ترویج و تبلیغ قانون نفی سلطه (نفی سیل).

خلاصه بخش نهم از فصل سوم

روش های مبارزه جنگ نرم در بعد سیاسی شامل موارد ذیل است:

عدم اعتماد و تکیه بر دشمن، از دشمن انتظار یاری نداشته باشید (یاری نجوید)، عدم اعتماد به «صلح نامه ها و معاهدات» با دشمن، در مقابل پیمان شکنی دشمن، شما نیز پیمان را بشکنید، درخواست صلح و معاهدات خفت بار از سوی مسلمین به دشمن، ممنوع، تکیه بر نیروها و توان داخلی، مقاومت و مبارزه با پیمان شکنان، زیر بار سازش با دشمن نروید، وحدت و یکپارچگی داشته باشید، شناسایی منافقان و مبارزه با آنان، اطاعت از رهبری، حمایت از رهبری (شناخت توطئه ها و دفع آن از ولی امر)،

خلاصه بخش دهم از فصل سوم

برخی از مهم ترین شیوه های مقابله با جنگ نرم، در بعد اجتماعی از منظر معارف اسلامی، موارد ذیل را دربرمی گیرد: جلوگیری از شایعه، ارجاع خبر به آگاهان (اهل تشخیص)، تحقیق و بررسی اخبار و گزارش ها، پیروی از علم، تقویت روحیه استکبار ستیزی و شجاعت، نترسید از دشمن، از تجهیزات و امکانات مادی دشمن شگفت زده نشدن، ایمان به امدادهای غیبی و نصرت الهی: لشکریان الهی (نزول باد شدید (طوفان)، نزول باران، نزول فرشتگان) حفظ و صیانت در برابر دشمنان و حوادث ناگوار، اعطای آرامش و اطمینان قلبی، اندک نمایی، ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان، ترویج آزادگی و یکتاپرستی، تحقیر و شکستن شکوه ظاهری مستکبران، مبارزه با انواع فساد اجتماعی-اخلاقی، شناخت حق و حقیقت و نشر آن، تزریق امید به جامعه، مبارزه با مواد مخدر و مسکرات،

خلاصه بخش یازدهم از فصل سوم

برای تعمیق باورهای دینی و فرهنگی، شیوه های گوناگونی هست از جمله ترویج عقل گرایی (ژرف اندیشی) در جامعه، به کارگیری اصول، روش های صحیح تربیتی، به کارگیری مبلغان دینی توانمند، پرهیز از شبهات و پاسخگویی منطقی به آن ها، تعظیم شعائر الهی؛ و...

خلاصه بخش دوازدهم از فصل سوم

شیوه های نرم و نیمه نرم برای مقابله با استکبار در بعد نظامی موارد زیادی را دربر می گیرد از جمله تقویت توان دفاعی مسلمین، قدرت نمایی در برابر دشمن (رزمایش نظامی)، تأکید به مقابله به مثل (انتقام)، مراقبت و محافظت از سران اسلامی (شخصیت های مهم)، حفاظت از اسرار و اطلاعات، فراهم ساختن تجهیزات ضد جاسوسی،

اشرافِ اطلاعاتی به دشمن، تقویت روحیه و انگیزه مدافعان امنیت، تقویت روحیه و انگیزه خانواده مدافعان امنیت (شهدا و ایثارگران).

خلاصه فصل سیزدهم از فصل سوم

روش های مبارزه جنگ نرم در بعد اقتصادی شامل مبارزه با فساد اقتصادی، تقویت قدرت اقتصادی از طریق تولید (صنعت)، توزیع و مصرف درست، تحریم اقتصادی متقابل، توجه به اقتصاد مقاومتی.

ص: 349

اشاره

در یک نگاه کلی، دشمنان اسلام و مسلمین، در سه گروه (شیطان، کفار و منافقین)، طبقه بندی شده است:

1- شیطان

قرآن کریم، بارها به صراحت، دشمنی آشکار شیطان را یادآوری می نماید. این موجود، برای گمراه نمودن انسان، از شیوه های گوناگون بهره می جوید.

2- کافران

دومین گروه از دشمن مسلمین، کافران اند، کافران، بر اساس معیارهایی، به گروه های مختلف دسته بندی می شوند، از جمله کافر اهل کتاب (یهود، مسیح و...)، غیر اهل کتاب و مشرکان که دشمنان خارجی به حساب می آیند. از میان کافران اهل کتاب، قرآن، یهود را سرسخت ترین دشمن مسلمین معرفی می کند.

یهود، دارای باورهای غلط و ویژگی های عجیبی است که قرآن کریم به آن ها اشاره کرده است:

ص: 351

پاره ای از باورهای غلطِ یهود شامل شرك در تدبیر و ربوبیت (توبه/31)، نسبت فقر به خدا (آل عمران/181)، فرزند قرار دادن برای خدا (توبه/30)، ایمنی از عذاب سخت قیامت! (بقره/80؛ آل عمران/24)، اعتقاد به قدرت محدود خدا (دست بسته خدا) (مائده/64) و...

برخی ویژگی های شخصیتی قوم یهود، عبارت اند از حس گرایی (بقره/55)، برتری طلبی و نژادپرستی (مائده/18)، دنیاگرایی و علاقه شدید به جمع آوری ثروت (بقره/96)، سرکشی و نافرمانی از دستورات خدا و پیامبران (مائده/24)، سنگ دلی (قساوت قلب) (بقره/74)، نیرنگ بازی (حیله گری) (آل عمران/54). همین باورهای غلط و ویژگی های عجیب قوم یهود باعث رفتارهای غیرانسانی آنان علیه بشریت، مخصوصاً مسلمین - در طول تاریخ - شده است.

3- منافقان

منافق (سومین دسته از کفار) کسی است که کفر خویش را پنهان دارد و خلاف آن را آشکار سازد. این گروه در ردیف دشمنان داخلی و خطرناک ترین دشمن، به حساب می آیند؛ زیرا شناختشان بسیار دشوار است. لذا اسلام و مسلمین، از ناحیه منافقین، خیلی ضربه می خورد. این گروه از کفار، ویژگی هایی دارند که در گروه های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، عبادی و غیره دسته بندی می شود.

خصوصیات عبادی - اجتماعی منافقین شامل عبادت از روی ریا، ایستادن به نماز با حالت تبلی امر به منکر و نهی از معروف، کفر ورزیدن در پوشش ایمان، فساد در پوشش اصلاح و نیرنگ بازی و چند چهرگی، دارای قیافه حق به جانب اند و سعی دارند که مردم را تحت تأثیر قرار دهند، تضعیف باورهای دینی و شبهه افکنی، تحقیر و تمسخر مؤمنین و سوگند بسیار برای باوراندن حرف خود به مردم ویژگی های اخلاقی دو چهرگان شامل عدم اعتماد به نفس، ترس و بخل، لجاجت، پیروی از هوای نفس، توجیه گناه و... خصوصیات

ص: 352

سیاسی منافقین عبارت اند از دوستی با بیگانگان، فتنه انگیزی، فرصت طلبی، ایجاد جنگ روانی، نپذیرفتن حکومت دینی و مخالفت عملی با دستورات ولایت و...

خلاصه بخش دوم از فصل یکم (اصول و روش های جنگ نرم)

اشاره

جنگ نرم، گستره وسیعی دارد (فرهنگی، دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و...).

فتنه، مهم ترین معادل جنگ نرم در قرآن و حدیث است. در کتاب ارزشمند نهج البلاغه، از جمله خطبه های 93، 151، 101، 189-102 و...، امام علی (علیه السلام) مختصات و ویژگی های فتنه و فتنه گران را بیان نموده است از جمله غبار آلودگی و تاریکی فضای فکری جامعه، شروع (شکل گیری) پنهانی، آغازش ناشناخته، مجهز و با تشکیلات، فراگیری، پیچیدگی و غیره.

در کلام گهربار امام علی (علیه السلام) از جمله، خطبه 151 نهج البلاغه، تعدادی از آثار شوم فتنه، شمارش شده نظیر آثار تخریبی زشت و ماندگار، در هم کوبنده، شکننده و گمراه کننده، جدایی بین مردم و ولایت و امامت (رهبری)، خون ریزی (خون به ناحق)، قطع روابط خانوادگی، آوارگی، بیخانمانی و بیماری، تخریب پایه های دین و اصول و ارزش های دینی، درگیری مردم با یکدیگر (حق و باطل)، بزرگ ترین معضل برای مردم و مسئولین.

برخی اصول جنگ نرم عبارت اند از تدریج، استمرار، عوام پذیری و غیره.

ابراهیمی و همکاران (1386) موارد هفتگانه ذیل را به عنوان «اصول عملیات روانی» مربوط به ارتش ایالات متحده آمریکا نوشته اند: 1- تأثیرگذاری 2- دستیابی 3- کنترل متمرکز و اجرای غیرمتمرکز 4- سازمان نیروهای ویژه 5- جنبه روان شناختی 6- همگرایی 7- هم زمانی

ص: 353

1- تمرکز 2- انسجام استراتژیک 3- (هدف دار بودن و هماهنگی) 4- مدیریت متمرکز 5- اطلاعات و امکانات نسبی 6- حفاظت عملیات 7- زمان سنجی.

خاستگاه جنگ نرم، یک سری روزنه هایی (نقاط ضعف و خلأهایی) است که دشمن، از طریق آن ها وارد می شود. این روزنه ها به دو صورت حقیقی و ساختگی تبیین می گردد

مجموعه روش هایی که در تهدیدات نرم به کار گرفته می شود را می توان به سه روش «گفتاری، رفتاری و شبکه ای» تقسیم نمود.

خلاصه بخش سوم از فصل دوم (گستره جنگ نرم در بعد سیاسی)

جنگ نرم در حوزه مسائل سیاسی، گستره وسیعی دارد، از جمله پیمان شکنی (پیمان شکنی طوایف یهود بنی النضیر، بنی قینقاع، بنی غریظه) تفرقه افکنی و جلوگیری از همبستگی مسلمین (داخلی و خارجی)، سرکوب، (تهدید، توسل به خشونت و اذیت و تطمیع)، تضعیف و حذف رهبری (تهمت و افتراء، تهمت برتری جویی به پیامبر خدا، تهمت جنون و سبک مغزی، نسبت دادن (تهمت) ساحری و سحر زدگی به پیامبران الهی، دروغ گو خواندن رهبر، نسبت شاعری به رهبر، نسبت ناروای کاهنی به پیامبران، برچسب فسادگری به رهبر، برچسب گمراهی به رهبر دینی، معرفی رهبر دینی به عنوان سرچشمه بدبختی ها و ناکامی ها، تهمت ناتوانی و فریب کاری به رهبر، تحقیر و تمسخر رهبر، تهدید رهبر، انکار و ایجاد تردید نسبت به حقانیت رهبری، آزار رساندن به رهبر و پیروانش، نقشه قتل پیامبران، قتل رهبران الهی)، تشکیل جلسات مخفیانه (شبانه) برای کارشکنی در امور. فریب کاری،

خلاصه بخش چهارم از فصل دوم (گستره جنگ نرم در زمینه مسائل اجتماعی)

برخی از مهم ترین برنامه های دشمن در زمینه مسائل اجتماعی علیه موحدان و مسلمین عبارت اند از بردگی و بندگی انسان ها، وارونه جلوه کردن امور (آدرس غلط دادن).

- شایعه پراکنی، القای خوف و وحشت در دل مردم، مانع تراشی و بهانه گیری (فرار از مسئولیت)، دروغ گویی و دروغ پراکنی، تحریک عواطف مصلحان الهی، نفوذ در لایه های جامعه اسلامی (نفوذ به عامه مردم، نفوذ به ارکان نظام)، نفاق و نیرنگ، گسترش انواع فساد (فساد اخلاقی، فساد جنسی، فساد اداری، فساد اقتصادی و...)، تحقیر توده های مستضعف، آزار رساندن به پیامبر اکرم و مسلمانان، تمسخر انبیاء و پیروانشان،

خلاصه بخش پنجم از فصل دوم (گستره جنگ نرم در زمینه مسائل نظامی)

گستره جنگ نرم دشمن در حوزه نظامی عبارت اند از جنگ افروزی، طرح ترور پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله تحریک و تجهیز مخالفان اسلام، تهدید امنیت (ایجاد ناامنی و تهدید نظامی)، جاسوسی علیه مسلمانان، تلاش برای تضعیف روحیه لشکریان اسلام، تضعیف روحیه ایثارگران و خانواده شهدا.

خلاصه بخش ششم از فصل دوم (جنگ نرم فرهنگی)

گستره خصومت استکبار با اسلام از بعد فرهنگی شامل انکار رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله حقیقت گریزی و نژادپرستی، سعی در گمراه کردن مسلمانان و مردم با شیوه های گوناگون، تضعیف توحید (نسبت فقر دادن به خدا)، شبهه ارائه تورات در قرآن به گونه ای تحریف یافته! و منکر رسالت نبی مکرم اسلام، ترجیح بت پرستی بر خداپرستی جهت ایجاد تردید در مسلمین، ترویج خرافات، شبه افکنی، به بازی گرفتن اصل دین، کتمان بشارت پیامبر اسلام، دشمنی با جبرئیل علیه السلام تحریف آموزه های اسلامی،

خلاصه بخش هفتم از فصل دوم (جنگ نرم اقتصادی)

گستره خصومت استکبار با اسلام از بعد اقتصادی شامل انحصار طلبی، تحریم اقتصادی،

ترویج فساد اقتصادی، عدم بازپرداخت اموال مسلمین (توقیف و مصادره اموال)، ترغیب مسلمین به بخل ورزی (عدم همکاری اقتصادی با دولت اسلامی)، نابود کردن زیرساخت های اقتصادی.

خلاصه بخش هشتم از فصل سوم

عوامل مؤثر در مقابله با جنگ نرم شامل: وجود رهبری صالح و یاورانی راستین، پناه بردن به قرآن، علم و بصیرت، شناسایی و معرفی سران فتنه، حضور فعال نخبگان و یاران جبهه حق در جامعه، حضور توده مردم (حامیان حق) در خارج از صحنه فتنه، حرکت محتاطانه و پرهیز از احساسات. اصول مقابله با فتنه (جنگ نرم) شامل خودباوری (اعتماد به نفس) همراه با ایمان، استمرار مبارزه، صبر و تقوا، استمرار کنترل اجتماعی (امربه معروف و نهی از منکر)، ترویج و تبلیغ قانون نفی سلطه (نفی سیل).

خلاصه بخش نهم از فصل سوم

روش های مبارزه جنگ نرم در بعد سیاسی شامل موارد ذیل است:

عدم اعتماد و تکیه بر دشمن، از دشمن انتظار یاری نداشته باشید (یاری نجوید)، عدم اعتماد به «صلح نامه ها و معاهدات» با دشمن، در مقابل پیمان شکنی دشمن، شما نیز پیمان را بشکنید، درخواست صلح و معاهدات خفت بار از سوی مسلمین به دشمن، ممنوع، تکیه بر نیروها و توان داخلی، مقاومت و مبارزه با پیمان شکنان، زیر بار سازش با دشمن نروید، وحدت و یکپارچگی داشته باشید، شناسایی منافقان و مبارزه با آنان، اطاعت از رهبری، حمایت از رهبری (شناخت توطئه ها و دفع آن از ولی امر)،

خلاصه بخش دهم از فصل سوم

برخی از مهم ترین شیوه های مقابله با جنگ نرم، در بعد اجتماعی از منظر معارف اسلامی، موارد ذیل را دربرمی گیرد: جلوگیری از شایعه، ارجاع خبر به آگاهان (اهل تشخیص)، تحقیق و بررسی اخبار و گزارش ها، پیروی از علم، تقویت روحیه استکبارستیزی و شجاعت، نترسیدن از دشمن، از تجهیزات و امکانات مادی دشمن شگفت زده نشدن، ایمان به امدادهای غیبی و نصرت الهی: لشکریان الهی (نزول باد شدید (طوفان)، نزول باران، نزول فرشتگان) حفظ و صیانت در برابر دشمنان و حوادث ناگوار، اعطای آرامش و اطمینان قلبی، اندک نمایی، ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان، ترویج آزادگی و یکتاپرستی، تحقیر و شکستن شکوه ظاهری مستکبران، مبارزه با انواع فساد اجتماعی-اخلاقی، شناخت حق و حقیقت و نشر آن، تزریق امید به جامعه، مبارزه با مواد مخدر و مسکرات،

خلاصه بخش یازدهم

برای تعمیق باورهای دینی و فرهنگی، شیوه های گوناگونی هست از جمله ترویج عقل گرایی (ژرف اندیشی) در جامعه، به کارگیری اصول، روش های صحیح تربیتی، به کارگیری مبلغان دینی توانمند، پرهیز از شبهات و پاسخگویی منطقی به آن ها، تعظیم شعائر الهی؛ و...

خلاصه بخش دوازدهم

شیوه های نرم و نیمه نرم برای مقابله با استکبار در بعد نظامی موارد زیادی را دربر می گیرد از جمله تقویت توان دفاعی مسلمین، قدرت نمایی در برابر دشمن (رزمایش نظامی)، تأکید به مقابله به مثل (انتقام)، مراقبت و محافظت از سران اسلامی (شخصیت های مهم)، حفاظت از اسرار و اطلاعات، فراهم ساختن تجهیزات ضد جاسوسی، اشراف

اطلاعاتی به دشمن، تقویت روحیه و انگیزه مدافعان امنیت، تقویت روحیه و انگیزه خانواده مدافعان امنیت (شهادا و ایثارگران).

خلاصه فصل سیزدهم از فصل سوم

روش های مبارزه جنگ نرم در بعد اقتصادی شامل مبارزه با فساد اقتصادی، تقویت قدرت اقتصادی از طریق تولید (صنعت)، توزیع و مصرف درست، تحریم اقتصادی متقابل، توجه به اقتصاد مقاومتی.

ص: 358

1. قرآن کریم. ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی (1373)، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
2. قرآن کریم. ترجمه فولادوند محمد مهدی (1435 ق)، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
3. ابراهیمیان سید حسین، ربیعی زهره، محبوبه بسمل (1394). شیوه های نزول امداد غیبی بر مؤمنین از منظر آیات قرآن. فصلنامه مطالعات تفسیری، زمستان 1394 - شماره 24، از صفحه 157 تا 178.
4. ابراهیمی، منصور و همکاران (1386). جنگ نرم 4 (عملیات روانی و فریب استراتژیک). تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، چاپ نخست.
5. ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله 1404. شرح نهج البلاغه. / مصحح: ابراهيم، محمد ابوالفضل، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، الطبعة الاولى.
6. ابن اثير جزرى (1385 ق). الكامل في التاريخ. بيروت- دار الصادر.

7. ابن اثیر جزري، مبارك بن محمد. (1367 ش.) النهاية في غريب الحديث و الأثر. محقق / مصحح: طناحي، محمود محمد، قم: موسسه مطبوعاتي اسماعيليان، چاپ چهارم.
8. ابن ادریس، محمد بن احمد (1410). السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (والمستطرفات). محقق / مصحح: الموسوی، حسن - ابن احمد و ابن مسیح، ابو الحسن قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم چاپ دوم.
9. ابن بابويه، محمد بن علی، مشهور به شيخ صدوق (1362). الخصال. محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر قم: جامعه مدرسين، چاپ اول.
10. ابن بابويه، محمد بن علی، مشهور به شيخ صدوق (1385). علل الشرائع. قم: كتاب فروشی داوری، چاپ اول.
11. ابن بابويه، محمد بن علی، مشهور به شيخ صدوق (1413 ق). من لا يحضره الفقيه. محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
12. ابن بابويه، محمد بن علی، مشهور به شيخ صدوق (1400 ق). الأملی. بیروت: منشورات الاعلمی، الطبعة الخامسة.
13. ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (1422 ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. تحقیق: عبدالرزاق المهدي، بیروت: دار الكتاب العربي، الطبعة الاولى.
14. ابن سعد کاتب واقدي. (1418 ق). الطبقات الكبرى. بیروت - دار الكتب العلمية، چاپ دوم.
15. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (1379 ق). مناقب آل أبي طالب عليهم السلام. قم - علامه، چاپ اول.

16. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (1404ق). تحف العقول. محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

17. ابن کثیر دمشقی، عماد الدین اسماعیل (بی‌تا). البداية و النهاية. بیروت-دار الفکر

18. ابن کثیر، أبی الفداء اسماعیل (1396). السيرة النبوية. تحقیق مصطفی عبد الواحد، بیروت - لبنان: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع.

19. ابن هشام حمیری معافری (بی‌تا). السيرة النبوية. بیروت-دار المعرفة.

20. آخوندی، محمدباقر (1385). نگاه جامعه شناختی به قوم یهود در قرآن. مجله پژوهش های قرآنی بهار 1385 - شماره 45 از صفحه 162 تا 204.

21. آدامز سایمون (1391). اطلس تاریخ جهان برای دانش آموز. ترجمه مرجان نگهی. تهران: افق.

22. اربلی، علی بن عیسی (1381 ق). كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط-القدیمة). محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم. بنی هاشمی - تبریز، چاپ اول.

23. ایروانی، جواد. (1384). اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

24. اسدی، علی (1391). جاسوسی. دائرة المعارف قرآن کریم - جلد نهم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - مرکز فرهنگ و معارف قرآن، چاپ اول.

25. افتخاری، اصغر عبدی رمضانعلی (1393). گونه شناسی جنگ نرم در قرآن کریم. فصلنامه امنیت ملی، پاییز 1393، شماره 13 از صفحه 9 تا 38.

26. افتخاری، اصغر (گردآوری و ترجمه) (1387)؛ مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ص: 361

27. افروز، غلامعلی (1393). بررسی نقش رسانه ها در تربیت جوانان؛ طلایه داران فرهنگ؛ تعامل یا تقابل؟ سایت ویستا به نشانی <http://vista.ir>. تاریخ دسترسی 22 بهمن 1393.
28. آقاجانی قناد علی (1380). گرداب هلاکت (فتنه از دیدگاه امام علی علیه السلام). تهران: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.
29. امیری، ابوالفضل و همکاران (1392). الگوی مقابله با جنگ نرم آمریکا. فصلنامه پژوهش های حفاظتی و امنیتی، پاییز 1392 - شماره 7 علمی-پژوهشی - وابسته به دانشگاه امام حسین علیه السلام صص 105 تا 126.
- ایروانی، جواد. (1383). اخلاق
- اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث. فصلنامه الهیات و حقوق، زمستان 1383 - شماره 14، از صفحه 91 تا 1206.
31. باباجانی پور، زهرا (1392). راهبرد ایالات متحده آمریکا در سوریه از 2012 - 2011. فصلنامه مطالعات منطقه ای، بهار 1392، شماره 48، از صفحه 115 تا 140.
32. برقی، احمد بن محمد بن خالد (1371). المحاسن. قم: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم.
33. برهانیان، عبدالحسین (1378). استکبارستیزی در قرآن. فصلنامه پیام، پاییز 1387، شماره 91 از صفحه 101 تا 113.
34. بگلو، محمدجعفر (1395). 6 شاهد تاریخی از پیمان شکنی آمریکا در رابطه با انگلیس. پایگاه اطلاع رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی. تاریخ دست رسی 11/8/1395 تاریخ درج در وب سایت 22 تیر 1394. <http://irdc.ir/fa/content/x>.
35. بلاذری احمد بن یحیی (1417 ق). أنساب الأشراف. بیروت-دار الفکر-چاپ اول

36. بناری، علی همت (1387). امام علی (علیه السلام) و تربیت فرزندان. فصلنامه «فرهنگ کوثر» اسفند 1378 - شماره 36 - وابسته به آستانه مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها صص 4-6.
37. بیات، بهرام (1395). ابعاد خصومت یهودیان با اسلام در قرآن. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان. استاد راهنما: دکتر سید نادر محمد زاده. تاریخ دفاع، شهریور 1385.
38. بیگدلو، مهدی (1391). نقش قدرت نرم ج.ا. ایران در مقابله با جنگ نرم با تأکید بر دانشکده های علوم سیاسی. مطالعات انقلاب اسلامی، زمستان 1391 - سال نهم، شماره 31، از صفحه 125 تا 149.
39. بیگدلو، مهدی (1391). نقش قدرت نرم ج.ا. ایران در مقابله با جنگ نرم با تأکید بر دانشکده های علوم سیاسی. مطالعات انقلاب اسلامی، زمستان 1391 - سال نهم، شماره 31، از صفحه 125 تا 149.
40. پاینده، ابو القاسم (1382). نهج الفصاحة. تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم
41. پورحسن، ناصر (1396). مؤلفه های جنگ هیبریدی عربستان علیه جمهوری اسلامی. فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، زمستان 1396، سال هشتم - شماره 4.
42. تقی پور ابوالفضل، قاسم پور: افسانه مختصات فتنه در نهج البلاغه. فصلنامه پژوهش نامه علوی، بهار و تابستان 1395، سال هفتم - شماره 1 از صفحه 49 تا 60.
43. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (1366). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. محقق / مصحح: درایتی، مصطفی ایران؛ قم: دفتر تبلیغات، چاپ اول.

44. توسلی، غلام عباس، (1374). نظریه های جامعه شناسی. تهران، سمت، چاپ پنجم.

45. توسلی، غلام عباس (1379). عوامل اجتماعی تعلیم و تربیت. فصلنامه تعلیم و تربیت، وابسته به آموزش و پرورش، پاییز 1379 شماره 63، از صفحه 75 تا 106.

46. جابری علی، جمالی یعقوب (1394). اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اسلام مفهوم، اصول و سیاست ها. فصلنامه معرفت، شهریور 1394، شماره

213، از صفحه 91 تا 106.

47. جاودانی شاهدین، حمید (1382). درآمدی بر شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی و نحوه مقابله با آن. فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، تابستان 1382، شماره 35، از صفحه 85 تا 109.

48. جاودانی شاهدین، حمید (1382). درآمدی بر شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی و نحوه مقابله با آن. فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، تابستان 1382، شماره 35، از صفحه 85 تا 109.

49. جدید بناب علی (1385). تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چاپ دوم

50. جعفری، احمد (1385). شیوه های کافران در مبارزه با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم). فصل نامه فرهنگ کوثر، زمستان 1385 - شماره 68، 6 صص 70 تا 75.

51. جعفریان رسول (1392). تاریخ سیاسی اسلام. نشر دلیل ما.

جعفریان، رسول (1383). سیره

52. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. قم-دلیل ما، چاپ سوم

ص: 364

53. جواهری، محمد رفیق (1392). بصیرت در قرآن. فصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانى حقوق، تابستان 1392، شماره 26، از صفحه 31 تا 62.

54. جورج بال (1366). خطا و خیانت در لبنان. ترجمه حسین ابوتراییان، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول، 1366، ص 142.

55. جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام (1400). مصباح الشریعة (منسوب به جعفر بن محمد ع). بیروت - اعلمی، الطبعة الاولى.

56. حاجی صادقی عبدالله (1383). سیمای یهود در قرآن. قم: زمزم هدایت.

57. حر عاملی محمد بن حسن (1409 ق)، وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام. چاپ اول.

58. حسینی متین سید مهدی (1389). چشم انداز روابط ویژه آمریکا و بریتانیا: از اتحاد شانه به شانه تا بازیگران مستقل. تهران: فصلنامه سیاست خارجی، سال 24، شماره 1، بهار 1389، صص 59-88.

59. حسینی نیا، اقبال (1384). بررسی عوامل تأثیرگذار بر تربیت دینی. ماهنامه گنجینه، مهر 1384، شماره 54.

60. حکیمی، اخوان (محمدرضا، محمد و علی) (1380). الحیاء. (ترجمه احمد آرام)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ

مکرر.

61. حمیری، عبد الله بن جعفر (1413 ق).. قرب الإسناد (ط - الحديث). محقق / مصحح و ناشر، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام

چاپ اول.

62. خاری آرانی، مجید، رهنما اکبر مجید علی اکبر زاده آرانی زهرا (1394). بررسی مفهوم امید در قرآن و روایات و نقش آن در تربیت انسان. مجله پژوهشهای تعلیم و تربیت اسلامی، سال هفتم، شماره 3، پیاپی 11، بهار و تابستان.

ص: 365

63. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (1378). صحیفه امام. -مجموعه آثار امام خمینی (س) (بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی و نامه ها). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

64. خامنه ای، سید علی (1397). متن کامل سخنرانی ها در دیدار با اقشار مختلف ایران. تاریخ دست رسی، 17/01/1397 از طریق پایگاه <http://farsi.khamenei.ir>

65. خبرگزاری فارس (1395). فهرست اقدامات تروریستی 100 سال اخیر آمریکا در جهان +آمار به تفکیک سال. 13 آبان 1395 <http://www.deja.ir/index.php>

66. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (1372). درآمدی بر اقتصاد اسلامی. تهران: سمت، چاپ چهارم.

67. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (1412ق). إرشاد القلوب إلى الصواب. قم: الشریف الرضی، الطبعة الاولى.

68. ذوفقاری، شهاب الدین؛ جاوری محمد جواد (1391). افشای طرح های ایجاد فتنه در قرآن کریم. فصل نامه پژوهش های زبان شناختی قرآن. دوره 1، شماره 1 بهار و تابستان 1391 صفحه 23-48.

69. رابین رمزی (1387). چگونه انگلیس نوکر آمریکا شد؟ تهران: فصلنامه سیاحت غرب، شماره 60، تیرماه 1387، ص 63.

70. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412ق). مفردات الفاظ القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیة چاپ اول

71. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1369). مفردات ألفاظ القرآن. ترجمه و تحقیق، خسروی حسینی، غلامرضا ایران- تهران چاپ اول.

72. رائف، احمد (1370). خاطره سقوط اندلس. ترجمه محمدرضا انصاری، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.

73. رحیمیان نرگس (1393). بررسی فساد اقتصادی و راههای مبارزه با آن. ماهنامه مجله اقتصادی - شماره های 9 و 10، آذر و دی 1393، صفحات 103-116.

74. رسولی محلاتی سید هاشم (1392). درس هایی از تاریخ تحلیلی اسلام. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

75. رضایی، روح الله (1398) مقاله. مکر. سایت پژوهه، به نشانی <http://pajoohe.ir> تاریخ دست رسی، 2/4/98.

76. رضایی کرمانی، محمدعلی؛ اسماعیلی زاده، عباس؛ آجیلیان، محمد مهدی (1396). بررسی تفسیری «دهن» در آیه وَدُّوا لَوْ تَدْعُهُنَّ فَيُدْهِنُنَّ. فصلنامه مطالعات تفسیری، بهار - 1396 شماره 29 صص 7-18.

77. رودسری حسین (1378). پرتویی از خورشید (خاطراتی از دوران زندگی حضرت امام خمینی - ره - ویژه نوجوانان و جوانان) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

78. روزنامه جام جم (1394). «دوران روابط ویژه آمریکا و انگلیس به آخر رسید». روزنامه جام جم، شماره 4232، 24/1/94، ص 6.

79. زارعی نژاد غلامحسین (1390). استعمار فرانسه. ماهنامه درسهایی از مکتب اسلام، خرداد 1390 - شماره 601 از صفحه 53 تا 62.

80. زمانی محبوب حبیب (1393). راهبرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در برابر فتنه های یهودیان مدینه. فصل نامه معرفت، وابسته به مؤسسه آموزشی

پژوهشی امام خمینی سال بیست و سوم شماره 196 فروردین 1393، صص 39-50.

ص: 367

81. زمخشری محمود (1407 ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت- دار الکتاب العربی چاپ سوم.

82. سایت اندیشه سیاسی از مجموعه سایت های پرسمان دانشجویی (1397). روش های جنگ نرم. نشریه الکترونیکی پرسمان، شماره 149 ص 893 به نشانی: تاریخ دسترسی www.porseman.org/showarticle.aspx?i=27/2/1397.

83. سبجانی تبریزی، جعفر (1383). منشور جاوید قرآن. قم: موسسه امام صادق علیه السلام.

84. سایت خبری ریشه (1395). تمام خیانت های آمریکا در دنیا. کد خبر: 9358 تاریخ درج، 8 آبان 94. تاریخ دسترسی 11 آبان 95.
<http://rishe.ir/news/9358>

85. سعیدی رضوانی، محمود، (1379) و عذرا کیانی نژاد. توجه به برنامه درسی پنهان ضرورتی آشکار در تحقق اهداف ارزشی آموزش های دینی. فصل نامه پژوهشهای تربیت اسلامی، وابسته به وزارت آموزش و پرورش
پاییز 1379، شماره 3، صص. 37-62.

86. سیف، الله مراد و خجسته محمد (1392). ظرفیت ها و محدودیت های مدیریت بحران در صحنه ی جنگ نرم اقتصادی دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، پاییز 1392، شماره 60، از صفحه 5 تا 48.

87. شاهرودی سید محمد صادق (1397). مبارزه با فساد اقتصادی در سیره حکومتی امیر مومنان (علیه السلام). سایت اهل بیت، به نشانی <http://ahlalbeit.org/fa/article>، تاریخ دست رسی، 12/10/1398.

88. شرف الدین سید حسین (1389). استعمار و استقلال کشورهای اسلامی. ماهنامه معرفت، شماره 150، ص: 368

ص: 368

89. شریعتی نیا، محسن (1389). ایران هراسی، دلایل و پیامدها. فصل نامه بین المللی روابط خارجی، تابستان 1389 شماره 6، از صفحه 191 تا 208.

90. شریعتی، محمد رضا (1357). علل سقوط حکومت مسلمین در اسپانیا. ماهنامه «درسهایی از مکتب اسلام» فروردین 1357، سال هجدهم - شماره 1 (2 صفحه - از 44 تا 45).

91. شریف الرضی، محمد بن حسین (1379ش). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور، چاپ اول

92. شریف الرضی، محمد بن حسین (1414ق). نهج البلاغه. محقق / مصحح: صبحی صالح، قم: هجرت، چاپ اول.

93. شعیری، محمد بن محمد (بیتا). جامع الأخبار. نجف: مطبعة حیدریه، چاپ اول.

94. شفق غلامرضا (1386). ارتباط فقر با انحراف. ماهنامه معرفت، شماره 5، پیاپی 116 مرداد 86.

95. شهیدی، سید مهدی (1388). معنانشناسی واژه استکبار در قرآن کریم بر مبنای نظریه ایزوتسو. فصلنامه معرفت، آبان 1388.

96. شیت خطاب، محمود (1378). شیوه فرماندهی پیامبر. ترجمه عبدالحسین بینش، تهران: نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران-مرکز تحقیقات اسلامی

97. شیدائیان، حسین (1386). راهبردها و راه کارهای جهان اسلام در مقابله با استکبار جهانی از دیدگاه امام و رهبری. فصلنامه پیام، بهار 1386، شماره 82، از صفحه 74 تا 92.

98. صمدی، معصومه و رضایی منیره (1390). بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم

و تربیت اسلامی، پاییز 1390، دوره 19 دوره جدید، شماره 12، از صفحه 95 تا صفحه 117.

99. صیدی، علی اکبر (1396). علل عناد و ریزش در انقلاب از نگاه آموزه های اسلامی. مجموعه مقالات منتخب دهمین همایش بین المللی پژوهش های قرآنی، قم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. ص 135.

100. صیدی، علی اکبر (1400). روش های تامین امنیت نظامی در جمهوری اسلامی ایران براساس رهنمود های قرآنی. دو فصلنامه بیداری اسلامی، سال دهم، شماره نوزدهم، بهار 1400.

101. صیدی، علی اکبر و حسنی، حبیب الله (1391). بررسی نقش عوامل درون مدرسه ای مؤثر بر تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه استان زنجان در سال تحصیلی 90-1389. طرح پژوهشی مصوب گروه تحقیق و پژوهشی اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان. ناظران: دکتر ایرج ابراهیمی و سید صادق هاشمی.

102. ضیاء بخش، علی (1386). قاعده نفی سلطه. فصلنامه معرفت، تیر 1386 - شماره 115، از صفحه 39 تا 50.

103. ضیایی سید یاسر و محمدی مطلق: علیرضا (1394). ورود پهلادهای جاسوسی به قلمرو هوایی ایران از منظر حقوق بین الملل فصلنامه مطالعات راهبردی، بهار 1394، شماره 67 از صفحه - 43 تا 68.

104. طباره، عفیف عبدالفتاح، (1353). یهود از نظر قرآن. ترجمه علی منتظمی تهران، نشر بعثت.

105. طباطبایی سید محمد حسین (1374). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی ایران - قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.

ص: 370

106. طبرسی فضل بن حسن (1360). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ترجمه عده ای از مترجمان، تحقیق: رضا ستوده، تهران: فراهانی چاپ اول.
107. طبرسی فضل بن حسن (1372). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو. چاپ سوم 1373 ش.
108. طبرسی فضل بن حسن (1377). جوامع الجامع. مترجم: جمعی از مترجمان، مشهد-بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
109. طبرسی، فضل بن حسن (1390 ق). إعلام الوری بأعلام الهدی (ط- القدیمة). تهران-اسلامیه، چاپ سوم.
110. علی زاده، حسن (1381). فرهنگ خاص علوم سیاسی. تهران، روزبه، 1381.
111. عمید، حسن (1369). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیر کبیر، چاپ هفتم.
112. فتاحی، شهرام (1388). آمریکا و انقلاب های رنگی در اوراسیا. دو فصلنامه ایراس، سال چهارم، شماره چهارم، بهار و تابستان 1388، صص: 75-96.
113. فرقانی، قدرت الله (1383). استکبارستیزی در قرآن. قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران.
114. فرید، مرتضی (1373). الحدیث (روایات تربیتی از مکتب اهل بیت). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ هشتم.
115. قاسمی، مصطفی (1391). سیاست غرب در قبال لیبی در دوران قذافی. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، پاییز 1391، شماره 51، از صفحه 157 تا 182.
116. قرائتی، محسن (1388 ه. ش). تفسیر نور. ایران- تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ اول.

117. قرائی سلطان آبادی، احمد (1394). مستشرقان و مسئله تحریف. فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، بهار و تابستان 1394، شماره 18 از صفحه 107 تا 136.

118. قربانیان، رضا، (1372). اسلام و تعلیم و تربیت. قم، اسماعیلیان چاپ دوم.

119. قرشی بنابی، علی اکبر (1371). قاموس قرآن. ایران- تهران، دار الکتب الإسلامية چاپ ششم.

120. قمی شیخ عباس (1379). منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل. قم- دلیل ما چاپ اول.

121. کلینی، محمد بن یعقوب (1407). الکافی (ط- الإسلامية). محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.

122. کلینی، محمد بن یعقوب (1429). الکافی. قم: دار الحديث، چاپ اول

123. گروه اجتماعی (1379). اسرائیل و بردگی مدرن (گزارش). فصلنامه مطالعات فلسطین، تابستان 1379، شماره 4، از صفحه 162 تا 175.

124. گروه مطالعات بسیج (1388). رویارویی ایران - آمریکا: تحلیل گزینه های احتمالی. مجله مطالعات راهبردی بسیج تابستان 1388 شماره 43 از صفحه 117 تا 150.

125. لیشی واسطی، علی بن محمد (1376 ش). عیون الحکم و المواعظ. محقق / مصحح: حسنی بیرجندی، حسین، قم: دار الحديث چاپ اول.

126. مجلسی، محمدباقر (1403 ق) بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار إحياء التراث العربیه الطبعة الثانية.

127. محمودی، علی؛ رحمتی، سید رضا؛ نصیری، کوثر؛ جعفری آخا، مریم (1397). بررسی راهکار مبارزه با فساد اداری از دیدگاه اسلام. فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، تابستان 1397، دوره چهارم، شماره یک صص. 64-79.
128. مرادی: حجت اله (1395). ضرورت آگاه سازی عمومی از روش های جنگ نرم. فصلنامه مطالعات عملیات روانی، پاییز و زمستان 1395، شماره 45، از صفحه 5 تا 6.
129. مرکز اسناد انقلاب اسلامی - ویژه نامه «بدعهدی آمریکا» شماره دوم، شهریورماه 1395 صص 11-12.
130. مصباح یزدی، محمدتقی (1382). فلسفه اخلاق. تحقیق و نگارش: احمدحسین شریفی، تهران: امیر کبیر.
131. مصطفوی، حسن (1368). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ اول.
132. مصلی نژاد، عباس (1394). چندجانبه گرایی نامتوازن در سیاست گذاری تحریم اقتصادی ایران. فصلنامه سیاست، پاییز 1394، دوره چهل و پنجم - شماره 3، از صفحه 801 تا 824.
133. معارف، مجید فاخره فراهانی، مجتبی میرزایی (1395). نقش شایعه در جنگ از نگاه قرآن. فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی - وابسته به ناجا، تابستان 1395 - شماره 37، از صفحه 1 تا 19.
134. معارف، مجید (1392). تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی. تهران: کویر، چاپ سیزدهم.
135. مفید، محمد بن نعمان (1413 ق). الأُمالي. قم: کنگره شیخ مفید، چاپ: اول
136. مکارم شیرازی، ناصر (1374). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ اول.

137. مکارم شیرازی، ناصر (1382). برگزیده تفسیر نمونه. محقق: علی بابایی، احمد، دارالکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ:
138. مکارم شیرازی، ناصر (1385). اخلاق در قرآن. قم: امام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
139. ملکی، یداله؛ محمدامین مویدی بنان؛ المیاسه بیلاوی (1395). جنگ و نبردهای آمده در قرآن. فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، تابستان 1395 - شماره 5، از صفحه 29 تا 42.
140. مهدی زاده علی، میرحسینی فرشته (1396). ریشه های ایران هراسی از نگاه افکار عمومی جهان عرب. فصلنامه سیاست خارجی، تابستان 1396، سال سی و یکم - شماره 2، از صفحه 151 تا 182.
141. موسایی، میثم (1374). دین و فرهنگ توسعه. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
142. موسوی سید رضا، دولتی مجتبی (1395). شیوه های سیاسی - اجتماعی جنگ نرم در رهیافت قرآنی. فصلنامه مطالعات عملیات روانی، بهار و تابستان 1395 - شماره 44.
143. موسوی، سید صمد (1387). استکبار و شیوه های مبارزه با آن در قرآن. مجله مبلغان « آبان و آذر 1387 - شماره 109، از صفحه 31 تا 41.
144. میرعلی محمدعلی، عارفی محمدناصر (1398). جایگاه مقابله به مثل در سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر قرآن. فصلنامه حکومت اسلامی، تابستان 1398 - شماره 92 (از صفحه 135 تا 160).
145. میری معزی، سید حسین (1380). نظام اقتصادی اسلام - مبانی مکتبی. تهران. موسسه فرهنگی دانش و اندیشه ی معاصر.

146. نایینی علی محمد (1389). بررسی تطبیقی تهدیدهای سه گانه سخت، نیمه سخت و نرم. فصلنامه راهبرد دفاعی، پاییز 1389، دوره 8، شماره 30 از صفحه 157 تا صفحه 177.

147. نای جوزف اس (1387). قدرت نرم. مترجمان: محسن روحانی مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

148. نصر بن مزاحم، 1404 ق. وقعة صفین. محقق/ مصحح، هارون، عبدالسلام محمد، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، چاپ دوم،

149. نقره کار، عبدالحمید عبدالحمید، مهدی حمزه نژاد، محسن دهقانی تفتی (1389). بررسی تأثیر محیط طبیعی بر رفتار و اخلاق از دید متفکران اسلامی و نتایج آن در طراحی محیط مصنوع. فصلنامه «آرمانشهر»، شماره 5، پاییز و زمستان 89، صص 79-96.

150. نوری، حسین بن محمد تقی (1408 ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.

151. نیچه، فردریش (1373). فراسوی نیک و بد. ترجمه داریوش آشوری، تهران: خوارزمی.

152. هاشمی شاهرودی محمود و همکاران (1387). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. تحقیق و تألیف مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام؛ زیر نظر محمود هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، 1387.

153. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (1380). سیاست خارجی ایران در دوره ی پهلوی. تهران، نشر پیکان.

154. واقدی محمد بن عمر (1409 ق). المغازی. ناشر: لبنان- بیروت-اعلمی چاپ سوم.

155. وب سایت قسم (1396). 222 سال عمر شیطان بزرگ در جنگ و تجاوز و جنایت. تاریخ درج، 22/7/96، تاریخ دسترسی 26/9/96 به نشانی <http://karbala.ghasam.ir>

156. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (1410). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، قم: مکتبه فقیه، چاپ اول.

157. وزیری، علیرضا (1390). بررسی جنگ نرم استکبار جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران (1-2). مجله مبلغان، آبان و آذر 1390، شماره 146، از صفحه 134 تا 148؛ و مهر و آبان 1390 - شماره 145، از صفحه 100 تا 111.

158. یساقی، علی اصغر (1388). بازشناسی مفهوم فتنه از دیدگاه قرآن. فصلنامه فقه و تاریخ تمدن ملل اسلامی، بهار 1388 - شماره 19 از صفحه 169 تا 184.

159. گلی زواره قمشه ای، غلامرضا (1380). استناداران امیر مؤمنان (علیه السلام) در مصر (3) ناخواسته قیس بن سعد از حکمرانی مصر و وفاداری پایدار او به امام. ماهنامه: درسهایی از مکتب اسلام، دیماه 1380، سال 41 - شماره 10 (8 صفحه - از 53 تا 60).

160. نجاتی غلامرضا (1378). جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای 28 مرداد 1332. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، 1378، ص 107.

ص: 376

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگویم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

